آرشیو اسناد اپوزیسیون ایران تقدیم میکند

مدیر مسئول: میرزاده عشقی

سردبیر: عباس اسکندری

شماره های موجود:۱۳،۱٤،۱۵،۲۲،۱۱،۱۰،۹،۸،۷،۱۲،٦،۵،۳،۱

ناشر نسخه الکترونیک
Ketabnak.com

کتابخانه مرکزی
Central Library
Tehran University

شماره ۱ سال دوم ۳ شنبه ۲۸ جمادی الاول [illegible]

محل اداره ـ طهران ـ خیابان شاه آباد

عنوان تلگرافی قرن بیستم ـ نمره تلفون ۹۷
صاحب امتیاز میرزاده عشقی مدیر مسئول . عباس اسکندری

تعیین قیمت اعلان با دفتر اداره است

قرن بیستم

۲۵ [illegible] ۱۹ ژانویه [illegible] اول

تک شماره ۴ شاهی

قیمت اشتراک	یکساله	شش ماهه	سه ماهه
داخله	۸۰	۴۵	۲۵
خارجه	بعلاوه اجرت پست		

لوایح خصوصی درحکم اعلان تشخیص قیمت آن با دفتر اداره است

سیاست

سیاست توقیف شد !

چرا ؟

برای آنکه سیاست درمدت یکسال و نیم عمر نویسندگی خود مشی ثابت خود را تغییر نداد

برای آنکه سیاست در مقابل تمام تهدید وتخویف‌ها که میشد ازحقیقت گوئی صرف نظر ننمود .

برای آنکه هیچگونه وعد ووعیدی دراو اثر نکرده ترمیم خسارات کمک خرج روزنامه مساعدت های دیگر دیگ طمع اورا بجوش نیاورده ودست رد بسینهٔ همه گذاشت .

دوستان وعلاقه مندان باین نامه پاک که در دوره زندگانی یکسال ونیم او بجز چند سطر برجسته که برای اصول زندگانی وشارع بقای هرقوم لازم است ندیده و ابراز نظریات گوناگون مشاهده کرده که همه وقت دوری [illegible] است هم

گاهی بطور نصیحه

گاهی بطور ملامت

ازاین ثبات قدم اورا منع نموده

وبه تحذیر ازاین رجالهای سیاسی داده ووضعیات اسف آور محیط حاضر یادآور شده

عدم قدردانی جامعه را نسبت به اشخاص صمیمی و وطن پرست همه وقت گوشزد کرده وبادلائل متقن ثابت کردند که اگر احساساتی درمردم این سرزمین بود

این زالوهای ناهموار که پیکر ایران ستمدیده را چنین نزار نموده اند روز بروز قویتر نشده ولااقل ازصدنفر ولا اقل از یکی از آنها بمجازات رسیده برای دیگران درس عبرتی تهیه می نمود

بما گفتند محبس های نظمیه تهران که یادگار قرن هفدهم ممالک مغرب و باستیل ایران است برای شما بهترین فراموش خانه بوده ومحبس‌های نمره یک آن بزودی شما را ازحلیه بصر عاری خواهد ساخت

بما گفتند که قوام السلطنه زمامدار حاضر که در کابینه گذشته تشکیل کمیته (آهن شکن) داده و باعضویت کانل گری وسایر معروفین که شما درهفت ماه قبل گوشزد همه کرده اید ممکن است برای اعدام شما ورفقای معدود شما خود وسیله فراهم کرده و شما ها را در شبهای تار ازین زحمت ابدی فارغ سازند .

ما درتمام این مدت باشنیدن این نصایح این تهدیدها این وعده‌ها عزم ثابت خود را تغییر ندادیم

و با یک امید واری هر بار یادآوری کردیم که فتح وظفر باماست

آزادی نمیمیرد

حقیقت معدوم نمیشود

و برای تسلیت خاطر رفقا مخصوصا تکرار میکردیم که شیشه عمر این ابوالهولها و مخصوصا این غول قوی هیکل در دست ماست

زیرا که حقیقت بر خیانت غالب است

ما گفتیم رفقا نترسید محبسهای نظمیه هرچه تاریک باشد

هرچه فراموش خانه وطن پرستان شود

هرچه قدر شناسی درین جامعه نباشد

هرچه احساسات حقیقت پرستانه ازین دیار معدوم شود

باز وضعیت قرن هیجدهم فرانسه را پیدا نمیکند وعمر این بنای مهیب کهن تر ازقلعه ایف وباستیل نخواهد بود

احساسات مرده این مردم بدبخت هرچه خفته ومعدوم باشد بازبسختی مردمان پاریس نخواهد بود

و بالاخره بدانید که فشار عامه را حاضر برای دادن قربانیها و خراب کردن این لانه های بربریت خواهد کرد

ما دلداری که برفقای خود میدادیم فقط برای دلخوش کردن خود و دوستان نبود

بلکه نور حقیقت بما از عالم آتیه نزدیک خبر میداد

هاتف غیب بما میگوید بنویس ، بگو نترس

تو فاتح خواهی بود

تمام ارواح شهدای آزادی

تمام طرفداران کلمات حقه

تمام بزرگان نوع بشر بانو مساعدت خواهند کرد

واگر تو با این جسم ناچیز خود نماندی که روز و انتقام را به بینی

در آتیه نزدیک روح پاک وبی آلایش تو این قضایا را رؤیت خواهد نمود .

ما برفقای خودمان می گفتیم دلیر باشید و نترسید

کسی بما نمی تواند فایق آید

ما فریاد می کنیم و دادرس می طلبیم

ما حرف غیر منطقی نمی زنیم

ما محکمه میخواهیم

ما عدالت میجوئیم

ما می گوئیم یک نفر دزد و جنایت کار نمی تواند در راس مؤسسات این محیط قرار بگیرد .

ما می گوئیم که اسنادی که ارائه داده‌ایم و خیانتهائی که به بیت المال این مملکت فقیر از طرف قوام السلطنه و برادر او باین سرزمین بدبخت وارد آمده محکمه رسیدگی کنید .

و گفتیم تاوقتیکه زنده هستیم و قلم در دست داریم از تکرار و تذکار این حقایق دست بردار نخواهیم بود

ما مرگ را حقیر شمردیم

زیرا که در قرن بیستم حکومت وطن فروش و عناصر طماع خیانت کار را نمی توانیم به بینیم که آزادانه زندگانی نموده و در ازای خیانات خود تاج های افتخار مصنوعی بر سرداشته مقام های عالیه این مملکت را اشغال کرده اند

ما این زندگانی را ننگ دانسته و قابل دوام نمیدانیم

یا حقیقت و درستی

یاقوام السلطنه و کمپانی

ماتا کنون باتمام صدمات وارده بجز حقیقت ننوشته

از دائره نزاکت قدم بیرون ننهادیم

ما از شخص اول مملکت تقاضای تشکیل محکمه کردیم

ما ازمقام صلاحیت دار درخواست نمودیم که باین وضعیات اسفناک خاتمه داده شود ما بمجلس مراجعه کردیم وفریادزدیم قرن بیستم دنیا بما اجازه دوام حکومت کیف ما بشائی نمیدهد .

ما مجلسیان را بقسمی که بحفظ قانون اساسی خورده بودند یادآور شدیم

ماگفتیم سیاست بریطانیای کبیر می خواهد که سیاست خارجی ما با عثمانی و روس تیره باشد باین جهت وسیله قطع مذاکرات باروس را فراهم آورده

متجاوز ازشش ملیون پوط برنج در رشت درشرف خراب شدن است

در بازار های طهران یکدینار پول یافت نمیشود

باوجود این اجازه خروج مسکوکات را حکومت حاضر ببانک شاهنشاهی میدهید و برای ضربه بروابط ودادیه ایران و ملت ترک .

قوام السلطنه روشنی یک معروف که از ملیون ترک است یکباره فرمان توقیف او را صادر نموده بحبس نمره یک نظمیه می فرستد وسه روز تمام بایک وضع اسفناک بدی باو معامله میشود این عملیات حاکی است که تعلیم دهنده پشت پرده میل ندارد که ماها وقتیکه وضعیات دوار وپاحل نشده و در یکی از این کنفرانسها سیاست آنها روشن نشود ما روابطی داشته باشیم که از آن استفاده کنیم .

ما بسیاست بریطانیای کبیر حمله نمی کنیم .

زیرا که وظیفه یکنفر از نژاد انگلو ساکسن حفظ منافع مستعمرات انگلستان است تاچه رسد بدولت انگلیس و سیاست پابرجای ثابت او ولی ما می توانیم فریاد کنیم که مملکت رو به نیستی قدم برمیدارد .

ما می توانیم بگوئیم مردم این روش و سیرهٔ حکومت حاضر بضرر ایران تمام می شود .

ما می توانیم بگوئیم این مداح های این شخص همان کسانی هستند که دیروز مدح وثوق الدوله را نموده و از قرار داد او تمجید می کردند وبعد گفتند فریب خورده بودیم و امروز هم این گربه های متملق مشغول همهمه هستند و تیر های تهمت را بسمت ما پرتاب میکنند بامید اینکه فردای رسیدگی

وباز پرس بازاستخبار نموده وبیک کلمه فریب خوردیم ملت از آنها گذشت خواهد نمود

ما خیانتهای قوام السلطنه را یک یک شمرده ایم معایب عملیات او را که چه مضراتی برجامعه تحمیل خواهد نمود کاملا شرح داده ایم

از تهدید و توقیف حبس و اعدام هم نمیترسیم ولی بداند قوام السلطنه و کمپانی او اگر درروز اقتدار ملت

در روز بازپرس بزرگ که مادرآتیه نزدیک وصول اورا آرزومندیم زنده بودیم

از کمینه نرور قوام السلطنه جان بدر بردیم باو و رفقای او ابقا نخواهیم کرد .

وافتخار داریم که موجد اعدام تخم خیانت دراین مملکت بوده ایم

اگر وضعیات امروز اجازه تشکیل محکمه ورسیدگی را نمیدهد

اگر در این سرزمین دزدان و راه زنان چهره حقیقت را نقاب انداخته اند آنروز تشکیل محکمه

آنروز بازپرس بزرگ شماها اگر درخارج از حدود ایران هم باشید بسزای خود خواهید رسید شماها مقصرین سیاسی نخواهید بود که ممالک دیگر بشما حق پناه دادن داشته وشمارا ازمجازات محفوظ دارند .

شماها که هنوز تبرئهٔ ازخود نکرده اید وبافحش وقدرت ومشت میخواهید حقیقت را پایمال کنید بموجب قوانین دنیا درهر نقطه باشید جلب بمحکمه خواهید شد شمارا بجرم اختلاس باین سرزمین برخواهند گردانید وهیچ قانونی در دنیا ممانعت نخواهد کرد

پس آقای قوام السلطنه زود تر از آنکه ما شمارا بسزای خیانت دوروز روشن درمعبر عمومی برسانیم شما و چنانچه ما

اعلان

لزوما باطلاع عموم میرساند .

اهالی اطراف شهر میتوانند با اطمینان اینکه در آتیه حاصل اشجار تماما بانها تعلق خواهد داشت

در معابر درختکاری نمایند

نمره ۴۵ بلدیه طهران

متینگ

نظر بوضعیات اسف آور حکومت حاضر روز ۵ شنبه ۲ ساعت ظهر درپارلمان متینگی داده خواهد شد

میدانیم کمیته ترور شما خوب است نسبت بما ورفقای ما عملیات خودرا بموقع اجرا گذارند .

ما نمی ترسیم

ما مرگ را حقیر میشمریم

ما میل داریم که در راه ادای وظیفه کشته شویم بشهادت برسیم

این منتهای آمال ما ورفقای ما خواهد بود .

ما نخواهیم مرد . ثبت است در جریده عالم دوام ما

طوفان

موازنه سیاست

در اطراف توقیف طوفان

اوضاع جغرافیائی و موقعیت ایران روزگاری است که متفکرین و علاقه مندان باین آب وخاک را بحفظ موازنه سیاسی بین دوهمسایه شمالی وجنوبی متوجه نموده وکشمکش این دو رقیب مقتدر در جریان اقتصادی وسیاسی وطن ما پیوسته نشان داده است که زمامداران باعاطفه و اولیای وطن پرست ایران بایستی برای تعادل وموازنه پلتیک داخلی یابرای مصونیت ملت ایران از اغتشاش وهرج ومرج های خانه خراب کن هرگز تمایل و سنگینی خود رابیکی از این دوهمسایه معطوف ننموده و علاقه مندی کامل بنفوذهیچیک از این دوهمسایه نشان ندهند

همیشه خبط وخطای صدر اعظم های قبل از مشروطیت و وزرای ادوار تقنینیه در سیاست مملکت و عدم موفقیت آنها برای اصلاحات داخلی بواسطه عدم مراعات این اصل کلی بوده است که بالاخره بخیانت های اجتماعی منجر گردیده

قبل از انقلاب اکتبر روسیه نایب السلطنه ها وسر جنبانان مملکت ما تمایل خودرا بمثال وجنوب بامنافع شخصی تطبیق نموده و مانند دلالی دست فروش مصالح ایران رابین این دو مشتری بمعرض بیع میگذاردند ولی بعد از جنگ خانمانسوز بین المللی و واژگونی رژیم تزار درروسیه گذشته از بعضی رئیس الوزرا ها که حیثیات وطن خودرا بهیچ قیمتی نمیفروختند اغلب زمامداران ما از روی منافع سرمایه داری یکسر خودرا تسلیم دولت کاپیتالیزم بریطانیای کبیر نمودند

در پنجسال قبل وثوق الدوله منافع ملت و مصالح دولت ایران را قربانی و فدای این منطق نمود وامروز نیز برادر او قوام السلطنه میرود که در این عرصه شطرنج یکسره حیثیات باستانی ایران را بیازد

زدو خورد طوفان باقوام السلطنه برای پیروی و عناد در این غلط کاری لجاجت آمیز بود وهمیشه امثال ما بارفقای قوام السلطنه دراین بازی آماده نبرد خواهند بود

اگرچه زندگانی محقر وبی سرمایه کارکنان طوفان قهرا مطیع اصول سوسیالیزم دنیا بوده ومنافع صنف قوام السلطنه حقا تفویض دربار لندن میگردد امابرای صیانت و نگاهداری حقوق ملت ایران هیچ قانون ومنطقی بزمامداران مملکت اجازه وحق نمی دهد و قدرات ملی راپایمال شهوات شخصی و دستخوش تامین سرمایه های انفرادی کرده وسر نوشت قومی را تسلیم سیاست مداران ساحل نایمز نمایند

درست بنگرید ! اکنون مملکت درآتش اغتشاش وناامنی میسوزد

تجارت اهالی شمال ایران بواسطه مسدود بودن راه دچار وقفه و اضمحلال گردیده منابع ثروت مسدود عناصر داخلی وخارجی ناراضی - اکثریت مجلس تماشاچی مردم عموما شاکی و مایوس - این است اوضاع حاضره

آیا جامعه ایرانی غیراز قوام السلطنه دیگری را مسئول تمام این حوادث میشمارد؟؟ طوفان چه نوشته بود؟!

اگر مردم که طوفان ناشر افکار آنهاست میگویند تمول و گنجی را که امروز قوام السلطنه بروی آن نشسته و با تمام قوا ازآن محافظت میکند از راه مشروع بدست نیامده زیرا صرف نظر از ۱۲ هزار تومان میراث مرحوم معتمد السلطنه اگر بعد از مشروطیت تاکنون بدون هیچ خرجی ماهی هزار تومان قوام السلطنه از حکومت یاوزارت برده باشد تازه ساختمان یک پارک وتهیه زندگانی طهران اورا کفایت نمیکند چه رسد بفریمان وسلامی وسده کتابها چیست ؟؟

اگر مردم خانوادهٔ قوام الدوله راکه از جنگ مرو تاحال یکقدم برای مصالح ایران برنداشته اند خائن میدانند عقاید آنها دامنگیر ما نبایستی بشود !

اگرمردم میگویند قوام السلطنه مختلس است برای اینکه بافقر بیت المال ۸۰ هزار تومان تصویبنامه برای خود صادر کرده است - برای اینکه صدهزار تومان مخارج فوق العاده قوس وجدی هیئت وزراء را در یک برج صرف تحکیم مقام خود نموده است - برای اینکه مقدار ۶۰ هزار تومان غله دروجه رئیس التجار تسعیر کرده است تقصیری متوجه نامه طوفان نیست

اگر مردم میگویند قوام السلطنه جنایتکار است برای اینکه یگانه فرزند شجاع ایران کامل محمد تقی خان را بجرم اطاعت امر رئیس الوزرای وقت کشته و مرتکب عمل شرم آوری که حتی سیاهان افریقا بان مبادرت نمی نمایند گردیده یعنی جنازهٔ آن فقید سعید را ازقبر بیرون آورده بر ما بحثی نیست

این مردم هستند که میگویند قوام السلطنه باید محاکمه شود برای اینکه قانون اساسی را بهوا وهوس شخصی سپرده آزادی را خفه نموده بانمایل بهمسایهٔ جنوبی بتجارت شمال لطمه وارد آورده و بالاخره برای اینکه در زمامداری خود مشکلات حمل نشدنی برای مملکت ایجاد کرده است

ما فقط میتوانیم بسهم خود بگوئیم قوام السلطنه قانون شکن است برای اینکه بدون محاکمه باوجود تصویب قانون هیئت منصفه طوفان را توقیف نموده است

تعجب اینجاست که قوام السلطنه در جلسه علنی پارلمان میگوید نظمیه جرایدی راکه مشمول ماده ۴۹ قانون مطبوعات می شوند میتواند مستقیما توقیف نماید ولی همین نظمیه درمورد ماده ۵۰ قصور نموده است ! !

انصاف بدهید آیا همان کسیکه دستور توقیف طوفان را بموجب ماده ۴۹ میدهد و تا ایندرجه مقررات قانون را مراعات میکند میتواند ازماده ۵۰ همان قانون یعنی اعلان علت توقیف پس از ۲۴ ساعت صرف نظر کند - هیهات که این منطق های بی اساس قابل قبول نیست وما جسارت مادی واعتباری خود را از قوام السلطنه خواهیم گرفت و البته مردم نیز بپاس این همه جرائم و گناه که برای برادر وثوق الدوله قائلند بایستی گریبان او را گرفته بمحاکمه دعوت نمایند

ایران آزاد

آقای مدیر

روز نامهٔ :

ایران آزاد

هنوز توقیف است

ضیاء الواعظین

قانون هیئت منصفه از پارلمانی که اکثریت جاه طلب آن محاکمه وزراء را تصویب نمیکنند گذشته است ولی روزنامهٔ ملی ایران آزاد هنوز توقیف می باشد

اینهم یکی از جنایات قوام السلطنه !!

(قرن بیستم)

(دستهای جنایتکار)

روز شنبه ۲۲ جدی کمیسری دولت بموجب امر معاون تشکیلات نظمیه آقای ضیاء الواعظین را بکمیسری جلب و سه ساعت ایشانرا توقیف مینمایند

جرم و گناهی را که مامورین نظمیه برای آقای ضیاء الواعظین قائل شده بودند امتناع ازامضای التزام نامهٔ راجع بتوقیف جرائد بوده و چون مدیر محترم مطبعهٔ آزاد این اقدام دولت را برخلاف قانون وطرز معامله با یک مطبعهٔ که حقیقتا حکم تجارتخانه را دارد میدانستند راضی نشده بودند که در روی یک ورقه باطله بدون مارک و نمره التزام توقیف روزنامهٔ امضا کنند ..

آقای ضیاء الواعظین را پس از سه ساعت توقیف در کمیساریا بهمراهی دونفر پلیس بعدلیه میسپارند

دراین وقت جمعی ازمدیران جراید وکارکنان مطبوعات ازقبیل آقای فرخی و آقای امیر آقای رضوانی علوی آقا میرزا مهدی خان ساعی وعده دیگر که بالغ بر سی نفر میشدند باداره مدعی العمومی عدلیه رفته آنجا شرح مفصلی بااحساسات شدیدونند بر علیه اقدامات بی رویه دولت اظهار نمودند ونیز آقای مدعی العموم را تذکر دادند که ما تاوقتی تسلیم احکام و اوامر نظمیه ودولت خواهیم بود که مبنی براصول قانون بوده باشد و هرگز نمیتوانیم قانون شکنی های قوام السلطنه را باسکوت وخاموشی تلقی کرده وخودرا بتعدیات وتجاوزات او بسپاریم .

درتعقیب این بیانات واظهار بی اطلاعی که ازطرف مدعی العموم راجع باصل قضیه که جلب آقای ضیاء الواعظین را بایشان نسبت داده بودند اعلام گردید آقای ضیاء الواعظین را آزادانه ازعدلیه خارج نمودند

اخبار داخله

(هیئت ائتلاف)

هیئت ائتلاف پارلمان بچهل و سه نفر رسیده ودو نفر نمایندگان بختیاری هم امروز وارد میشوند

هیئت متحده پشتیبان دولت بیست ودو نفر میباشند که دوازده نفر آنها بدولت اطلاع داده اند نمیتوانند حکومت حاضر را نگاهداری کنند

اعزام حسینعلی کالش

برطبق اطلاعات واصله حسینعلی کالش معروف بسالار اشجع که سابقه های شرارت درحدود آستارا دارد دستگیر شده وتحت الحفظ باردبیل اعزام شده وازانجا بتبریز فرستاده خواهدشد بطوریکه اطلاع رسیده اخیرا عدهٔ از طرفداران مشار الیه در صدد برآمده اند که سابقه های اورا از خاطرها محو نموده مشار الیه را تبرئه نموده مستخلص سازند - از طرف وزارت داخله نیز درجواب تلگرافات وتظلمات عیالات و اطفال سردار ناصر نمینی که بتحریکات مشار الیه مقتول گردیده تلگرافا مخابره شده ووعدهٔ رسیدگی و مجازات قتل داده شده است

در آذربایجان

تلگرافا ازتبریز راپرت میدهند که امنیت در صفحات آذربایجان بر قرار و هیچگونه حادثهٔ که مخل آسایش و امنیت عمومی باشد رخ نداده است - چندی بود سائین وفقرا در کوچه های تبریز ویلان وسرگردان و بایک حالت رقت آوری می گذراندند دارالتربیهٔ که ازسابق دایر است ۶۳۰ نفررا درانجا جمع نموده کفالت می نماید ولی بقیه لا تکلیف بوده اند یاور حسینخان رئیس نظمیه چند روزقبل دعوتی از اهالی نموده شرح حال فقرا را بیان کرده عدهٔ ازاهالی شهر ورؤسای ادارات بطیب خاطر هریک بفراخور حال در ماه میلغی قرار گذارده اند بدهند که از حالا تا اول برج حمل فقراء شهر جمع آوری شام ونهار آنها ولباس وسوخت زمستان آنانرا بدهند تاکنون ۲۸۰ نفررا جمع آوری نموده اند و در محلی که برای آنها تعیین شده منزل داده اند واین مسئله باعث خورسندی اهالی و رفاهیت فقراء گردیده است

قدغن استعمال تریاک

راپرت تلگرافی بجنورد حاکی است که برای پیشرفت مقصود و استخلاص خلق از استعمال افیون ازطرف حکومت منع و حکم سختی باهالی اعلان شده از قرار معلوم غالب قهوه خانهای علنی بسته شده و اثاثیه این کار راشکسته اند مامور تحدید بجنورد هم روز ۱۵ برج جاری بطرف مشهد حرکت کرده است .

مراجعت تجار هندوستانی

تجار هندوستانی که اخیرا بواسطه ... از حاکم محل و ندادن زمین برای ... آنها از دزداب بطرف کوئیه ... مراجعت نموده بودند برحسب ... و عزیمت رئیس نظمیه دزداب ... آنان اخیرا بدزداب مراجعت ... وچون برای ساختمان منزل چونارا ... زمین خواسته بودند ازطرف اولیای ... امر شد بقدر ساختمان منزل وانبار ... زمین داده شود و واگذاری زمین ... باطلاع رئیس گمرک محل بوده باشد ... حکومت آنجا اطلاع میدهد که رئیس ... بدون اجازه اداره متبوعه خود حاضر ... نظارت نمیشود لذا از وزارت داخله ... بوزارت مالیه نوشته شد که باداره ... حکم نمایند برئیس گمرک دزداب ... دهند در واگذاری زمین بتجار ... نظارت داشته باشند .

جنون وخودکشی

از شاهرود اطلاع رسیده که دکتر ... خان نام که چندی بصفحات شاهرود ... بود در نتیجه جنون خمری خود را ... مقتول نموده جمع و خرج ماترک ... و ادای وظیفه قانونی محول ... عدلیه شد .

تعدی یک نفر مامور مالیاتی

... الملک مامور جمع آوری مالیات ... رود از یک آبادی هیدج که ... تومان مالیات آن میباشد تا بحال ... و هشتصد تومان گرفته و باز هم ... از سر آن ها بر نمیدارد وصورت ... مبلغ مذکور را هرکس بخواهد می ... از نمایندگان خمسه بگیرد

تعدی باسم سرباز گیری

درصورتیکه مبلغ زیادی باسم سربازگیری ... از اهالی ابهر رود دریافت داشته اند مجددا سعیدالسلطان تحصیل دار مالیه ابهررود مطالبه حقوق سربازگیری مینماید درصورتی که چند سال است مسئله سرباز گیری از میان رفته و قزاق میگیرند

حکومت ابهر رود

دبیر دربار نایب الحکومه ابهر رود از اهالی مطالبه هزار تومان جریمه می نماید و از یک نفر هم یک صد و سی و پنج تومان گرفته است در اثر شکایت اهالی وزارت داخله انفصال او را بحکومت خمسه دستور داده و آقای ناصر لشکر عضو وزارت داخله بحکومت آنجا منصوب و در ظرف این هفته از مرکز حرکت می نماید

تسعیر به ضرر اهالی

نظر باینکه رئیس التجار مقدار سه هزار خروار جنس دولتی اسفر این را به قیمت مناسبی از دولت خریداری نموده و حالیه میخواهد از قرار خرواری سی و پنج تومان باهالی بفروشد اهالی اسفر این ملگرفا بمرکز شکایت و تقاضا می نمایند که نظر باحتیاج خود اهالی دولت جنس خود را پس گرفته پول اورا رد نماید تاخود اهالی جنس را خریداری نمایند

مقام منیع دارالشورای کبری شید الله ارکانه کپیه ریاست وزراء عظام وزارت جلیله عدلیه شاهزاده سلیمان میرزا ستاره ایران سیاست اهالی غارت شده گیلان که متناوبا متحمل خسارات فوق العاده گردیده اینک هم کابوس عدلیه غیر قانونی رشوه گرفتن رؤسا عموما و مدعی العموم خصوصا مزید بر علت مستدعی هستیم بنام حفظ وظیفه وپاس قانون اساسی رفع اینگونه است و زین را بفرمایند ملک المعالی احقر جعفر مهدی حسین ابن العاصی شیخ محمود احقر محمد مهدی حاج آقابزرگ آقازاده احقر حاجی حاج شیخ یوسف احقر حاج سید قاسم لشته نشائی محمد حسین موسوی حاج شیخ محمدتقی طالشی میرزا محمد علی عبد الله ابوالقاسم میرزا نصیر محمد علی میرزا احمد نصر الله موسوی علی اکبر جعفر سمیعی حسین ابن محمد احقر ابراهیم علی ابن محمد میرزا طایفه غلامرضا قاسم سید رضی سید صادق میرزا حسن شریف میرزا حسین علی فضل الله رضا سید محمد فتح الله عبد الله رحمت الله احقر ابراهیم حسین میرزا محمد تقی رضا جهانگیر خادم الشریعه محمد مقتدر السلطان محمد معتمد همایون میر ابوطالب محمود رشتی ناصر التجار مختار عبدالحسین محمد پاشا مهدی حسن کاشی معتمد الاسلام رشتی محمد علی واعظ محمد تقی ابراهیم صدر زاده محمد قطب حسن مدیر حسینی شیخ کاغم رشتی

از شاهرود

۱ ـ شهرو اطراف در کمال امنیت است آقای محتشم الدوله کفیل حکومت با کمال جدیت مشغول انجام کارهای حکومتی می باشند کلیه اهالی از ایشان رضایت داشته و دارند

۲ ـ در تاریخ ۱۲ برج اعلانی از طرف کمیسیون بلدی راجع به قیمت گوشت درب دکان های قصابی الصاق شده یکمن یک قران بر قیمت گوشت افزوده نمودند که تا اخر برج گوشت را از قرار منی شش قران بفروش برسانند

۳ ـ معارف شاهرود خیلی بی تربیت است فقط دو مدرسه در شاهرود می باشد یکی مدرسه دولتی که صد رحمت به مکتب خانهای سر گذر یکی هم مدرسه عظمیه ایتام که لباس وشام و نهار و سایر مخارج اطفال را شاهزاده امیر اعظم متکفل هستند بدبختانه این دو سه مدرسه ابدا معلم صحیحی ندارد فقط این دو مدرسه ابتدائی تدریس می شود کلاس عالی دارا نیستند اهالی هم که استطاعت ندارند اطفالشان را به طهران یا نقاط دیگر برای تحصیل بفرستند امیدواریم وزارت جلیله معارف مرحمتی در حق اهالی این شهر فرموده و معارف شاهرود را از این مذلت وبدبختی نجات دهند

اطلاعات مهمه

رویتر مورخه ۱۴ ژانویه ۱۹۲۳

اضطراب از کنفرانس لوزان

لندن ۸ ـ درمحافل سیاسی لندن راجع بسرنوشت وتقدیر کنفرانس لوزان اظهار بیم ووحشتی محسوس میگردد زیرا ازموقع انقطاع کنفرانس پاریس نمایندگان ترک موقعیت سخت تری اتخاذ نموده اند و در انجام دعاوی خود شدت واصرار زیاد تری بروز میدهند ولی باید دانست که با وجود ابتر ماندن مذاکرت پاریس وحدت نظر متفقین در کنفرانس لوزان کاملا باقی وبر قرار است و متفقین تصمیم نموده اند آخرین شرایطی راکه ممکن است قبول نمود بشکل معاهده صلحی درآورده وتقدیم نمایندگان ترک نمایند که یا قبول نموده و یا رد نمایند و نتیجه آن تا بیستم ژانویه معین خواهد شد . در عین حال احتیاطات نظامی درنظر گرفته شده و جریان دارد

تصرف اراضی آلمان

بطوریکه تصور میرود فرانسویها از دهم ژانویه شروع بتصرف ناحیه (روهر) خواهند نمود . در (اسن) اغتشاشات یا اعتصاباتی احتمال داده میشود

جراید برلن چنین اشعار میدارند که دولت آلمان حاضر نیست داخل مذاکرات جداگانه با نمایندگان فرانسه شود و دولت آلمان پس از اشغال آن ناحیه غیرازتقدیم پرنست رسمی بعملیات دیگری متشبث نخواهد شد

ابلاغیه دربرلن اشاعت یافته است و تکذیب شده است که آلمان عمدا ازتحویل دادن ذغال سنگ و چوب وسنگ امتناع ورزیده باشد . راست است آلمان کاملا بتعهدات خود رفتار نکرده است ولی چیزیکه هست کثرت تقاضا ازخارج ومشکلاتی که بواسطه اعتصابات وعدم وسایل نقلیه وغیره پیش آمده بود مستلزم حدوث این وقایع گردید

(اعدام پنج نفر ایرلاندی)

پنج نفر فراریان قشون دولت آزاد ایرلاند که بباغیان ملحق شده بودند ودر ضمن جنگ دستگیر گردیده بودند محکوم باعدام شده وبقتل رسیدند

تجهیز قوای بلژیک

بروکسل ـ قوای بلژیک مشغول تهیه وسایل لازمه برای شرکت درتصرف ناحیه روهر باقوای فرانسه میباشند

حرکت سلطان بمکه

رویتر چنین اطلاع حاصل نموده است که برحسب دعوت سلطان حسین پادشاه حجاز سلطان مخلوع عثمانی عازم مکه گردید قبل ازاینکه ازجزیره مالت حرکت نماید سلطان اظهار امتنان ازآنچه که در بارهٔ وی شده بود نمود

نرخ مبادلات

لندن ۱۱ ژانویه

پاریس	۶۷٫۷۵	
ایتالی	۹۴٫۲۰	
برلن	۴۸۵۰۰	یک لیرهٔ انگلیسی
نیویورک	۴٫۶۷	

بی سیم مسکو

مورخه ۱۴ ژانویه ۱۹۲۲

در دوم ژانویه از توکیو اطلاع می دهند که در موضوع تصرف اراضی روس در کامچاتکا و ساخالین مطبوعات ژاپون اشعار میدارند که این قضیه حالت موقتی

تالیف کساویه مونته پن ترجمه میرزا بقرخان معلم اسلامبولی

-۲۲-

مگر انسان تاقصد جنایت کاری را نداشته باشد خاطرش چیزی نمیماند

قرار شما دلیل قطعی محرومیت شما نیست عوض مجرمیت ضعف مزاج بگوئید، تهدیدانی نسبت بمن نمودند برای اینکه به پذیرفتن تکالیف مشوم .

ازطرف که تهدید میشدید ؟

ازطرف قاتل و مجرم حقیقی

قاتل ومجرم حقیقی را میشناسید

بلی میشناسم .

اسمش ؟

ژاک کارود

استاد کار فابریک را میگوئید ؟

بلی خودش .

مستنطق شانه هارا دوباره حرکت داده ـ از خودتان خیلی بد مدافعه مینمائید

که نسبت باو سوء ظن نمیشود پیداکرد آنهم ژاک کارود است . زیرا که بیچاره ازآثار صداقت خویش نسبت بارباب وصاحب کار تلف شد

اگر ژاک کارود حقیقتا تلف شده باشد خدا نخواست که ثمرهٔ جنایاتش دامن گیرش باشد

متجاوز از بیست نفر برای العین دیدند که ژاک کارود توی آتش ها سوخته وتلف شده حالا باز شما میگوئید که ژاک کارود زنده است

بلی .

ولی هیچگونه دلیلی دردست ندارید

داشتم .. ولی ..

چطور شد ؟

آتشب توی آتش سوخت

پس سندیکه برای اثبات برائت ذمهٔ خویش می گوئید مفقود شده .

بلی آقای مستنطق

پس بیهوده موهومات را برای اثبات مدعای خویش ذکر می نمائید

آقای مستنطق ، چند دقیقه بمن گوش میدهید یا نه ؟

بگوئید گوشم با شما است

مادام فورتیه شرح ماوقع را ازاول تا آخر چنانچه بکشیش لوزیه و بخواهرش وبه (اینین کاستل) ذکر کرده تماما به مستنطق نقل و بیان نمود ولی صدای لوزان و حرکات با اضطراب و هیجان آورش هیچگونه اثری در مستنطق حاصل ننمود . بلکه بایک وضع مستهزیانه بمادام فورتیه نگاه کرده گفت :

خوب از خودتان شرح وتفصیلی جعل و اختراع نمودید .

معلوم میشود باورم ندارید

مگر من بچه ام باین اختراعات و جعلیات باور نمایم . چطور می شود که شما ازژاک کارود کاغذی دریافت می دارید وابدا بان اهمیت نمی دهید وآن تکه کاغذ را بیک گوشه اوطاق می اندازید ودر موقع وقوع حریق وقتل عوض اینکه خبر بدهید فرار می کنید . مادام این حرف های شما بهیچوجه منطقی نیست

(۳۱)

ژان فورتیه از کثرت یاس ونا امیدی دستهایش را گزید و گفت

هرآنچه که شما گفتید همه را فکر نمودم چه فایده که در دستم اثبات حقانیت خود را ندارم شما از وضع وحرکات وبیانات من نتوانستید حقیقت را کشف نمائید وبنا بر این یقین حاصل کردم که برای من راه نجات مفقود میباشد

سعی و مجاهدت نمائید قضات و هیئت منصفه را قانع ومتقاعد سازند

امیدواری من فقط بخداوند عادل ومنتقم حقیقی است وبس .

اگر شما بجای دروغ گفتن حقیقت را ذکر نمائید بیشتر توجه و ترحم محکمه را بخود جلب خواهید کرد .

کسی که بیگناه است چطور بیک جرم وخیانتی اقرار میکند

(مستنطق بایک بی صبری حرکت نموده گفت)

حرف دیگر که ندارید ؟

خیر آقا

در تقریرات خودتان اصرار دارید

آری

صورت استنطاق شما را بخوانند گوش داده امضا کنید

بقیه دارد

داشته و ضمنا لزوم دخول در مذاکرات دوستانه بین مملکتین اصرار میورزند . روزنامه « اوساکا اساخی » وقفه وسکته تجارتی در ولادیوستك را متذکر شده و با شرح وضعیت اسفناك تجار ژاپونی اشعار میدارد که یگانه راه برای استخلاص از وضعیت حاضره همانا تشکیل کنفرانس روس و ژاپون میباشد .

...

در بندر ادسا مشاهده می شود که مال‌التجاره زیادی برای حمل بخارج جمع شده است . برای حمل اجناس از بندر چند کشتی خارجی کرایه شده‌است مقدار زیادی آهن بایطالیا ارسال میگردد

مقدار زیادی بنزین ازبندر تودسیك بعنوان ارکس در اسلامبول ارسال می گردد .

بیکاران انگلستان

لندن ۸ — دیروز بیکاران انگلستان در تمام مملکت تقریبا صد نمایش ومتینك تشکیل دادند و از دولت تقاضا کردند که جلسه فوق‌العاده پارلمان‌را تشکیل داده و اقداماتی برای رفع بیکاری بعمل آورد

- سفائن روس -

اتن ۹ - دوازده‌فروند کشتی‌متعلق بدولت شوروی روس که در چندی قبل ورانگل برده بود اخیرا در تحت بیرق فرانسه داخل بندر « پوزی » یونان شدند

ابلاغیه دولت آلمان

برلن ۹ - آلمان ابلاغیه رسمی‌اشاعت داده است که نظربنقض قرار داد ورسائل از طرف دولت فرانسه ترتیبات ادای غرامات موقوف می گردد .

قشون فرانسه در آلمان

برلن - سی و شش قطار آهن نظامی فرانسه از ماینتس بطرف ناحیه‌رور عبور نمودند

هانوور ۹ - دستجات قشون مستملکاتی فرانسه که قسمت‌عمده آن از سیاه پوستان مراکش می باشد بطرف ماینتس حرکت‌می کنند . چند ارکان حرب فرانسه داخل دویسبورك شدند .

در بورس های اروپا

ناوئن ۱۱ - در بورس های اروپا وحشت و اضطرابی حکمفرما گردیده است

نظر باحتمال حدوث جنك جدید اروپا مظنه های فرانسه و آلمان‌وایطالیا و بلژیك و چك تنزل فاحش نموده است .

در اطراف اشغال اراضی آلمان

روزنامه « اوود » مینویسد : « پیش از اینکه پوانکاره شروع بسخن نماید قشون فرانسه یسن را اشغال میکنند . در یازدهم ژانویه ساعت‌پنج بعد از ظهرعبور از سرحدشروع گردید .

روم ۱۱ در مجلس باویر رئیس مجلس بر علیه اقدامات فرانسه در ناحیه دور پروتست نمود .

در کنفرانس لوزان

لوزان ۹ - نمایندگان روس بعد از اطلاع باینکه متفقین لائحه پیشنهاد قرار داد جدیدی تهیه میکنند یاد داشت اعتراضیه بر علیه تصمیماتی که بدون مداخله‌روسیه در پس پرده اتخاذ می شود بکنفرانس لوزان تسلیم نمودند

اتن ۱۰ - دولت یونان هشتادهزار قشون تجهیز نموده‌است که‌مسلح بتوپخانه و شصت تیر و سائر لوازمات انگلیس می باشند .

بمحض اشاره و اولین فرمان انگلیس دولت یونان بفراگی‌شرقی هجوم‌خواهد نمود و قشون خود را بطرف اسلامبول سوق خواهد داد

تمام جوانان یونان از طبقه ۱۹۰۴ بفرونت اعزام شده اند .

منع نمایشات

برلن ۹ اولیای‌قشون اشغالی فرانسه نمایشاتی عمده را که کمونیست ها در دوسلدورف و کروفل تشکیل می دادند قدغن گردید

در کمیسیون غرامات

برلن ۹ - کمیسیون غرامات باکثریت آراء فرانسه و ایطالیا و بلژیك درمقابل‌ارا نمایندگان انگلیس اشعار داشتند که دولت آلمان‌عمدا تعهدات غرامانی‌خود را اجرانمیکند

آغاز اشغال ناحیه دور

لندن ۱۰ - دولت فرانسه رسما به دولت انگلیس اطلاع داده است که اشغال ناحیه دور شروع میگردد

نمایش صناعتی و فلاحتی درمسکو

مسکو - بمناسبت نمایش فلاحتی و صناعتی و مصنوعات یدی که عما قریب در مسکو افتتاح خواهد یافت رفیق براکین رئیس کمیته عمده نمایش در مصاحبه‌بایکی ازکارکنان جریده «پراودا» اظهار داشت برحسب ابتکار وتصمیم بانهمین مجمع شورا ها در ۱۵ اوت ۱۹۲۳ نمایش فلاحتی و صناعتی و مصنوعات یدی در مسکو افتتاح خواهد یافت و شعبه خارجی نیز خواهد داشت . دراین نمایش تمام ادارات‌دولتی و اجتماعی و مؤسسات صناعتی عمومی و متفرقه که داخل جمهوری فدراتیو ساوتی روس هستند و همچنین نواحی و جمهوری هائیکه دارای استقلال داخلی‌هستندشرکت خواهند نمود

در شعبه خارجی نمایش ادارات و مؤسسات یك‌سلسله ازممالك خارجی‌شرکت خواهند داشت

این نمایش حقوق مکاره نمونجات خواهد داشت برای بهترین مستورجات جائزه و همچنین انعام های شخصی داده خواهد شد نمایش مزبور دارای شعب‌ذیل میباشد : ۱- علمی ومعارفی ۲ - فلاحتی وکارتجربه شده‌جنگلی ۳-زراعتی ٤-نگاهداری و تربیت دوام وآشام ٥-صنعتی ٦-بیطاری ۷- نگاهداری و تربیت محصولات زراعتی ۸- محصولات تربیت دواب و احشام ۹ - صناعتی ومصنوعات یدی ۱۰- شرکت های تعاونی ۱۱ - ترتیب تقسیم اراضی و کولو نیزاسیون ۱۲-مهندسی‌فلاحتی ۱۳-خانداری ۱٤- مشاغل ۱٥ - کار تجارت و صادراتی ۱٦ - نفقه بندی دولتی فلاحتی و جنگل کاری ۱۷- نمایش امتعه خارجی

اینك این نمایش که‌در مملکت فلاحتی وزراعتی که پس از خرابی های وارده‌از حملات‌زنرالهای ابیض باعظمت تمام‌تشکیل میگردد باید در حقیقت سالی باشد که از قوای‌زراعتی و فلاحتی جمهوریهای ساوتی دیده میشود واز طرف دیگر شعبه خارجی این نمایش باید عقد میادی عمده فنون زراعتی دنیای قدیم و جدیدرا روشن و تصریح کند . نمایش مزبور شالوده متینی برای استحکام و ترقی زراعت و فلاحت جمهوری های ساوتی بپا خواهد نمود . برای ممالك شرقی نیز این نمایش‌که‌میرود تاسیس شود اهمیت عظیمی خواهد داشت ممالك شرقی که‌ازنقطه نظر فنی‌در زراعت و فلاحت عقب مانده اند میتوانند در این نمایش ترقیات مالیه دنیا را مشاهده نمود ودرفن زراعت خود تغییراتی اساسی‌بدهند وبدین وسیله ملل شرقی را در راه ترقی زراعت ملی آنها بشاه راه تعالی‌سیر دهند اقسام مختلفه مواد خام و ترقیات ممالك شرقی در صنایع یدی برای اولین دفعه میتوانند در این نمایش بطور باشکوهی جلوه گر شوند و در ردیف امتعه تمایلی اروپا قرار گیرند ممالك شرقی میتوانند مراحلی را که‌در قسمت های مختلفه قشون سیر کرده اند با ترقیات روسیه و ممالك اروپائی طرف مقایسه قرار داده و برای مبادرت بتغییرات در اصول فنی زراعت و فلاحت خود مستعد وآماده کردند

به نمایندگی های مختار ما در ممالك شرقی بتوسط کمیساریات‌امورخارجه‌اطلاعاتی راجع به ترتیب شرکت ممالك شرقی در این نمایش ارسال گردیده است

مطبوعات خارجه

من درباره جراید اینمقوله رامطالعه نمودم ولی یقین کامل دارم که‌درمندرجات خویش این روز نامجات پاروی حق و انصاف گذارده اغراق گویی را شعار خود ساخته اند . ممکن است پاره اتفاقات ناگواری در پاره نقاط از اهالی محل بواسطه حرکات جاهلانه وعامیانه درجریان جنگها بوقوع پیوسته باشد ولی پیرایه‌براین حوادث جزئی و محلی بستن و در ضمن آنرا بمقامات رسمیه اسناد دادن ودر این باب شرح وتفصیلات مبسوطی نوشتن ودر ضمن من دون حق اظهار عقیده نمودن نه تنها از نزاکت قلم خارج است بلکه حق عدالت وانصاف راپامال می‌نماید .

مخبر ما در مقابل این اتفریرات اظهار داشتند :

آیا ممکن است که حضرتعالی راجع بملاقات ومصاحبه خودتان با مسیوپوانکاره مختصری بیان نمائید .

مصاحبه و مجاوره که‌با کمال افتخار با رئیس الوزرای دربار پاریس نمودم کاملا موجبات و جنایت و خوشنودی مرا فراهم آورد بخصوص معاهده که‌در روابط و مناسبات تجارتی و اقتصادی بین دولت فرانسه و حکومت آنقره انعقاد یافته‌وکاملا منافع ومصالح دولت مزبور را پیش بینی نموده است بیش از سابق مارا با همدیگر صمیمی نرساخته است بنابرین صحبت های مادر یك زمینه خیلی دوستانه جریان یافت ومن وقتی که‌از (کدورسای) خارج شدم یك قلبی مملو از حسیات صمیمانه داشتم

حالا میفهمم که‌تعویق وتاخیرجلسات کنفرانس ناشی ازیك (فورس مازور) قوه اجباری بودکه پیش آمده و تصور می کنم که‌تاخیر و تعویق هیچگونه اشکالات و محذورات عمده در اساس جریان‌مذاکرات کنفرانس لوزان فراهم آرد

مخبر ماجوابا مستفسر شد :

حضرت عالی ممکن است که از پروگرام خود تان در کنفرانس مختصری برای ما بجهت مزید اطلاع اظهار دارید

گرچه نمیتوانم در اینموضوع شرح بسط تامی بشما بدهم ولی اینقدر میتوانم بگویم که‌ما بایك عطش و تشنه گی تمامی بطرف لوزان وبجهت کنفرانس رهسپارشده ایم و شاید یك معاهده عادلانه و منصفانه بدست آریم

در هر حال از حکومت متبوع ومفخم خویش بااینکه بایك اختیارات تامی مامور میباشم ولی اساس مذاکرات همانا از روی پیشنهاداتی است که‌دولت من قبلا اخیرا نموده است

بالفرض اگر کنفرانس لوزان مذاکرات و تصمیمات خویش بخواهد از پارهٔ مقاصد مشروع ما صرف نظر کرد و آنرا برای توافق نظر نمایندگان جر و تعدیل نموده یا هدف اغراض این وآن سازد بطور قطع بهیچوجه حاضر بپذیرفتن آن نخواهیم بودو تاآخرین نقطه امکان برای حفظ حقوق خویش خواهیم کوشید موفقیات کنفرانس لوزان را صمیمانه تمنا مینمایم ولی اگر مانند کنفرانسهای سابق بخصوص کنفران ژن دچار عدم موفقیات شده و بدون تحصیل نتیجه قاطعه منحل گردد و هیچگونه اهمیتی برای ما نخواهد داشت ماصلح پرستی وصلح جوئی خودمان را بعالمیان ثابت کردیم ولی درعین حال نمیتوانیم پس‌ازینهمه فداکاری و جانبازی که در راه حفظ حقوق استقلال و ملکیت تمام خویش نمودیم حاضر بشویم که در سالونهای عالی سرنوشت و مقدرات آتیه مارا بامباحث سیاسی ومذاکرات دیپلماسی معین نمایند معاهدات (ورسایل وسه‌ور) برای آن بهم زدیم و موقوف الاجرا گذاردیم که‌در غیاب‌ما مقدرات مارا بضرر ما معین و مشخص نمودند

همین کنفرانس لوزان برای ما یك کنفرانس تجربه و امتحانی است برای عملیات آتیه‌ما اگر موافق مقاصد ما شد خواهیم پذیرفت و الا باز بمیدانهای جنك خواهیم شتافت

مسیو لاستریت دیروز با من ملاقات نمودو مشارالیه چون در امور اقتصادی و مالیاتی متخصص بفن میباشد ودر وزارت مالیهٔ فرانسه مقام مهمی‌را اشغال کرده‌است در موضوع غرامت جنك مذاکراتی نمود و من کلیات مقاصد خود را بایشان خاطر نشان نمودم و صراحتا گفتم که کلیهٔ دیون امپراطوری ترك و دولت عثمانی واگذار بدولت یونان خواهد بود اگر دربار آتن از پرداخت این غرامت اظهار عجز نماید باید دولتی که‌اورا دوسال تمام تجهیز کرده و بمیدان جنك اناتولی فرستاد و همه نوع مساعدتهای مادی و معنوی باو مبذول داشت باید او ازعهدهٔ این‌تحمیلات درآرد .

دیروز مسیو پوانکاره رئیس الوزرای دولت فرانسه جرفابری رئیس اساقفه و روحانیون طبقهٔ سن‌لازاریست عیسویها را بحضور خویش پذیرفته و مشارالیه مدت

بقیه دارد

مطبعه ایران

دوره دوم شماره ۳ سال دوم - ۳ شنبه ۵ جمادی الثانی ۱۳۴۱ — ۳ دلو ۱۳۰۱ — ۳۲ ژانویه — صفحه اول

محل اداره - طهران - خیابان شاه آباد

عنوان تلگرافی قرن بیستم - نمره تلفون ۹۷
صاحب امتیاز - میرزاده عشقی مدیر مسئول عباس اسکندری

تعیین قیمت اعلان با دفتر اداره است

قرن بیستم

هفته سه شماره — تک شماره ۶ شاهی

قیمت اشتراک	یکساله	شش ماهه	سه ماهه
داخله	۸۰	۴۵	۲۵
خارجه	بعلاوه اجرت پست		

لوایح خصوصی درحکم اعلان تشخص قیمت آن با دفتر اداره است

قسمت سیاسی

عده وکلای مخالفین کابینه در مجلس به چهل و هشت نفر رسیده است

اصل شصت و هفتم قانون اساسی

«در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا باکثریت نامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نماید آن هیئت یا آن وزیر باید از مقام وزارت منعزل میشود»

مانوجه وکلای محترم را باین ماده جلب نموده میگوئیم عجالتا که عده مخالفین قوام السلطنه بیش ازعده طرفدارانش است مداخله در امور و دادن کابینه او چه صورت دارد آیا بر خلاف قانون اساسی نیست ؟

قسمت اجتماعی

الفبای فساد اخلاق

هر کس پول داد برای او باید کار کرد وجدان عقیده مسلک موهوم است (وثوق الدوله)

میرزا احمد خان قوام السلطنه زرنگ نیست .

امروزه بنا هر یک از دستجات طرفدار زمامداری قوام السلطنه بحرف بسه رشید گوش و پیش نابابی قوام السلطنه را تصدیق نموده ولی در پایان آن تصدیق اظهار میدارند :

قوام السلطنه پهلوان سیاست مدارهاست ببینید چقدر استقامت کرد ببینید در مقابل آن همه حملات و گلای اقلیت تا چه پایه پایداری بخرج داد و بطور یکه بحفاظ همه را جواب داد فهمیدید این مرد چقدر لایق است تصدیق کنید که قوام السلطنه زرنگ است !

خیر تصدیق نمی کنیم قوام السلطنه زرنگ نیست .

قوام السلطنه خودش را در جریانی انداخته است که هرگز لایق درجه اولی هم زمامدار بشود وخود را در آن جریان بیاندازد کابینه اش دوام خواهد کرد

قوام السلطنه بسیاست بانها پول بکیر پول میدهد قوام السلطنه از شاهکردان الفبای فساد اخلاق نگاهداری می کنند و آنها هم ازاو نگاهداری میکنند .

قوام السلطنه بهباهو چی حاباشراب کاسب به غوغا برپا کردن کمک میدهد که برای او سینه بزنند

قوام السلطنه نباشد بهتر شرین عنصر باشد وقتی این کارها را کرده البته دوام خواهد کرد

قوام السلطنه نباشد بیکاره ترین آدم باشد وقتی در این جریان خودش را الداخت زرنگ ترین وپهلوان ترین مردم روزگار جلوه خواهد کرد

برویید در یک رود خانه که ماهی دارد تماشا کنید آن ماهی که با جریان و روش آب شنا می کند چنان بسرعت شنا می کند که انسان ساده به استعدادی آن ماهی در شنا وری آفرین می فرستد

بی اطلاع از این که آن ماهی را آب می برد و کرانه او ازسایر ماهی هازرنگ تر نیست ولی اگر یک ماهی را دید که بر ضد جریان وروش آب شنا می نماید بیچاره با تلاش زیادی کمی کند آهسته آهسته حرکت می نماید انسان ساده خیال می کند که آن ماهی اتبل ترین ماهی است بی خبر از اینکه جریان آب مانع سرعت حرکت اوست

قوام السلطنه هم حکم آن ماهی اول را دارد قوام السلطنه را جریان رشوه و ارتشاء تند سیر میدهد و زرنگ بنظر جلوه می دهد مستوفی الممالک ومشیر الدوله را ضدیت با جریان احزاب کاسب وعناصر مزدور بیکاره وغیره زرنگ معرفی کرده .

والا نه قوام السلطنه زرنگ است و نه مستوفی الممالک ، مشیر الدوله بیکاره می گردید ؟ قوام السلطنه زرنگ است ؟

او را مجبور کنید یکی دو هفته پول از طرف این ملت مسکین بسامی مخالف بر ندارد و با طرفداران کاسب و مزدور ندهد آنوقت پس از دو هفته نیفتاد آن وقت من وهمه عقیده های من تصدیق خواهیم داشت که قوام السلطنه زرنگ است

قوام السلطنه اگر نوانست دو هفته مانند مشیر الدوله و مستوفی الممالک دوماهی دیگران را نه پذیرد و دوام کند آنوقت ما تصدیق خواهیم کرد که قوام السلطنه زرنگ است

قوام السلطنه اگر نوانست چند روزی توصیه و مطامع بعضی از متنفذین پولکی مرکز را اطاعت ننماید ودوام کرد

آنوقت با تصدیق خواهیم داشت که قوام السلطنه زرنگ است

قوام السلطنه راپولکی ها تا حالا نگاهداری کرده اند همان چند روز قبل منشک آزادیخواهان قوام السلطنه را از کار کنان می انداست باید ناعصر دارد دلون هزار اداراش باشد که از جاله میدان هرچه فعاوکاه فروشها و قایا لدار و دبمجلس کیسل دادن کما بوا بم مطالب حقه خودمانرا بگوئیم وبدورمطوبسری اوخاتمه دهیم

قوام السلطنه خودش زرنگ نیست پولش زرنگ است

الفبای اخلاق قوام السلطنه را زرنگ کرده است مجموع عقیده ، (هرکس داد پول داد برای اوباید کار کرد) - قوام السلطنه را صاحب طرفداران بی شمار نموده و زرنگ جلوه داده

اگر این الفبای فساد اخلاق را وثوق الدوله در این چهار ماه تدریس ننموده بود قوام السلطنه اساسا رئیس الوزراء نمیشد برفرض هم میشد کابینه اش دو هفته بیش دوام نمیکرد

کار الفبای فساد اخلاق بجائی رسیده است که امروز هریک از روسای ادارات - معروف بدزدی شوند باعث ترقی آنها - ومرده زیاد پیدا می کنند یعنی دسته جات سیاسی کاسب می فهمند که آدر رئیس اداره هم از لوجه های وثوق الدوله است و ممکن است از انها استفاده شود

مثلا مولیتر وقتی اعلان شد که اختلاس کرده است طرفدارش زیاد شد آرسن خان مدیر تلگرافخانه وقتی معروف شد که دزد است مرید اش زیاد شد و بعلاوه رئیس الوزرای وقت هم طرفدار او شد فهمید که کابینه اش زاد اطراقی های او می توانند استفاده کنند در یک هیجو محیطی معرفی کردن دزد ها خدمت کردن بتوانست اینها همه نتیجه شیوع الفبای منحوس فساد اخلاق وعقیده هرکس پول داد برای او باید کار کرده است .

رفقا ما نباید خیلی از شخص قوام السلطنه نگران باشیم ما باید فقط و فقط از این الفبای فساد اخلاق به ترسیم پس اگر قوام السلطنه از این مملکت خارج گردد ووثوق الدوله هم قدغن شود دیگر وارد ایران نشود تازه این الفباء منحوس یعنی عقیده (هرکس پول داد باید برای او کار کرد) هزار ها قوام السلطنه و وثوق الدوله به حیات کاسبان تحول خواهد داد

رفقا باید نخم این الفبارا برچینیم قوام السلطنه امروز وفردا خواهی نخواهی از زمامداری خواهد افتاد ولی این الفبا طوری نمی کشد که او را دوباره روی کار می آورد باید ریشه این الفبارا ازاذهان عامه بکنیم باید بوسیله جنگهای اخلاقی شاگرد های مدرسه این الفبارا محو کنیم و معتقدین بعقیده هرکس پول داد باید برای او کار کرد را چنین تفکین نماییم که بوده حقیقی ملت از معاشرت آنها عار داشته از الفبا پرهیز نمایند

و این صورت نمیگیرد مگر وقتیکه ما برویم توی کسلا تمدیها توی باراریها و بانها بفهمانیم مطلب از چه قرار است صد هزار تومان پول شما را میدزدند و صد تومان از آن را باین شماها خرج می کنند

میرزاده عشقی

پروتست بر علیه خیانت

حضور مبارک مدیر روشن ضمیر جریده غرای ملی قرن بیستم

زحمت عرض میدهد بنام آزادی مطبوعات وقلم این جمله ذیل را درگرامی نامه محترم درج فرموده و داعیان را قرین امتنان فرمائید مامضا کنند کان ذیل بلسم آزادی و استقلال مملکت در سیاست استقلال بیاد ده قوام السلطنه و وثوق الدوله خائن وطن فروش متنفریم واز طرفداران سیاست او هرهر لباس و بهر اسم باشند باصدائی که فضای دنیارا پرکند اظهار تنفر میکنم و در هر زمامداری که آزادی و استقلال و ثروت طبیعی خدا داد مارا برای اطماع شهوت خود بثمن بخس باجانب بفروشد وسیاست اجنبی را بمنافع ایران ترجیح دهد ماورا زمامدار مداخته و شدیدا اعتراض میکنم وخدمت هیئت محترم مدیره متبنک دامت افاضاته با صدای بلند عرض میکنیم بعداز هفده سال عمر مشروطیت ما تر قی معکوس نمی کنیم وبرای استماع مطالب حقه شما راجع بمنافع ایران در ساعت مذکور اعلان وابلاغ حاضر وبرای هرگونه دفاع از اشخاص معلوم الحال حاضر واز هیچ گونه تهدید اندیشه نداریم

مورخه ۳۰ جدی ۱۳۰۱

محمد چائی فروش — سید عباس قهوه چی — اسماعیل بناء — اقبل مهدی — میرزا کوچک بزاز — آقاسیدعباس بزاز — احمد نایب علی قهوه چی — حسین علی طهرانی — حسین کاشانی — علی اکبر تاجر طهرانی — میرزاعلی آقای تاجر — محسن تاجر طهرانی — سید محمود — سمادرچی طهکانی — احمد حسین طهرانی — محمد اوغه — علی رف — مشهدی مصطفی سمسار — رجب علی تاجر شهزادی — علی اصغر حسین زاده — جعفر تاجر کاشانی — هادی آهنگر — اسماعیل تهرزی — آقاصدز احمدی — غلامعلی قهوه چی — ابوالقاسم قهوه چی — آقا رضا کاشانی — محمود کاشانی — حسن قصابباشی — غلامحسین تاجر طهرانی — میر آقا تهرزی — محمد واعظ زاده — مشهدی رضا حاجی نایب اشتهاردی — حسن اصفهانی — میرزا حسین — سید اسدالله

سید حبیب الله — احمد آقا کاشانی زاده — سید حسن — عباس نریاکچی یزدی — احمد محری — میرزا رحیم جواهری — میرزا حاجی آقا — میرزاعلی اصغر چرم فروش — میرزاعلی دلال — میرزاهادی سمسار — حاجی سیدصادق تاجرطهرانی — آقا میرزا حسین — سماور چی عبدالله کمالیان — آقارحیم دلال کاشانی — میرزا عباس حریر فروش — علی اصغر بزاز شکرالله کاشانی — میرزا عباس بزاز کاشانی — میرزا علی اصغر بزاز کاشانی — سید نعمت الله کاشانی — حسین واعظ زاده غلامعلی کاشانی — حسن کاشانی — میرزا حسین — محمود کاشانی — محمود — آقا کریم بزاز — میرزا علی اکبر بزاز — فرج الله نوسلی بزاز — آقا غلامحسین نوسلی بزاز — میرزا محمد دلال

اخبار داخله

حسن انتخاب

آقای موسس خان ، که یکی از مامورین با شرافت و درستکار وزارت مالیه هستند و سابقا پیشکاری مالیه فارس و گمرکات جنوب را عهده دار بود و اداره مالیات غیر مستقیم را ایجاد کرده بودند

بعد از مراجعت از ماموریت اخیر پیشکاری مالیه آذربایجان از طرف رئیس کل مالیه بمعاونت اداره مالیات غیرمستقیم برقرار گردیدند

یکضربت دیگر باستقلال ایران

یك خدمت دیگر باستقلال ایران بموجب خبر خصوصی کنفرانس لوزان نماینده کردستان را پذیرفته و انگلیسها برای پذیرفته شدن این نماینده عجیب فوق العاده کمك کرده اند .

نمایندگان روس وعثمانی ازشناختن آن اجتناب نمود وبرعلیه اوپرتست نموده اند .

در وزارت امور خارجه

پس از اختتام جلسه هیئت وزراءدر دربار آقای رئیس الوزراء بعمارت وزارت امور خارجه تشریف برده وبر طبق وقتی که قبلا تعیین شده بود کنت شولنبرك وزیر مختار جدید الورود دولت آلمان برای معرفی بخدمت آقای رئیس الوزراء رسیده مدتی در آنجا توقف وپس از مذاکرات مراجعت نمودند .

تهیه کشتیهای تجارتی

بموجب اطلاعات واصله از آلمان پس از مراجعت کشتی هامبورك که ببندر انزلی آمده بود آلمانها در نظر دارند برای بهار آینده چندین کشتی آلمانی از هامبورك ازطریق رود خانه ولگا عازم انزلی نمایند وبرای اجرای این مقصود مشغول تهیه کشتیهای زیادی هستند و به قراریکه معلوم شده است تجربه امسال در خصوص آمدن ببندر انزلی نتیجه مطلوبی بخشیده است .

ترمیم خرابی ها

بطوریکه اطلاع یافته ایم برای ترمیم خرابی ها و جلوگیری از قحط وغلا در ارومیه وغیره که از سابق محصول اهالی از دست رفته و پریشانی و عسرت پیدا کرده اند اولیای دولت مطالعات عملی نموده واخیرا تلگرافی ازطرف وزارت مالیه به پیشکار مالیه آذربایجان مخابره شده که هرچه زودتر صورتی ازخرابی های ارومیه و اطراف وگسر محصول و سایر مسائل لازمه را تهیه وبوزارت مالیه ارسال دارند از وزارت داخله نیز بایالت آذربایجان تلگراف شد که درخصوص تهیه صورت مزبور باپیشکار مالیه مساعدت نموده و وسایل لازمه را برای اجرای مقصود و ترمیم خرابیهای سابقه تهیه نمایند .

برای امنیت راه

چون راپرت های سابق مشعر بود که راه لوط و خبیص و بم ترماشیر بدون مستحفظ بوده وقوای امنیه کامل برای حفظ وبدرقه قوافل نیست وقوافل بمناسبت نبودن مستحفظ مانده اند لذا از طرف اولیای دولت بمامورین لشکر شرق امر شده است که عده جمازه سوار نظامی در راه مزبور بگمارند تاقوافل و مکاریان را بدرقه نموده امنیت آن راه را محفوظ دارند برای تادیه حقوق سرحدی آنها نیز بوزارت مالیه تاکید شده است .

مناسبت آلمان و روسیه

اطلاعاتیکه از روسیه میرسد مشعر است که پس از انعقاد عهد نامه را پالو عهد نامه ایست که بین روسیه و آلمان درشهر راپالو منعقد گردیده است)روابط تجارتی و اقتصادی بین آلمان و روسیه خیلی صمیمانه شده است ، اغلب سرمایه داران معروف آلمان منجمله مسیو اشتیلنس سرمایه دار معروف آلمان سرمایه های خودرا در روسیه بکار انداخته تاسیسات برقیه آن مملکت را ازهرحیث ازقبیل ایجاد راه آهن و کارخانجات و غیره در دست گرفته اند و امروزه روابط پستی بین مملکتین توسط راه آهن و طیاره و آب از رود خانها و کانالها مستحکم شده است واستبعاد ندارد که بعد ها اتحاد تجارتی و اقتصادی باتحاد سیاسی و پلتیکی مبدل گردد و مخصوصا ورود کنت را نتز سفیر روس به مسکو روابط را خیلی صمیمانه نموده است

در وزارت فواید عامه

چون حاج آقا صاحب امتیاز تلفن در انزلی تاکنون شکایات عدیده از اداره پست و تلگراف نموده که بعضی سیم های او را ضبط و باعث خسارت او را فراهم نموده اند وخود حاج آقا نیز اخیرا بطهران آمده است لذا کمسیونی برای رسیدگی بمطالب مشار الیه در وزارت فواید عامه عصر دیروز تشکیل و نمایندگان وزارت داخله وپست وتلگراف و عدلیه نیز حاضر شده مشغول رسیدگی بمسائل مختلف فیه بوده اند

رئیس مالیه مازندران

شکایات زیادی از رئیس مالیه مازندران رسیده است که عموم اهالی ازسوء عملیات مشارالیه متظلم بوده مانظر وزیر مالیه ورئیس مالیه آقای دکتر میلسپورا باهمیت موقعیت مازندران و لزوم جلب رضایت اهالی محل جلب مینمائیم .

اعزام مامور

بطوریکه تحقیق نموده ایم در جزء بودجه وزارت داخله حقوق حکومتی وغیره برای لشته نشاء منظور نشده وچون شرح تظلمات اهالی انجا از دست امین الدوله بعیوق رسیده لذا یکنفر مامور از طرف وزارت داخله تعیین شده است که بلشته نشاء رفته عرایض اهالی را رسیدگی و تحقیق نموده راپرت دهند تااقدام لازم بعمل آید

فوت سه طفل

از قوچان راپرت میدهند که قرار خبریکه بحکومت رسیده در قلعه جات میان میان ولایت درجوف کشمش مخلوط باکرد استرکنین نموده برای مرك روباه بکار می بردند قدری از انهارا سه طفل در خارج قلعه پیدا کرده میخورند فاصله کمی فوت می نمایند یکنفر از اهل قلعه طفلها را دیده وارد قلعه میشود واظهار میدارد چه کسی برای مرك روباه دوا گذارده و حالیه سه روباه درخارج افتاده است دونفر میگویند ما گذارده ایم و در بین آنها کلفته باشد هر یك میگویند دوا از من است بالاخره شخصی که طفل هارا دیده بوده میگوید هر کسی ثابت کند روباه ها از آن او است یکی از آنها ثابت مینماید که من دوا گذارده ام رعایا کتف اورا بسته وطفل هارا بقلعه آورده اند حکومت مامور برای جلب مرتکب فرستاده است

مرد آزاد

روز نامه مرد آزاد در تحت نظر ومدیریت فاضل محترم آقای داور نماینده محترم مجلس شورای ملی و بکمك یك عده جوانان فاضل وتحصیل کرده عنقریب بطور یومیه انتشار خواهد یافت

ما موفقیت مدیر دانشمند آن رادر خدمت بمملکت خواهانیم

تعقیب سارقین

ایالت نظامی آذربایجان تلگرافا اطلاع میدهند که راجع بسرقت مالهای مکاری در مراغه مامور مخصوص در تعاقب سارقین اعزام داشته وحکم مؤکد در دستگیری آنها و استرداد مالهای مسروقه صادر شده نتیجه را بعد اطلاع خواهند داد

مفقود شده

ازایوانکی راپرت رسیده که ازقرار مذکور محمدهادی نام ایوانکی مکاری ده روز قبل از ایوانکی بطهران میرود در سرای حاجی حسن محله عربها مشغول بارکشی بوده است وچند روز میشود مشارالیه مفقود شده است والاغهای اورا حاجی سید حسن کاروانسرا دار ضبط نموده صاحبان مال پس ازشنیدن قضیه طرف طهران حرکت کرده اند که محمد هادی را جستجو نمایند

فرار مرتکب

کفیل ایالت خراسان اطلاع میدهند که قلیچ نام که دختری را برای فروش بیابوش ترکمن داده بود دستگیر و مجازات سخت شده وتوقیف میباشد وبابوشی که مرتکب فروش دختر بوده بروسیه فرار کرده است درمراجعت اورا دستگیر وبمجازات خواهند رسانید .

بارندگی وانسداد راه

از گلپایگان راپرت میدهند که بواسطه کثرت برف وبارندگی زیاد راه های اطراف مسدود شده وعبور ومرور موقوف شده است راپرت های این چند روزه غالب ولایات نیز حاکی از بارندگی وبرف زیاد است و بطوریکه از بعضی نقاط اطلاع میدهند سرمای امسال فوق العاده و مربوط بسال های سابق نیست

نتیجهٔ محاکمه

محاکمهٔ آقای امین الدوله که بمدعی به دویست هزار تومان مطرح بود آقای امین الدوله چون بموجب ماده ۱۴۸ درخواست ارجاع بمحضر نموده بود محکمه مزبور صدو

خدمت مدیر محترم جریده فریده قرن بیستم دام اقباله متمنی است باین مختصر عریضه مظلومانه مرا در اولین شماره درج فرمائید

آیا تقصیر با کیست

هم وطنان همه مرا می شناسید که بجز از خدمت خیانتی نکرده و آنچه داشتم در راه آزادی هم وطنان عزیز دادم محقری برای اعاشه عائله خود که محتاج نگشته و به بیت المال مسلمین دست نکدی دراز نکنم نگاه داشتم و بهیچوجه با اوضاع حاضره منتظر قدر شناسی هم نبودم برای آنکه البته مشاهده کرده اید که آنچه آزادی خواه وطن پرست بود کشتند ولی بد بختانه این مختصر دارائی را هم جبرا و عنفا بدون هیچگونه مجوز قانونی دولت حق نا شناس از من گرفت

هم وطنان دولت دزد است دارائی مرا دزدیده غارت کرده امضای من ضعیف را در یك تاریخ و یك موضوع معتبر دانسته املاك مرا می فروشند و امضای خود را بی اعتبار قلمداد میکنند دوسیه های وزارت خانها شاهد قضایا و مظلومیت من است

هم وطنان محلی را که کعبه آمال ملت فرض گردید و بایدهم باشد ولی بنده نمیدانستم وبرای اثبات حقانیت خود پانزده ماهست بمجلس عارض وهشتاد روز است متحصن هستم وکلائی احوالی نپرسیدند سهل است نخواستند از بد بختیهای من هم اطلاعاتی حاصل نمایند و نیز یك نفر از وکلاء درفکر نیفتاد که مراعات قانون و نظام داخلی مجلس را نموده ازوزیر وقت سوالی نماید

هم وطنان قبلا همه را می شناختم که اکثر انها بدستورالعمل سولت بریطانیا انتخاب شده اند خواستم همه را بنوده ملت معرفی نمایم

هموطنان پانزده ماهست از مجلس یعنی از کمسیون عرایضی که برای خواص و کمسیون ارسال و مراسلاتی که برای نوده ملت تشکیل شده و آنچه را به مالیه دزد غارتگر بی اعتبار فرستاده جوابی ندادند

هم وطنان مالیه ومیرزا حبیب الله خان چه میگویند اگر عرایضم صدق است چرا انجام نمیدهند هرگاه خلافت است چرا بمجلس جواب نمیدهند آقای آقا میرزا حبیب الله خان باید بدانند هرگاه دزدی و خیانت رفقای ایشان ثابت ومحقق بود تازه اول ترقی ایشان وبزودی بمقام وزارت میرسد

هموطنان آیا مندرجات فوق چنانچه مفجاء وپناهی برای خود تهیه کند مفصلا خبر امیدوارم آقایان وکلاء وزراء یك مرتبه حکم اعدام مرا داده هم ایشان آسوده نیز مرا از این زندگانی شرم آور نجات دهند

زین العابدین جهانگیری معرف مستعان الملك

* * *

حقیقة بقدری وضعیات شرم آوراست که دیگر برای ما قوه مقایسه نمانده است

قرن بیستم

پنجاه هزار تومان وکیلی آنرا ارجاع بمحضر وبقیه آن چون قبلا رسیدگی شده برد حکم قطعی بمحکومیت امین الدوله صادر گردید

اطلاعات سیاسی

اخبار رادیو مورخه ۲۱ ژانویه ۱۹۲۳

تصرف شهر مهل

برلن ـ تلگراف واصل از مهل چنین حاکی است که یکدسته ازقوای ملی‌ایتوانی که‌دارای تفنگ و توپ مسلسل بودند داخل شهر شده وقسمت مرکزی شهررا متصرف شدند و هم چنین دارالحکومه را که در دست فرانسویها بود گرفتند ولی نواحی اطراف شهرو سربازخانه‌ها ومراکز ملاحان هنوز در دست فرانسویان میباشد(مهل بندری است واقع در منتهی الیه پرس شرقی دربحر بالتیک)

اعدام آبرلانديها

لندن ۱۶ ـ در دوبلین رسما اعلام شده است‌که چهارنفر درروزی و یك نفر در کارلتن محکوم باعدام گشته اند شب گذشته جنگ مختصری در دوبلن بوقوع پیوست ولی عده تلفات هنوز معلوم نیست

تاثیر وضعیات در ارخ نقود

نظر باینکه آلمان از پرداخت وجوه [illegible] بر مقدار پول کاغذ خود میافزاید امروز دراندن مارك آلمان تنزل کرده به۵۳ هزار مارك تك‌لیره رسیده ولی فرانسه در همان ۶۷٫۵۰ یك لیره ایستاده است و علت آن حسن انتظام کار وزارت مالیه میباشد که دیگر منتظر وصول وجوه غرامات نشده و میخواهد بوسیلهٔ وضع مالیات جدید بر عواید خود بیفزاید درموقع تعطیل بورس مارك آلمان به ۶۵۰۰۰ مارك یك‌لیره رسید فرانك بازیك به ۷۵٫۵۵ فرانك یك لیره تنزل کرد

نطق موسولینی

رم ـ در طی نطقی که موسولینی در کابینه ایراد نمود چنین اظهار داشت کامن بدولت فرانسه خاطرنشان نموده‌ام حتی ـ الامکان از جنبه نظامی عملیات خود در روهر بکاهد وکاری نکند که ببد مذاکرات برای آنیه محدود بماند زیرا دولت ایطالی امیدوار است بتواند موافقتی بین طرفین بدهدو در همین زمینه مشغول کار است . ضمنا چنین گفت هیچ اتحادیه نخواهد توانست صلح اروپا را تامین نماید مگر اینکه انگلستان نیز در آن شرکت داشته باشد و دولت فرانسه احتمال کلی دارد نقشه غرامات ایطالیا را به پذیرد

سقوط شهر مهل

بموجب تلگرافاتیکه از (کوتر) (وقپاست) پاریس وبرلن واصل شده‌است شهر مهل بتصرف قوای ایتوانی در آمده است

رضایت ترکها

اوزان ـ ترکها قرارداد مبادلهٔ اهالی را تصویب نموده اند وهم چنین ولایتها وترکیها قرار داد پیشنهادی متفقین راجع بمبادله گروهها واسرای کشوری واسرای جنگی قبول کرده اند ـ ترکها میخواستند قرارداد را امضا کنند ولی متفقین قبول نکرده وموکول بابعد از مبادلهٔ اهالی نمودند .

نهضت فاشیست‌ها در آلمان

برلن ـ محافل سیاسی قوی تصور نمیکنند نهضت فاشیست‌ها دربایر جنبه‌ی‌در وحشت میباشند . لیدر فاشیست‌ها میخواهد مبارك قیام عمومی شود بطوریکه جراید اشعار میدارند گویا روز نهم نوامبر را برای یك کودتائی‌در نظر گرفته‌اند

متارکه جنك

تلگراف واصل ازمهل چنین‌مشعر است که بین دولتین ایتوانی وفرانسه درمهل‌متارکه جنك‌بعمل آمده‌است تا مذاکرات کنفرانس سفراخاتمه یابد

پیش بینی حدوث جنك

لندن ۱۰ ـ هرچند پیشرفت دستجات قشون فرانسه در ناحیه روهر در مغرب سایر مشرق اروپا علامات وامارات شومی برای حدوث جنك و خونریزی می باشد ولی چیزی که هست ممکن است احساسات نفرت و ضجرتی که در کلیه ملل جهان سوء آن جلوه گری نماید . از طرف دیگر خوشبختانه آخرین اخباری که از اوزان واصل شده است مؤید و مشعر بر موفقیت کنفرانس و عدم احتمال تجدید جنك درشرق نزدیك نمیباشد

مقاومت منفی درآلمان

پاریس ۱۳ ـ اظهاریه اتم رسمی فرانسه چنین مشعر است که آلمانها در نسبت به جنك در بیان است از تظاهرات منطقه(روهر) سیاست مقاومت منفی وادر پیش گرفته اند . مساعد و امور رسمی حاضر نیستند بانمایندگان فرانسه داخل هیچگونه مذاکراتی راجع بغرامات واعطای تعویضات و استرداد ماشین آلات بشوند و هم چنین معلوم نیست درمذاکراتی هم‌که قریبا بینی برای مبادلهٔ محصول آزادی این بموجب معاهده صلح عمل آید شرکت جویند .

اظهاریه مذکور در خاتمه چنین‌اشعار می دارد در صورتیکه آلمانها خواهند که این موقعیت حاضره را ادامه دهند متفقین چاره نخواهند داشت جز این که معامله بمثل نموده یعنی قوای نظامی وغیره برمقدار مساحت منطقه اشغالی بیفزایند

حکومت نظامی در اسن

اسن ـ زتراك(دکوت) فرمانده و کلیه اراضی جدید الاشغال نموده است ولی در اراضی مذکوره قوانین آلمان جاری وساری خواهد بود

جراید آلمانی مانند سابق اشاعات می بایند ولی بانها اخطار شده است در صورتی که مقالات هیجان آمیزی‌بنگارند مورد مواخذه واقع خواهند شد معاملات تجارتی درجریان است

حضرت سعدی

چندی قبل دربکی از مجلات موسوم به (طهمت) صورت شیخ سعدی را زیارت کردم ولازم دانستم پس ازتقدیم تشکرات ازحسن اثبت مدیر محترم آن نامه که باشمایل شریف سعدی اولین صحیفهٔ آنرا زینت داده بودند چند نکته را که بفن چین مربوط است متذکر شوم

(۱) درآن تصویر شیخ را پیرش ترسیم کرده بودند در حال اینکه در دوره سعدی ریش تراشی معمول نبود خصوصا قابین اشخاصیکه شیخ نامبرده می‌شدند

(۲) کلاهی که در سران صورت بود خانه شاگرد ها و نوکر های پست در آن زمان می پوشیدند وهرگز یك شیخ فاضل آن عصر آن کلاه رالمیگذاشت

(۳) قیافه آن تصویر شبیه بیك درویش کوشه نشین و میزدی بود آنهم نه‌یك درویشی که روزگار ناسازگار وجهالت مردم بدجنس ونادان او را مثل ناصر خسرو علوی منزوی کرده باشد بلکه مانند شاه سلطان حسین صفوی که از بی لیاقتی وبرکفایتی و تنبلی گوشه نشینی گزیده است

خلاصه آن نقشه که از روی هرچه برداشته شده بی ربط و غلط است صورت اصلی‌وصحیح سعدی‌که ازروی مینیاتوری که‌در دوره خود شیخ بطرز جهانی ساخته شده‌است دمن خودم درروسیه کوپاکردم وزرآن مجسمه بزرگ‌ساخته‌ام بقرار ذیل‌است پیشانی بلندوگشاد چشمها حساس مانند یك‌نقاش طبیعت‌ساز که هرطرفه‌دقت جدید ازمناظر طبیعت‌می‌ماند

دماغ متوسطه وپره دار ازك قدری بالا محاسن پهن وپر برخلاف فردوسی که کوسه مانند بوده است

دیگر چون سعدی بیشتر در سفر بوده گیسو انهم داشته واوقاتیکه مابین قبایل اعراب میشده مثل انان جبیه پی‌انداخته ولی سایر اوقات یك عمامه کوچك داشته‌است‌امیدوارم این تذکارات من‌کمتر حقایق چیز دیگر نیست خاطر شریف وبی ایرش کارکنان انمجله‌را مکدر ننماید

تقاضا

با کمال احترام خاطر عموم مدیران محترم جراید و مجلات مرکز و ولایات را بمحضر ساطنه استدعا مینماید لطف فرموده در صورت امکان برای ترویج‌معارف یك‌نسخه از روزنامه یا مجلهٔ خود را بنام قرائت خانه فردوسی واقعه در خیابان علاء‌الدوله ارسال

فرمایند واز معارف دوستی عموم رامنون و این هیئت را مرهون فرمایند و در قرائتخانه فردوسی انگلیسی فرانسه فارسی و ریاضیات تدریس می شود

هیئت ترقی خواهان زرتشتی

اعتذار

نمره گذشته قرن بیستم صفحه ۲ بجای صفحه ۳ اشتباها افتاده ودو صفحه ۳ بجای صفحه ۲ ما از مشترکین معذرت می خواهیم

بیانیه فرقه اجتماعیون

بیانیه‌بسوطی ازطرف فرقه‌اجتماعیون بادره رشیده است که بواسطه‌ضیق صفحات موفق بدرج آن نشدیم ولی احساسات پاك و بی آلایش آن فرقه مقدس را ازجان ودل تقدیس میکنیم

بیانیه فرقه دموکرات ایران

بیانیه از طرف مجلس محلی فرقه دموکرات ایران بادارهٔ رشیده است که مطالعه آن خشنودی بخش است ماموفقیت آن حزبیدا خواهانیم

تالیف کساویه مولنه پن ترجمه میرزا باقر خان معلم اسلامبولی

- ۲۳ -

پس از خاتمه این کار مامورین انظمیه زن را به محبس مرکزی (سن‌لازار) برده اند محاکمه با کمال سرعت اجرا یافت، اوراق و صورت مجاکمه را محکمهٔ استیناف بهیئت منصفه تسلیم نمود

کشیش (اوزیه) درباب مادام فورنیه خیلی سعی و مجاهدت نمود بهر طرف وبهر وسیله مراجعه نمود بی‌فایده ماند حتی تمنای ملاقات زن را نمود مورد قبول نشد زیراکه مادام بدبخت ازهرگونه ملاقات و مراوده ممنوع و محروم بود

حتی در مقابل اصرار کشیش مستنطق گفته بود :

آقای کشیش ، حرف مرا گوش بدهید راجع باین زن اینهمه اقدامات و مجاهدت بی‌ثمر و بی اثر نمایند ، این زن یك پارچه دروغ و کذب مجسم و مجسمه خیانت وجنایت می باشد .

بنا برین خودکشیش هم مشتبه شده خودبخود گفت، شاید مثلم باشتباه افتاده‌ام، وبنای تحقیقات از هرطرف گذاشته جز جنایت ومجرمیت‌زن فورنیه ، وسوابقه شدن زك کارود ازآثار صداقت ودرستکاری وی چیز دیگری بدست نیاورد فقط کشیش کاری‌که کرد اکذاشت زوزرز را به داولایتام ببرند ودرلزد خودش نگهداشت، مادام داریه هم چون پسرش‌را ازدست داده بود نسبت به زوزرز بی‌اندازه علاقه مندی و محبت اظهار می‌داشت و بجای پسرش مانند یك مادر مشفق از پرستاری وتربیت زوزرز محظوظ ومستفید می شد، زوزرز همه مادام داریه را بی اندازه دوست می داشت وچون خود زوزرز یك بچهٔ خوب ومحبوب بود کشیش هم نسبت به‌پسر یك‌زن محرم وقاتل ازابراز همه گونه محبت فروگذار نمی‌کرد .

ازوقتیف دگرفتاری مادام فورنیه سه ماه تمام گذشته بود یگهفته بعد بنا بود که صورت محاکمه رسما قرائت شده حکم قطعی بدهند

بچه‌هائی که‌در سن وسال زوزرز باشند همه چیز را بزودی فراموش میکنند زوزرز گرچه کاملا مادرش را فراموش نکرده بود ولی چون قدغن کرده بودند که‌در نزد طفل بهیچوجه اسمی از مادرش نبرند بنا براین بچه‌هم دیگر کمتر بفکر و ذکر مادرش میافتاد

مادام داریه روزی بپرادرش گفت

اگر زن بیچاره محکوم شود باید طوری کرد که بچه نفهمد که یك مادر مجرم و جانی داشته است

حالا چیزی بخاطرم رسید

چیست

اگر مادرش محکوم شد میخواهم من این بچه را بفرزندی خود قبول کرده اسم خودمرا باوبدهم یك روزی بوجود او افتخار میکنم وبهمین مناسبت بچه هم چیز از من مادری نخواهد داشت تاپا منضرب و منادی نخواهد شد

خیلی خوب فکر کردید خواهرم شما را باین فکر تبریك وتقدیر میکنم ولی باید صبر کرد تا حکم صادر گردد

صبر خواهیم کرد ولی شما به بی تقصیری زان فورنیه معتقد نیستید

چرا ولی طوری ذهن و خیال مرا پریشان و مشوب ساخته‌اند که متهم ندید پیدا کرده ام چیزیکه هست فرضا این زن مقصر باشد چه‌ربطی بپسرش دارد

هیچوقت جنایت وجرم مادر یا پدری دامن گیر اولاد نمی شود این طفل معصوم است در هر حال نباید مادرش بشناسد

قسمت ادبی

از اشخاصی که برای انها ممکن است یعنی فرصت دارند استدعا میشود که این ادبیات را در قهوه‌خانه‌ها و گذرهای عمومی بخوانند تا مخاطبین این ادبیات مستحضر شوند

ای کلا نمدیها

شهر فرنگ است ای کلا نمدیها — موقع جنگ است ای کلا نمدیها
خصم که از رو نمیرود تو ببین روش — آهن و سنگ است ای کلا نمدیها
بنده قلم دستم است و دست شماها — بیل و کلنگ است ای کلا نمدیها
زور بیارید ای کلا نمدیها
دست در آرید ای کلا نمدیها

رو بگو این نکته بر عوام نما ها — که تراشیده ها سه چاک قبا ها
حق شما را کنند ضایع و پامال — گر که نباشد قیام و کوشش ما ها
کوشش ماها پی حقوق شماها است — به که بماها کمک کنید شما ها
از چه کنارید ای کلا نمدیها
دست در آرید ای کلا نمدیها

باد صبا رو بگو بمردم میدان — ما و شما راست نام ملت ایران
مال شما را برد وزیر شدار دزد — دزد سیاست مدار دوده ساسان
فرق من و تو کلاه زرد سیاهت — هیچ شما ها ز مردمان خیابان
فرق ندارید ای کلا نمدیها
دست در آرید ای کلا نمدیها

ای رفقا این زمامدار خرابست — وضع اداری این دیار خرابست
گر چه به پندار میرزاده عشقی — هر که بکالسکه شد سوار خرابست
از همه اینها خرابتر بود این مرد — ملتی از بین برو کار خرابست
فکر چه کارید ای کلا نمدیها
دست در آرید ای کلا نمدیها

ما دگر این مرد را قبول نداریم — رأی بر این خائن عجول نداریم
گر نرسیده بگوشتان سخن ما — هست از این ره که ما فصول نداریم
حرف من و دوستان من همه حق است — این گنه ما بود که پول نداریم
گوش بدارید ای کلا نمدیها
دست در آرید ای کلا نمدیها

تازه شنیدم که داده او بیکی پول — تا که شما را بدین طریق زند گول
چو بدهد بابی است آنکه بگوید — دزد نباید شود وزارت مسؤل
کرده شما را بما طرف که نماید — شوشتری بنا را مقابل دزفول
از چه قرارید ای کلا نمدیها
دست در آرید ای کلا نمدیها

حرف من از روی منطق است و اساس است — حرف مرا فهمد آنکه نکته شناس است
ارث پدر را قوام السلطنه بخشید — بر به برادرش کز اواسط ناس است
دزد اگر نیست خانه اش ز چه پولی — کشته بیا کو در آن مدام پلاس است
خواب و خمارید ای کلا نمدیها
دست در آرید ای کلا نمدیها

ارث پدر گفتمت باو نرسیده — جیب شما ملت فقیر بریده
پارک بنا کرده است و رفته خراسان — هرچه که بوده در آن دهات خریده
این همه پول از کجا رسیده بر این مرد — کو بسپارد بپالک های عدیده
خود بشمارید ای کلا نمدیها
دست در آرید ای کلا نمدیها

روزی از این روز ها که روز حسابست — روز حساب همین خجسته جنابست
باید از او این سؤال کرد که تو پول — از چه ره آورده‌ئی تو را چه جوابست
گفت اگر ارث جدم است و فلانست — گو بنما فکر نان که خربزه آبست
هان مگذارید ای کلا نمدیها
دست در آرید ای کلا نمدیها

نیست پر این دسته بند مرد زبر دست — دست زبردست‌تر ز دسته او هست
از پی اخراج او چهل سه وکیل او — چند دگر رای داد و پاشد و بنشست
سخت خورد او شکست دسته او نیز — بشکند از او کمر اگر که نه بشکست
سنگ بیارید ای کلا نمدیها
دست در آرید ای کلا نمدیها

« عشقی »

سیاست

روزنامه سیاست بی محاکمه توقیف شده و آزادی آن منوط با فتادن کابینه است .

طوفان

روزنامه ملی طوفان هنوز توقیف است ولی عقیده نویسندگان طوفان با نهایت سرعت در کار انتشار است

ایران آزاد

روزنامه ایران آزاد هنوز توقیف است خدا به قوام السلطنه پشیمانی بدهد

غزل

وای بر آنها که اظهار شرافت میکنند — وانکه اندر محو آزادی قیامت میکنند
در بهارستان فرستادند یک مشتی عوام — از برای محو آزادی رذالت میکنند
میدهند از هر طرف بر ما چه نسبتهای بد — عیب خود گویند و ما را با شهامت میکنند
این ملامت نیست یاران افتخار ما بود — خائنین ملک چون ما را ملامت میکنند
زنده باد آن مردم صالح که در این کشمکش — با هجوم ارتجاعی استقامت میکنند
راستی آزاد این هر دو برادر در جهان — از خیانت کاری ابراز کرامت میکنند

علی آزاد

آقای علی بدیع

رباعی که فرستادید مطالعه شد اگر نسخه آنرا خودتان دارید درست مطالعه فرمائید منطق سلیمی ندارد وثوق الدوله هر گناهی که کرده باشد خودش باید مسؤل آن گناهها باشد و قوام السلطنه خودش بقدری گناه کرده است که محتاج بتحمل پاداش خیانت های وثوق الدوله نباشد طرفیت ما با قوام السلطنه برای خیانت های برادرش وثوق الدوله نیست خود قوام السلطنه هم خائن است اگر قوام السلطنه صالح بود ما از او تمجید میکردیم و هرگز گناهان برادرش وثوق الدوله را پای او حساب نمیکردیم

بقیه از مقاله قبل مسائل خارجی افتتاح مجلس تجارتی روس در مشرق

نطق رفیق ل . م . کاراخان

رفیق کاراخان از طرف کمیساریات ملی امور خارجه مجتمعین را تبریک گفته اظهار داشت از همان روزهای اول استقرار حکومت ساوتی مناسبات سیاسی ما با مشرق زمین رو به بهبودی گذاشت نمایندگان ممالک شرقی اولین نمایندگانی بودند که ما در مسکو مشاهده و ملاقات نمودیم لیکن مناسبات تجارتی ما با بعضی از ممالک شرقی چندان رضایت بخش نیست و در این قسمت ما دچار مشکلاتی هستیم یکی از عللی که مانع از استقرار مناسبات اقتصادی میباشد این است که ما خوب بحال یکدیگر پی نبرده‌ایم مجلس تجارتی روس و شرق تسهیل مناسبات اقتصادی ما را اعم مقاصد خود قرار میدهد و موفقیت آن در این ناحیه تامین گردیده است تصور میرود که ما تاسیس مجلس تجارتی فقط در مسکو اکتفا ننمود بلکه شعب و وکالتگریهای آن در ممالک شرقی تشکیل خواهد یافت نمایندگان کمیساریات امور خارجه در ممالک مزبوره از کلیه اقدامات مجلس تجارتی حسن استفاده نموده و در پیشرفت کار های آن همه گونه مساعدت خواهند نمود .

نطق سفیر ایران

مشاورالممالک سفیر فوق العاده ایران در نطق خود متذکر گردید که مجلس تجارتی روس و شرق که میرود افتتاح یابد موجبات توسعه مناسبات تجارتی با ممالک شرقی را فراهم خواهد ساخت و بعد کارکنان دولتی روسیه را که موسس این بنا میباشند تبریک و تهنیت گفت سپس سفیر ایران چنین بیان داشت که از موقع قطع مناسبات با روسیه مملکت ایران بخسارات عظیمی دچار گشت مملکت روسیه از ازمنه قدیمه اجناسی تهیه مینمود که رواج بازار ایران بود و مطابق سلیقه و تقاضای ملت ایران بود . من امیدوارم که این مجلس در تسویه مسائل نظامنامه‌های گمرکی و تدوین شرائط اعتبار و غیره بذل مساعدت نماید همه میدانند که بواسطه اطلاعات مغرضانه که دشمنان روسیه انتشار میدادند ایران در دانستن وضعیت امور روسیه بر خلاف واقع استحضار حاصل نموده بود من خودم در ایامیکه خارج از روسیه اقامت داشتم از وضعیت حقیقی امور بی اطلاع بودم من پیشنهاد دولت متبوعه خود را قبول نموده و به پایتخت نیرومند شما قدم گذاردم این قدم من ناشی از منافع وطنم بود که ملل ساکن از پیوسته مناسبات دوستانه با روسیه داشتند امروزه نیت مقدس من این است که این دوستی و مودت بیش از پیش استحکام یابد من امیدوارم که با تمایلات مساعدت آمیز اولیای امور روسیه قرارداد تجارتی ما منعقد و با کمک و همراهی مجلسی که افتتاح می‌یابد مناسبات متقابله اقتصادی ما وجه احسنی کسب کند .

نطق نماینده عثمانی

عزیز بیک شارژدافر دولت عثمانی حاضرین را تهنیت گفته و خاطر نشان ساخت که لازم است مناسبات اقتصادی که بین روسیه و عثمانی در مدت سالیان دراز بر قرار بود مستقر گردد نه تنها عثمانی در روسیه علاقمند است بلکه روسیه نیز باید بعثمانی علاقه داشته باشد . من امیدواریم که مشکلات موجوده در راه مناسبات تجارتی روسیه و عثمانی دوامی نداشته و مرتفع خواهند شد و مجلس تجارتی در اجرای این مقصود مساعدت خواهد نمود

نطق سفیر مغولستان

جانا ما نماینده مختار دولت ملی مغولستان اشعار داشت که روسیه ساوتی دوست ترین دولتی نسبت به مغولستان می باشد و اینک که مذاکرات قرار داد تجارتی بصورت خوشی خاتمه یافته است ملت مغولستان منتظر مال التجاره و اجناس روسیه می باشد . مجلس تجارتی باید مساعدت کند که روسیه موقعیت سابق خود را که قبل از جنگ در مغولستان داشت مجددا احراز نماید .

پس از خاتمه بیانات نماینده مغولستان رفیق خینچوک نماینده سافطرو یوز و نمایندگان مختار بخارا و خوارزم و جماهیر قفقاز و نماینده انجمنی شرقی رفیق پارلوویچ که از طرف کمیساریات خارجه و جماهیر مستقلی داخلی تبریک گفت و نماینده کمیته نمایش فلاحتی و زراعتی که هر یک بنوبه خود نطقی ایراد نموده و افتتاح مجلس را تبریک گفتند

خطابه رفیق ی . ی . خودوروف

رفیق خودوروف خطابه جالب توجهی درباب دورنمای تجارت جمهوری سوسیالیستی فدراتیو شوروی روس با مشرق زمین انتشار

بقیه دارد

مطبعه ایران

۱۲۳۸۷۶
کتابخانه مرکزی
Central Library
Tehran University

قرن بیستم

هفتگی

جای اداره :

طهران - محلهٔ جمشیدی اداره جریدهٔ « - قرن بیستم - »

قیمت اعلانات :

غیر از صفحهٔ اول ۲ قران صفحهٔ آخر یکقران

قیمت اشتراک :

	سالیانه	ششماهه	
طهران	۸۰	۴۵	قران
ولایات	۸۰	۴۵	«
خارجه	۹۰	۵۰	«

نمره تلفون : ۵۶۳ — صاحب امتیاز و نویسندهٔ اساسی ر . میرزادهٔ عشقی — تک نمره در طهران عجالتاً یکقران است

شمارهٔ ۵ — ۲ شنبه ۵ شعبان ۱۳۳۹ مطابق ۲۳ جوزا ۱۳۰۰ — سال اول

فهرست نگارشات

روز چه باید کرد	میرزاده عشقی
غزل نمایش آهنگی	«
مسائل مهمه سیاسی	قرن بیستم
سیاسیات خارجه	«
استغنای طبع	عشقی
قسمت ادبی حیرت حکیم	«
روزگار	«
آراء	«
یک نهر کوچک	باقر اسکوئی زاده
ادبیات منثوره	صارم درخشان
بیچاره سید اشرف الدین	قرن بیستم
قرن بیستم	امضاهای مختلف
القاب در ایران	س . ع . خلیلی
رکاولکی	«
روسیان ری	محمود رستگار
تمنا	عشقی
جایزه	«

روز چه باید کرد!

امروز روز چه باید کرد است روز های قرض از اجنبی نباید کرد زیر بار بیگانه نباید رفت قرارداد ایران و انگلیس را نباید پذیرفت سپری شد

و امروزه روز چه باید کرد با یک هیکل بهت و سیمای بی‌تکلیفی و نگاه حیرت در صحنه سیاست این مملکت عرض اندام نموده

فریاد فقر خزانه تمام افراد جمعیت کار کنان دولت را متوحش کرده

فضای خالی امروزه صندوق مالیه فردا را تهدید میکند

لزوم ادبیات هیجان انگیز احساسات ملی ناله های مظلومیت در مجلس دیروز ختم شد

مغازه سیاست امروزه جز فکر پول چیز دیگر را نمی پذیرد

صحنه دیروز میدان کشتی گیری استقلال طلبان با سیاست انگلیس بود و فضای امروز ایران مجادله با احتیاج و تهی دستی است

روی سطر های اوراق قرار داد ایران و انگلیس با مرکب قرمز خط بطلان کشیدند دروازه قصر شیرین و بندر بوشهر و محمره را بروی مستشاران انگلیسی بستند امروز ما مستقل و راست بروی پاهای خود ایستاده ایم ولی هیولای پهلوان احتیاج نیز در برابر ما ایستاده و بیم آن میرود که ما را بار دیگر زیر بار منت مساعدت این و آن خم نماید .

تلمبه . ژاندارمری . قراقخانه . بلدیه .

چون خیلی از دوستان و اغلب از پایان فن موسیقی کتباً و شفاهاً تقاضای طبع نمایش آهنگی را کرده اند مادر این شماره مبادرت بدرج این یک غزل از آن نمایش مانظوم که در خارج از مورد نمایش هم میتوان خواند کرده و در آتیه نزدیکی یک بار دیگر نمایش آنرا تکرار نموده و سپس تمام این نمایش را بشکل کتاب طبع خواهیم نمود

غزل مسافر (نمایندهٔ مؤلف نمایش)

(شخص اولی نمایش آهنگی رستاخیز سلاطین ایران در خرابه های مداین)

ز دلم دست بدارید که خون میریزد — قطره قطره دلم از دیده برون میریزد
کنم ار درد دل از تربت اهخامنشی — از لحد بر سر آن سلسله خون میریزد
آبروی و شرف و عزت ایران قدیم — ذلت و نکبت ایران کنون میریزد
ذلت و نکبت و بدبختی آثار زوال — از سر و پیکر ما ملت دون میریزد
مکن ایرانی امروزه بفرهاد قیاس — شرف لیدر احزاب جنون میریزد
برج ایفل ز صنادید (گل و گلوا) (۱) گل — بر سر مقبرهٔ ناپلیون میریزد
تخت جمشید ز بی حسی ما بر سر جم — خشت با سر زنش از سقف و ستون میریزد
در مداین که سلاطین همه ماتم زده اند — تسلیت از فلک بوقلمون میریزد
پرده ماتم شاهان سلف دید عشقی — کانچه در پرده بد از پرده برون میریزد

(۱) گل و گلوا فرانسوی های قدیم را می گفته اند

وغیره از این قبیل ادارائیک وجردشن در نهایت ضروری است اگر دوماه بی‌خرق بماند بچه حال خواهند افتاد .

چه باید کرد ،

باید فکر پول کرد ؛ باید بفکر کم کردن مخارج ومصارف زیادی و بودجه مملکت گردید .

باید بفکرجلوگیری ازحیف ومیل‌شدن مالیات ها بدست مأمورین نادرست افتاد باید خرج را بقدری کم کرد که عایدات خزانه این سرزمین فقیر آنرا کفایت نماید

بالاخره باید بمأمورین و متصدیان امور دوائر مالیاتی گفت تا دیروز هر چه بردید وهر چه خوردید فاز شصتمان اوش جانمان

ولی امروز محض رضای خدا وپیغمبر وحمی باین سرزمین فقیر وفلاکت بنمائید

پیش از این مگذارید عایدات این ملت ستم دیده در مجاری اداری حیف و میل گردد

بلی این دستور یك چاره موقتی و سست وتقریباً غیر عملی است در مقابل

چه باید کرد

جواب چه باید کرداساسی را باید داد

چه بایدکرد که‌چرخهای این مملکت‌پریشان خراب با این وضعیت غیر قابل ادامه دنیال قطار قرن ترقی امروز دنیا بحرکت بیفتد

باید این مملکت کهنه ازهم دررفته‌فرو ریخته را بیازار تمدن دنیا برد‌وتعمیر کرد

چارهٔ جز این نیست

باید این سرزمین را یك بهار سوق وکارخانهٔ بین‌المللی کرد

باید بدول‌امریکا ژاپون سویت روسیه انگلیس فرانسه هلند وغیره ازاین‌قبیل ممالکی که می توانند بمملل عقب افتاده کمك کنند

اعلان کرد که ما حاضریم با همسه ملل داخل‌همه گونه معاملات اقتصادی‌بشویم و بالاخره با یك موازین متینی که توانند بما تعدی و اجحافی ننمایند

ایـن همه معـادن دست نخورده و [اراضی بایر وطرق وشوارع سنگلاخ را به دست عموم آنها داد تا این مملکت از این حالت ابتـدائی طبیعی عهد بربریت خارج شود

تا کی می توان دریك دوره کـه سرتاسر دنیا آباد ومملو از صنایع مجیر العقول بشر است یك گوشه عالمرا پریشان و ویران و نمونه ادوار توحش و یادگار زور کار بربریت باقی گذاشت .

این است جواب چه باید کرد اساسی ولی برای عملی کردن جوابهای چه باید کرد لازم است که در هرچه زودتر مجلس باز شود تا آنهائیکه بزحمت خود یاباحسن عقیدت عامه نسبت به‌ایشان مجاناً حیه وکالت را بدوش انداخته‌اند انعکاسات سهمگین این چه‌باید کرد را از اذهان جامعه علاقه‌مندان به سعادت این مملکت جواب گویند

قسمت سیاسی

سیاسیات داخله

بیانیه آقای وثیق الوزراء در پارلمان

مذاکرات راجع به انتخابات کابینه جدید — اصول انتخاب مجلس شورای ملی — انتخابات و تغییر رؤسای ادارات و معاونین

چنانچه در شمارهٔ گذشته مندرج افتاد زمام امور مملکت را آقای قوام السلطنه به موجب فرمان همایونی مورخهٔ ۲۲ رمضان معارف بالیم باج عزیز عهده‌دار گردیده و کابینهٔ سابق این از خود وزیر زراعتی سقط نمود . چنانچه وعده داده بودیم که عقاید خود را در این باب اظهار خواهیم

با اینکه مذاکرات سیاسی داخل محاورات محدود نشد و پارلمان هم شده باشند معذالوز اثبات آن بدشوار و امور دارنگاشته — اما بایدشخص رأس دولت را مدرك و خود قرار داده نظریات خویش را به مفاد و مدلول بیانیهٔ مذکوره اظهار وخاطر نشان می نمائیم .

در قسمت اول بیانیه سرعت افتتاح مجلس شورای ملی که نمایندگان آذربایجان و به عدهٔ لازمه در مرکز حاضر و قانون انتخابات اجازت میداد که کمهٔ آماده ایرانیان پیش دیپلوماسی رسماً مفتوح گشته و مجلس

مانند کرسی های پارلمان را اشغال نمایند ذکر فائده که اولیاء آزادی وعدالت حکومت شوروی و حاکمیت ملی را میدانند که پس از اضمحلال قوای یاغیان و اشرار طغیان بعد از اینکه ملی که از تلاقی آن یك سلسله اقدامات جاکارانه به مملکت ایران رسید، عموم اهالی طرفداران مشروطیت و آزادی خواهان را که از زور ناموس (مهاجرت قم) بواسطهٔ تقرب قشون روس در تحت فرمانده‌ی ژنرال (بارانف) که قشون بلشویکی ایران را تشکیل و مخالفین کلیه قوانین و حقوق بین المللی قانون حکومت سیاسهٔ تزاری از یك طرف و قشون متجاوز انگلیس از طرف دیگر خانه‌نشین احوال ثابت و تاراج و غارت و بیدادگری مخاصمت طوری قرار داده بودند که از بیانیه شش سال است مجلس شورای ملی از ثمرات این مخاصمات سیاسی در تعطیل و در جریان این مدت به هیچ جهت کابینه های وقت موفق نشده وسایل افتتاح پارلمان را بواسطهٔ پیش آمدهای غیر مترقبه ویا بواسطه موانع و مخاصمات موجوده برقرار نداد تا آنکه قرارداد انگلیس و ایران بمقتضای وقت عرض اندام نموده و متعاقب آن انتخابات در ولایات بسرعت انجام یافته نمایندگان مجلس منتخب شدند و در مرکز مجاورت از صدد عدد حاضر و مجلس در شرف افتتاح بود که آشوب های خائنانه بحرکت داخل دست بدست داده بنیان مخانقه بر قانون اساسی و اساس افتتاح دارالشورای ملی شدند تا اینکه ثمرات آن بواسطه اتفاق واتحاد نیروی در افراد ملت حاضر و متقیم به بحران های ما الیه گشته (کودتای) سوم حوت رخ داده آرزوی آن مرحله هم بقدری عملیات واقدامات خائنانه در نظر گرفته بود که در صدد خفه نمودن تمام افتتاح مجلس نبود خاطره خودرده مردم مجلس را فراموش نکرده بودند

اخطار

بواسطهٔ فقدان کاغذ خوب که لازم منه کراور بود متاسفانه گراور تمثال مبارك — اعلیحضرت همایونی بانبوعده‌ایکه داده بودیم بضمیمهٔ طبع ادبیات هیجان روح شاعر بتاخیر افتاد

که یکدفعه اشرار بمانند رئیس دولت در تصرم باقتاح مجلس شورای ملی وشائبه ایجاد اغتشاش و دوزگار فترت جدداً روزنه امیدی در قلوب گزاردی خواهان باز نموده ولی اگر این دفعه هم مانند سابق آلت اغراض این و آن شده و وجه حق و حقیقت را پس بگیریم متزلزم از مشروطه و حیات او شده دست بکار شویم و سیل مخالفات استیلا و لا اقل بدست خود طوق رقیت را بگردن نیاوریم و عدم لیاقت خودمان را بمالیوزات ثابت خواهیم کرد کما فی ایران طوق رقیت بر دوش نگذاشته علاج به قلم و وصی حمایت تصور می کنیم دوره تاریخ گذشته بهترین بیرت و سرمشقی شده بعد ها بیرامن اتفاق و اختلاف کردیم چه که به حقیقت عدد اشخاص متوانگر و حساس کمدان ایشان آورده بهیچگونه غرضی نیست تصدق خواهند کرد که افتتاح مجلس شورای ملی با وجود این اشکال حتمی تر است از تحمل پارلمان ایران و فقدان حقیقت چه که گاه اندیشه و حدیثه که مردم را از تشکیل دوره چهارم مجلس باز میداشت وجود قرار دادمعروف انگلیس بود که قوه ورساً از طرفین ملغی و باطل شده مهدداده دولت با دولت سوویت روسیه با استحکام میانی و داده وسعت با دو دولت بزرگ جهور وعدل سایه در یک زمینه متساوی و متعادل مقرر گشته در الصورت هیچ عائق و مانعی به افتتاح مجلس دوم نیست و تصور میکنم که حقیقت میدانی و نمایندگان حاضره هم از اشخاص لایق و بصیر و مطلع بوضعیات ایران بوده و در قابل حقیقت نمایندگی دارای لیاقت و کفایت و وطن پرستی باشند .

ما فی قسمتهای سابقه آقای رئیس الوزراء راجع به اشکالات قشون ، اصلاحات فلاحتی واقتصادی وعموت عموم افراد ایرانی به اتفاق و اتحاد و مساعدت و مظاهرت ملت با دولت مجبوره خواهد ، به سرمایهٔ به از داخله و بسط وترویج معارف وغیره هر کدام فروزنده ترین عبارائی است که متضمن آمال هر ایرانی وطن پرست وحساس راشکل داده وما هواریم در سایهٔ حمیت وفعالیت و عزم راسخ وثبات قدم این دولت این برنامه حسن وسلوب را که مسلک اساسی سیاست کابینه حاضر قرار داده اند عملی گردد و ما فرمایشی قدمها نظریات خود را با پیشنهادات آتیه درج خواهیم کرد .

و در اینجا لازم میدانم عرض زیاد اطلاع خوانندگان شود هم از اعضا کابینهٔ که در ۲۲ رمضان بحضور اعلیحضرت اقدس ملوکانه شرفیاب شدند ذکر نمائیم .

بدین ترتیب روز شنبه ۲۴ سورا آقای رئیس الوزراء اتفاق هیئت وزرا بحضور سلطنتی فرح آباد عزیمت کرده پس از تشریف بحضور اعلیحضرت اقدس ملوکانه هیئت وزراء بقرار ذیل معرفی شدند :

۱) آقای قوام السلطنه وزیر داخله و رئیس الوزراء — ۲) آقای مشتشم السلطنه وزیر امور خارجه — ۳) آقای سردار سپه وزیر جنگ — ۴) آقای مصدق السلطنه وزیر مالیه

۵) آقای مشارالسلطنه وزیر پست وتلگراف

۶) آقای مستشار الدوله وزیر معارف و اوقاف

۷) آقای مشیر الدوله وزیر مشاور —

۸) آقای عمید السلطنه وزیر عدلیه —

۹) آقای ادیب السلطنه وزیر فوائد عامه و فلاحت وتجارت — ۱۰) آقای سلیم الدوله وزیر صحیه و امور بلدیه —

تمام افراد و اعضاء آن کابینه از اشخاص وجال هستند که حریک سابقین مرتبه در کابینه سابق مشروطیت داشته و اطلاعات کامله در مسائل داخلی وظائف مهمه دارند و قوی داریم که با اتحاد نظر و توافق فکر و عقیده این دفعه مقدمه پر آشوب ما را از تلاطم امواج وظیفه سیاسی به ساحل نجات رسانده

(میرزا باقر خان تبریزی)

(سیاسیات خارجه)

اخبار سه هفته گذشته

اغتشاش و شورش در مصر

اگر فقط اخباریکه از مکاتبه به لندن مخابره شده حاکی بر آن است که شورش آسکار و به فلا بسکوت و آرامش مبدل گردیده ولی از بلوای عساکر فرقانی بعضی شایعات بوقوع پیوسته و زمامداران سوویت مصر شورشیان را تهدید نمودند که هرگاه دست از اغتشاش برندارند قوه قهریه مامور شده و برای اطفاء نایرهٔ عصیان مداخله مسلحانه خواهند شد

مجموع تلفات (۲۳) مقتول و (۱۳۰) مجروح وهمه از ظابیان الطایی تلفاتی وارد نشده است .

در طی مکاتبی که زغلول پاشا رئیس مایون مصر به سلطان فرستاده اظهار داشته است که مسئله اغتشاشات مصر و خسارات و تلفاتی که از ابتدا و متوجه شده کاملا مربوط کابینهٔ سابق است زیرا اقدامات کابینهٔ حاضر مخالف تمایلات است که ملت نموده و همین زغلول پاشا تقاضا کرده است که یک کمیتهٔ تحقیق و تفتیش معین شده بعموم اهالی اعلام نماید که در آتیه هر گونه تمایلات شدید حکومت حاضره مخالف و بموجب قوای نظامیه و ضابطه جلوگیری خواهد شد و هر کس به بلوا و تشویش مبادرت نماید مجازات آن اعدام خواهد بود

ژنرال (الن بی) کمیسر عالی وفرمانده نظامی مصر یک عدهٔ تحقیق نظامی تشکیل داده است که موجبات و محرکین اغتشاشات را کشف نماید .

عدم مشغولیتی و عملیات راه آهن مصر دست ژنرال کشیده و تحمیل نموده است زغلول پاشا که طور قیر مستقیم عالی یکانی محرک اینهمه اغتشاشات مصر می باشد بیانیه صادر کرده ظاهراً اهالی را به صبر و سکوت دعوت نموده ولی با بیانات تحریک آمیز بطریق خطاب کرده میگوید با اینکه هیجان شما با این ظلم وغضب بیشتر کابینه است ولی بعض آسایش عمومی از اغتشاشات احتراز کرده و تمایلات را موقوف دارید زغلول پاشا تمام همت ومساعی خودش را مصروف براین داشته که زمامداران دولت را مسئول قرار دهد و سنگ اعتصاب راه آهن را مربوط باعمال آنها سازد .

ارضاء پرتغال

اخبارات واردهٔ دوبار آنقدر است دال بر اینکه دولت پرتغال مقبول تمایلات و توجهات جمهوری را بمایه قوی مقبول همشهریان می باشد . و زمامهٔ (آگرده پاس) میدوارند که نافع سیاسی تراشه و ایجاد نمایند که با هیجانات ولی در هر صورت بیطرفی را کاملا اختیار خواهند کرد . مشارالیه در جنگ های مابین متفقین پرتغال متقابلی بی طرفی را اتخاذ کرده اند چیزی که هست کشتیان در عین طرفداری با اداره نظامی متفقین متقابل شده اند که متفقین حرکت

یاران بود و مسائله و یا بین سه ملیون دشمن تقسیم کرده اند که تا حالا بین قوه طوایف دفاع نموده حق فی مسابله خودشان را با قرار سازند و تا تمام مساعی خود را بسه آلمانی ها ده (ووسائل) قرار داده اند .

دول متفقه ملاحظات فتوحات ؛ ابوکراتیان و نکبت های پدر بی نشون پوان که طرفشان اعلان کرده بودند تاجا شاید که پشتیبانی ملیون نفر لی را بحق ترجمه قرار داده و مصمم شدند که چرخ وقت بل د عهد الله (ووایل) بعقب آورند بنا بر ان باد داشق بقرار آن فرستاده و او را به صلح و مسالمت دعوت نمودند و دولت پوان در جواب یاد داشت متفقین در خصوص بیطرفی اسلامبول و بغاز ها اظهار داشت است که به قصد جلوگیری از حمل ونقل واعزام مهمات و قوای امدادی بحمل بنشا از اوپا به آسیای صغیر در کشتی هائی که از اوپا به آسیای صغیر میروند جستجو و تشبثات لازمه بعمل می آید که از ارسال مهمات و اعزام قوای امدادی برای کمل بانا ممانعت شود .

رشیدیات آلمان وسیاری علیا

از قرار اخبار وارده تکرفی خصوصیات نظامی باوجود سنگ و کرز ها در سیاری علیا دوسال توقف می نماید . چرا با ارتجوعی آلمان رویان های فرانک را دعوت بکمک اعالی را مرکب شوند که رشدات را بخرج ندهند . کاه دولت پاپس برای کسب اطلاع از تاثیر اقدامات دو اسعداد سرحدات و تا داخله خود را بانا ویت مخصوص بسرحدات (سیاری علیا) فرستاده است .

کمیسیون متفقین مامور اصلاح (سیاری علیا) موفق شده است . که فی مابین آلمان جاو لهستان هاراجع به استقرار صلح درمنطقه که کسب آرا سرپان دارد و قتلی ایجاد نماید در (سالزورگ) کسب آرای عمومی سرپان یانه و اکثریت برله الحاق (سیاری) به آلمان است .

رشدیات (سیاری) نسبه حالت سابقه باقی است متذکر که فی مابین سکنه لهستانی و آلمانی در سیاری دائمه شده بود مجدداً از طرف آلمان ها هم خودده است پاکان لهستانی که می دانند آلمان حیا مایل مسئله هر چه زودتر اصلاحات را شروع نمایند از هر کدام اصادف و اسامی بسا قوای آلمان احتیاط می دوزند .

بر طبق اکاذیب سرایه فرانسه دولت آلمان توسط سفیر خود جرانی به پادشاه درخواست نموده است که برای پیشان سرحدات سیاری علیا اوامر اکیده صادر شده و از تقریر گردیده است که از عبور دستجات قشون دولطاب برای (سیاری) ممانعت بعمل آید و دولت آلمان کوشش خواهد نمود که اشیاری متبع را بر طرف نموده و آسوده و بدون لازم باطفاء اشتغال شده فرستاده است .

خبر های واصله حاکی بران است که در (سیاری) حملات جدیدی از طرف آلمانها بوقوع پیوسته و افراج اکاسن آلمان و سیاری وارد شده و (کروی استرلیتز) را اشغال کرده اند .

از لندن اشعار می دارند که (سپرهار وادا تار) به عنوان اظهار گی دربار انسدن به عضویت و حضور کمیسیون مأمور اصلاح امور سیاری حرکت کرده است . یک سایر دیگری حاکی است که افراج آلمانی در (لانا) حملات جدیدی نموده اند واز طرف دیگر یکدسته از قوای اهالی درشهر (پاریس) تظاهرات مؤثره نظامی داده اند .

از ان اخبار فوق می توان استنباط کرد که بیات (سیاری علیا) بعد از اتحاد دولت ایتالیا وبموجب معاهدهٔ وسایل مقرر گردید که باضافه به آلمان سکنهٔ این بلاد سرنوشت آتیه آن معلوم گردد چون که ان بلاد واسطهٔ اهمیت موقع که فیما بین آلمان واستان واقع شده یکی از عناصر مهم ترین دول ثروت ترین مناطق اهوای مرکزی محسوب و اهالی آن از نژاد ژرمنی ولهجه آلمانی تشکیل یافته که اکثریت آن را آلمانی ها احراز کرده اند رساله چون لهستانی ها در اقلیت واقع شده والبته آرای سکنه برله الحاق سیاری به خاک آلمان می باشد بنا بران شروع به اغتشاش کرده و آلمانی ها هم مقابله کرده و ازاینرو بین طرفین مصادمات اتفاق افتاده که نه دربار پاریس و نه دربار ورشو مسئولیت دست در کار نبرده و گویا وسائل طرفداران شورش بدستند .

(میرزا اقراطاد معلم ثوریزی)

قسمت ادبی

استغناء طبع

۱۳۳۸

درهفت آسمانم الا (۱) یك ستاره نیست
نامی ز من به پرسنل این اداره نیست
بی اعتنا به هیئت کاینهٔ فلك
گردیدنم که پارتی ام یك ستاره نیست
بر پیشها و مهر فلك پشت پا زدم
خصم چومن فلك زده ایرا شماره نیست
عار آیدم به چرخ کنم اعتنا مرا
بردهر جز بچشم حقارت نظاره نیست
گشتی ما فتاده به گرداب ای خدا
یك ناخدا که بر کشدش بر کناره نیست
بیچاره نیستم من و در فکر چاره ام
بیچاره آنکس است که در فکر چاره نیست
ای گول شیخ خورده قضا وقدر مطیع
برتاق جفت وخوب بود استخاره نیست
احوال من نموده دل سنك خاره آب
آخر دل تو سنك تر از سنك خاره نیست
من مدعی عشق ونك این قلب چاك چاك
در دست من جزاین سند پاره پاره نیست

« عشقی »

حماقت آدمی

بوالو شاعر گویای مغرب
حکیم بخرد دانای مغرب
دراین نکته چه خوش راند این سخن را
که بین خوش آنداز آن نکته من را
که اندر بحار پایان جرائی
و یا ماهی و مرغان هوائی
ز هر تیره گروه نسل حیوان
ندیدم ابلهی مانند انسان

...

عشق وطن ایرانیان

عشقی بخدا همانکه میگفت خدای
ازعشق وطن سرشت آب و گل من
چون کابدش ز پای تا سر دیدیم
عشق همه چیز داشت جز عشق وطن

« عشقی »

(۱) بفتح الف حرف نداست

این ادبیات درشماره (٤) طبع شد ولی چون حروفش خوانا نبود بخواهش بعضی ازخوستان دراین شماره باحروف خوانا تکرار گردید .

ـ حبوت حکیم ـ

سزد ای شام چرخ تیره وش وقتی سحر گردی
نه هرشام وسحر ای تیره گردون تیره تر گردی
چه ظلم است این ندانم آسایش آسودگان خواهی
پی آزردن آزرده کنی شام و سحر گردی
چه عدل است این بکام نیك بختان نوش آشامی
مپس اندر بجسان زشت اختران را نیشتر گردی
چه لارم خفت خوش مادران و تیره اقبالان
که بیخود باعث ترجیح این بر آن دگر گردی
همانا تا رهم زادوه وضع زشت این کیتی
سزد ای چشم تا بینا شوی وی گوش کر گردی
گناهت ای کبوتر چیست زین رو آفریدت
که بهرقوت ای خیره درخون غرقه ورگردی
تو هم جان داری وحیوان حی لی گوسفند آخر
چسه باعث گشته قوت جان حیوان دگر گردی
چه نیکو کرده ماوس افسر شاهان شدش شهپر
توای حیوان چه بد کردی که زیر بار خرگردی
به پاداش چه ای مغم به عشرت در سرا بستان
ز غم وا رسته در دریای نعمت غوطه ورگردی
به جرم چیست ای مگس برای وصلهٔ روزی
سحر از درکه در آئی بهر سو دربدر گردی
تو ای طفل دو ساله مرده گردون با مشقتها
چه مقصد داشت آوردت که تا آورده برگردی
پ جز رنج ز مادر زادن و رنجوری مردن
نه خیری از جهان بینی نسه از عالم خبر گردی
چه انصاف است این ای ده خدا دهقان بصد زحمت
به پاداش تخم در آخر تو ارباب ثمر گردی؟
چه نازی ای ترنگر پرخود وبرضرب دست خود
ز زور بازوی مزدور بال ارباب زر گردی
بریزی خون سرخ فوجی ای سردار سربازان
که خود در سایه شادل وصله سرخ (۱) هنرگردی
کنی پاك از زمین نام و نشان فوجی انسانها
که خود نامی شوی پیدا از نشانی مفتخر گردی
به پا از گردش چرخ است ار این دنیای نازیبا
سزد زین نامتوده گردشت ای چرخ بر گردی
از این زیر وزبر کردی بنیان وبن ای گردون
من آن خواهم که ازبنیان وبن زیروزبر گردی
چرا ای بی سر وپا چرخ ودهر بی پدر ومادر
ز مادر مهربان تر دایه بر هر بی پدر کردی
تو خود شرمنده کردی ای زمانه ازشبان روزت
شب وروز از که واقف از جنایات بشر کردی
بشر یك نکته ننگی است اندر صفحه گردن
سزد پاك ای زمین زین دم بریده جانور کردی
ترهم باعنصری شك نیست ازیك عنصری دشتی
چرا تو کرد زر کردید و تو کرد بشر کردی

دیگر ۲۲ ـ ۱۳۲۰

روزگار ای روزگار !

آسمانت فتنه بار است و زمینت فتنه زار
دست زرعت تخم اغم پاش است و شخم دشکار
ای عجب زین تخم کاروا است زان شخم زار
تخم دردل ریخته از دیده وه بد زار زار
وه زقوم ! ای انواع آزرم کار : روزگار ای روزگار !
دشمنی با دوستان و دوستی با دشمنان
هرروی با غافلان وغافلی از همرهان
چیره سازی بد سگالان را بنیکان هرزمان
تابکی با من دنی این چنین چون این کنی
با رقیبانم همیشه یار غار : روزگار ای روزگار !
از عدم آورده ای و می برنم در عدم
زندگی راه مزار است از رحم در هر قدم
اندراین ره فته است و شوروشر وهم وغم
کاشکی دانستمی این نکته را اندر رحم
تا کهی کردم رحم پر عود مزار : روزگار ای روزگار !
خیره و بی اعتبار و رهگذاری بد رهی
هر قدم اندر گذارت زیر پا پایم تهی
تا سزا چرخ از مای گردش مهر وهمی
پرده دار روزگاه وخیمه ساز شب کهی
چون تو ندیدم مداری بی قرار : روزگار ای روزگار !
خوش بودگرتو در یك جاسه بنشینم به داد
تا مدال سازم از تومن جفایات زیاد
بهر تو بایست نی ما محشر و یوم المعاد
تا مجازات خداوند آنچسه می باید دهاد
ای جنایت کرد چرخ بد مدار : روزگار ای روزگار !
شیر را دندان آهوی حزین خوردن چراست
بازرا چنگال کنجشکان پاره کردن چراست
زانه سازی پس آخر در پس مردن چراست
تاسزا این عادت آوردن و بردن چراست
ای مبانه بی خانه بی اعتبار : روزگار ای روزگار !
از چه روی شریر و بازدا چنین افروختی
کز شرار آتشش قلب جهانی سوختی
و زچه عنقا را اب آزاد گفتن دوختی
این قدر گفتار سوزان در دلش اندوختی
روزگار ای تیغ کم ناکردار : روزگار ای روزگار !

(۱) و له رخ عبارت است از آرا مثل صت که پس از اخذ شان در سینه می آویزند

از ادبیات فرانسه

یک نهر کوچک

نهر کوچکی از چشمه قشنگی که پهلوی کوهی واقع بود جدا شده سرازیر گردید پس از قدری جست و خیز های شنگول در آبشار ها که لازمه عهد طفولیت او بود حرکت خود را آرام تر و عاقلانه تر دید در این وقت متفکر شده علت خلقت خویش را تجسس میکرد دسته از گلهای را بالای خود واژگون مشاهده نموده که از وزش باد های بهاری در حالت طرب وشادمانی بودند. با خود گفت «این نوری است که از آسمان فرستاده شده تا مرا آنچه بخواهم بفهمم مکشوف داشته هادی راهم باشد.»

«... ولی گلها بزودی ازنظرش محو شده نهر کوچک را بیش از بیش دوچار حیرت گردند ودر این حال عقیده اش را طبعاً رها نموده سپس ابر کلی رنگی رادر هوا معلق دیده که عکسش در آغوش وی پدیدار است و فوری فریاد بر آورد که این علامت بهشت من است لیکن این حال هم دوامی پیدا نکرده باد آب نهر را به حرکت انداخته موجهای قشنگ کوچکی روی آن پدیدار ساخته عکس ابرهارا ناپدید نمود بعد از آنکه نهر بحال خود آمد ابر ها گذشته بودند و در اینجا شاخ نیلوفری را روی امواج خود دید که خود نمائی می کنند در حال گفت اینک منتهی امل و مقصد من ظاهر شده باید این فرشته قشنگ مواظبت مرا نموده در آغوش خویش پرورشم دهد. اما افسوس که آن نیلوفر هم فوری پژمرده شده خود را پس از شکستن درهم پیچیده نهر بیچاره بحال خود همی رفت که تا که بمحلی رسید که مردم با سنگهای سخت جلوی راهش را گرفته براه دیگری که از تنگنای سخت پرخطری بروی چرخ آسیائی میرفت هدایتش کرده بودند.

در این وقت نهر با خود گفت پس معلوم است من برای این جان دادن آخرین خلق شده بودم!! ولی پس از چند حرکت و جست و خیز های وحشیانه دوباره براه خود افتاده آرد به همی رفت. در اینجا ماه با شکوهی تمام پدیدار گشته واز بارش اشعه نقره خود سرتا سر نهر و کوه و بیابان را منظره فرح انگیزی بخشوده بود. نهر از مشاهده این حال با خود گفت چقدر سعادتمند وخوش بخت هستم که اطرافم بایک حالت نورانیتی نمایان است.

اما ماه کم کم از نظرش محو شده ستارگان با یک نمایش روح بخشی روی کار آمدند.

آبشار ها عکس آنهارا برداشته منظره خورده مرمر های درخشانی در آغوش خود ظاهر می ساختند که این حال هم دوامی نکرده ستارگان غروب کردند

آخر الامر شاعری که در کنار این نهر راحت نموده میگوید:

ای نهر شیرین من، چه عمر خوش را تو میگذرانی، چه گلهای قشنگی اطراف راه سرشار تو گردن اطاعت کج نموده. چه ابر های کلی رنگ خوش نمائی راکه تو در خود منعکس داشته‌ای چه نیلوفرهائی را پرورش داده و چه ستارگانی که قبل از غروب خود خفایای طبیعت را برتو مکشوف ساخته اند!

بعلاوه تو چه کار های شجاعانه بزرگی هم کرده چه چمن های خرمی را آبیاری کرده که از پرتو تو با دانه های قشنگی که انسانی را بهترین تحفه ایست از وزش باد در تموجند. با مهر فروزان همدست شده غله را می رسانید. و وقتی که بحد رشد رسید آنرا کمک میدهید تا نان بشود فقط برای یکی دو فایده و بهر موسائی خلق شده بلکه برای تمام آنها

ای کاش عمر من بهمین طور درجهان دارای شادمانی های مختلفه بوده کمک خود را بدیگران دریغ نمیداشتم ولی کاش ای نهر قشنگ اضطراب دریا های عمیق را که من و تو بسوی آن شتابانیم نداشتیم.

باقر اسکوئی زاده (نوزاد)

ادبیات منثوره

یک خواب هولناک

در اطاق ساروجی رنگی که هوایش بسان بخار گوگرد است هستم - کف آن رطوبت مایل بقهوه - درب مدخل ازحلبی سیاه روکش شده - یک روشنائی زرد مرده رنگی از دریچه دیوارش - که از آن میلهای زنگ زده آهنین رد شده در آن می تابد در گوشه اطاق تخت خوابی بسان تابوت گذارده اند که در روی آن لحافی از قدک آبی دوتا افتاده. در پای آن تخت آبخوری کلین چرکینی - و در روی پاره آجری یک قرص نان از نمونه - نانهای جوین قحطی ۱۲۹۷ با تیکه پنیری مثل سوخته دغال سنگ نهاده اند.

اینجا کجا است؟ در این سیاه چال چرا افتاده ام؟ حالتم مثل حال اشخاص تب دار - دهان از تشنگی خشک و تلخ از دریچه سر می کشم تا بیرون را ببینم. یک محوطه قیری رنگی که دیوارهای بلندش گوئی از سنگ خارا ساخته شده - چه منظر هولناکی چه مکان هراس آوری.

آبخوری را بدست گرفته بدهان رسانیدم - یک مایع نیمه گرم غلیظی دهانم را گرم کرد. با ناامیدی و وحشت خویش را بروی چهار چوبه انداخته. چند نفس طولانی کشیده. در چهار موجه دریای سیاه خیالات غوطه ور شدم.

چه سکوت پرخوفی. چه حال تباهی عالم که در نظرم تیره است تار تر میشود. اهریمن تاریکی گویا گریان خبر افتادن شب را می دهد. فضای اطاق تاریک شد - شب آمد - در تاریکی سیاه زندان هیاکل وحشت آور تصورات مجسم میشوند.

ناگهان درب بد صدای زندان صدا کرد یک روشنائی زرد سیاهی اندرون سیاه چال را روشن نمود. هیکل پیر مرد زندانبان با لباس پشمین قهوه رنگ که کمر پاره چرمی بر روی آن بسته. با شلوار قدک خاکستری و گیوه کهنه هائی که در سرپنجه اش بند بود - و کلاه پوستی خاک آلود نمایان شد.

زندانیان با موهای قفل نمکی رنگ ژولیده — کوری چشمان — و تمام صورتش را فرا گرفته پیش می آید . و با چشمهای ریز نگه دارش که در زیر ابروان پنهان است باطراف می نگرد . بجلو تخت خواب رسید . خم شده آبخوری را بدست گرفته، بازنخی جنبان و دهانی گوش کنان — که گوئی چیزی نشخوار می کرد — آنرا تکانی داده . از بودن . مایع زقوم مزه که خاطر جمع شد بزمین گذارده بپا ایستاد . و با آستین دست چپ . آب دهانش را که تا بروی سبیل و زنخ رسیده . وبا آب دهن لجن زاری شده بود . پاك کرده دستی به خورجین حمایل نمود — قرص نان — و پنیر سیاه را تجدید کرده تکانی بخود داده باقدم های سنگین سرفه کنان بیرون رفت درحالتی که پرده سیاهی از دود نفط — از دنبالش بجای می گذاشت .

من که نیم نفسی بیش ندارم صدای ضربان قلب بگوشم میرسد چندی نگذشت که نفسم بشماره فتاد — روح از قالبم نزدیك است پرواز کند — گوئی نفسم بسینه ام رسیده چشمم را برای آخرین دفعه باز کردم

در تمام سقف زندان ابر سیاه مواج بد بوئی . که از دود چراغ نفطی احداث شده . موج می زند . و از خود دانهای ریز منجمد سیاهی می ریزد — هوا غلیظ بسان روغن چراغ اتمام قوا چنانکه اشخاص محتضر بکمك می طلبند بمدد خواسته تکانی بخود داده از روی تخته خواب بپا خواسته خویشتن را افتان وخیزان . بدم دریچه رسانیدم . که شاید از هوای بیرون استمداد کنم . همین که چشمهایم باندرون حصار زندان افتاد دیدم درلوحه مشمائی سیاه رنگی که گوئی برسر درب آن مثل بیرق افراشته اند این کلمات بامرکب روشنائی دهنده (فسفری) نوشته شده بود .

زندان ابدی برای انبار داران

سال ۱۲۹۷

هراسان از خواب جسته . دیدم خدمهٔ که در اطراف اطاق خوابم خوابیده بودند باطاق خواب داخل شده علت نعره زدن مرا می پرسند . تا چند لحظه که بی حال بودم بعد که بحال آمدم — با آنها جواب دادم . از احتکار ۱۲۹۷ شرمسارانه روی بدرگاه پروردگار آورده توبه کرده عهد کردم که فردا از تمام هستی خود بقدر مایحتاج برداشته بقیه را بمصرف مدرسهٔ برای اطفال یتیم بی باعث وبانی برسانم

صارم السلطان درخشان

بیچاره سید اشرف

ای محیط بی وفا و ای جامعهٔ قدر نشناس هیچ سئوال نمی کنید آنکه تقریباً از ده سال باین طرف همه هفتهٔ موجب تفریح و عشرت دماغی شما بود چه شد . کجاست ؟ هیچ جویا نمی شوید ان بیچاره و شور بختی که کنج مدرسه صدر در یك بینوله کهنه آجری روی یك حصیر زیر خشن و زیر یك پلاس کهنه کثیف دربرابر یك سفره فقیر نان خالی نشسته بود ، در حدود عقاید خود برای خدمت بافکار شما مردم بی وفا بیانات خود را در لذه مزه مرغ و فسنجان منتشر میکرد چه برسرش آمد ؟

باری همان بخت برگشته که برای وصله پینه کردن کیسهٔ جمجمه شما ها . . یك عمر زحمت کشید . بالاخره شدت زحمت شیرازهٔ کیسه جمجمهٔ خودش را ازهم پاشید و عجالتاً برای وصله پینه کردن آن به دارالمجانین شهر نوکسیل داده شد . اینست عاقبت خدمتکاران فکری بی مزد شماها . بلی هیچ یك از افراد این جامعه فاسد شایستهٔ نفرین دیده نشد که اقلا برای احوال پرسی این خدمتکار بی مزد رفته با تقدیم یك دسته گلی کم قیمت بدین بی پرستاری که در راه آبادی عقل آن ها عقلش خراب شده اظهار قدردانی نماید

مدیر نسیم شمال آنقدر مدرسه صدر بر سر سفره خالی و نان خشك سختی وبد بختی دید تا دیوانه شد و یك نفر از این اشرافی که روزی چند من برنج از سفره زیاد مانده را بدور میریزند و برای سنگ های سفید و سرخ و سبز (الماس و یاقوت و زمرد) هزار ها تومان ترك می کنند دست این بیچاره با عزت نفس را که ممکن نبود بی دعوت بجائی برود نگرفت تا این گوهر گرانبهای خلقت و زبان شیرین طبیعت ضایع و فاسد گردد .

اگر از من بپرسند سید اشرف و سید اشرفها از روز اول دیوانه اند که قدم در راه این جامعهٔ بی وفا میگذارند

قرن بیستم

طبیعت همواره در ترقی است و کاروان تمدن بسرعت برق پیش میرود وهرساعت برعظمت و وسعت و علو مقام خود می افزاید . حجاب جهل و ظلمت از نور علم و معرفت زایل میگردد پشته ها توده های موانع همواره محو میشود کوهها در برابر عزم آهنین بشر خاضع می گردد سلاسل طبیعت و کند کمند مجهولات نزدیك است بشر را رها کرده وروزی خواهد رسید که انسان از محیط خود هم تجاوز کرده بتوقیع منیع و سخر لکم الشمس والقمر مباهی وسرافراز گردد و باکرات و عوالم دیگر رفت و آمد نماید .

سعی وعمل تنها موجب عظمت است انسان ساعی وجاهد سزاوار تعظیم وتحسین است جوینده یابنده است بخل در مبدأ وجود ندارد

طنطنه و اهمیت بشر ارکان طبیعت را متزلزل ساخته وقوی آنرا استخدام نموده پس ازفراهم آوردن کلیه وسائل ولوازمات زندگانی و آبادی دنیا بشراززمین میخواهد درفضای لایتناهی برای کشف رموز واسرار خلقت پرواز نماید .

آری دنیا پیش میرود طبیعت منقلب میشود اساس زندگانی تغییر میکند تمدن و بنی نوع ما ازمرتبه جماد و نبات وحیوان و آدمیت گذشته و مدعی جنبه آسمانی و

ملکوتی هستند ودنیا در قرن بیستم میرود با سموات رابطه پیدا کند — اما

تنها یك گوشه دنیادریك محیط تاریك قطعه زمینی یافت میشود که بکلی از این هیاهو دور وبی خبرند هنوز حس جمودت در آنجا باقی است و درتعقیب یك آتش فشانی نورانی در امتداد قرون وسطی باز بحال برودت و ظلمت عودت کرده مردمانش چون قرون اولیه باقی و بعادات عهد حجر زندگانی میکنند اراضیش لم یزرع معادن و مخازنش در زیر تودهای خاك مدفون پشته های ناهموار سنك وخاك خار و خاشاك درتحت اشعه آفتاب سوزان درطرق وشوارعش مانع عبور و مرور اند هنوز قسمتی از ساکنانش چادرنشین و برخی دیگر درشهرهای کوچك خانهای محقر مستغرق در هوای مسموم با چهره زرد ضعیف و اندام باریك نحیف افسرده پژمرده و راه ازعالم صورت بمعنی نبرده بی خبر ازکمیت وکیفیت لذائذطبیعت امرار حیات میکنند — اینجا کجاست

وطن فردوسی سعدی خیام است وطن اولادان سیروس کسری شاه عباس نادر که فقدان سعی وعمل آنها را بدین حال تباه انداخته .

بالاخره واضح تر ایران منبع تمدن شرق که قرنها دنیا را بنور علم و معرفت آراسته بود

آری ایران حقیقت را باید گفت و نباید نهفت حق تلخ است اما میوه های دیر رس آن شیرین و پرمنفعت است — ما ایران وطن عزیز خود را دوست داریم و نمی خواهیم چون فرزندان ناخلف فریفته نشریات عناریت تمدن و جوفروشان گندم نما حیثیات خانوادگی را پشت پا زده راضی شویم که دشمن بنام آبادی ملك ما بخرابی کوشد اما خود عیوبات را با نظر دقت دیده و درصدد رفع آن برآئیم بهتراست تا دیگران در موضوع معایب ونواقص ما کتاب ها تالیف کنند و درصحنه تیاتر در سالون ها ما را اسباب مضحکه و ملعبه قرار دهند —

اوضاع ایران ازهرحیث بادنیای متمدن قابل مقایسه نیست و بهیچوجه نمیتوان راه پیوند وموازینی برای سنجش آن بدست آورد زیرا فاقد تمام وسائل این قرن درخشنده است .

ایران درقرن بخار تلگراف بی سیم الکتریك راه آهن تحت البحری نمیتواند با ذری کجاوه الاغ قاطر شتر با سفاین برق وبخار و ماشین طیاره که جو هوا قعر دریا روی زمین سطح آب را میدان جولان خود قرار داده و ملیونها خروار مال التجاره وهزاران مسافر را از مسافات بعیده در مدت کمی حمل و نقل میکنند مقاومت و در برابر توپ و تفنك شمشیر و سپر بکار برده پس باید در صدد تهیه زندگانی این عهد بر آید و نواقص خود را مرتفع نماید .

ایران باید در قرن بیستم اشیائی را که قابل چیدن در برابر مغازه های نیانیست دور بریزد و متاع مناسب عصری عالی راخریداری کند و از چیز هائی که در این عصر باید از او دوری کرد پرهیز نماید .

در قرن بیستم در دنیا فکر خیال الفاظ بمقام عمل در آمده حروف فعل می شوند جامد مشتق میگردد .

جهل و بی علمی سبب خفت وعلم موجب شوکت و عظمت است تعلیمات برای عموم اجباری و در میان ملیونها نفوس بی سواد کمتر یافت میشود لغات غم — اندوه ضعف ناتوانی — اقبال از قاموس دنیا محو شده و کلمات قماق آمیز — خداوندگار — ولی نعم — پیر غلام — چاکر جان نثار — سگ آستان — عبد شما — قربان خاك پای مبارکت گردم و . . . و از دفتر منشات محو گردیده و در کتاب اخلاق بر گرد فصول رقبت و بندگی اسارت کبر ونخوت عزیز بی جهت خط بطلان کشیده شده است .

در قرن بیستم کسوف خسوف از وضعیات عادی طبیعی است قوس و قزح از تابش اشعه شمس در بخارات است و عکس سرخی و سبزی کوه قاف نیست تیر و کمان رستم هم در آسمان کوبیده نشده طلسمات — جادو — تفال تطیر — جن — دیو — پری — همزاد تأثیرات خودرا پس گرفته اند و متعهد شده اند که دیگر در امورات زندگانی بشر مداخله نکنند .

و زمین هم سنگینی خود را ازروی شاخ گاو برداشته و در روی هوا متحرك و بچیزی تکیه ندارد و گاو هم ماهی را به مناسبت عدم سختیت مرخص کرده سیمرغ از کوه قاف پرواز کرده و محقق شده است که مس در بوته ها طلا نمی شود و کیمیا علم شریف شیمی است و جناب درویش برای جلب نفع دروغ می گفته و خانواده ها گدا میساخته .

در قرن بیستم تجرد رهبانیت مفت خوری ممنوع است مسموم را با حصیر مسجد معالجه نمی کنند و نرله سر را بانی و ابریشم نمی بندند و حمام رفتن خانه ساختن و غیره نباید موکول به اجازه آقایان منجمین شود در قرن بیستم بهترین اماکن و باغات گردشگاه عمومی است قهوه خانهای کثیف پر دود پر خاکستر عفن مملو از چرس بنك وافوار جای استراحت نیست — در مهمانخانها و سیرکها و محافل عمومی بجای تماشای قامت حسین کرد . و بیراز خان و نسیم عیار و استماع خطابه اما راویان اخبار و طوطیان شکر شکن شیرین گفتار چنین روایت کرده اند . . . که زد مثل خیار تر او را بدو نیم کرد . مجلات و جرائد قرائت میشود و در تفریح هم استفاده های علمی حاصل می شود .

درقرن بیستم در دنیای متمدن منتظر فرا رسیدن عمر نیستند و هر دقیقه از بیکاری بساعت نگاه نمی کنند — اوه شش ساعت دیگر بغروب داریم روز ها چقدر بلند است و از بی حوصله گی و فلاکت از زندگانی

سیر نمی‌شوند و مرگ نمی‌خواهند و میگویند
مرگ اگر مرد است گو نزد من
تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ

زیرا میدانند وقت خیلی گرانبها و موجودی که نتیجه گردش افلاک (کرات سماوی) و مرور قرنها سالها ماهها شبها روزها ساعات دقایق است بیهوده خلق نشده و باید بقدر سهم خود مجهولی را معلوم کند و اسمی از خود در صفحه روزگار بیادگار گذارد. زیرا نام نکوست حاصل ایام آدمی

در قرن بیستم - ادبیات دارای یک طراوت و لطافت و مجسمه حقایقند و به آسمان - زمین - شمس - قمر - مشتری زهره - سرو - صنوبر - شمشیر - خنجر نیزه - سپر قامت معشوقه و ممدوح را تزئین و آئینه بندان نمی کنند و خروارها شکر - قند نمک را برای شیرینی و ملاحت او صرف نمی نمایند - زیرا حاجت مشاطه نیست روی دل آرام را - و محبت و عشق واقعی و صمیمی است و شکایت شب هجران میمیرم از این غم - بیا جانا مکش ما را دیگر مورد استعمال واقع نمی شود و برای دیدن معشوقه بجای سیک پاسبان نمیروند تا در آستان دوست راه بیابند.

در قرن بیستم کفایت شرط ترقی است برای تحصیل معاش سعی و عمل لازم است کار موجود و مانع مفقود - دیگر خون دل خوردن تملق مدح گفتن تو سری خوردن بر در ارباب بیمروت دنیا رفتن و منتظر خواجه بودن مورد ندارد و کار کردن خر خوردن یابو هم در ضرب المثل دنیای متمدن نیست و هر کس از عمل خود بهره میبرد

محمد جناب زاده

اگر من اقتدار داشته باشم و این آرزوی من در حدود مکان باشد سرتاسر صفحه این مملکت را می تراشم و یک ورقه آبادی ساخت فرنگ از شهر و قراء و خطوط آهن و غیره بر روی صفحه گران تا گران این سرزمین می گسترانم «عشقی»

موازنه شرق و غرب

کی میرسد به غربی شرقی سست عنصر
آن برترین سوار است وین بر الاغ واشتر
او مرد راند عاقل وین ساده لوح جاهل
او قلچماق و پر زور وین ناتوان و بیزر
این عاشق خرافات آن طالب حقایق
این بیخیال و غافل آن صاحب تفکر
حاجی و مشهدی نیست با کنت لرد همسر
او منعم توانگر این مفلس جلمبر
آن یک چو شیر جنگی چالاک و چست و چابک
وین یک چو کرم خاکی مسکین و سست عنصر
او منهمک شب و روز در علم و صنعت و فن
وین دارد از جهالت از علم و فن تنفر
آنرا ز راه کوشش شد بحر و بر مسخر
وین از ره بطالت شد آلت تمسخر
آن از ره تجارت شد صاحب تمول
وین از طریق غارت جیب و بغل کند پر
او در فلک کند سیر با کشتی هوائی
وین ایستاده یک جا چون خر بپای اخور
او را بود بمیدان توپ و تفنگ و شمشیر
وانرا بود به ایوان وافور سیخ و انبر
ای شرقی سیه بخت تا کی زخود پسندی
در وادی ضلالت داری همی تفاخر
چون ظالمان عاجز تا چند می فروشی
بر ظالمان تواضع بر عاجزان تکبر
فکری بحال خود کن کاحوال پر ملالت
شد باعث تأسف شد موجب تأثر

بدیع

قسمت تفریحی

القاب در ایران

طلا گران و کم یاب است برای آنکه کمتر از معدن استخراج میشود آهن ارزان و فراوان است برای آنکه زیاد از معدن استخراج میشود خلاصه بقول معروف هیچ ارزانی بی علت و هیچ گرانی بی حکمت نیست ولی القاب که در ایران بحد وفور است باید فهمید که حکمت زیادی و ارزانی آن چه بوده.

در صورتیکه فقط لقب امتیازی است که از طرف دولت باشخاص در مقابل خدمات مهمی داده میشود که سبب تشویق دیگران شده هر کس بکوشد که خدمت لایقی به دولت و ملت خود نموده دارای مفاخری گردد.

اما امروزه شیوع بسیار آن اصل قضیه را از میان برده و ما را معطل گذاشته است که برای این علت چه محملی قرار دهم

خلاصه القاب نه معدنی است که بواسطه زیادتی استخراج آن ارزان شود نه کاشتنی است که دیم آن بهتر از آبی شده یا بواسطه کم و زیاد دادن رشوت سبب زیادی و ارزانی گردد.

بنا بر این هیچ جهتی برای تنزل و زیادتی آن نمی توانیم فرض کنیم جز آنکه داخل در بحث شده بگوئیم فی الحقیقة ترقی کنندگان زیادند که موجب زیادتی القاب شده و یا آنکه القاب تنزل نموده که هر کس برای خود یکی را انتخاب مینماید.

خلاصه در این دو فقره مردم و هیچ کدام این ها را نمیتوانیم انتخاب کرده لذا بقارئین محترم واگذار نموده خداحافظ میگوئیم.

ش. ع. خلیلی

رکارلکی

زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد

این مثل را به یکی از حکما نسبت می دهند که وقتی از اشپز خود بهترین غذا ها را خواست که برای وی ترتیب دهد اشپز چند قطعه زبان گوسفند را طبخ کرده بسفره نهاد فردای آن روز مجدداً از اشپز بدترین غذا ها خواسته شد باز چند قطعه زبان را پخته سر سفره برد

خلاصه بدترین چیز ها زبان و بهترین چیز ها زبان است

من مدتی بود که این مصرع وادرخاطر داشته ومعنی آنرا نمی فهمیدم که زبان سرخ سو سبز می دهد بر باد چه معنی دارد تا اینکه حکایت ذیل ترجمه آن را بمن فهماند که :

شخصی از بزرگان شبی از پشت خانهٔ جولائی عبورش افتاد درب خانه جولارا باز دیده و یك صدای ضعیفی از آن می شنید این خانه همان رکاوکی معروف است که حکایات شیرین باو نسبت میدهند

شخص عابر خیال میکرد که بازرکاوکی چه چیز خوش مزه را پیدا کرد تعقیب می کند حس کنجکاوی بر نش واداشت که بطور آهسته داخل شده وصدا بشنود خلاصه از پنجره اطاق تماشا نمود که رکاوکی باز چه را می بافد و دائما می گوید خدایا مرا ازشر زبان حفظ کن!

چند روزی گذشت شخص بازرگان درخانه یکی از امراء حضور داشت رکاوکی را دید بقچهٔ زیر بغل داشت وارد اطاق شده و بقچه را در مقابل امیر بزمین نهاده گفت تقدیمی شایانی تهیه نموده بحضور مبارك عرضه می دارم

امیر امر نمود که بقچه را باز نمایند در آن میان یك قواره شال بود که برنك مشکی با منتهای دقت و لطافت بافته شده بود امیر واز این تقدیمی بسیار خوش آمده از اطرافیان می پرسید که واقعاً شال نفیسی است اما بگوئید که برای چه خوب است هریك از اطرافیان به مناسبت چیزی میگفتند یکی می گفت برای پرده خوب است دیگری اظهار می داشت که برای رومیزی قص ندارد یکی دیگر می گفت اشهد بافته برای روپهٔ لحاف منتهای مناسبت را دارد خلاصه هرکدام بسلیقه چیزی می گفتند تا اینکه همه گفتند ازرکاوکی می پرسیم که خودش بافته و مصرفش را بهتر از هرکس میداند رکاوکی از این سئوال اندکی بفکر رفته سر بزمین افکند مجدداً که ازوی پرسیده شد سر برآورده گفت : زبانم لال بری روی جنازه جناب امیر از هر چیز بهتر است امیر از شنیدن جواب فوق العاده متغیر شده

امر داد که مادام العمر بحبس اندرش سازند .

شخص بازرگان که ناظر واقعه بود جلو آمده عرض کرد که این شخص تقصیری ندارد مدت زمانی است که مشغول بافتن شال بوده در یك شبی که ازپشت خانه‌اش عبور میکردم صدائی بگوشم رسید خوب که گوش فرادادم دانستم که رکاوکی است و دائماً درحال بافتن شال میگوید خدایا مرا از شر این زبان حفظ کن من همیشه منتظر فهمیدن این مطلب بودم آنواقعه امروز پیش آمد و این بیچاره ازدست زبان نالان است وازامیر خواهانم که مرخصش فرموده ازحبس وتبریش صرف نظر فرمایند

س . ع . خلیلی

هر چه بمن امیرسد زدست زباست
جان من از دست این زبان بلب آمد

« عشقی »

ملك و میش

بدیدم یکی طفل شیرین زبان
که دردست دارد یکی قرص نان
ملك خانه آنزمان زدستش ربود
بخورد وبخوابید و لختی غنود
بخندید طفلك تعجب کنان
بملك گفت ای مرمرا پاسبان
تورابهر حفظ من آورده اند
تو را دفع حق من کرده اند
تودر خانه بر من تعدی کنی ؟
برونت کنم تا تکدی کنی
یامخ چنین آن زبان بسته گفت
که من هیچ ناخورده ام نان مفت
مخوان مرمرا خائن دزد خود
که من از تو بگرفته‌ام مزد خود
کنم پاسبانی تو را روز وشب
برنجی چو یك نقمه گردم طلب
نه بینی جراموش را در نهان
که می زحمت میخورد آب ونان
خطا بر من از نقمه قابیدنست
ولی موش در کار چابیدنست

صادق بروجردی

(در تعقیب رساله وی)

اراءه دلائل لزوم تربیت و تربیت دختران

در این صفحات که بقرائت مندرجات شمارهٔ اول مجله قرن بیستم کامیاب گردید موضوع مقاله روسیان ری را که از اثر قلم و تراوش فوق مرشار شاعر شهیر و مدیر محترم مجله قرن بیستم آقای میرزاده عشقی است بی اندازه جالب دقت و قابل تمجید و تشریح دانسته مصمم شدم که از نقطه نظر حفظ ناموس عمومی و جلوگیری ازاعمال زشت بعضی ازموضوعات مهمه اساسی را که باعث این قبیل عملیات شده ذکر نموده و محض انتباه عامه راه علاج آن را نیز بیان نمایم زیرا سرمنشاء تمام مفاسد اخلاقی جوانان و باعث انواع بدبختی هموطنان بخصوصاً مکنه طهران شیوع شهوت رانی بوسائل غیر مشروعه است و علت اصلیه آن عدم مواظبت در تربیت دختران ها و اهمیت نگذاشتن بحیثیت اجتماعی نسوان است ضمناً باید متذکر بود و انصاف داد که در شیوع روسپی گری فقط و فقط تقصیر متوجه زنان نمی شود بلکه حقیقت این است که ازجهاتی تقصیرات عمده بامردان است

(۱) — علت اینکه در تربیت و تکمیل احداث و ترقی عالم نسوان با وجود نص صریح طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمه

که مهمترین موضوع حیاتی محسوب میشود ازطرف رجال بی نهایت مهمل فکاری شده و بطوری که شایسته قرن بیستم و سزاوار یك ملت متمدن و زنده است کوشش و همتی نگردیده و چون اول

مربی طفل مادر است و عادات و اخلاق خانواده گی و خوی مادر در اطفال باقی مانده و کاملا موثر است لهذا از مادران بعلم و نادان دیروز غیر از فرزندان جاهل امروزه نباید توقع داشت هروقت مادر ها بوظائف خانه داری و پرورش اطفال بقانون علمی آگاه شدند در این موقع می توانند نوباوگان ودو شیزگان تربیت شده وخوش اخلاق برای هیئت جامعه تهیه نمایند

پس براشخاص ترقی خواه نوع پرست لازم است که در تکمیل و بیداری نسوان و ازدیاد مدارس بنات که ازهرحیث کامل وقابل استفاده باشد اهتمام نمایند تادختران از روی قواعد اخلاقی ومطابق احتیاجات ملیه ومقتضیات عصریه تربیت شوند دراین صورت از ارتکاب اعمال نا پسندیده احتراز کرده وبقانون طبیعت وشریعت اختیارشوهر نموده واطفال خوش اخلاق که باعث افتخار آنها وملت باشد پرورش خواهند داد

(۲) — قابل انکار نیست بهر اندازه که دختران بدبخت دچار زندگانی تاسف آور میشوند و ازانتخاب شوهر باز می مانند بهمان تناسب صد ها و هزار ها از مردان جوان نیز بواسطه دلبستگی با نان اززن گرفتن منصرف شده و طرفین از تشکیل فامیل ازدیاد نسل و یك زندگی آبرومند و با شرفی بی بهره مانده و گرفتار هزار گونهٔ بدبختی ومرض خواهند شد

دراین موقع هم تقصیر کلی از طرف مردان است اگر چه شك نیست زن و مرد بالطبیعه جاذب و مجذوب یکدیگرند ولی وضعیت اخلاقی و اجتماعی محیط ما طوری است که غلبه و تسلط با مردان است ودر اعمال نیکو یا فعال زشت سرمشق و راهنمای نسوان محسوبند و زنان حتی در امور مشروعه هم اختیاری از خود ندارند و از هر حیث محکوم و مجبورند وبالفطره زنان محجوب تر و با حیا تر از مردانند و دلیل دیگر آنکه چنانچه در حیوانات مشاهده میشود نوع ذکور پیوسته در دنبال اناث است وقوهٔ شهوانیه هم از صفات حیوانی انسان است

پس با شرح فوق معلوم و ثابت شد که مردها بیشتر باعث خرابی زنها میشوند وعکسش کمتر است با این ترتیب هر مقدار که عدهٔ زنان بدعمل تعیین شود لااقل بهمان اندازه نیز مردان فاسق را باید تخمین نمود و نباید تقصیر را متوجه بیك طرف کرد

در هر صورت واضح است که تقصیر کلی با مردان است و هرگاه جوانان در این مواقع پاکدامنی و خود داری نمایند و تعقیب دختران نادان نکنند ناموس روی بانحطاط نگذارده و بر عدهٔ روسپیان افزوده نخواهد شد

(۳) یکی از علل عمده بلکه علت اصلیهٔ فساد اخلاق مردان و زنان وانتشار بی ناموسی اشکالاتی است که در وصلتهای شهرستان موجود است

(دهقانیان از این قیود آسوده و از جهاتی راحت تر و محفوظ ترند)

زیرا نظر به پند پروازی طرفین در اول جوانی و بهترین موقع کامرانی اغراض شخصیه ابوین آنها بواسطه جلب نفع کردن و گران فروختن دختر ها و بدست آوردن طرف پر پول و عدم رعایت تناسب سن و اخلاق وسائل وصال بسهولت فراهم نمی شود تا کار بجا های نازك میرسد وازطرفی اکثر وصلتها نوعی انجام می گیرد که عروس و داماد از حال یکدیگر بیخبر می باشند بلکه آسائی خانوادگی هم ندارند فقط نظر به میل و بوالهوسی یکی از طرفین و با بدتأمین منافع ظاهری واستفادهٔ خویشان دلالهای محبت باصطلاح امر خیری میگذرد و حال آنکه در واقع امر شر بلکه مقدمهٔ صدها شرور است

هزارش ماتم و یك عروسی است — بسا اتفاق میافتد که عروس و داماد درهمان نظریه اولیه یا بفاصلهٔ کمی بعلت عدم توافق افق و حال و جمال از یکدیگر بدشان امده و منزجر میشوند با این ترتیب امر از دو صورت خارج نیست یا بزودی عنوان طلاق در میان می آید و چنین مرد و زنی گذشته از اینکه مبادا خدا نکرده وصلت ثانویه هم مثل اولیه باشد خودشان جرئت اقدام به تجدید فراش نمی کنند دیگران هم آنها را ناسازگار و بی علاقه در زناشوئی فرض نموده و حاضر بوصلت کردن با آنها نمی شوند با این پیش آمد سوء یا خود داری کرده و عمری به افسردگی و بی سروسامانی می گذرانند و یا ناچار بوسائل غیر مشروعه رفع شهوت نموده و در هر حال نفرین به جان والدین و وسائط اولیه میکنند وثواب عملیات زشت آنها هم حتماً عاید روح آن مسببین بد بختی وسرگردانی آنها خواهد شد و صورت دیگر آنکه چنین زن و مردی دندان بجگر گذاشته با کمال بی میلی و دل سردی با هم امرار حیات می نمایند واگر مردمان پاك دامنی باشند از کیفیات حقیقی زن و شوهری بی بهره مانده بانهایت تأسف عمری برزخ طی میکنند و الا تن به بی شرفی داده طرفین یا یکطرف باعمال ناشایسته و امراك مختلفه مبتلا خواهند شد باین تفصیل اولاد و احفادیکه از اینگونهٔ پدر و مادر ها بعمل آید بدیهی است چند درجه از خودشان بدتر و سیاه بخت تر خواهند بود ضمناً هیئت جامعه را هم گرفتار و مسموم خواهند نمود

پس با شرح موضوعات اسف انگیز خجلت آور فرق بر هموطنان عموماً و اهالی طهران خصوصاً لازم است که در مقدمات وصلت کمال دقت را نمایند که طرفین از هر حیث متناسب بوده و بتوانند با یکدیگر با کمال شادمانی عمر زندگانی کنند و به بعضی از تجملات دلفریب بی اساس و شئونات ظاهره گول نخورده فرزندان عزیز خود را گرفتار انواع سختی و بد بختی ننمایند

(٤) — خواندن رمانهای راجعهٔ به عشقبازی دیدن عکسها نقشها و کارت پستال های عریان که مرد و زن باشکال مختلفه گلاویز یکدیگر شده‌اند و بد بختانه دربعضی از خانه های طهران موجود و در نزد اهل کار فراوان است یکی از مروجین و مهیجین عمدهٔ شیوع بی ناموسی وشهوت پرستی است

از صنایع و اختراعات حیرت آمیز مغرب زمین و عادات آنها متأسفانه خودکشی کثرت استعمال مسکرات و این قبیل آثار خانمان سوز شرافت فر باد ده در مملکت

ما رو به از دیاد گذاشته یعنی کلیه نواقص اخلاقی آن ها را تائید کرده ولی از فنون علمیه و اطلاعات عامه انتفعه و اکتساب صنایع لازمه بکلی بیخبر و محروم مانده ایم بر کسانیکه این آثار مضره رازیبت بخش منزل خود نموده اند محض این که اطفالشان باین گونه اعمال نکوهیده گرفتار نشده و شرافت آنها را لکه دار نکنند لازم است این وسائل بد اخلاقی را ازخانه خود دورنموده و جوانان سادهلوح را ازخواندن کتب مضحکه باز دارند مگر این که مایل باشند از متاع فروشی و وجاهت فرزندان دل پسندشان معروفیت و وجاهت پیداکرده و از این مجری استفاده نموده بمقامات عالیه نائل شوند .

۵ ــ از کثرت شیوع فسق ومنهیات فسق و منهیات قبح از اعمال قبیحه و حسن از افعال حسنه برداشته شده بلکه مع الاسف معکوس گردیده است . .

هرکاه کسی در این دوره چندفقه مبتلا بمرض مفاسد و سوزاك نشده باشد حمل برعدم ذوق و ادراك او می کنند ودرعداد زائرین کوچه ها و مستخدمین حساس شهرنو نخواهد شد .

انتشارخیالات کاری و تمام مفاسداخلاقی بملت مذکوره است که فرق و امتیازی در بین خوب و بد نیست ــ از برای علاج این درد باید اشخاص دوست و مهذب الاخلاق را بی نهایت تجلیل و احترام نمود و از نفوس فاسدهو خامله جداً اظهار تنفر وانزجار کرد تا اخلاق کریمه عرض وجود نماید و صفات رذیله از بین رود

۶ ــ فقر و احتیاجات عمومی نبودن وسائل معاش فقدان تفریحات لازمه بودن مخارج ضروریهٔ روز افزون دیدن تجملات مغرب گوناگون که بغیر از وسیله بی شرفی و خیانت کاری بدست نمی آید کی شود اینها مؤثر ازحلال ــ حس تقلید وخودنمائی و بواوسی عدم مانع ورادع ظاهری ومنافات اخلاقی بی علاقه کی به دیانت عمل نکردن باحکام الهیه هریك بنوبه خود سبب اشتهار قبائح افعال شنیعه وعملیات زشت آلوده شده است ــ موجبات فوق الذکر نه تنها باعث عصمت فروشی زنان بیچاره گردیده بلکه بدبختانه در فکین ساختن یك قسمت عمر پسران ساده هم شرکت دارد

انتشار اعمال شرم آور عامل دیگری هم دارد که عجالهٔ محض این که زیاد باعث تصدیع قارئین محترم نشده باشد از ذکر آنها صرف نظر می نماید ــ این زمان بگذار تا وقت دیگر .

ــ نصر الله رستگار ــ

. . .

درکابینه آقای مشیر الدوله تاندازهٔ برای تحدید هدفروسیان ری اقداماتی شد ولیك کابینه های بدتعقیب ننمودند ازکابینه حاضره امید واریم برای این مرض اجتماعی فکر مداوائی فرمایند

ما همچنانکه در شماره اول مرض را تشخیص دادیم در شماره های آینده نیز مفصلا طرق مداوا را شرح خواهیم داد

قرن بیستم

تمنا

از آقایانی که در حق این بنده حسن ظن دارند ومقاله برای درج به این جریده ارسال می فرمایند تمنا دارم که با سخنان ساده همه کس فهم یك موضوع اساسی شایستهٔ درج در قرن بیستم را مورد بحث قرارداده و بیداری و آگاهی عمومی را درنگارشات خود درنظر داشته باشند

[وکنار مقالات مدح این وقدح آن را بعنوان این جریده ارسال فرمایند که مانع این قبیل مقالات رادر قرن بیستم نامناسب می دانیم .]

و همچنین از آقایان نگارندگان مقالات تمنا می شود که از اولین سطر مقاله وارد بحث در موضوع منظوره مقاله گردند و دیباچه مقالات راکمتر به تعریف این گوینده مشغول دارند البته مقصود آقایان تشویق این بنده است ولی روزنامه ایکه همه هفته مملو ازتقریظ و تمجید نویسنده آن باشد چه صورتی خواهد داشت !!!

وممکن است برای تشویق عوض تشبث بکلمات شاعر شهیر ادیب تحریر خداوندکار تحریر و تقریر ونخبه مشاهیر مدیر بی نظیر قرن بیستم مرقوم فرمایند :

خدمت جناب مستطاب عمدهٔ التجار آقای فلان

(ــ مبلغ هشت تومان که عشر صحیح آن هشت قران است از بابت آبونه سال نخستین باداره جریده قرن بیستم به پردازید .)

چه تشویقی بهتر ازاین . . . برای مدیر فقیر ناخوانده درس تزویر از زندگی سیر جریده معطل ومحتاج مانده قرن بیستم قرض می فرمایند .

اخیلی غریب است قریب به هزار و دویست تومان تا کنون برای تاسیس این جریده صرف شده و وجه آبونه ئی که تا امروز واصل گردیده ازقرار ذیل است :

آقای سلطان صادق خان قران ۴۵ آبونه ششماهه

آقای ناصر الساطنه قران ۱۵۰ آبونه دوساله

ولی شاید بوزن یك من سنك شاه مقالات تعریف و تمجید این نویسنده درداره موجود باشد

باری از آقایان مشترکین محترم تمنا دارم در ارسال وجره آبونمان روح افسرده ودل مژده وداغ خوشحه این گوینده راتسلیم ورتعایی فرمایند

ر . م : شفتی

مطبعه رشتیانی

جایزه

جریده گران خوج قرن بیستم رادر بازار و اغلب نقاط دیگر شهر بگرایه میگیرند و میخوانند و هرچه از بچه روزنامه فروشها خواهش کردیم که این بی انصافی وعمل خلاف وجدان را ترك کنند چاره نشد

اینك از معامله کنندگان محترم این جریده تمنا مینمائیم که (بجز اعلان و تقاضا و التماس) اگر وسیله عملی برای جلوگیری این قضیه که در هر هفته مبالغی باعث خسارت ما میشود میتوانند اختراع نمایند کتباً باداره قرن بیستم ارسال دارند که در مقابل آن دواشرفی یك تومانی ویا شش ماه روزنامه مجانی برسم جایزه تقدیم خواهد شد

(دفتر جریده قرن بیستم)

سال دوم دوره دوم شماره ششم

اداره : طهران خیابان اسلامبول

دوشنبه چهارشنبه جمعه

تك نمره ۸ شاهی

۲ شنبه ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۴۱

قرن بیستم

صاحب امتیاز و نویسنده اساسی : ر . میرزاده عشقی

۲۳ دلو ۱۳۰۱ ۱۲ فوریه

ابونمان پیشکی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان

وجه اشتراك

برای محصلین ، کارگران ، و اعضاء اتحادیه‌ها ۵ تومان

قیمت اعلانات با دفتر است

قسمت سیاسی

بقلم یکی از رجال بزرگ منزوی

اعضاء کابینه باید متجانس باشند

هیئت دولت عوامل بزرگ سیاست ان اشخاصیکه روابط داخلی و خارجی مملکت باید در تاثیر فکر انان اداره شود وبالاخره وزراء مملکت باید با یکدیگر متجانس باشند تا بتوانند امور غامضه و مشکلات سیاسی مملکتی را حل نمایند

هیئت دولت در امور سیاسی بقدری باید بیکدیگر مطمئن باشند که بتوان هریك از افراد انان را تقریبا ضامن صحت اعمال سیاسی دیگری دانست

هیچیك از افراد هیئت دولت باید به دیگری ظنین و بدبین نباشند تا موقع کار و عمل بتوانند از افکار یکدیگر با کمال اطمینان استفاده نموده و بسرعت هر چه تمامتر کارهای مملکتی را طرح کرده و بفوریت بگذرانند و در مجرای عمل اندازند

اگر هیئت دولتی با این شروط که تقریبا جزء مطالب عادی است روی کار آمد شکی نیست که امور مملکتی در روی یك اساس محکم و پرنسیب صحیح سیر کرده و بخوبی خاتمه یافته وهیچ وقت ملت گله مند و ناراضی نخواهد بود

یگانه نقصانیکه در کابینه های سابق ایران بطور شدت یا ضعف وجود داشته و بطور کلی علت عدم پیشرفت کارهای سیاسی گردیده است فقدان همان شروط بوده است که بیان نمودیم

اگر نظری به قهقرا یعنی بطرف سیاست وکابینه‌های تشکیل شده سابق ایران از بدو مشروطیت الی کنون بیندازیم بخوبی همین محذورات را که همیشه علت بدبختی های سیاسی ما بوده است مشاهده مینمائیم همیشه دیده شده است که هیئت دولت از اشخاص غیرمتناسب وکسانیکه عقیده سیاسی انها کاملا بایکدیگر متباین بوده است تشکیل یافته و درتحت تاثیر ضدیت فکر و اختلاف نظر کارها را باچشم سهل انگاری دیده و بمجامله و رودرواسی وملاحظه ازیکدیگر گذرانیده وبورطه اهمال و تعویق پرتاب کرده اند برای نمونه اگر یکی از جلسات منعقده در کابینه سپهدار را بنظر بیاوریم بطور واضح مشاهده خواهیم نمود که سه ساعت قبل از ظهر جلسه آقایان وزراء و منعقد و تا ظهر را بصرف چائی و سیگار و مباحثه های طولانی بی نتیجه در موضوعات [illegible] گذرانیده و یکی دوساعت بعد از ظهر بدون اینکه هیچ کاری از پیش برده باشند وفکر چاره برای بدبختی مملکت و ملت کرده باشند سر نهار تشریف برده و پس از یکی دوساعت از سر میز نهار خوری برخواسته اند عصر هم بهمین منوال گذرانیده و دو سه ساعت از شب گذشته از اطاق هیئت و دارالتعطیل که روزنه حقیقی بد بختی این ملت ستمدیده است خارج میشدند

با کمال اطمینان همین یکروز را می توان نمونه و مسطوره صحیح و آینه تمام نمای کلیه روزهای کابینه های سابق ایران دانست مثلا یکی از نتایج شوم عدم اطمینان این بود که هر یك از آقایان وزراء در جلسه رسمی اگر مسئله را طرح وپیشنهاد مینمود سایرین قبل از اینکه وارد در موضوع و جهات مادی و معنوی و صحت و سقم و عملی شدن یا عملی نشدن ان مسئله بشوند فورا اذهان هر یك از وزراء از مطرح بحث منحرف شمرده وفکر میکردند که آیا پیشنهاد کننده چه خیالی کرده واز طرح این مسئله چه مطلبی برای نفع خود یا قصد سوئی برای سایرین در نظر دارد و بواسطه همین بدبینی دست و پای خود را جمع کرده وجز طفره جوئی ومحذور تراشی کار دیگری از انان دیده و حرفی شنیده نمیشد بهمین واسطه رئیس دولت نظر بلزوم گذشتن پاره از مسائل حتمیه ناگزیر از تشکیل هیئت فوق العاده در حضور اعلیحضرت میگردید

فقط برای اینکه اطمینان قلبی برای خود و مشاورین خود در این رویه فراهم کرده باشد

و عملا بسایرین فهمانده باشد که من از طرح بعضی پیشنهاد ها و مسائل جز تصفیه و حل ان ها قصدی نداشته و جز گذشتن ماهیت ان قضایا غرض شخصی دیگری ندارم و طرح این مطلب را مقدمه استفاده خصوصی خود ننموده ام فقط این جهت علت تشکیل جلسه‌های فوق العاده بوده است

و الا در مملکت بی سر و صدای ایران همه روزه جلسه فوق العاده هیچ لزومی ندارد

ماهمه جراید اروپارا مطالعه مینمائیم در سالی یك مرتبه یا دو مرتبه بیشتر در اغلب ممالك مهم اروپا تشکیل جلسه فوق العاده را نمی بینیم با انکه امور دول اروپا خیلی مهم تر از امور دولت ایرانست اینها همه نتیجه عدم تجانس وزرا ست

وعلاوه بر اطمینان بیکدیگر باید اعضاء محترم کابینه دولت بقدریکه عادتا می توان تشخیص داد سلیقه فکری وساختمان دماغی انها با یکدیگر نزدیك متقارب المخرج باشند مثلا یکنفر رئیس الوزراء صالح مثل آقای مستوفی الممالك با یك نفر وزیر مرتجع مثل فرمانفرما واین تیره اشخاص چطور میتواند کار کند

لذا رئیس دولت وان کسی که وزرا و مشارکین فکری سیاسی خود را تعیین و معرفی میکند و سمت رسمیت بانها میدهد باید دقت و ملاحظه جمیع این خصوصیات را داشته باشد

خیلی مضحك است قوام السلطنه ودوره اول زمامداری اش بدوا نیر السلطان را در ردیف ادم کش ترو ها با کمال سختی محبوس نمود بعد از مدتی ایشانرا از حبس ازاد کرده و گذشته از استخلاص فهمیده نشد از چه نقطه نظر و در تحت چه سیاستی بود که مشار الیه را به سمت وزارت فواید عامه و تجارت تعیین نموده و با همان کسی که یکروز چائی ومحبوس معرفی شده وهمه چیز او در تحدید بود روز دیگر برای حل مسائل وشکلات سیاسی مملکتی مشغول مشاوره وتبادل افکار گردید

آیا قوام السلطنه میتوانست چشم داشت صمیمیت و صحت عمل از محبوس و مبغوض دیروزی خود داشته باشد

این است که اغلب کابینه‌ها در ایران عبارت شده اند از شش هفت نفر ازهم ظنین و در نتیجه کاریرا از پیش نبرده اند حتی پاکت های ده ساله در هیئت وزراء مشاهده میشود که هنوز فرصت باز کردن ان پاکت ها پیدا نشده

این است که از نقطه نظر ضرورت باید کابینه حاضر را متذکر شد که یکی از شرائط مهم قوی و کاری بودن یك کابینه همانا متجانس بودن اعضاء ان کابینه است و کابینه حاضره به این اصل مهم باید به نظر اهمیت نظاره نماید

قسمت اجتماعی

کار برای آدمهای تازه

آدمهای تازه برای کار

سوزن گرامافون صفحه اول را خوب کار میکند و آواز گرامافون [illegible] دوم گند میشود و صفحه سوم را خراب می کند رجال دوره اول انقلاب انقلاب را خوب بجا می آورند

دوره دوم غیر کاری وگند میشوند و دوره سوم را خراب میکنند

آنهائیکه پانزده سال قبل فریاد می زدند زنده باد مشروطه مرده باد استبداد بچندین دلیل امروز دیگر نباید در امور سیاسی و اجتماعی دخالت داشته باشند در انقلاب اولی فقط دانستن زنده باد مشروطه و مرده باد استبداد ضرورت داشت ولی انقلاب تکاملی امروزه بعلاوه از تهور دانستن ادویه امراض اجتماعی شناختن طرق استفاده عمومی از موانع و پیش آمد های دنیا دانستن چگونگی مقدمات انقلاب اجتماعی و تکامل و توانستن تهیه آن ضرورت دارد

تازه بودن فکر و قوای [illegible] و مایوس نبودن از انقلاب و فاسد نبودن روح و اخلاق از اهم شروط عناصر و پیشوایان انقلاب و تکامل حاضر برای امروز نیست

متاسفانه نه اشخاصیکه امروز از رجال پیشوایان انقلاب تجدد معرفی شده اند همه از کهنه کارهای انقلاب کهنه مشروطیت وعناصر خسته از انقلاب و مایوس از تکاملند اینها دیگر بدرد پیشوائی وگلانتری جامعه انقلابیه نمیخورند بلکه مضرند انقلاب وقتی ضرورت پیدا میکند که حالت هیئت جامعه علیل و مسموم باشد

رجال انقلاب در حکم همان سوزن انژکسیون سالوارسونی هستند که به بدن یك علیل مرض سفلیس میزنند

سوزن انژکسیون سالوارسون پس از یك مرتبه که داخل شریان آدم سفلیسی شد الوده به میکروب مرض گردید و دفعه دیگر اگر او را بشریان کسی وارد کنند ناپاکست و مضر

رجال یك انقلابی در انقلاب اول نافعند و برای انقلاب دوم آلوده با [illegible] انقلاب گردیده برای انقلاب دیگری مضرند مضر

غرضم این است که بعلاوه از رجال دربارها سلطنت استبدادی تمام عناصری هم که در اثر انقلاب مشروطیت بروی کار آمده اند دیگر بدرد نمیخورند تمام باید عوض شوند و یك عده از آدمهای تازه بروی کار بیایند

تمام ایراد عناصر انقلاب کهنه برما اینست آنوقتیکه ما در مجلس هدف گلوله

اپرا

نمایش تمام آهنگ رستاخیز سلاطین ایران در ویرانه های مدائن

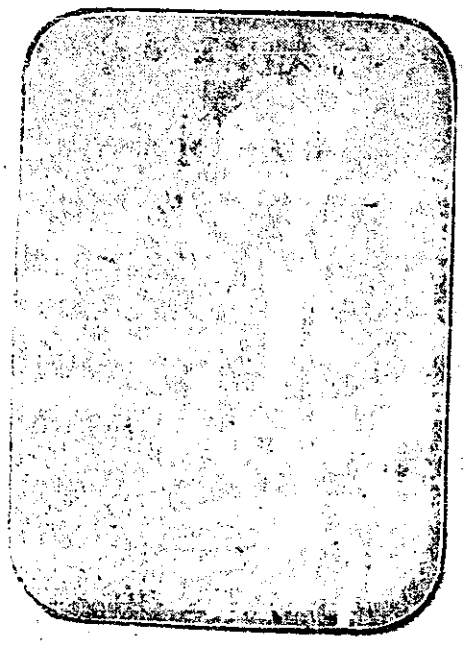

سید رضا میرزاده عشقی

(حق طبع محفوظ ومنوط باجازه مصنف است)

قزاقهای محمد علیشاه بودیم شما کجا بودید ؟

نمیدانم گناه ما چیست که آنوقت بچه بودیم و طبیعت میخواست ما را در مدرسه برای انقلاب آینده این سرزمین به پرور اند

ما بانها میگوئیم بهمین دلیل که شما در سنگرهای مجلس برای استقرار آزادی هدف گلوله بوده اید باید امروز در تکامل آزادی و ترقی دخالت نداشته باشید شما همان سوزن گرامافون هستید که در صفحه اول انقلاب اول کار خود را کرده اید و دیگر کند شده اید

شما دیگر بدرد صفحه دوره تکامل نمیخورید و دخالت شما در این صفحه باعث خرابی آن خواهد شد

شما دیگر خسته شده اید شما مأیوس شده اید آدم خسته و مایوس دیگر بدرد انقلاب و امور اجتماعی نمی خورد یك دسته تازه با دماغ های تازه کار لازم است

و بعلاوه شما فاسد شده اید شما خود خواه و مغرض شده اید همانطور که سوزن انژکسیون سالوارسون یك دفعه که داخل شریان سفلیسی شد آلوده به میکروب سفلیس میشود شما هم که یك مرتبه داخل مبارزه با عناصر مستبد شده اید مرتجع شده اید اغلب شما ها در دوره انقلاب مقدس ترین مقصد را انقلاب میدانستید امروز فاسد ترین عقیده را عقیده انقلابی میشمارید

سر مقاله های روز نامه نوبهار آقای ملك الشعرا (که نویسنده بواسطه جنبه ادبی او باو احترام میگذارد) ده سال قبل اغلب ندای انقلاب و دعوت بشورش بود

نمی توان گفت که ده سال قبل ایشان عقیده بانقلاب نداشتند و انها را مصنوعی می نوشتند چه که اگر مصنوعی بود در قلوب اثر نمی کرد و مکرر امتحان شده عقاید مصنوعی هیچگونه آثاری در قلوب مستمعین ننموده پس باید یقین داشت که نویسنده نوبهار آن ایام واقعا انقلابی و پاك بود ولی چون پنج شش سال متمادیاً داخل مبارزه باطائفه مستبد و مرتجع بودند خود شانهم مرتجع شدند همچنانکه [illegible] سالوارسون دفعه [illegible] آلوده به مکروب سفلیس میشود و دیگر استعمال آن مضر است

این است که عناصر انقلاب اولی از دم بدرد انقلاب و تکامل ضروری امروزی نمیخورند

یك دلیل دیگر هم برای اینکه دیگر نباید عناصر انقلاب گذشته در امور اجتماعی پیشوا باشند ذهن نویسنده را اشغال نموده است و آن این است که این طبقه چون قوانین را اغلب خودشان وضع کرده اند متوقعند که همه کس بان قوانین احترام نماید ؟

ولی خودشان بانها ذره احترام نمی گذارند و اطاعت نمی نمایند انها میگویند که این قوانین مخلوق ماست اولاد ماست انسان چطور از مخلوق و یا اولاد خودش اطاعت میکند

بعقیده نویسنده باید برای بروی کار آوردن آدمهای تازه از این به بعد دامن همت بکمر زده و دراین ایام که انتخابات دوره پنجم نزدیك میشود مردم باید بدانند که عناصر روی کار نیامده جوان خیلی بهتر و مؤثر و مناسب ترند برای وکالت دارلشوری ملی و عناصریکه در دوره های مکرر روی کرسی های مجلس ملی نشسته و جرت زده اند دیگر باید خانه نشین باشد

مردم باید بدانند که رجال دوره مشروطیت و عناصر انقلاب اولی که اغلب امروز در مجلس و دوائر دولتی هستند اینها معلمهای کلاس های ابتدائی مدرسه تجدد و ازادی بودند

اینها دیگر نمی توانند کلاس های بالاتر را تدریس نمایند برای کلاس های بالاتر از کلاس ابتدائی مدرسه تجدد و ازادی معلمین دیگر لازم است که ان ها ادمهای تازه اند

اینها می توانستند الفبای تجدد را درس بدهند ادم های تازه باید بیایند و کتاب های تجدد و ازادی را تدریس نمایند انها می توانستند کلمهٔ مشروطه و ازادی را با گوشها اشنا نمایند ادم های تازه باید بیایند و معنا و اصول تجدد و ازادی را در فهم جامعه بگنجانند

غرض انکه مردم ایران اگر بخواهند از کلاس اول مدرسه تجدد بکلاس دوم بروند باید ادم های تازه را بروی کار بیاورند و این دوره پنجم مجلس را از عناصر تازه جوان و غیر مایوس مملو کنند در این زمینه مقالات مسلسل در نمره های آینده و بنظر قارئین خواهم رسانید

بر علیه وثوق الدوله

آقای نویسنده مخفی درحالتیکه پرده حجاب واختصار را بسر کشید وقلم جنایت کار خود را بدست گرفته از آقای وثوق الدوله دفاع میکنی و در عین حال خود را ذیحق دانسته و از طرفی مقر باستقرار و مسرور از نوشته مندرجه در قانون می باشی

این من که نویسنده مسطور و جملات این مقاله انقادیه میباشم یك نفر ایرانی علاقمند بایران و ایرانی بوده وهستم و چون شما مخفی و مستور هم خود وارد نکرده ونمیکنم و هر زمان هر طور مطالب و بیان حقی بنظرم جلوه گر شود باکمال تهور و رشادت عنوان کرده بهیچوجه از کسی باك و بیمی نداشته و ندارم زیرا هر وقت خواستم بیان یك مطلبی نمایم پیش خود تامل کرده دلائل اطرافش بخاطر اورده چنانچه دیدم حق است بادلائل منطقیه نوشته و چنانچه در قبال آن کسی اظهاری کرده و انصافا حق داشت باوحق داده بلکه تشکر میکنم

اقای نویسنده مخفی نوشتجات شمارا یعنی آن هتاکی ها و فحاشی هائیکه لباس متانت پوشید در حالتیکه بائین و توقیر او را زینت و پیرایه داده بودید و پیش خود تصور کرده بودید طرف مقابل یا حامیان او مردمان بی قابل و اندیشه میباشند و نظریات ترا نفهمیده بعلاوه هتاکی های تو را بهترین زبانی بخود خریده دیگر در مقام دفاع بر نمی آیند خیلی بیمورد تو همی بود که گردید باری آن دفاعات شما را خواندم و سراسرش یعنی آن همه نوشتجات شش هفت ستونی اوراق بلند وعریض قانون را با بقیه دارد دیدم هر چه فکر کردم و تامل نمودم که کدامین جمله از جملاتش دلیل و مدرك برای تبرئه وثوق الدوله و عدم خیانت کاری و برائت ساحت ایشان میباشد نفهمیدم نه نه فهمیدم که شما تصور کرده اید که مردم و توده جاهل و بی سوادند ومیتوان انان را بچند جمله شیرین و رسومات امکین فریب داده خلط مبحث کرد

خیر جناب آقای مخفی نیست چنین مردم فهم دارند شعور دارند چیزی فهمند اینقدرها هم که شما خیال میکنید بی سواد و جاهل نیستند

آقای نویسنده مخفی اینکه می نویسید برای محاکمه فقیه و اصول لازم است بنده وشما حق محاکمه کردن نداریم صحیح است بنده و شما حق محاکمه نداریم اما این را هم بشما بگویم زیرا شما گویا عاری از معلومات فقیه بود فقه و اصول تحصیل نکرده اید و پیش خود میگوئید راجع بهر مسئله فقه و اصول لازم است و راجع بهر امری فقیهان باید محاکمه نمایند خیر

اقای نویسنده اینطور نیست فقه و اصول برای تنظیم امورات انفرادی وتکالیف شخصی هر انسان مسلمان و متدین قانون به اسلام میباشد

واما محکمه و نصاب [illegible] سیاست و سیاستکاران همانا افکار [illegible] نقص وریب عمومی میباشد و بس واوست که میمیرد مشخص خادم و خائن است بلی اوست واوست سیاست دهنده ومجازات کننده سائسین و قائدین قوم و ملت

واما اینکه مینویسد برای خاطر داری (الجواد قدیکبو) ممکن است خطای نظری بوده باشد بنده عرض میکنم بازهم خطای نظری بافکار عمومی راه نمیابد وافکار عمومی منزه و مبری است از هر عیب و نقصی انچنانیکه برافکار و نظریات اشخاص وافراد وارد میشود باز برای اثبات بیان غیر تحقیقی خود مینویسی مراجعه باصول باراء عمومی اهل ظن و بمردم این مملکت بشود شما و رفقای شما در اقلیت خواهید بود

بنده عرض میکنم باز هم اشتباه اینگونه مطالب را هر طفل شش ساله که تا اندازه دارای فکر بوده و کمی بحقوق خود اشنا باشد میتواند این قضیه را قضاوت کرده حل و تصفیه نماید مثلا اگر کسی مالك یك خانه باشد و ناظری هم برای او معین نماید و از ناظر صیانت و حفاظت انخانه را انتظار داشته باشد بعلاوه از نتایج دست رنج خود همه گونه اسباب تعیش و ازادی او را تهیه را اماده کند آنوقت ان ناظر شرایط حقانیت و از دست داده بعلاوه یك شریك ملکی دیگر هم برای او تعیین و درست کند ایا در اینوقت هر با شعور و مدرکی حکم بخادمیت او می کند یا خیانت و عملیات او را از راه خدمت تلقی کرده یا اینکه او را مجرم و خیانت پیشه ومحکوم بزوال واعدام دانسته و حکم میکند

و اینکه می نویسد اهالی قراء و قصبات را اگر از حسن انتظامات وکفایت اقای وثوق الدوله سئوال کنید همه اورا شخص بزرك وکافی وتالی امیرکبیر میخوانند بنده عرض میکنم باز هم سهو واشتباه ساکنین قراست و اهالی دهات وشهر های ایران یك تنفر و انزجار تامی از اقای وثوق الدوله دارند زیرا او اولین حق مشروع انان را بایمال اسیر حرص و از ونظریات شخصی خود کرد زیرا کمترین محل ومکانی بود در ایران که ارا انتخابات و حق قانونی انان بانتخاب اشخاص غیرصالح بضرب چماق و سر نیزه حکام وعاملین اقای وثوق الدوله ازبین رفت عاطل و باطل گردید

و دیگر بالفرض جناب اقای وثوق الدوله شخص کافی و از عهده انتظامات و جلوگیری ازاغتشاش ونهب اموال بیچاره ضعفا را خوب بر آمده اما زمانیکه استقلال ما را برده و کالبد ازادی مارا بسر نیزه تعدی و خیانت جریحه دار نماید ایا باز هم رواست او را خادم دانسته و ستایش کنیم بعلاوه همدر وقرین میرزا تقی خان امیراورا بخوانیم

ایا شخص شما در محکمه عدل وانصاف که ذی رای بوده و حق دارید اظهار عقیده کنید حکم ببرائت ساحت آقای وثوق الدوله میکند وجدان شما هم امضا میکند و دیگر مینویسید قضایای مملکتی درتحت آراء هوچیان ممکن است بعکس نتیجه دهد یعنی خادم مقام خائن و خائن بجایگاه خادم نشیند بلی تصدیق میکنم ولی بشما اطمینان میدهم این چند روزی بیشتر عمر ندارد نتایج و ثمرات عملیات و گذارشات هر خادم و خائنی بزودی واضح و هویدا می شود و پاکدامنی اشخاص خادم در صفحات تاریخ درج خواهد شد ایاشما تاریخ دروغ ایا مدانید ممکن است شما خیال میکنید ضحاك یکی از سلاطین عادل وبا انصافی بود و بعکس انوشیروان جابر و خونریز بشمار آرید مگر عملیات حضرت اشرف اقای میرزا تقی خان امیر کبیر نبود که امروز اسباب افتخار هر ایرانی و ایرانی خواه است مگر حکم عمومی او را چطور محاکمه و چگونه فکر برایش صادر نمیشود او را مقدس و عالی مقدار دانست مگر خود را باو متوجه کرد وما ادم روح مقدسش را بریختن مجسمه و تنظیم اشعار و سرود های گوناگون

صفحه ۲

دیباچه

(اپرا) نمایش تمام آهنگی رستاخیز سلاطین ایران در خرابه های مداین

این منظومه اولین اپرائی است که در زبان فارسی بمعرض نمایش گذارده شده است

مبداء نگارش

این گوینده سنه ۱۳۳٤ درمسافرت ازبغداد بموصل مخروبه بعضی از قصر های حوالی خرابه های شهرمعظم مداین را زیارت نمودم تماشای ویرانه های آن گهواره تمدن دنیا مرا از خود بی خود کرد واین اپرای رستاخیز نشانه های قطرات اشکی است که بروی کاغذ بعزای مخروبه های نیاکان بدبخت ریخته ام

(اشخاص اپرا)

خوانندهٔ اول (میرزاده عشقی بالباس سفر در خرابه های مداین)

خوانندهٔ دوم (خسرو دخت با کفن)

خوانندهٔ سوم (داریوش)

خوانندهٔ چهارم (سیروس)

خوانندهٔ پنجم (انوشیروان)

خوانندهٔ ششم (خسرو پرویز)

امشب در سالون کراند هتل روح رب النوع نظامی جلوه گر خواهد شد و این نمایش

که اثر قلم آقای کسرائی است بتوسط ماهرترین اکتر و اکتریست ها بمعرض نمایش گذارده میشود رل مهم ایران را مادام لوسیا بازی خواهد کرد غفلت نکنید بلیط خریداری نمائید

و درود های بی پایان شاد وخرم کرد

این است محاکمه این است قضاوت

این است قاضی و معلومات لازمه او

آقای مدافع شما خیلی زبر دست و شهاد میباشید شما میتوانید سطور اوراق جرائدرا بابلندرا از افکار و نظریات خود با آن قلم سریع السیرخود پرسازید وصاحب جریده را ممنون عواطف و احساسات قلمی خود نموده و از طرفی بوسیله لوائح مهمله خود فکر پاره ازعوام را دردیده و براه کج و معوج خود هدایت نموده و ان را جلب نمائید شاید آقای شما اقای وثوق الدوله بایران دوباره مراجعت کرده و بمسند اولیه اش مستقر کرده و شاید هم بشما توجهی کرده ووسائل فراغت بال و لوازم تعیش و کیف شما را فراهم و آماده نمایداما باز هم بشما اطمینان میدهم که این خیال باطل وخام را از دماغ خود بیرون سازید زیرا قلوب رنجیده ایرانیان را نسبت بوثوق الدوله ارام نخواهیدکرد بلکه بوسیله این گونه دفاعیات مهمل غیر مصدق شما آن مصائب و محن نا محدود زمان وثوق الدوله را بخاطر اورده دماغ ایرانیان را از ان رنجها و داغ ها تازه مینمائید وازنوآتش ایرانیان را افروخته و مشتعل میلمانید

بقیه دارد شیخ هادی بصیر

تجلیل ورود

سفیر کبیر عثمانی از طرف جمعیت اتحاد اسلام

عصر روز پنج شنبه ۱۹ دلو عده ازافراد محترم جمعیت اتحاد اسلام من باب تجلیل ورود و تبریک و خوشباد حضور میهمان معزز تازه وارد اسلامی آقای محی الدین پاشا سفارت کبرای دولت عثمانی در پیشگاه معظم له حضور بهمرسانیده و در ضیافت خانه دل میهمان تازه را نوازش داده و هدایای قلبی خودرا که ناشی از دارا بودن عرق اسلامیت وعصبیت دیانت است بحضورشان تقدیم داشته سپس حضورا اقای امجد الواعظین نطق مفصل مبسوطی در زمینه اخوت واتحاد عالم اسلام واتصال رشته های بااستحکام و داد اسلام و بر افراشتن لوای اسلامیت و مواسات و مواصلت اسلامیان بیان فرموده و جوابا شرحی از طرف حضرت آقای سفیر مبنی بر تقدیر و خوش بینی از احساسات جمعیت مزبور ایراد و نهایت از استماع اظهارات ایشان ابراز بشاشت می نمایند

اینک در ابی زمینه شرح مبسوطی از طرف جمعیت اتحاد اسلام باداره رسیده که بواسطه ضیق صفحات از درج آن صرف نظر نمودیم

جریده انعکاس

جریده شریفه انعکاس ازهفته آینده موقتا ایام دوشنبه وشنبه درتحت مدیریت آقای بهرامی وکسترعلم حقوق و وکیل رسمی عدلیه بطبع رسیده وزینت بخش عالم مطبوعات خواهد گردید باید طولانی که بالاختصاص مدیر محترم آن در علم حقوق دارند البته انتظار میرود که با اشغال مقام جریده نگاری عما قریب عموم را بحقوق حقه خود آگاه نمایند

صفحه ۳

خواننده هفتم (شیرین ملکه قدیم ایران

خوانندهٔ هشتم (روان شت زردشت)

«(پرده که بالا رفت)»

خرابه معظمی را [که یکی از عمارات سلطنتی محروب دربار سلاطین ساسانی است درمداین] نشان میدهد و چند قبر در زمین وستونهای درست و نیمه مانده و مجسمه های رب النوع ها در آن دیده میشود خلاصه منظره آن پرده خیلی اسرار انگیز بنظر خواهد آمد میرزاده عشقی وارد شده با کمال حیرت درکار تماشای پرده ودرحال تاثر وآه کشیدن است

(میرزاده عشقی) باهنگ مثنوی

این در و دیوار در بار خراب — چیست یارب وین ستون بیحساب

زین سفر گرجان بدر بردم دگر — شرط گردم تا ورم نام سفر

اندرین بیراهه وین تاریک شب — گردم از تنهائی واز بیم تب

گرچه حال از دیدن این بارگاه — شد فراموشم تمام رنج راه

این بود گهواره ساسانیان — بنگه تاریخی ایرانیان

قدرت وعلمش چنان آباد کرد — ضعف و جهلش همچنین برباد کرد

ای مداین از تو وین قصر خراب — باید ایرانی زخجلت گردد آب

(میرزاده عشقی) بعداز خواندن این مثنوی دست به پیشانی گذارده پس از مدتی تاسف و آه عمیق می نشیند وبآواز سه گاه قفقاز این غزل را میخواند

(آهنگ سه گاه قفقاز)

زدلم دست بدارید که خون میریزد — قطره قطره دلم از دیده برون میریزد

اخبار داخله

مجلس شورای ملی

یوم یکشنبه ۲۲ دلو

پس از قرائت صورت جلسه یوم قبل آقای اقبال السلطان شرح مبسوطی مبنی بر عدم لزوم در شور قانون انتخابات جدید ایراد نمودند

اقای میرزا علی کازرونی اظهار داشتند پس از انکه برای العین مضار و معایب قانون انتخابات موضوعه را مشاهده نموده تقلباتی که ممکن است در ان جا داد بخوبی بر همه اقایان واضح گردید دیگر جای مخالفت ازبرای ترسیدان و دخول درشور و طرح قانون انتخابات جدید باقی نه مانده است و دوسیه های انتخابیه را مسلما همه ملاحظه کرده اند و لازم به توضیح وبسط در انها نیست اساسا وکیل بایستی محبوب موکل خود باشد برخلاف این ترتیب سوء بر ظن موکل را فراهم می اورد و علیهذا تجدید نظر را در قانون انتخابات لازم دیده تا از بعضی تجاوزات و بلکه از این سرقت های حکومت ملی جلوگیری شود و بالاجره انتخاب بلا مرکزیت که نه وکیل موکل خود را بداند و نه موکل نایب منات و نماینده خود را بشناسد بکلی بی فایده است و تا ترتیب انتخابات و تعیین وکلا از راه حقیقت نباشد کلیه زحمات مابلا نتیجه وخالی مانده و هیچ کار ایران ترتیب صحیحی بخود نخواهد گرفت و بالعکس

خلاصه اگر بقوانین تمام ممالک متمدنه عالم هم که مصراحبه شود هر یک اقامت وکیل در محل را تا مدتی منظور داشته اند

شاهزاده اقبال السلطان درضمن ایرادات خود اظهار داشتند که کمتر دیده شده رؤسای ادارات منتخب شوند و حال آنکه خود شاهزاده رئیس گمرک بودند و امثال ایشان در نتیجه اقتدار البته میتوانستند وکیل شوند پس باید این مطلب را کاملا مراعات نموده چه اینکه قانون انتخابات هم وقتی وضع شد که در ایالات و ولایات هنوز ادارائی تشکیل نشده بود و الا حرمان آن اشخاص از انتخابات منظور میشد و بالاخره تا وقتی که هنوز دوره انتخابات حاضره باخر نرسیده حکام تغییر و تبدیل میشود و کار ها یک وضع دیگر گونی پیدا میکند هیچوقت براه اصلاح نخواهیم افتاد

در این موقع بکافی بودن مذاکرات رای گرفتند وچند دقیقه بعد از ان مجلس از اکثریت ساقط و سپس برای دخول در شور مواد قانون انتخابات رای گرفته و تصویب شد

ماده اول و دوم قرائت ومطالعاتی راجع آن بعمل آمده وبالاخره برای نقصی که داشت مسکوت گذارده شده و ماده پنجم قرائت کردند

اقای اقبال السلطان اظهار داشتند که بصریح ماده ۵ باید اراء مکفی باندازه ربع مجموع عده رای دهندگان باشد و در اینصورت ممکن است که یک نفر صاحب اقتدار من غیر حق صاحب ده هزار رای بوده و یک نفر دیگر بااستحقاق صاحب دو هزار رای باشد و در اینصورت شخص اول اولی خواهد بود

آقای دست غیب عقیده داشتند که خوبست اکثریت را در اراء منظور داشت و رعایت ربع عده رای دهندگان بی مورد خواهد بود و نیز درصورتی هم که تعداد اراء باندازه ربع اشخاص رای دهندگان نباشد لازم بتجدید انتخاب نمی باشد و ضرری هم متوجه دولت نخواهد شد

در این موقع مجلس برای تنفس تعطیل و مقارن ظهر مجددا تشکیل گردید و بودجه وزارت داخله مورد بحث واقع شده اقای زنجانی عقیدشان این بود که از این یکماه اخر سال هم صرف نظر نموده و فکر اساسی باید کرد چه اینکه بالاخره پس از اینکه این مدت قلیل را هم صرف این بودجه کردیم تا عید تمام نشده و صورت عملی پیدا نخواهد کرد و علیهذا خوب است که بودجه کلیه وزارتخانها را چنانچه سابقا معمول میداشته اند صورت جامعی از انها تهیه و در ان نظر نمایند و در صورت لزوم حشو و زواید ان را مرتفع و کم و کسرش را درست کنند و این مدت قلیلی که از این سال باقی است مثل سابق معمول دارند

شاهزاده نصرت الدوله توضیحاتی راجع به لزوم گذشتن بودجه وزارت داخله داده و اقای منصورالملک هم در تعقیب اظهارات شاهزاده درخصوص بودجه وزارت داخله واداره نظمیه و گارد شهری ایراداتی نمودند .

اقای شیخ الاسلام اصفهانی اظهار داشتند که اولا وزیر وقت روحش از این بودجه اطلاع ندارد

و اینکه اقای منصور الملک اظهار می دارند که یکصد و پنجاه و دو هزار تومان اضافه موجود دارند این وجه از ۷۲۰ هزار تومانی است که قبل از بودجه چهاردیواری بامنیه اختصاص داده شده بود که ایشان ۳۲۰ هزار تومان انرا از بودجه قبل از چهار دیواری کسر کرده و اینک میگویند ۱۵۲ هزار اضافه موجود داریم

دیگر انکه ۲۳ فقره از بنادر جنوب را ([illegible] صورت انها قرائت شد) جزو بودجه نیاورده اید اخر لازم است که ماحکام و رؤسای نظمیه وترتیبات داخلی انجا ها را هم بدانیم

اقای منصور الملک ایرادات ایشان را جواب گفته و پس از ان راجع به تعیین جلسات مجلس پیشنهاداتی شده و بالاخره بنابر پیشنهاد مصوبه اقای ملک الشعرا قرار شد در عرض هفته شنبه و یکشنبه جلسه قبل از ظهر و سه شنبه و چهار شنبه و پنج شنبه دو ساعت بغروب تشکیل گردد دستور جلسه آتیه قانون انتخابات وبودجه وزارت داخله معین و بروز سه شنبه دوساعت و نیم بغروب دوگول گردیده جلسه ختم شد

اعزام مفتش

بالاخره پس از یک سلسله تذکر به لاقیدی کارکنان وزارت فواید عامه خصوصا دایره طرق شوسته که فوق العاده مورد توجه و بحث است و امیدواریم پس از تعیین وزیر وقت اهمیت طرق شوارع وبی لیاقتی رئیس فعلی و خراب کاریهای که در مدت تصدی ان که اتهم باز با بواسطه بی اعتنائی وزراء وقت بوده یا علت دیگری داشته بحث خواهم نمود دیروز یک نفر مفتش باز باصلاح دید رئیس طرق شوارع اعزام گردید معلوم است کسی راکه این رئیس معین کند چه تفتیشی خواهد کرد و چه نتیجه خواهد داد

پس از اینکه خبر رسیده است به قزوین که مفتش خواهد آمد تلگرافی رسیده است که مقصد تومان بمصرف و یکهزار و چهار صد و کسری سوخته است اگر یک مفتش صحیحی چنانچه در شماره قبل اشاره کردیم فرستاده میشد الوقت معلوم میشد که چه شده فعلا ما باز معتقد نیستیم به این ترتیب خرابی را ادامه داده شود و نتیجه مطلوبه حاصل نمیشود تا وقتیکه متصدیان خرابی در راس این کار قرار گرفته اند

پریشان گوئی

اه من نمیتوانم افکار پریشان تالمات روحی عواطف قلبی وان احساسات رقت آوریکه در نتیجه تاثر قلب افسرده من از من تراوش میکند نوشته وتمام روحیات خود را با این قلم کوچک تحریر کنم آری قلم من کوچکتر ازان است که بتواند آن خصوصیات که در اثر استشمام ناملایمات و حوادث غیر مستقیم روزگار بر قلب متاثر و دماغ حساس عارض میشود شرح دهد آن حرکات سریع غیر مرتب و فشاریکه مقتضیات شوم طبیعت با کمال اقتدار و بی رحمی بمغز وارد کرده و پردهای دماغ را مرتعش میسازد چگونه میتوان ان حرکات را تشریح کرد وبالاخره آن تاثرات روحی را نوشت

آری ان حالات قابل وصف نیستند آن تاثرات دماغی را قلم نمیتواند بنویسد این مختصریکه اکنون قلم تا چیز من بر این صفحات مینگارد کوچکترین نمونه التهابات قلبی من است که از نوک خامه من بر این اوراق ترشح میکند بلی این احساسات رقت اور این ادراکات رقیق قابل تعبیر و بیان و قابل حس نیست قلم و حتی هیچ قلمی نمیتواند اینگونه روحیات و مسائل

دقیق وکارهای مخفی طبیعت شوم عاجز کن را تصویر کنید حل این مسائل و فهم این ادراکات روحی است فقط روح و باز هم روح میتواند این حالات را بفهمد فقط روح است که میتواند بر اطراف این مسائل خائنانه سوزو و مظالم روز کارخائن دور زده و پروانه وار تا آخرین ذره وجود او در این شعله بیرحم طبیعت سوخته و مانند یك عاشق مجذوب سرا پا همقی او معدوم نابود گردد مثلا تصور کنید هیچ میتوان بعاشق گفت چرا زرد و ضعیف میشوی چرا بخواب نمیروی چرا بی اعتبار گریه می کنی

هیچ میتوان تشخیص داد چه عضوی از اعضای عاشق درد میکند شما را بخدا هیچ میتوان فهمید درد عاشق چیست و در کدام یك از اعضای او موثر و جای گیر شده است با هیچ دور بین و میکروسکوب صحیحی میتوان درد او را معاینه نمود — آیا جای درد و محل عشق را میتوان پیدا کرد

اتفاقا الی کنون شنیده اید که دوا و مرهم غیر سی برای درد عشق پیدا شده و اختراع کرده باشند .

هیچ شنیده گی طبیب متخصص و معالج درد عشق باشد

هیچ تاکرد دیپلمه از مدرسه طبی عشق و فاکولته عشقی دیده اید

ها فهمیدم حالا میگوئید درد عاشق همان عشق است

الدقت خواهم پرسید عشق چیست یقین دارم این سئوال من بی جواب خواهد ماند

یقین دارم درجواب من عاجز هستید میدانید چرا خطا برای معالجه عشق برای رفع ماخولیای عشق

برای دفاع از این ماخولیای چنون آمیز تفریح کردش وبالاخره تفرج ومسافرت را تجویز میکنند

برای اینکه عشق را تشخیص داده دوای عشق را پیدا نکرده اند

برای الکه الی کنون مدرسه تعریف و تعریس عشق در عالم تاسیس نشده و ادویه ضد مرض عشق را پیدا نکرده و در بوطیقه تجزیه و تحلیل عشقی نگاشته اند

میدانید چرا عاشق شراب میخواهد چرا میخواهد همیشه باشد

برای اینکه همه جای او درد میکند و نمیداند دردش چیست و در کجا است معنی به تفهم می مرض است اما ظاهرا اثار دردی از و مشاهده نمیشود

میخواهد هوای او مخلل شود

اعصاب و جمیع قوای او تحدیر گردد دیگر نفهمد نشنود حس نکند

شاید از درد بیدرمان عشق موقتا راحت شود

این است عشق

این است حال عاشق

من عاشق نیستم من عشق مخصوصی دارم من بسودا گری بازار عشقی خود را معرفی نمیکنم .

اما افسوس صد افسوس

حالات روحی تاثرات دماغی ارتعاشات قلبی وتشنجات اعصاب من بسخت ترین اضطراب شدید ترین و تاثر خیز تر از یك عاشق تمام عیاری است

من میخواهم بمیرم من میخواهم راحت شوم من میخواهم نه بینم حس نکنم چون من میدانم ادراکات من هیچ چیز را درك نکند و حقی لطائف خلقت بدایع طبیعت را هم میخواهم نبیند و درك نکرده باشد

زیرا یك تمایل خوب ندیدن صحنهای لطیف عالم وجود بقبول هزاران مشقت و تحمل بار گران مظالم و حق کشی های خلق طبیعت قسی ارزش این فایده درمقابل ان زحمت هیچ قدر وقیمتی ندارد

اری من میخواهم بمیرم من میخواهم نیست و نابود باشم

من از پدرو الکیک واسطه وعلت ظاهری وجود من گردیده خوشوقت نیستم ایکاش پدرم مادرم عقیم و از توالد و تناسل عاجز بودند راستی غرض از خلقت من چیست

برای چه مسلحین این بار گران زنده گی بردوش من تحمیل شده این اسیان اعصاب شقاوت این ستارگان شقاوت این افتاب درخشنده این دنیای ملعون مشوم الحال این کوهها این صحراها وجلادتو این اثار پشاوه عالم وجود واین اجتماعات بشری از وجود من چه فایده میبرند و من از انها چه استفاده میکنم مرا درسرای وجود و محبس تاریك زنده گانی اسیر کرده اند ای کاش ان هستی

این اثار طبیعی و این موجودات سابق الذکر را نمیدیدم ای کاش در این عالم نمیامدم

راستی کاش شخص باختیار خود در دنیا امده و هر وقت میل داشت بمیرد می مرد

کاش هر موقع می خواست چشم را روی هم گذاشته درخواب شیرین ابدی فرو میرفت

شمع جنازه و مشایعت انسان مرده راخیلی خوب ومستحسن شمرده. الدبیدانی برای چه برای تنبه

برای اینکه به اشخاص زنده وبخصوصا ان زنده گان بدبختیکه در این تنگنای زنده گی باین حیات الوده بهزار مشقت و خون دل علاقمند شده اند به فهمانند انها را از حال فراغت و وارستگی وساده گی ان مرده متنبه سازند

و عملا بانها بگویند این کسیکه چندین سال برای حیات ننگین خود بهزاران غم و غصه و گرفتاری های گوناگون بخیال موهوم زنده گی دچار بود در این ساعت ازتمام ان قیودات موهوم زهائی پیدا کرد دیگر منزل چراغ شام قهار و پوشاك نمیخواهد دیگر ماخولیای نشو و ارتقا و ترقی و تعالی در دماغ اونیست دیگر تعلق زن یا شوهر و فامیل ندارد

دیگر در فکر اداره کردن سایرین و اداره شدن خود نیست دیگر اشخاص در سدد ازار او در نیامده و او هم در فکر ازار کسی نیست میخواهند بمیرانند این شخص پس از تحمیل چندین سال مشقت دراین دار عده بخواب ابدی و مذهبش دائمی فرو رفت

من هر وقت بجنازه مصادف میشوم بر حال ان جنازه و شکر برده مایل میشوم چادر باشم

گر چه نمیدانم منهم خواهم مرد اما کی و چه وقت جنازه تحمیل باز زنده گی خیلی برمن دشوار است

تا کی باید چهره سیاه قیافه مهوس رخساره شرم اور این حیات ننگین را مشاهده کرد تا کی می توان احساسات جریحه دار و افکار منتج این روح ساده بی الش را با ضربات نفوذ ناپذیر اعتزازات صریع قلب تدارك امید کف این زندگانی شوم اورا نگین مرده باد این زندگانی

س م — بوانی

اخطار های اداری

[١] روز چهار شنبه روز نامه ما بواسطه کار های اداری منتشر نخواهد شد

[٢] از مشترکین محترم تقاضا میشود که اپونه ها را همانطوریکه در سر لوحه ذکر شده است پیشکی ارسال دارند

[٣] ما در ولایات مخبر و وکیل نداریم اشخاصی که پولات و خبری ما بلند نرودهای خودشانرا معرفی کنند

[٤] برای رفاقتیکه سلاطین ایران وایرت بچه گدا بعلاوه از ان که درباو رقی روزنامه بطور کتاب چاپ میشود کتاب های علی حده نیز با صفحات مصور راجع بموضوع ان اپاش ها دولت وزیرانشانرا بطبع خواهد رسید وطالبین یك ماه یکروز میتوانند اداره رجوع نمایند

دفتر قرن بیستم

قرائت خانه نهضت جوانان ملی

قرائت خانه نهضت جوانان همه روزه باستثنای ایام تعطیل عمومی از سه بظهر تا نهار و از یك بغروب تا نا دو ساعت از شب برای قرائت جرائد و مکتب مفیده مفتوح است

در خانمه از مدیران جرائد مرکز و داخله تمنا می کنیم از هر یك نمره جریده خود دریغ نفرمائید

ادرس — سرخت مقابل گرجه امیرالدوله

حکومت ایران بیدار شده

درظرف این دو سه روزه دوفقره تلگراف متضاد راجع به نمایندگی قوام السلطنه از خراسان بطهران مخابره شده یکی بعنوان اهالی خراسان و مضمون آن اینکه نمایندگی قوام السلطنه در نتیجه دسیسه و فشار اهالی صورت گرفت و دیگری بامضای پنج نفر در باغ شاه استعفا مبارکه رضوی و ازصحت انتخاب قوام السلطنه حکایتی میکند بعقیده ما هر گاه جمعی از ساده لوحان در صحن و سقه انتخاب قوام السلطنه تردیدی داشتند قرائت صورت تلگرافی که بامضای دربان باشهای استعفا شده آن ها را از تردید بیرون آورده و حقیقت امر را بر آنان مکشوف نمود و هر گاه این تلگراف باشاره خود قوام السلطنه شده باشد باید اعتراف نمایند که این پلتیك هم مانند پولتیك های کودکانه که در نزدیکی ایام سقوط وکابینه روز های اخیر دوره ارتجاع و خودسری بکار میبردند برخلاف مقصود نتیجه بخشیده زیرا علیرغم نگذشتن اعتبارنامه ایشانرا از مجلس افزوده گردید

و بسیار جای تعجب است که با وجود این اعتراف مهمه که در محیط دنیای کنونی رخ داده که در ظرف مدت بسیار قلیلی قرار ها و قیصرها و مرتجعین (بواسطه تغییر اوضاع عمومی و اشنا شدن ملل مختلفه دنیا بحقوق حقه خودشان) یك نفر اعمال سیهٔ خودشان رسیده تاج و تخت را مجبورا بدرود گفتند باز هم قوام السلطنه ها از خواب غرور و خود پسندی بیدار نشده و میخواهند بوسیله عوامل پوسیده و کهنه دوره استبداد و دیرنگهای عهد خاقان مغفور ملت را اغفال کرده و بابت البال عمومیرا باین دسیسه ها چپاول و تاراج نمایند غافل از این که این گونه دماگوژیها و تلگراف چاپلوسی درباغ شاهی یا مداحی سه چهار روزنامه مزدور یا زائده بادگنك چند نفر هوچی معلوم الحال نه تنها غیر مؤثر و بی نتیجه میباشند

بلکه حقایق را زود تر کشف کرده جامعه را بیشتر از پیش تر هوشیار مینماید

قوام السلطنه ها اگر بخواهند در جامعه یك وقعیتی را احراز کرده — محبوب ملت و طرف اعتماد عامه واقع شوند لازم است که سبك و رویه قدیم را تغییر داده — اخلاق دماگوژی و عملیات مرتجعانه خود را عوض کنند بعبارة دیگر بایست افکار عمومی را محور اقدامات خودشان قرار داده سعی و کوشش خود را در راه انجام مقاصد مشروعه ملت بکار برانند والا پس از باز شدن چشم و گوش طبقه زحمت کش و افراد مقوم جامعه دیگر مقتضیات محیط بآن ها اجازه نمیدهد که حاصل دسترنج توده ملت را به میل خود به مصارف بیهوده صرف نمود — از غرق جیبن رعایا و خون دل افراد حقیقی ملت میله های تشنك و زیبا تهیه گرده بار لك ها و قصور عالیه ایجاد نمایند یا اینکه شبی دو پوط نفت فقط در مهمانخانه مصرف گردیده و در عرض هفته یکطوری دهدوازده تومانی اذرای چراغ گل خانه خریداری نمایند ودرعین حال خود راخیر خواه مملکت خوانده مردمان دور ازمحیط مرکز را اغفال نمایند این است اصلاح طلبی مغرضانه مالکی گوش شنوا باشد و آن چه را که ما پیش بینی مینمائیم (که در آتیه خیلی نزدیکی دست انتقام ملت از آستین محل برون آمده و مسببین فلاکت و بدبختی خود را به اقبح وجوه به سزای اعمال ننگین آنان خواهند رسانید)

ما را لازم نبود که این مختصر پند و اندرز را گوشزد اقایان دروغی و عزیزان بی جهت کرده بچنین حقارت تکرار شده ـ خلوز هم ملت را آلت دسایس و تبرئت های کهنه و پوسیده خودشان تصور مینمایند) بفهمانیم —

سید محمد محصل — مدیر نامه بیدار

گنم از درد دل از تربت اهخامنشی — از لحد برسر آن سلسله خون میریزد
آبروی وشرف وعزت ایران قدیم — نکبت و ذلت ایران کنون میریزد
مکن ایرانی امروز به فرهاد قیاس — شرف لیدر احزاب جنون میریزد
نکبت وذلت و بدبختی و آثار زوال — از سر و پیکر ملت دون میریزد
برج ایفل زمنار بد گل وگلوا(١) گل — به سر مقبره نپلئون میریزد
تخت جمشید زبس حسرت ما پر سر جم — خشت باسیرزش از سقف و ستون میریزد
درمدائن که سلاطین همه ماتم زده اند — نسایت از فلك پر قاقم و نون میریزد
پرده ماتم شاهان سلف عشقر بود — گاه جشن پرده بهار پرده برزن میریزد

گمگه یك بیت فوق العاده الوده بخوانیم میرزاده عشقی را فرا میگیرد وسرش را روی زانو و دست گذارده چنان مینمایاند که خواب میرود و درخواب بازحشت میخواند اهنگ مخصوصی که مرسیقی از ادبیات ایلی چنان ترکی اقتباس شده]

اکنون که مرا وضع وطن در نظر امد — بینم که زنی با کفن از قبر درامد
سر از خاك بدر کرد — براطراف نظر کرد

تا کسان چه گویم که چون شد — شیون از درونش برون شد

در حالتیکه میرزاده عشقی این ابیات را میخواند دختری بزینت ارامنه با قیافه مات ومحزون ازقبر بیرون امده براطراف نگاه میکند وهمان خسرو دخت است (خسرو دخت)

این خرابه نیستان نه ایران ماست — این خرابه ایران نیست ایران کجاست؟
ای مردم چون مرده استاده ایران — من دختر کسرایم و شهزاده ایران

(١) گل و گلوا فرانسویان قدیم را گویند

سال دوم دوره دوم شماره هفتم

اداره : طهران خیابان اسلامبول

دو شنبه چهار شنبه جمعه

تک نمره ۸ شاهی

جمعه ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۴۱

قرن بیستم

صاحب امتیاز و نویسنده اساسی : ر . میرزاده عشقی

۲۸ دلو ۱۳۰۱ ۱۶ فوریه

ابونمان پیشکی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان
وجه اشتراک
برای محصلین ، کارگران . و اعضاء اتحادیه‌ها ۵ تومان

قیمت اعلانات با دفتر است

قسمت سیاسی

کابینه کنونی و نظریات ما

روز چهار شنبه کابینه آقای مستوفی الممالک بقرار ذیل بدوا در حضور شاه و سپس در مجلس معرفی گردید .

آقای مستوفی الممالک رئیس الوزراء و وزیر داخله

آقای سردار سپه وزیر جنگ

آقای ذکاء الملک وزیر خارجه

آقای نصر الملک وزیر عدلیه

حاج محتشم السلطنه (متاسفانه) وزیر معارف

وزیر پست و تلگراف و وزیر فوائد عامه و تجارت همین روز ها معرفی خواهند شد .

در شماره قبل یک شرط مهم هر کابینه را در معرض افکار عمومی گذاشته و بطور تفصیل اشعار نمودیم که اولین شرط و یگانه خصوصیتی که رعایت آن ملت تامه و جهت حسن پیشرفت امور اداری مملکت میشود همانا مسئله سنخیت و مجانست وزراء [illegible] کابینه دولتی است زیرا یکعده مردمان مختلف العقیده که رای سیاسی هر یک با آراء و عقاید دیگری متباین و بکلی دور و بی گانه است چطور ممکن میشود در قضایای حتمی و مسائل دقیق سیاست مملکت وارد مذاکره و مشاوره گردیده و موفق بحل غوامض آن قضایا شده رای بگیرند

ظاهرا این مسئله از مسائل لاینحل و موضوعات غیر عملی بنظر میاید

یقین داریم طول مدت بحران این کابینه برای رعایت همین نکته بوده است

اما افسوس که شدت توقع عشاق وزارت و بر انگیختن وسائط و وسائل متعدده برای اشغال میز های مهم با ملاحظه شرم حضور زمامدار کنونی و رعایت پاره از جهات دیگر این زمامدار را مجال آن نداد که کاملا رعایت این نکته مهم را داشته باشد

لذا ما مجبوریم عقیده خود را که مطالعه آراء عمومی و نمونهٔ عقائد توده صالح ملت است بی پرده اظهار کنیم این است که می گوئیم ملت نسبت به یکی از اعضای کابینه یعنی آقای محتشم السلطنه خوش بین نیستند

اما یگانه چیزیکه سوء نظریات مردم را میتواند جبران کرده و اسباب امیدواری عموم ملت باشد همانا خوش بینی و حسن عقیده عمومی است نسبت بشخص آقای مستوفی الممالک و امیدواری عموم ملت از شخص محترم ایشان

ما و عموم ملت بطور قطع انتظار داریم که تمام بد بینی ها و عدم رضایت عمومی از اعضاء کابینه را حسن کفایت و سر پنجه نیرومند سیاستمدار کنونی که در واقع مسئول صحت اعمال اعضاء کابینه حاضره هستند محو نموده و اسباب رفاه عمومی و رضایت مندی عامه ملت فراهم نماید بدیهی است متانت عزم ثبات و مراتب جدیت و فعالیت زمام دار صالح امروزی اجازه نمیدهد که هیچ یک از اعضاء کابینه از حدود قانونی خود تجاوز کرده و موجبات دل سردی و برودت ملت را فراهم کنند بوجود این همه امیدواریها از نقطه نظر علاقه مندی یکی دو نکته را مجبوریم خاطر نشان نمائیم که در هر موقع دستجاتی از عناصر فاسد ملت تشکیل میشوند و از هر کابینه و هیئت دولتی که روی کار آید بطور غیر مشروع توقعات و انتظاراتی دارند چنانچه کابینه غیر صالح باشد و انتظارات غیر مشروع و توقعات آنها را اجابت کند بطور تحقیق و مسلم آن اشخاص طرفدار کابینه گردیده و اظهار بشاشت و رضایت مندی مینمایند و هر وقت همان کابینه انتظارات آنها را اجابت نکند فورا بد بین شده و نسبت به همان هیئت دولتی که تا دیروز فدائی و طرفدار آن هیئت بوده اند مشغول هتاکی و دسته بندی و مخالفت می گردند و همین است رفتار آنها با کابینه های صالح پس رضایت و عدم رضایت این اشخاص هیچوقت منات اعتبار نبوده و حالات آنها نزد عموم ملت واضح و روشن است غرض از بسط این مقدمه آن است که با نهایت جدیت و اشتیاق تذکر داده و بگوئیم یگانه مطلب مهمی که باید مورد رعایت زمامدار صالح کنونی بوده باشد آنکه مقتضی است سیاستی را در نظر بگیرند که دستجات ناراضی از صلحاء و توده حقیقی ملت که رضایت و عدم رضایت آنها مورد ترتیب اثر و منات اعتبار است در جامعه تشکیل نشود

بعلاوه چنانچه مقتضی باشد با سرع وقت از دسته بندی و تحریکات مفسدین خاصه قوام السلطنه جلو گیری شود و بعقیده عموم فقط تبعید شخص او می تواند آرامش و سکون در جامعه و دسته جات سیاسی این پایتخت بگستراند و اگر جز این بشود ما پیش گوئی می کنیم که انتریک و حقه بازی و آتش افروزی او همه روزه دولت و ملت را در زحمت خواهد داشت و مسئله دیگر و پرده مضحکیکه در دهلیز مقدمه تشکیل این کابینه آویخته شده بود و موجب نگرانی عموم علاقه مندان به مملکت بود گفتگوی وزارت سالار لشکر بود چه که از قرار اطلاعاتیکه از منابع خصوصی می رسید خانواده شاهزاده فرمانفرما با یکدنیا نظریات و مطامع می خواستند شاهزاده سالار لشکر را در کابینه خواهی نخواهی به کسانی نمیدانیم خانواده شاهزاده فرمانفرما از جان ملت بیچاره ایران چه میخواهند چرا دست از گریبان این ملت ستمدیده بر نمیدارند که آنی از توقعات خود نمی کاهند اما خوشبختانه از حسن تدبیر و کفایت زمامدار حاضره شر این پیش آمد و تقاضای غیر مشروع از سر ملت کوتاه گردید

نویسنده مقالات سیاسی قرن بیستم

قسمت اجتماعی

آدمهای تازه برای کار

کار برای آدم های تازه

— ۲ —

در مقاله گذشته گفتیم که :

سوزن گراماقون صفحه اول را خوب کار میکند و آواز گراماقون را خوب استخراج مینماید ولی در صفحه دوم گند میشود و صفحه سوم را بکلی خراب میکند پس هر سوزنی که در یک صفحه کار کرده است باید آنرا در صفحه دیگر بکار نینداخت رجال انقلابی نیز برای دوره اول یک انقلابی را خوب بجا میاورند دوره دوم غیر کاری (گند) میشوند دوره سوم را فاسد می کنند

از همین رو رجالیکه در یک یا دو دوره انقلاب مصدر و قائد بوده اند باید در دوره سوم و چهارم بان ها دخالت نداد .

در این مقاله این پسر نسبت را توضیح میدهم :

•••

اول باید فهمید چرا انقلاب میکند و چرا انقلاب میشود

انقلاب وقتی میکند که عادات و اعمال طبقه زیر دست موجب عدم رضایت طایفه زیر دست باشد

و انقلاب وقتی میشود که قسمت ناراضی بیش از قسمت های راضی و روی کار بوده و در راس ناراضیها یک عده چیز فهم و کار دان قرار گرفته باشد

انقلاب را کمیسیون تعدیات اربابان اقتدار و خود سری های ذوالنفوذ است

شدت انقلاب و خونریزی منوط بسابقه شدت تعدی و جنایات متعدیان است مثلا انقلاب هفده سال قبل ایران تقریبا یک انقلاب مختصر بی سر و صدائی بود برای آنکه تعدیات رجال دربار ناصر الدین شاه و فجایع اطرافیان مظفر الدین شاه که این انقلاب برای رفع آنها شد تقریبا مختصر و غیر شدید بود

انقلاب روسیه خیلی شدید و خونین عرض وجود نمود برای آن که فجایع تزار و رجال دوره تزار خیلی موحش و فوق العاده جنایت آلود بود

باری این مبحث از موضوع این مقاله خارج است غرض من این است که تقریبا چه گونه کی انقلاب را مختصرا شرح داده و در نتیجه پیشگوئی رجال انقلاب را تعریف کرده باشم

انقلاب حرکاتیست بر علیه عادات و اخلاق غیر قابل تحمل طبقه روی کار و ذوالاقتدار آنهائی که انقلاب را در نظر میگیرند و نقشه انقلاب را ترسیم نموده به بادیه عمل سوق میدهند غرضشان محو کردن یک سلسله عادات در باری یا بازاری است و طبیعی است در ضمن قصد محو کردن آن عادات یک سلسله عادات (و بعبارت دیگر قوانین) نیز در نظر میگیرند که بجای آن عادات محو شده بکار بیندازند

مثلا وقتی مردم ترتیب مرافعات عرفی را در دارالحکومه ایام استبداد نپسندیدند شک نیست یکی از عالیکه آن ها را بانقلاب سوق میدهد همان میشود و در ضمن آنکه برای محو آن ترتیبات دامن همت بکمر زدند ترتیب یک عدلیه قانونی را نیز در نظر میگیرند که پس از محو رسوم مرافعات عرفی دار الحکومه ها یک عدلیه قانونی در هر جائی ایجاد نمایند

و همان طور که هیجده سال قبل دیدید انقلاب کردند و ترتیب مرافعات عرفی را نیز بهم زدند و همان دسته که انقلاب کرده بودند عدلیه در نتیجه آرزوئی که داشتند ایجاد نمودند ولی دیدند عدلیه آن عدلیه که آنها فرض میکردند نشد هر چه جهد کردند دیدند ثمری نمی بخشد معلوم است در طی مجاهدات در این گونه قضایا خورده خورده آن دسته که عامل انقلاب بوده اند خسته و مایوس میشوند و عقیده آنها این میشود که آن عدلیه فرضه که قبلا در نظر

صفحه ۵

ملک زاده دیرین جگر گوشه شیرین
غصه شما قوم رنجور مرده‌ام برون کرده از گور

این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست ایران کجاست؟
در عهد من این خطه چو فردوس برین بود ای قوم به یزدان قسم این ملک نه این بود

چه شد گردان ایران جوانمردان ایران
تاجدار خسرو کجائی یکنظر بر ایران نمائی

این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست ایران کجاست؟
هان ای پدر تاجور ای غمزده خسرو خیز از لحد و باخبر از کشور خود شو

سرای همه کور است همه اهل قبور است
مرده برون از مزارند زنده‌اند زندگی ندارند

این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست ایران کجاست؟
اجداد من از تاجوران کی و ساسان ریزند بسر خاک غم از ماتم ایران

همه در غم و افسوس مصیبت زده سیروس
داریوش بر سر زنان است در عزا انوشیروان است

این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست ایران کجاست
دستی بسر از مو به همی برزده شیرین وانگاه دگر دستش بلند است به نفرین

که ای اولاد نا اهل نباشد تان گر از جهل

گرفته بودند محال و ممتنع است و از همین قرار سائر مسائلیرا که موجد انقلاب است فرض نمائید :

وقتی انقلاب کنندگان ملاحظه کردند که هیچ یک از نامیسانی که در نتیجه انقلاب گسترانیده شده موافق دلخواه و مطابق آنچه که قبلا در نظر گرفته شده بود نشده بی شبه مایوس گردیده و گمان خواهند داشت که اگر انقلاب نمی کردند بهتر بود و وقتی صاحب این عقیده شدند مرتجعند [مرتجع شاخ و دم ندارد] تمام آن هائیکه در صدر مشروطیت با نهایت حرارت فریاد میزدند انقلاب انقلاب آزادی آزادی و امروز با نهایت افسردگی میگویند یا دوره ناصر الدین شاه که یک امنیتی بود بخیر . . . . . بخود انقلاب کردیم آنها همه مرتجعند

باید بآنها گفت اگر از انقلاب نتیجه منظوره گرفته نشد تقصیر شما است تقصیر خسته گی شما است چرا آن دو سال بعد از انقلاب تقریبا رسوم مشروطیت و آزادی از حالیه که هفده سال از دوره انقلاب میگذرد خیلی بیشتر بود برای آنکه آن وقت شما خسته نشده بودید آن وقت مرتجع نشده بودید بهمین دلیل شما باید دیگر متصدی امور اجتماعی و تکاملی مملکت نباشید

(غرض از کار نه کارهای پشت میزی و اداری است)

غرض از کار در این مقاله همانا پیشوای سیاسی و مرجع تقلید ملیون و آزادی خواهی بودن است و الا کارهای اداری مانند منشی گری و مدیریت ادارات دولتی موضوع بحث نیست

باری آنهائیکه هفده سال است پیشوای سیاسی و مرجع تقلید آزادی خواهی بوده اند دیگر از کار افتاده اند نمی توانند مانند روز های سالهای اول کار بکنند خسته شده اند آنها حالت آن سوزن کرامافونی را پیدا کرده اند که در چندین صفحه استعمال گردیده و کند شده و خاصیتش از بین رفته همان طوریکه آن سوزن را باید بدور انداخت و سوزن تازه بکار برد این دسته هم باید بآن قبیل امور که قبلا ذکر شد دیگر باید مداخله بکنند و باید یک عده عناصر تازه نفس متصدی شغل سابق آنها بشوند

آنهائیکه امروز بما میگویند تند روید عجله نکنید تکفدری حس اغماض داشته باشید جوانی نکنید ما هم همین طور مثل شما بودیم ولی حالا دانستیم که آن تندیها صلاح نبوده آنها همه مرتجعند

باید بآنها گفت که در اثر تندروی شما یک علائمی از آزادی و مشروطیت در چهار سال اول پس از انقلاب دیده میشد وقتی شما ملاحظه کار و آهسته رو شدید دیگر اثری از آزادی و مشروطیت نماند شما باید بروید و یک عده آزادیهای تازه تندرو بیایند تا آنها آزادی و مراتب تکامل را احیاء نمایند

یک مسئله دیگر :

روز انقلاب — فردای انقلاب

روز انقلاب عبارت آن دوره ایست که هیاهوی انقلاب بلند است روز انقلاب برای بهم زدن عادات و رسوم زشت حکومت استبدادیست فردای انقلاب که عبارت از دوره تکامل باشد ایام گسترانیدن رسوم و عادات و قوانین تازه است بجای رسوم محو شده اینهائیکه امروز روی کارند یعنی مراجع تقلید آزادی خواهان معرفی شده اند رجال روز انقلاب بوده اند در عملیات روز انقلاب دانشمندند و از معلومات علمی فردای انقلاب یکی بی اطلاع اند این است که فردای انقلاب را خراب کردند اینها باید گنار بکشند و یک دسته که از عملیات فردای انقلاب کاملا معلومات دارند جلو بیایند و آنها همان آدمهای تازه هستند

بقیه دارد

ضد عفونی بر علیه مکرب پروپاگاند وثوق الدوله

اخیرا مقالاتی در یکی از جراید پای تخت برای تطهیر وثوق الدوله اشاعه یافته و نویسنده آن وثوق الدوله را یکی از اشخاص با هوش و فوق العاده معرفی نموده و بخیال خود خواسته است به مغلطه و اشتباه کاری جنایات غیر قابل عفوی را که آن ابوالهول ایرانیت عمدا مرتکب شده ترمیم نماید ولی غافل از آنکه طول زمان پرده از روی کارها بر داشته و قضاوت در حوادث مهمه تاریخی خادمین و خائنین را از یکدیگر منفک ساخته خادمین در پیشگاه ملت و صفحات تاریخ مفتخر و سرافراز و خائنین بیشتر منفور و مردود واقع میشوند

آقای نویسنده ؛ بر خلاف ادعای شما که میگوئید وثوق الدوله یک شخص فوق العاده و با هوشی است من میگویم [illegible] مغز و ضعیف العقل است بدلیل آنکه آدم خردمند و باهوش ، آدمیکه افکار او محیط بر پیش آمد ها و حوادث روزگار است وقتیکه میخواهد بکاری اقدام کند بدوا در اطراف آن بدقت نظر کرده در صورتیکه پیشرفت خود را حتمی بداند شروع بکار مینماید و چنانچه دید برای او پیشرفتی حاصل نمی شود صرف نظر میکند و اگر وثوق الدوله آدم باهوش و عاقلی بود میبایست بدوا در اطراف عملیات خود بدقت نگریسته در صورتیکه موفقیت کامله خود را مسلم میدانست شروع بکار نماید و همین عدم موفقیت در اجرای مقاصد شوم او و تهیه یک چنین تنفر عمومی و نام ننگینی برای خود دلیل بر کم هوشی و عدم استعداد فطری است وثوق الدوله علاوه بر آنکه دارای فکر و هوش نبوده قوه ادراکیه هم نداشت زیرا اگر این آدم قوه ادراکیه میداشت لازم بود رفتار انگلیس ها را با نواب و راجگان هند تحت مطالعه در آورده و پس از آنکه دید انگلیس ها چگونه نواب و راجگان هندوستان را بعد از استیلای کامل در آن مملکت بوسایل گوناگون به حبس ابد یا بدیار عدم فرستادند برای خود سرمشق قرار داده به فنا و اضمحلال ایران که ضمن فنای خود او هم حتمی بود قیام نمی نمود

آقای منصف ؛ در مقاله نفرت آمیز خودت که روح هر ایرانی را متالم می سازد قلع و قمع اشرار کاشی را که وثوق الدوله بمساعدت مادی و معنوی انگلیس ها موفق شد یکی از بزرگترین خدمات او میشماری !

آری وثوق الدوله دست تطاول اشرار کاشی را از سر اهالی آنحدود کوتاه کرد ولی در عوض خواست ماهی گیران سواحل رودخانه طایسیس را که ملیونها دفعه برای ایران از اشرار داخلی بدترند در سرتا سر مملکت حکمفرما و مالک الرقاب نماید

ما هم تصدیق میکنیم که انگلیسها با داشتن خدمتگذار صمیمی مثل وثوق الدوله وجود اشرار کاشی را بی ثمر دانسته در قلع و قمع آنها کوشیدند

میخواهیم بدانیم بزرگتر از این جنایت در عالم چیست که یک نفر زمام دار برای حرص و سیادت چند روزه خود استقلال یک مملکتی را بر باد داده نه فقط سی کرور نفوس حیه آنرا باسارت [illegible] برای [illegible] فرزندان آتیه ایران طرق بندگی و اسارت تهیه کند !! آیا چه گناهی میتوان بالاتر از این در عالم بشریت تصور نمود !!!

آقای منصف ؛ تصور نکنید که محکمه وجدان و افکار عمومی فقط وثوق الدوله را مقصر دانسته و قابل حیات نمیداند بلکه شما و سایر طرفداران او را هم مجرم و سزاوار مرگ میداند چرا که وثوق الدوله به تنهائی نمیتوانست مقصود شوم خود را انجام دهد و بدستیاری همین شماهائیکه برای ادامه چند روزه زندگانی تیره خود مبانی گرفتید و پشت پا بشرافت ملیت و استقلال مملکت زدید خود را مهیای چنان خیانت مدهشی نمودید .

من میدانم سایرین هم میدانند فقط چیزی که شما را متجری برای نشر این گونه اوراق سیاه ساخته همانا نه چشیدن گیفر اعمال و ندیدن جزای خیانتتان است و بامید اینکه وثوق الدوله بایران آمده و آخرین تیریکه برای فنا و اضمحلال ایران در ترکش دارد بهمدستی شما بر پیکر ایران زده و ضمنا هم زندگانی خود را تامین کنید بدست و پا افتاده اید ، ولی این اشتباه است وثوق الدوله بایران نخواهد آمد و از این دست و پا زدن شما غیر از آنکه جنایات و مملکت بر باد دادن وثوق الدوله را تازه نموده خشم و غضب ملت را بهیجان آورید نتیجه دیگری نخواهد برد و بطور اطمینان بشما میگویم که دست انتقام ملت بهمین زودی از آستین بیرون شده شما را به گیفر اعمالتان خواهد رسانید

عبدالقدیر سبزواری

اتحادیه تجار

لیلة سه شنبه ۲۶ شهر جاری از طرف هیئت محترم تجار طهران مدیران جرائد مرکز دعوت شده بودند که در موضوع زیادتی واردات امتعه و اجناس بر صادرات اجناس و امتعه داخله مذاکرات و تبادل افکاری بعمل آید

شاید در نتیجه فکر آنان و توجهات دولت فکر چاره برای جلوگیری این ترتیب ناگوار که منتهی بفقر و فلاکت عمومی خواهد گشت بنمایند و موجبات تعدیل واردات با صادرات مملکت در آتیه فراهم شود

لایحه از طرف هیئت تجار قرائت گردیده مبنی بر اینکه دولت باید از ورود اشیاء تجملی و تفریحی که جزو فضولات معیشتی است جدا جلوگیری نماید شاید باینوسیله موجبات تعدیل فراهم گردد

گرچه اجرا این پیشنهاد و عملی شدن آن چندان سهل و ساده بنظر نمیاید زیرا استعمال فضولات عیش و اشیاء تفریحی به طبقه اول و دویم مملکت که خود آنها غالبا مصادر امور هستند اختصاص دارد و این اشخاص بطور غیر مستقیم هر چه را بخواهند از خارجه وارد میکنند — و تفاوتی که با امروز پیدا خواهد کرد همان اشیائیکه ورود آنها امروز جزء عادیات محسوب و بقیمت عادله وارد میشود من بعد بطور غیر عادی و گران تر وارد شده و ممکن است بمراتب بیشتر از این ایام از ثروت مملکت بکاهد بعلاوه برای اجرای این مقصود اشخاص متخصص لازم است — در هر صورت عقاید ما همان است که نویسنده جریده قرن بیستم در همان مجلس شفاها اظهار داشته و با اینکه عملی شدن این مسئله را خیلی دشوار میدانیم هم ذالک نیات حسنه آقایان تجار را تبریک گفته و توجه هیئت محترم دولت برای انجام این تقاضا جلب کرده و در صورت امکان انجام آنرا خواستاریم

دعوت

امروز سه ساعت بنزول در مجمع دموکرات کنفرانس جالب توجهی از طرف هم مسلکان محترم آقایان دکتر موزالملک و ساعت ساز راجع باصول مشروطیت و نظمیه داده خواهد شد از عموم هموطنان و آزادیخواهان در ساعت مزبور برای استماع کنفرانس دعوت میشود —

(مدیر مجمع دموکرات — موافق)

صفحه ۶

شرمی از بزرگان اجداد شرمتان پس از ما زنان باد

کاین خرابه قبرستان الخ . . . . . .

سیروس

در حال دیواری خراب شده و از نظر ها محو میشود سیروس با هیکل پر ابهت و قیافه باعظمت که در خور سلاطین معظم است پیدا می شود دستش را سخت به پیشانی فشرده و میخواند

ایداد اگر من سرم از شرم بزیر است شرم من از ارواح سلاطین اسیر است

که بودند به بندم کنون طعنه زنندم

کای اسیر تو ما سلاطین حال اسارت ملک خودبین

این خرابه قبرستان نه ایران ماست این خرابه ایران نیست پس ایران کجاست

داریوش

بهمان طریق که سیروس پیدا شد ظاهر میگردد

چین تا بر مم بود مسخر چو بمردم نصف کره خاک بر اخلاف سپردم

کنون رفته بغارت گرفتار اسارت

حیف از این جهانگیر اقلیم نک نمانده از صد یکش نیم

این خرابه قبرستان نه الخ . . . . . .

انوشیروان

با وقار تمام و چهره اندوه گین از پس دیوار و ستونی پیدا شده و با ابهت تمام شروع بخواندن میکند

جریانات شوروی

مجلس

پس از قرائت صورت جلسه قبل آقای رئیس مکتوب تقدیمی آقای داور را مبنی بر اجازهٔ مرخصی ده روزه از تاریخ ۱۸ داو جهة رفع عارضه کسالت خود قرائت نموده و آقای شیخ اسدالله اظهار داشتند که پس از انقضاء مدت اجازه‌نامه حالا نبایستی در مجلس مطرح شود

آقای اقبال السلطان اظهار داشتند که اغلب آقایان از نقاهت عارضه ایشان اطلاع دارند و بالاخره رای گرفته و تصویب گردید

سپس آقای رئیس درخواست اجازه مرخصی برای مدت هفت روزه آقای مساوات را قرائت نمودند

آقای فتح الدوله اظهار داشتند اساسا بنده با درخواست اجازه تعطیل مخالف هستم چه اینکه اگر شخص مریض باشد طبعا از حاضر شدن در مجلس معذور خواهد بود خواه این که تصویب بشود یا نه و پس از مذاکراتی تصویب گردید

آقای شیخ الاسلام اظهار داشتند ماده واحد در خصوص انتخابات با امضای ۴۷ نفر از آقایان نمایندگان چندی است به کمسیون مبتکرات مراجعه و با تاکیداتی که راجع بآن شده است هنوز کمسیون آنرا تقدیم مجلس نداشته است

[illegible] که کاملا در تحت مداقه نظر گذارده شده و همین دو روزه بمجلس خواهد آمد

آقای رئیس — شور در لائحه منسوجات و البسه وطنی مطرح است

ماده اول قرائت گردید و آقای حائری زاده عقیده داشتند که حتی الامکان بایستی در آن قید شود چه که ممکن است در بعضی نقاط بقدر کفایت منسوجات وطنی بدست نیاید

آقای شیخ الرئیس اظهار داشتند در همچه صورتی کار هیچ وقت عملی نخواهد شد با المثل برئیس مالیه فلان دولت بگوید که حتی الامکان شما با انصاف رفتار کنید!

پس از مذاکرات طویلی برای ماده اول رای گرفته و تصویب شد

ماده دوم قرائت گردید آقای حاج شیخ اسدالله عقیده داشتند که چرا قید شده است که در زمان اشتغال خدمت بایستی لباس وطنی بپوشند اگر مقصود ترویج مصنوعات و منسوجات وطن است بایستی قید زمان اشتغال خدمت را بر داشته و کلیه مستخدمین دولت در زمان اشتغال بخدمت و غیر خدمت با لباس وطنی باشند

آقای کازرونی در این باب توضیحاتی داده و بعد پیشنهاداتی از طرف بعضی از آقایان در خصوص انضمام کلاه و کفش و غیره به ماده دوم قرائت و رد گردید

آقای ارباب کیخسرو پیشنهاد کردند که اعضاء و اجزاء درباریان سلطنتی هم در جزو ماده دوم قید شود و در ضمن توضیح اظهار داشتند

کهن جامهٔ خویش پیراستن
به از جامه عاریت خواستن

[illegible] بعمل آمده و رد گردید

بالاخره در خصوص ماده دوم هم رای گرفته و تصویب شد

ماده سیم قرائت و مطالعاتی در اطراف آن شده و آقای حاج میرزا علی محمد پیشنهاد نمودند که در صورت تخلف با این مواد هر دفعه در ماه از قرار صدیک از حقوق ایشان کسر خواهد شد و پس از مذاکرات لازمه پیش نهاد فوق الذکر تصویب گردید

ماده چهارم قرائت و پس از تبادل آراء تصویب گردید در این موقع مجلس برای تنفس تعطیل و قریب سه ربع بعد مجددا تشکیل گردید

آقای رئیس — لائحه قرار داد موقتی تجارتی بین مصر و ایران مطرح و ماده واحده قرائت و تصویب گردید

سپس لائحه امتیاز معادن نمک و گوگرد جزایر هرمز و هنگام و لارک و غیره قرائت و آقای اقبال السلطان عقیدشان این بود که در این قبیل کارها جلب نظریات دکتر میلسپو رئیس کل مالیه خالی از ضرورت نخواهد بود

مخبر کمسیون — دولت در وقتی این پیشنهاد را نموده که مکلف بمراجعه بایشان نمی بود

شاهزاده نصرت الدوله شرحی مبنی بر موافقت بالائحه پیشنهادی کمسیون فواید عامه اظهار داشته و آقای معاون هم توضیحات جامی دادند

در اینموقع بکافی بودن مذاکرات و دخول در شور مواد رای گرفته و تصویب شد

ماده اول قرائت و آقای زنجانی توضیحاتی در آنخصوص داده و با طول مدت چهل سال امتیاز مخالف بوده و نظریات [illegible] داشتند

آقای معاون وزارت فواید عامه در این باب توضیحات لازمه دادند

جلسه آتیه برای قبل از ظهر روز شنبه تعیین و دستور آن لایحه روشنائی بقاع متبرکه — قانون شورای دولتی — قانون انتخابات معین گردید

اخبار داخله

جلسه هیئت وزراء

صبح روز گذشته آقای رئیس الوزراء به دربار تشریف آورده و نیز آقایان وزراء در وزارت خانهای مربوطه حضور بهم رسانیده مشغول رسیدگی به امورات وزارت خانه گردیده و رؤسای دوائر و اعضاء به حضور آنها معرفی گردید و موقع ظهر در دربار حضور بهم رسانیده جلسه رسمی هیئت وزراء بعد از ظهر در دربار تشکیل و تا موقع غروب امتداد داشت

شرفیابی

عصر روز قبل نزدیک نیم ساعت به غروب جناب آقای محی الدین پاشا سفیر کبیر دولت علیه عثمانی در دربار تشریف آورده و از آقای رئیس الوزراء ملاقات نموده مدتی مشغول مذاکرات بودند

حضور در وزارتخانها

قبل از ظهر روز گذشته آقای نصر الملک وزیر مالیه در وزارت خانه حضور بهم رسانیده و جناب دکتر میلسپو معظم الیه را ملاقات و رؤسا دوایر و اعضاء وزارت مالیه بحضور وزیر مالیه معرفی گردیده و آقای وزیر مالیه نطقی مفصلی مبنی بر تسریع جریان امور مالیه اظهار داشتند

دیشب در سالون گراند هتل

نمایش نظامی وظیفه شناس تصنیف آقای کسرائی فوق العاده جالب توجه تماشا چیان گردید

مدیران محترم جرائد و آقای وزیر جنگ و اغلب صاحب منصبان قشونی در این نمایش حضور داشتند

***

ما خیلی خوشوقتیم که خورده خورده نمایش در ایران اهمیت پیدا میکند و رفته رفته از جدول لغویات خارج میشود

قرن بیستم

جامعه دیانت

دیشب آقا شیخ هادی بصیر نطق مفصلی بر غلبه قرار داد انگلیسها در بین النهرین اظهار نمود و تا اندازه مؤثر واقع گردید

اخبار خارجه

تلگرافات روتر

مورخه پنجشنبه ۱۵ فوریه ۱۹۲۳

راجع بتخلیه بین النهرین

لندن ۹ — کمیته هیئت دولت مامور مطالعه در امور بین النهرین امروز راپرت (سر پرستی کاکس) را مطرح شور و مذاکره قرار داد

نویسنده مقالات سیاسی جریده (دیلی نیوز) در این موضوع مینگارد: چنان بنظر میاید که تخلیه بین النهرین در آتیه نزدیکی بواسطه معاهده که در اکتر گذشته بملک فیصل منعقد گردیده بواسطه پیشنهاد احاله قضیه موصل بمجمع اتفاق ملل بکلی از انظار محو گشته تا زمانیکه امید میرود معاهده لزان امضاء شود کمیته احتمال می رود تخلیه موصل را توصیه کند لکن گذشته از این مسئله لازمست که کمیته تقلیل مخارج آنجا را تحت مطالعه در آورد.

تصور هم میرود بودجه مخارج سال آتیه بالغ بر شش ملیون لیره بشود.

مراجعت حاکم تبعید شده

— حاکم (دوئیز لورک) که اخیرا از جانب اولیاء نظامی بلژیک تبعید شده بود امروز مراجعت کرده و در بلدیه نطق تسیار شدید اللحنی ایراد نموده و پس از خاتمه نطق مجددا مامورین بلژیکی او را دستگیر و تبعید گردند مجددا اعضاء پستخانه از قبول مراسلات و امانات بلژیکی امتناع ورزیده و مراسلاتی که در ناحیه تحت تصرف قوای بلژیکی برای انگلستان فرستاده میشود از راه دیگری ارسال میکنند

اعلان اعتصاب

— پاریس — نظر باینکه مذاکرات راجع باضافه کردن مزد عملجات معادن [موزل] نتیجه مطلوبه حاصل نشده به اعتصاب عمومی اعلام شده ولی هفت هزار نفر برای تلمبه زدن بکار باقی هستند. قوای قرانسه من باب احتیاط معادن [سار] را متصرف شده ولی عملجات آنجا نیز اعتصاب کرده‌اند عملجات راههای اهل (سار) هم برای اضافه مزد تهدید باعتصاب نموده اند

اتمام حجت عثمانی

خبر رسیده است که اولیاء امور عثمانی مجددا یک اتمام حجت دیگری به متفقین داده و تقاضا کرده اند که در ظرف سه روز ازمیر را تخلیه نمایند.

نظریات نماینده عراق

سردار جعفر پاشا نماینده عراق در کنفرانس لوزان در طی مصاحبه خویش وقایع افکار جریده (ار لینگ مشت) اظهار داشت تصور نمیکنم عثمانی معاهده را امضاء نماید زیرا دولت روسیه که طرفدار وی میباشد بهیچ وجه مایل بامضاء معاهده نیست اهالی شهر و ولایت موصل نسبت بعثمانی متغیر میباشند و یگانه دلیل اصرار عثمانی برای موصل هم این است که میخواهد عراق را مجددا تصرف کرده و مقام خویش را در خلیج فارس محکم سازد.

پریشان گوئی

جمله (پریشان گوئی) که در نمره قبل سر لوحه تحریرات من شده بود موجب بسی تعجب گردید زیرا من نمی خواستم پریشان گوئی کرده باشم من نمیخواستم احساسات یک دماغ حساس، یک طبع نقاد، یک فکر عمیق را به پریشان گوئی تعبیر کنم بلکه میخواستم حالات واقعی قیافه معنوی انفعالات و تاثرات یک روح جریحه‌دار، یک روح متاثر حساس را که در فشار سرپنجه بی رحم طبیعت با فرسوده گی و بیچارگی مواجه و دست و گریبان شده است از پیشگاه افکار عمومی گذرانیده سعادت مردن و تقدم مرگ را بر این زندگی مدلل دارم

آری آنکسیکه روح او فکر او و بالاخره همه چیز و تمام موجودیت او در مضیقه و فشار طبیعت واقع گردیده و در مناظره هولناک طبیعت ایستاده و همین طبیعت بی رحم با چشم بد بین با دیدگان احول و قیافه عبوس و ترش روئی باو نگاه می کند

بلی آنکسیکه جزئیات یاس و نومیدی در کتیبه سیاه طبیعت نمیخواند

آنموجودی که در سیلات خطرناک طبیعت مظلوم کش غریق و با هر بدبختی دچار است باید بمیرد

صفحه ۷

آی وای که ویرانه شد آن مملکت پیر — کش روی زمین کشور خون خواندی و شمشیر

به نیروی دلیران — مهین بیرق ایران

بدبلند در روم و در چین — بر فراز قصر سلاطین

این خرابه قبرستان نه الخ . . . . . .

خسرو

بالباس سلطنتی و زیور زیاد از پشت همان دیوار که محو شد و انوشیروان پیدا گردید پیدا میشود و روی بجمعیت کرده باواز رسائی این غزل را میخواند

(باهنگ بیات اصفهان)

معلوم نیست مرده و یا آنکه زنده اید — ای قوم خواجه اید شما یا که بنده اید

این زندگانی است شما میکنید؟ مرگ — زین زندگی به است برای چه زنده اید؟

اجدادتان بحال شما گریه میکنند — گر چه میانه ملل اسباب خنده اید

ایرانی از قدیم مهین بود و سر بلند — آیا چه گشته است شما سر فکنده اید؟

جانش بلب رسیده ز دست شما مگر — دل از نگاهداری این ملک کنده اید

شیرین

با لباس سیاه مخصوص ملکه‌ئی پوسیده نما و قیافه فوق العاده قشنگ و اندوهگین در نزدیکی خسرو ظاهر میگردد و با شیون مؤثر و محزون این ابیات را میخواند

[موزیک مخصوصی متشابه به موزیک یکی از تصنیف های ملی عثمانی]

ای خاک پاک ایران زمین — ایران ای حجله گاه شیرین

باید قیمت شود باید دست خونخوار طبیعت را با مداوای اوش داروی مرگ از گریبان خود کوتاه کرده‌ان حیات لانکن را بدرود گوید

آری جمله (پریشان گوئی) را سر مقاله قرار داده بودم بلکه ان سر مقاله و عنوانی که از قلم من بر صفحه کاغذ مرتسم شده بود جمله دیگری بوده است اما یقین دارم این جمله را طبیعت با یك نگاه تحقیر آمیز اب خفه مستوجه‌آله و قاب لا باکی بر فرق شکایت نامه من که طومار مظالم او است مرتسم نموده است

من میدانم حروف (پریشان گوئی) در مطبعه شقاوت طبیعت چیده شده است

من یقین دارم یکدست بی تقصیر انگشت بی سابقه از رفتار و نیرنگهای طبیعت بانکته‌های ساده بی‌الایش خود بدون اختیار واراده باحالت سوق‌الطبیعه وروش اجباری در دایره میل قوی واراده نیروهند طبیعت خانن بدون هیچ اختیار حروف پریشان گوئی را در راس مقاله من چیده واین جمله تفریحی را سرلوحه شکایت نامه جدی من قرار داده اری طبیعت خونخواه با است من مبارزه و میدان داری کرده باشد میخواهد بگوید هیچ میل و اراده در مقام ارائه من نمی توان عرض اندام کند میخواهد بگوید این ناله‌های جگر خراش وفریادهای این صفحه ها در پیشگاه اقتدارات خود سرانه من بجائی نمیرسد

بلی میخواهد بگوید استقامت وپافشاری جمیع مظلومی را کز من میبیند و اقتدارات ذاتی من اجازه تاثیر به‌این نالها امیدهد میخواهد بفهماند

این شکایت نامه های وقت اور در بوتقه قضاوت من قرائت نگردیده ودورد بحث و مطالعه گذاشته نشده و بالاخره حکم مقتضی در این موضوعات صادر نمیشود و در مقام اجرا گذاشته نخواهد شد

اری ، این شکایت ها و فریاد ها بجائی نمی رسد ، این ناله ها باید از سینه های مجروح آتشبار کشند و باید در قیرستان دل سنگدیده محبوس و مدفون گردد

این سیلاب سرشکی که در نتیجه حق شناسی های طبیعت از دیده کان جاری گردیده نمی تواند بر شعله های جانسوز طبیعت اب باشی کند و التهابات خانمان سوز دل را خاموش نماید این التهابات این حکمفرمائی های دعاوی و این حکمه بندی های قلبی باید درسینه بمانند باید مثل یك دیگ بروی مسدودی در دل انبار کنند احساسات عواطف وتمام رو حیات شخص را کم کم بکاهد و بالاخره سراپا تمام هستی یك موجودی را مانند شمع از شعله بی رحمانه سوخته او را بالبخند وقلقلوم نماید اری اینست روش و عادات شوم طبیعت این است مظلوم کشی و ملکات رذیله دنیای معلوم، دوستی دشمنی مساعدت اسائه‌اعادت اقبال و ادبار او یك ضابطه صحیح روش معلومی ندارد و هیچ کس نمیتواند روبه اشتباهی و روزنه امیدواری طریق حساب توجه این طبیعت شوم را بدست اورده در موقع لزوم نقرجمه بگیرد چه شعراء چه فلاسفه چه تاریخی مثل شکسپیر ژاك‌ژرسو چه اشخاص قوی‌الاراده باحزم مانند ناپلئون کافکار عمیق وسرپنجه‌ابرومندانان درمواجهه ادبار همین طبیعت شوم یکسره ازکار افتاده

مقهور چاکان پولادین طبیعت کسردیده و باشد عذاب و اسوء حال دچار دربدری گرسنگی فلاکت تبعید حبس گردیده و با هزاران مصوبت وشدائد خانمان‌سوز خواهی نخواهی بطور اجبار دنیارا وداع کفته نیست و نابود گردیده مانند کشتی های بزرك در اقیانوس مواج طبیعت فرورفته اند و اکنون جز اسمی که انهم مسطوره فلاکت و سرلوحه بدبختی طومار سیاه بشر است در صفحه گیتی باقی نیست واسامی ان اشخاصیکه بپاستکاه دعوت میشوند ان هیچارگانیکه برای کشته شدن و نیستی برای چشیدن طعم ناگوار مرك برای دیدن ان دقایق و انات سختی که روح از بدن مفارقت میکند برای مشاهده ساعتی که کلمه‌مقدس زندگی حیات بکلمه مرك مبدل میشود و بالاخره مردن ما تبدیل میشود دعوت کردیده و بپای سلوه در ان معرکه تاریك رانده می شوند حقیقه ان کسانیکه میروند چربه دار و ان استوانه بزرك‌سزای عدم و ان میله ای که در اولین فرسخ راه‌ابدیتی وزوال نصب شده‌است‌ان چوبها رازیارت کنند ،

واقعا ان مردمیکه در اثر میل خود سرانه طبیعت بپای چوبه دار سوق می شوند میروند‌ان‌چوبه‌رابوسه‌زنند‌وتمام موجودیت خود را باد اثار میکنند میروند تمام خوشی بختی ها و همه امال و ارزو و هواهای نفسی خودرا در پای چوبه دار ریخته در همانجا دفن کنند و یکسره با بار غمی و مغز خالی از هرفکر و ارزو به آن چوب بی شفقت اویخته شوند

ایا این اشخاص چه تقصیر کرده‌اند که باید باین مجازات و پاداش دچارشوند شما را بخدا اگرخوب دقت شود خواهید تصدیق نمود که بطور اکثر ان کسانیکه امر بکشتن و مجازات این بیچاره ها داده اند انهاقسر ترازان‌ها مستحق مجازات و پاداش هستند میل‌اندارم‌اسم کسی رابرده باشم شما را بخدا ان دارکشی وادم کشی ها که در بعضی کابینه های گذشته ازدیك در مملکت مواقع میشد آیا آن مقتولین برای مجازات بیشتر استحقاق‌داشتند یاان اشخاص حکم فرمایانی که هر روز یك یا چند نفر را بدار بزدند

البته خواهید فهمید مجازات دهندگان وعزیزان بی جهت مستحق‌دار مجازات هستند و اس‌ولی بخندید ؟ دیوید خوب فهمید عادات شوم طبیعت را میدانم

با این حالت اگرعنوان‌سر مقاله مرا طبیعت تغییر داده‌و جای اورا جمله‌پریشان گوئی نوشته باشد جای تعجب نیست

اهالی بدبخت زرند متحصنین تلگرافخانه — به مقدار کفیری اجهار

* *

با اینکه از سبك نگارش و طرز کتابت و اجهاریکه در ذیل این‌شکایت نامه خورده است کاملا واضح است که سازنده این کاغذ خیال حکومت زراند را دارد چه اینکه‌مهر های پای کاغذ همه با یك مرکب خورده شده و نیز اشتباها چند مهرباسم زن کوکب الدوله کاشن خالد ربابه و غیره از زیر دستش رد شده و در ذیل کاغذ خورده‌است اکر سئوال شود کوکب الدوله کاشن خالد در زرند کیست چه جوابی داده خواهد شد و علاوه در صورتی هم که زراند پست نداشته باشد لازم میشد توسطهیئت ساوه‌کاغذ را ارسال دارند نه با پست شوری طهران

بالاخره چون ما اساسا درسلطنت مشروطه با حکومت نظامی مخالف هستیم ومکتوب فوق هم شکایت از حاکم نظامی بود بدرج آن مبادرت نمودیم و از دولت وقت تقاضا داریم که بجای وی حکومت غیر نظامی اعزام دارند

و ضمنا اشخاصیکه با مهر های مسجد شاهی عرایض جعلی درست میکنند توصیه مینمائیم که از این قبیل حرکات دست بر دارند چه این که درحقیقت اثری است که در غیر آن است و همیشه دروغ دروغ است و بی فروغ

سمتاوی

از برم تا که سفر کردی و رفتی بشتاب — دلم از آتش هجران تو گردید کباب
عطرم ناله جانسوز و دو چشمم ساقی — یادامل‌اب‌تونقل وسرشك است‌شراب
نعمت وصل غنیمت بود از بعد فراق — خاصه‌آنراکه‌زهجرتوکشید است عذاب
بیتو ایدوست حرامست مرا در بستان — سایه بید و تماشای گل و ریزش آب
دوش از فرقت رخسار تو تا وقت سحر — گریها کردم و ازدیده فروشستم خواب
دل آزاد گرفتار بگرداب غم است — چون غریقی که‌گرفتار شود در گرداب

﴿ علی آزاد ﴾

اعلان

نظر باینکه در مقابل تقاضا های واصله بادیه طهران بوسیله سیم فرعی برای منازل غیر ممکن است بنا بر این اخطار میشود که آقایانی که مایلند بمنازل خود چراغ برق بکشند بکار کنان آقای حاج امین الضرب مراجعه وتقاضای نصب چراغ و رفع نواقص را بنمایند

حکیم اعظم

نمره اعلان ۵

۲ — ۱

مطبعه سعادت

﴿ صفحه ۸ ﴾

کوتخت و کو تاج و کو نگین؟ دربارکه شوهر من
ای ایران ـ خاك عالمی برسر من
کو آن سرداران قشونی همه بایغ و دست خونی
وان سپاه ملیون ملیونی ایران ای مهد ومفخر من
ای ایران خاك عالمی برسرمن
کو آن خسروان عالم گیرت کو چون بوزرجمهر وزیرت
قیصر بد کمتر بنت اسیرت ای حجله وای بستر من
ای ایران ـ خاك عالمی برسرمن
شد دربار انوشیروان مدائن بیهد ساسانیان
سیه پوش عزای ایران بسان جامه بر من
ای ایران ـ خاك عالمی برسرمن
جها نگیران ایران یکسر اندر مصیبت این کشور
چو من خاك ریزند بر سر هریك گوید کو کشور من
ای ایران ـ خاك عالمی برسرمن
با دست اشاره به تماشا جی ها می نمایند
ای خرابه نشین ایرانی یاد از مهد کیخسروانی
آن یك زمان این هم زمانی چه شد خسرو همسر من
ای ایران ـ خاك عالمی برسرمن

مکتوب مهر کنهای مسجد شاه

حضور مبارك ان یگانه طرفدار مظلومین اقای مدیر روشن ضمیر جریده قرن بیستم ادام الله بقائه

اقای مدیر بتمام مقدسات عالم و به کعب منزله قسم که ما اهالی بدبخت زرند بی چاره از هستی ساقط دست خوش ظلم حکومت نظامی ساوه شده که بحکم ضرورت یك ماه است بلکه بیشتر در تلگرافخانه متحصن و عرایض شکوائیه خود را بوسیله تلگراف کوش زداولیای امور نموده — البته بچائی نرسید فریاداست — فعلا بوسیله ان یگانه طرفدار رعیت شرحی بعرض رسانیده عاجزانه استرحام مینمائیم امر بدرج در ان جریده فرموده بفرمائید و از اقای وزیر جنك استرحام فرمائید که احقاق حق ما یك مشت بی چاره بی اذوقه بی پالا پوش را بفرمائید دست خوش ظلم ظالمین متحصنین تلگرافخانه اسیابك زرند به مهر هشت نفر

قابل توجه اولیای دولت و مصادر جمهور و وکلای دارالشورای ملی

درزمانیکه امواج بلا یا از هر طرف اهالی بدبخت زرند را تهدید بمرك و زوال میکند و مناظر های هولناکی از قبیل سن و ملخ خوارکی نه ساله از مقابل چشم ما میگذرد یك مشت رعیت گرسنه بی آذوقه در این سرمای زمستان دوچار ظلم یك نفر حاکم جابر جه آفات دست میرزا حسین خان رئیس قابینه و حاجی خان رئیس نظمیه در صورتیکه هر دو از اهالی ساوج میباشند و سالهای متمادی است بدسائس مشغول چاپاول مردم بوده و کرارا از طرف وزارت داخله اظار بشکایت اهالی امر بخروج انها از ادارات دولتی صادر شده — از قرار مسموع قانون استخدام هم انها را ممنوع میدارد مجبورا یکسال است در تلگرافخانه خانه آسیابك متحصن از هیئت دولت ووکلای ملت استرحام می نمائیم تا کنون ترتیب اثری بعرایض جانگداز ما نداده‌اند.

شب تاریك و بیم موج گردابی چنین حایل — کجا داند حال ما سبکباران ساحل ها — دیگر امکان دادن پول تلگراف را نداریم بست مدور زرند نیست تابوسیله بست عرایض شکوائیه خود را بساحت هیئت محترم دولت عرضه بداریم استدعا حضرتنا ای پدر تنهمار ما بیچاره و در ماندگان بدامان مقدس آستان مبارکه پارس — ای آقای سردار سپه حکمه همواره طرفدار مظلومین بوده اید ما را از چنگال بی رحمانه این ماکه ظالم خلاص کن نایب الحکومه زرند مفرستد غیراز نقدی که دریافت داشته ماهی میابی هم سند کرفته نایب الحکومه زرندحقوق ندارد خرج هم دارد بحکومت هم که باید تعارف بدهد یك نمجه نایب الحکومه با رعیت معلوم است چه معامله ها خواهد کرد واقعا باقه باقه که صیغه قسم است ما مظلوم هستیم یاقلا الظلوم

سال دوم دوره دوم شماره هشتم

اداره : طهران خیابان اسلامبول

دوشنبه چهارشنبه جمعه

تك نمره ۸ شاهی

قرن بیستم

صاحب امتیاز و نویسنده اساسی : ر ، میرزاده عشقی

۲ شنبه ۳ ربیع الثانی ۱۳۴۱

ابونمان پیشکی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان

وجه اشتراك

برای عملجات ، کارگران ، و اعضاء اتحادیه‌ها ۵ تومان

قیمت اعلانات با دفتر است

قسمت سیاسی

دولت ترك را كول زدند

انگلیس ها نیرنك خود را بكار بردند

انگلیس ها برای كول زدن دولت ترك ...

برای اغفال جوانان شجاع و قشون قاویخی ترك نقشهٔ جالبی كشیدند حسن این نقشه و این پرده جدید برای سیاستمداران بریطانی كبیر و سایر متفقین این بود كه در بدو طرح ویزی ان خصم نیرومند الوا اگر از قبول سر پایچی می كرد تقریبا دوره ملایت واقع میكردید

ان نقشه این است : درموقعی كه قشون فاتح ترك بطور دلخواه بر یونان تسلط وچیزی نمانده بود كه یكسر باریوان تمام گردد و دیگر یونانیك متفقین در انجا بكلی جهت افتد یكباره نقشهٔ كه طرح شد قشنگیل كنفرانس لوزان بود وعنیهای ها رابوعده شیرین می پیشهاد تطمیع ودر آن مجلس دعوت كردند بدیهی است اگر مواعید الها بحث داشت ودولت ترك تمرد میكرد نمایندگان اعزام نمی داشت بخود سری و زورگوئی معرفی شده ودوره می كوته ملایت واقع می گردید

این بود كه تركها بناچار جنگ بایونان را معارکه كرده و منتظر نتیجه كنفرانس مزبور شدند در خلال مدت انتظار یونانی ها موافق دلخواه متفقین اوامش جای قشون خود را رفع واستحكامات لازمه را تكمیل كردند نمایندگان ترك همه پس از حاضر شدن در كنفرانس جز دفع الوقت وطاره جوانی و بیشهادات خانمان برباد ده وتكالیف استقلال شكن چیز دیگری از نمایندگان متفقین نشنیدند درنتیجه اختلاف نظر بامدیركنفرانس سیاست مداران ترك سر گردان ماندند ایا بك دیدمی شود كه یونانی های مغلوب یونان مقابلی خود را جمع و حاضر برای دفاع ترك نبوده و یكمرتبه نقشه فاتحیت ترك ها در یونان صورت دیگری بخود گرفته است و از كنفرانس و مواعید مزبور نتیجه انگرفته اند

حقیقتا مقالمه و نهیب های انگلیس ها را امپهوان شمرد

باوجود این همه نیرنگ های متفقین ما ازپیش امید های دنیای آینده بكمال امیدواری انتظار داریم كه عوامل مانع قوی برای پیشرفت سیاست اقوام مشرق زمین مهیا و آماده سازد نویسنده مقالات سیاسی م ، ت

صفحه ۹

(بادست اشاره بخودش میكند)

من شیرین عروس ایرانم عروس انو شیروانم

من مالكه این سامانم كو آن زینت زیورمن؟

ای ایران ـ خاك عالمی برسرمن

ایران قبر ساسانیان است مزار انوشیروان است

لشكر كه عالم گیران است خاك درگه اش افسر من

ای ایران ـ خاك عالمی برسرمن

(اشاره بجمعیت میكند با یك چهره تغیر الها)

باچه روئی دگر زنده‌ایید؟ از روی من نمی شرمندایید

زیرپای خصم افكنده ایید استخوانهای پیكر من

ای ایران ـ خاك عالمی برسرمن

من بر این مملكت عروسم من عروس پدر سیوسم

من بر شاهنشاهان ناموسم آن بودم این شد آخرمن

ای ایران ـ خاك عالمی برسرمن

ایكاش این همه سلاطین به زردشت منزه آئین

دروی بآئین پیشین فرستند پر رهبر من

ای ایران ـ خاك عالمی برسر من

مجله بهار

شماره ۱۲ مجله بهار منتشر شد ، قیمت ۲ قران

محل فروش : خیابان لاله زار ، مغازه روشنائی

خیابان چراغ برق ، داخله غربی

فهرست مندرجات — بهار میگذرد — راحت و ثروت — تاریخ فلسفه — نیروی اضیات — فردوس مفقود — زور و حق — كشكش حیوانات — در اطراف یك عدس — الدوه نفر — فشار استبداد — قیمار — متفوضه — سر گذشت یك محكوم .

بعلاوه این شماره فهرست دوره دوم مجله را كاملا حاوی است

مجله بهار بقدری معروفست كه محتاج تقریظ نیست ولی ما برای آنكه پروز احساساتی كرده باشیم مشتركین قرن بیستم را قرائت آن اكیدا توصیه مینمائیم مخصوصا ابیات پروین كه از همه جهت شایسته تحسین است

قسمت اجتماعی

بدقت مطالعه كنید

كار بری الهای تازه

آدمهای تازه برای كار

(۳)

آخر مقالهٔ گذشته این بود كه :

این آدمهائی كه امروز مرجع تقلید بیدون و آزادیخواهی هستند همه از رجال روز انقلابند اینها از عوامل هیاهوی انقلابند و فقط در این صنعت استادند این ها نمی توانند در فردای انقلاب نیز میدان دار باشند ، آیا اینها انهائی هستند كه های و هو كرده و مردم را اغوا كرده اند كه هیا هو كنند تا رزیم كهنه استبداد از این برود و عادات و رسوم آن دورمیری كرده

این معامله نصف انقلاب است

یك نصف دیگر لازم دارد تا انقلاب تمام شود بلكه این معامله آخر انقلابست یك رویه ای انقلاب لازم دارد كه این اشخاص نمی توانند عوامل آن رویه باشند و آن ایجاد رسوم و عادات و [قوانین] تازه است درسر تاسر مملكت بجای عادات محو شده

این اشخاص نمی دانستند و نمی توانستند یا اگر كرده اند خیلی ناقص بوده ، این بود كه دو سه سال بعد از انقلاب اغلب عادات واطوار كهنه استبدادی كه از بین رفته بود دو باره مراجعت نمود .

غرض از این بیانات اینكه . باید این عده كه از بدو مشروطیت تا كنون مرجع تقلید آزادی خواهی بوده اند كنار بكشند و یك عده از آدمهای تازه كه به تندی وحرارت روز های اول آن اشخاص باشند و بعلاوه كار هائی هم كه آنها آن روز هم نمی دانستند و نمی توانستند از آنها ساخته باشد جلو بیایند تا دانند انقلاب ایران اتمام نیافته و این محیط را طوری عرض كنند كه هیچ شباهتی بایام گذشته نداشته باشد

تا كنون هر آنچه ازنام ونشان اشخاص مرجع تقلید و اصول تجدد در این مقاله ذكر شد همه جا تقریبا از حیث كلیدی ملایمت شدند و همه را تشبیه به سوزن كرامافون كردم ولی یك عده دیگر ازاین طبقه كه فوق العاده خطر ناك و شایسته پرهیزند از قلم افتاد كه انها را مجبورم بسوزن از سكسیون سالوارسون تشبیه نمایم .

سوزن از سكسیون سالوارسون

آنهائیكه تا بحال ملی و آزادیخواه مانده ودر مواقعیكه عوامل ارتجاع آزادی را لكد زده اند به دست وپا افتاده و اگر توانسته اند جلو كجی نموده ولی بواسطه كندی كاملا از عهده پیرون نیامده اند و در اثر كندی آنها عوامل ارتجاع نشو ونما نموده همه انها رابسوزن كرامافون تشبیه نمودم

ولی اینها قابل نفرت وشایسته پرهیز نیستند آنهائیكه در بدو مشروطه وانقلاب انقلابی تمام عیار و آزادیخواه با خمارت و یك پزده اند و امروز در عداد ایادی عوامل ارتجاع بشمار می آیند انها شایسته تفرین و قابل پرهیزند انها را مجبورم كه بسوزن ازسكسیون سالوارسون تشبیه نمایم

سوزن ازسكسیون سالوارسون وقتی داخل شریان سفلیسی شد طبیعی است آن مقدار دوائی كه از روزنه ان داخل خون سفلیسی میشود برای آن مرد سفلیسی نافع است و در نتیجه آن سوزن را می توان یك عامل نافعی دانست ولی در همان عمل آن سوزن آلوده بامیكرب سفلیس گردیده و چون خارج میشود یك تیغ آهن مسموم و پلید است

و همین طور آنهائیكه در بدو انقلاب و ازادی ترشحاتی بر علیه استبداد و حكومت خود سری داشتند برای ان ایام نافع بودند

متاسفانه در نتیجه مبارزه با عوامل استبداد پس از چند سالی خوی انها را گرفته و عادات و اخلاق و موقعیت مادی انها را بهمدیگر بطوریكه مورد نظر ما بود در ردیف الها افتاده و بلا خره مرتجع شدند .

انها همان هائی هستند كه حكومت مقتدر و دیكتاتوری را طالبند

انها همان هائی هستند كه طرفدار زمامداری وثوق الدوله و قوام السلطنه اند

انها همان هائی هستند كه در بدو مشروطیت یك آزادیخواه لایقی بودهاند و امروز در نتیجه جاه طلبی از عوامل مهم ارتجاع یك مرتجع مقبولی شده اند .

انها همان هائی هستند كه با سابقه آزادیخواهی بالنهایت بی شرمی برای وثوق الدوله و قوام السلطنه سینه میزنند

انها همان هائی هستند كه تا هفت هشت سال قبل لات پرورند و در گوشه یك اطاق نیمه مفروش در نهایت فلاكت بسر می بردند و با مدیحه سرائی و دعا گوئی امرار معاش می نمودند و امروز پارك دارند زنده گانی مرتب وسیع دارند خانه در شهر دارند عمارت در شمیران دارند همه جا پیدا همه جا پدو واسطه حكومت ایلغار وسیله وزارت آلند

این اشخاص همه مسمومند همه فاسد باگذشت همه پلیدند ونهاس انها باجامه موجب زیانست هانطوریكه سوزن سالوارسون یك مرتبه كه آلوده با میكروب سفلیس شد دیگر تماس آن با شریان مرد سالم مضرات

اینها را كه فقط این مسئله را همه فكرشه نكنارم كه این اشخاص خودشانرا عاقل میدانندو میكوبند عقل بما حكمفرما است كه استفاده كنیم و سابقه از دیگرانی را سرمایه تجارت و كسب نمائیم

خیلی باید به بخشند . . . . .

ان ها عاقل نیستند بعكس بی عقلند

اگر عاقل بودند یك قدری فكر می كردند و كمول زرق و برق اشراف را نمیخوردند انسان مگر چقدر میخورد انسان یك شكمی دارد كه بیش از یك مشت غذا جا ندارد

در ان شکم می توان بلغور پخته اوبیای پخته ریخت نان خالی ریخت

هر چه از این قبیل بریزند ان قانع است و هیچ شکوه ندارد برای جایگاه یک مشت بلغور و اوبیا نباید آبرو و شرف و وجدان و حیثیت همه چیز را فدا نمود و قربانی کرد

افسوس که این قبیل اشخاص نهایت درجه بی عقلند و خودشان را نهایت درجه عاقل می دانند

یکی از عناصر بر جسته این طائفه که از ذکر اسمش ملاحظه مینمایم ده سال قبل بقدری محبوبیت داشت که مردم اورا می پرستیدند هر کس هر چه داشت در طبق اخلاص گذارده باو تقدیم می نمود در تمام نقاط دور و نزدیک این مملکت فدائیهای بیشمار داشت هر کس باو سلام میداد و علیک می شنید در مجالس افتخار میکرد که بفلان . . . . سلام دادم و علیک شنیدم تمام اینهمه افتخار و اهمیت و محبوبیت را بچند هزار تومان پول وثوق الدوله خائن و قوام السلطنه مرتجع فروخت و خودش خیال میکند که در این معامله منفعت کرده است و عاقل بخرج داده

زهی بیعقلی !!

همان آدم امروز اگر بیگی سلام بکند تا پول ندهد علیک نخواهد شنید این ادم عاقل است ؟

انسان مگر چقدر میخورد مگر چقدر می پوشد که از همه منافع مملکتی برای یک منفعت مادی صرف نظر نماید

باری اینها همه جمله معترضه بود

غرض از ذکر این سطور این است که برای دوره ششم مجلس باید ادمهای تازه و عناصر تازه نفس پاک که مرتجع نشده باشند و در ضمن کند هم نباشند انتخاب کرد شاید در نتیجه رسوم آزادی و اخلاق حکومت شوروی که در این دوره اثری از آثار آن مرئی نیست تدارک گردد

رحیم زاده عشقی

ضد عفونی بر علیه میکروب پلید پروپاگاند وثوق الدوله

حضرت اقای عشقی

مدتی بود میل داشتم عقیده خود را در باب انقلاب ضمیمه عرض ارادت غایبانه نموده تقدیم دارم بالاخره امروز موفق بمقصود شدم . اینک عقیده من البته تصدیق خواهید فرمود که عقیده ازادست امروزه مسئله که عمومیت پیدا کرده و دل های مردم را تشنه خون کرده وچشم ها را برای مشاهده بینا نموده و گوش ها را برای شنیدن محاکمه خیانت کاران شنوا کرده همانا مسئله انقلاب است . و دراین مسئله تردید وشبه برای احدی باقی نیست که یگانه وسیله وراه بسر منزل سعادت انقلاب است .

ولی عقیده بنده در باب انقلاب . انقلاب برای مملکت ما و این محیط فاسد که قسمت اعظمش گرفتار جهل و نفاق هستند زود است . البته یک برهان مقنع و دلیل قاطعی میخواهد تا قانع شوید . میفرمائید چرا زود است و علت زود بودن چیست ؟

جزئی مراجعه بتاریخ انقلاب کبیر فرانسه رفع شبهه از برای همه خواهد نمود یعنی در عصری که انقلاب فرانسه شروع شد مردمش اقلا ده در صد با سواد و آشنا بحقوق خود بوده و تا اندازه مشکل بود آلت دست این و آن بشوند . و توده یا بعبارت آخری اکثریت ملت فهمیده بود که ازاد بدنیا آمده وآزاد هم باید در دنیا زندگانی کرد .

و هیچ وقت خدا باپیغمبر خدا نگفته است بنده مطیع یک مشت مردمیکه سلب اسایش و آزادی از مردم نموده و جز خود پسندی و خود پرستی و تامین آتیه و تخریب مملکت و فقر ملت مقصود ومنظوری ندارند باشند . پس این بود که انقلاب شروع شد

و در نتیجه کشتار و خون ریزی های فراوان شاهد ازادی و فرشته حریت را در آغوش کشیده ارامش و سعادت را جای گزین حرج و مرج وبدبختی نموده و خود را در جامعه ملل یک ملت خوش بخت معرفی نمودند . اما انقلاب درایران البته در مملکتی که صد یک مردمش باسواد نباشند و کیفیت وفلسفه انقلاب را نتوانند تمیز بدهند و آلت دست رجال پوسیده و مردمانیکه مزدور اجانب و با اشخاصی که صرف برای شهوات نفسانیه و خیالات خود پرستانه خویش کار میکنند و منافع شخصی را به نفع عمومی ترجیح میدهند جز یکبار سنگینی دوش جامعه پیش نیستند .

البته این انقلاب حسن اثر نخواهد بخشید بلکه نتیجه بعکس خواهد بود . چرا ؟ برای اینکه سکان کشتی مملکت در دست خود این نا خدایان بی کفایت وبی مغز و ناقابل است

این مملکت امروز حال یک مریض را دارد که مدتی بستری و رنجور وضعیف و نا توان و قادر بحرکت نیست البته اگر از این مریض قصد کنند بطور حتم و بلا شبهه هلاک خواهد شد . پس راه انقلاب از کجا است و چطور میتوان دست های خیانت کاران را که مثل چنگال سباع درنده در بدن این ملت بیچاره فرو کرده اند قطع نموده . بنده نیز با شما همعقیده هستم که باید انقلاب را درس خوانده ها مقدمه اش را تهیه نمایند و فعلا پروپاگاند لازم دارد .

یعنی باید اذهان مردم را باز کرده و خفتگان وادی حیرت را بیدار نموده بعد انقلاب را با دست ها دیان حقیقت عناصر صالحی که خیالشان خدمت بمملکت باشد شروع نموده . البته نتیجه این انقلاب سعادت عمومی و اسایش ملی خواهد بود اما عقیده بنده درباب وثوق الدوله وبرادر والا تبارش قوام السلطنه . کمتر کسی در این مملکت یافت میشود که خیانت های وثوق الدوله را نسبت باین مملکت نداند یعنی اگر از یک مولود جدیدی که تازه بسخن آمده باشد سئوال نمائی که وثوق الدوله چطور آدمی بود فوراً وبلادرنگ با یک تقریر روشنی که شنونده را در شگفت بیندازد خواهد گفت خائن مملکت معلوم شد که هیچکس نیست که در خیانت های این شجره خبیثه شبهه و تردیدی داشته باشد همین طور جسد والا تبارش درجنگ مرو . از بسکه خیانت پیشه بود بالاخره چقدر فرزندان ایران را شهید راه بی فکری خود نمود ! حال وثوق الدوله صد ها فرسنگ از این محیط دور است ولی خیالش همواره متوجه این مملکت بوده و هست .

و باز آتش بیماران و مزدورانش دقیقه راحت نیستند . و مشغول پروپاگاند و تطهیر او هستند . ولی غافل از این که احساسات قلبی عناصر صالح را نمی توان خفه کرد . باز هم بد نیست عشری از اعشار سرقت های هلکت خود را در مملکت خارج می کنند . و اما برادر مهربانش همه میدانند وخود قوام السلطنه هم بخوبی می داند که توقیف او در کابینه اقای سید ضیاء الدین یک افتخار و یک سعادت غیر منتظره ئی بود . بقیه دارد م . حبیبی

در مجلس

خلاصه جلسه یوم یکشنبه ۲۹ دلو ۱۳۰۱

صورت جلسه یوم قبل قرائت و پس از مختصر اصلاحاتی تصویب گردید

اقای میرسید حسن خان نماینده بلوچستان — شرح مبسوطی راجع به خراب کاری ها و اوضاع در هم بلوچستان اظهار داشته و بالاخره تقاضای عطف توجه اولیاء دولت را بدان حدود نموده و عقیدشان این بود که با وسعت و اهمیت بلوچستان و از نقطه نظر اعتبار اوضاع تجارتی و زراعتی لازم است که چهار نفر نماینده از آن جا منتخب شود

آقای پور رضا بر تایید اظهارات ایشان شرح مطولی ایراد نموده و از بروز احساسات اقای میر سید حسن خان و سایر اقایانیکه پیوسته نقاط دور دست مملکت را در نظر دارند اظهار تشکر نموده و در خصوص اعتبار واهمیت نقاط بلوچستان و خلیج فارس توضیحات دادند .

اقای رئیس — خبر از کمیسیون فوائد عامه در خصوص منسوجات وطنی قرائت میشود

ماده سوم — تخلف کننده از این قانون در هر روزی محکوم بکسر صد یک حقوق یک برج خواهد بود

در این موقع پیشنهادات متعددی از طرف آقایان نمایندگان شده و رد گردیده و نیز ایرادات بسیاری از طرف بعضی شده و مخبر کمیسیون جواب ایشان را دادند تا بالاخره تصمیم قطعی حاصل شد که در شش ماه اول برای هر یک روز تخلف از این قانون صد نیم از حقوق یک برج کسر خواهد شد و در شش ماه ثانی برای هر یک روز تخطی از قانون موضوعه صد یک حقوق یک برج کسر شود

شاهزاده نصرت الدوله تبصره ذیل را پیشنهاد کردند که جزو مواد شود

تبصره — مامورین خارجه دولت از این قانون مستثنی خواهند بود

و برای اثبات علت ان توضیحاتی دارند

مخبر کمیسیون ایراداتی در این خصوص نموده و بالاخره رای گرفته و تصویب نگردید

در این وقت ماده سیم مجددا قرائت نموده و در خصوص چهار ماده قانون مزبوره رای گرفته و تصویب شد

پس از ان راپورت کمیسیون بووجه در خصوص بر قراری شهریه در حق ورات مرحوم سید حسین اردبیلی قرائت وچون مخالفی نبوده با ورقه اخذ رای نموده و با اکثریت ٦٦ رای تصویب گردید

خبر از کمیسیون راجع بورثه اقا سلیم سنگ قرائت گردید

آقا شیخ اسدالله اظهار داشتند که دولت بچه مدرکی سیصد خروار جنس در باره آنها معین کرده است

آقای شیخ العراقین زاده — این سیصد خروار جنس حق الارض ورثه آقا سلیم سنگ است که در ازای ٦ پارچه املاک که بتصدیق وزارت مالیه در زمان فتحعلی شاه من غیر حق دولت از ایشان گرفته اینک دو سال است که مقدار سیصد خروار جنس در باره آنها مقرر و پرداخته شده است وبالاخره لایحه دولت را قرائت نموده و اقای سید المحققین مخالف بوده و شاهزاده محمد ولی میرزا عقیده داشتند که بکمیسیون مراجعه شده و با توضیحات لازمه عودت داده شود آقای سید عبدالوهاب اظهار نمودند که اگر دولت در ضبط این املاک ذیحق نبوده پس باید املاک را مسترد داشت و الا وضع مقرری در باره ایشان موضوع نخواهد داشت وبالاخره برحسب پیشنهاد مصوبه اقای حائری زاده راپورت بکمیسیون رجوع گردید تا با توضیحات لازمه عودت دهند

دستور جلسه اینده لایحه گوگرد و نمک و قانون شورای دولتی معین شده و جلسه ختم گردید

آقای مدیر محترم

احتراما شرح مصاحبه را که رفیق چیچرین در روز ورود بمسکو با نمایندگان جرائد نموده است برای استحضار ان ارسال میدارد بدیهی است که اداره جریده فرانده دو درج و استفاده خبری از ان ازاد است .

دائره مطبوعات نمایندگی

وزیر مختار دولت جمهوری سوسیالیستی فدراتیو شوروی روس در ایران

متاسفانه بواسطه ضیق صفحات از درج مصاحبه مزبور معذوریم و یقین داریم که در سائر جراید امروز مندرج خواهد بود و از همین رو عدم درج ان برای ما چندان اسفناک نیست

صفحه ۱۰

چون شیون شیرین باخر رسید همه پادشاهان دست هارا بائین درود با آداب قدیم ایران خم نموده شروع بخواندن این درود مینمایند

(درود برروان پاک شت زرتشت)

(موسیقی این درود را میرزا حسین خان دیپلمه موزیک ساخته)

زرتشت - ایران خرابست ای روان پاک - زرتشت

این کشتی در گرداب است حیف از این آب وخاک - زرتشت

آب و خاکیکه یک وجب ویرانی

در آن نبوده هیچ عصر و زمانی

اب وخاکی که مهد عزت دنیاست پرورده دست ومزد شمشیر ماست

اکنون چنان روی و بویرانی نموده بویرانه نموده

که کس نگوید این ویرانه ایران بوده ویرانه ایران بوده

ای پیمبر آسمانی - زرتشت تو بر ایران و ایرانی

پیک نهانی - زرتشت

دست ما بدامان پاک تو حقیقت یزدان سر به پوزش نهیم برخاک تو

سعادت ایران —— ایران

از ستوده روان تو ما خواهانیم

تجلی روان شت زرتشت

چون درود با آخر رسید کم کم یک دیواری که ذیل آن یک دهلیزی

اخبار داخله

هیئت وزراء

دیروز جلسه هیئت وزراء از قبل‌از ظهر تا غروب در هیئت تشکیل شده‌مشغول رسیدگی بامورات بودند

۲۶ دلو از شاهرود راپرت میدهند جمعی ازرؤساء ومحترمین‌بسطام‌به‌تلگرافخانه آمده از تعدیات مامورین مالیه تلگرافا بمقامات عالیه متظلم و متحصن هستندچون تلگراف خانه‌محلی برای ان اجتماع نداراد ازتحصن حکومت تقاضا شده که بهر نحو ممکن است انها را از تحصن خارج نمایند رئیس کابینه و رئیس عدلیه را فرستاده اند با انها مشغول مذاکرهٔ هستند تا چه پیش اید کندم خرواری ۱۵ تومان جو ۱۲ تومان است

ورود

میرزا جاوید خان که‌از طرف وزارت جلیله مالیه برای تفتیش ادارات مالیات مستقیم و غیر مستقیم و رسیدگی بشکایات اهالی از امین مالیه مامور شده دو روز است‌واردتم شده ومشغول‌تفتیش ورسیدگی است هوا امروز معتدل است

تنبیه

از استراباد اطلاع میدهند

یک نفر نظامی در بازار با شخص بقالی درموضوع خرید جاجی طرف میشود وراپورت قضیه را به یاور یحیی خان حکیمی رکیبی اردو میدهد نظامی و بقال راحاکمه میطلبیدند چون طرفین تصمیم داشته اند هر دو نفر را در سرباز خانه با حضور تمام افراد بهر یک یکصد ضربه شلاق زدند)

تحصن

ابهر از شاهرود ۲۶ دلو

پریروز ازطرف کمیل حکومت‌رئیس کابینه ورئیس نظمیه و رئیس بلدیه ابهر رؤسای نظامی متحصن تلگرافخانه راراضی کردند که بروند میان شهر منزلی بگیرند از تحصن خارج شوند و راضی نشده رفتند فوری مراجعت کردند اظهار داشتند از طرف رئیس مالیه وبنام تهدید امیزی بانها رسیده بعده در تلگرافخانه متحصن شدند

گندم‌خرواری پانزده تومان جو دوازده تومان نیم است

ورود به همدان

۲۸ دلو از همدان اطلاع میدهند

آقای امیر لشکر غرب با تجلیل و احترامات لازمه از طرف تمام طبقات دیشب واردهمدان‌شدندتازه‌قابل عرض‌نیست

•°• اخبار دیگر از همدان حاکی برعدم رضایت و نفرت عموم از حکمران همدان باداره رسیده است که مبا بواسطه ضیق صفحات از درج‌آن‌معذوریم فقط اظردولت را جلب نموده و در هر چه زود تر تدارک رضایت اهالی انجا را انتظاردارید

محاکمهٔ اقدام

روز شنبه آتیه قبل از ظهر هیئت منصفه تشکیل می‌شود ومدیر اقدام راحاکمه می نمایند

نظام و شکایت

قریب‌یکصد نفرازاهالی‌بشندمجموع‌بواسطه کثرت مالیات به پایتخت آمده اند بمقامات مربوطه شکایت و تظلم نموده اند ما انتظاریات اولیای امور را برسیدگی بشکایات اهالی نشنند جواب نمایم که‌هرچه زود تر بعرایض رعایا رسیدگی نمایند

اقای مدیر محترم جریده ملی قرن بیستم مقتضی است این چند سطر را در اولین شماره درج نمائید

مکرر در یکی از جرائد میخواندم اشخاصیکه بر علیه قوام‌السلطنه قیام‌کرده اند انها یکمشت هرچی و شیاد هستند که میخواهند مملکت را از وجوده [یکنفر رئیس‌الوزراء فعال] بی بهره بگذارند

چون یکی از مخالفین قوام‌السلطنه خود بلده بودم اکنون‌میخواهم ازنویسنده المقالات سئوال کنم چطور شد که در شماره ۹۷ روز نامهٔ خودتان می نویسید ؟

(عجب اینستکه طرفداران سابق و ازادیخواهان و جوانان همحالا روحاضر وهوای‌حمایت ازاین‌کابینه ایستند)

از اینجمله بتصدیق‌خودتان واضح‌شد که اقدامات برعلیه قوام‌السلطنه مبانی بی ازادیخواهی و از روی عقیده بوده است برای اینکه در زمان تصدی ریاست‌وزرائی او جز خیانت و پرباددادن ناموس‌مملکت چیز دیگر از او مشاهده نمیشود‌میبایدبرای اینکه میدیدیم اوراق دزدور او میخواهند خیانت های وثوق الدوله را از خاطر ها محو نمایند :

برای اینکه میدانستیم کاز میراث معظم السلطنه بنیراز ده هزار تومان قرض چیزی از برای انها باقی نمیماند، بود :

و در مدت هشت سال وزارت با حکومت کردن نمیشود این همه ثروت‌هنگفت بدست آورد

پس باقرار نویسنده معلوم شد که ماهوچی و شیادنیستیم بلکه انها طرفداران قوام‌السلطنه هستند

در جای دیگر باکمال‌بی‌انصافی حکومت فعلی را که‌مطابق امال و ارزوی ملت‌است یک حکومت ایجاد مخرفی می‌نماید

آری اگر مثل قوام‌السلطنه باقابان معلوم الحال برای بر باد دادن مملکت بندوبست میکرد و یک کابینه قالیچی مرتجع تشکیل میداد اورا بهترین حکومت های‌دوره مشروطیت معرفی میفرمودند

دو جمله دیگر میگوید چرا بدون مجوز قانونی جریده ملی اقدام را توقیف نمودند

لازم است اولا خاطر انا را باین‌نکته متوجه نموده یک روز نامه که این درجه ابروبرند ، باشد که هر روز تحریر عقیده‌و مسلک بدهد ملی است

و گذشته‌از این ها مگر همین‌اقدام نبود که یک روز قوام‌السلطنه‌رادفن کرد و وقتی که کابینه قوام‌السلطنه تشکیل‌شد در مقابل‌من بخصی‌اورا اول شخص‌خادم و وطن پرست‌معرفی کرده و ابروی‌جریده نگاری‌خود را در میان جامعه ملت ریخت ! بازهم روزنامه شما از روز اول‌طرفدار مرتجعین بوده‌و حالیه‌چلدان‌هم سوگ‌خود را تغییرنداده است‌وشما پراوترجیح دارید

در این صورت‌نمیدانم بچه علت‌این شخص بیاطاقه را که هر لحظه مانند صعوه بشاخی می پرد روز نامه اش را یک جریده ملی معرفی نموده اید ! باید همه جریده‌نگاران اسلا نام او را در ردیف روز نامه نویسها نیاورند گر چه خوب می دانم نویسنده ان‌مقاله دیگری‌است والکلب اورا بخوبی میشناسند مانها شعری که در اخرمقاله نوشته برای پیدا کردن خارج از مطلق و وزن شعری بوده است

نانها این‌جریده‌ملی را ! کابینه‌بود شما بواسطه توهین شدیدی که (بدستور همان محبوب شما) بمقام سلطنت نموده بود توقیف کرد ! و چون بدون اجازه مبادرت‌بانتشار آن‌کرده‌توقیف گردیده‌است

متحیرم تر ازهمه اینستکه می نویسد [تعجب ما از سایمان میرزاست که‌چطور ساکت مانده

چرا این تحیر و تعجب را درزمان کابینه قوامی که تمام جرایدازاده‌خواه را بند نمود ، نفرمودید ؟

خوبست نویسنده محترم‌قبل‌از هر کار یک عقیده ثابت دائمی برای خود اختیار بنمایید که برای پیشرفت مقاصد مشئوم خود روزی مداح مرتجعین و قداح ازادیخواهان نبوده و روزی بالعکس

(محمود فرهی)

بیدار — اقدام

اقای‌مدیر فاضل قرن‌بیستم

دیروز روز نامه بیدار بجای اقدام منتشر شد و مناسفانه من هم الرا مطالعه کرده و شیون شیخ دیاس خایل را هم ان خوانده دیگر پیش از این نتوانستم در مقابل هوام فریبی های منتفع و ریاکاری رسوای این اخوند پیر چاه ساکت بشینم و چون روز نامه قرن بیستم‌را یک روز نامه جوان و فاضل می شناسم‌خود رابرای نشر حقایق بدون ترس و بیم حاضر کرده سطور ذیل را برای شما میفرستم‌این جناب اخوند خایلی که بزای هویت اه جز لفظ (آوانتوریه) کلمه دیگری نمی توانم پیدا کنم چندی قبل به ایران آمده درپدو امر آقا میرزا علی قمی دانش بحال او سوخته و او بعنوان مترجم جراید عربی در معد استخدام کرد در کابینه سید ضیاء الدین مجله به را باو واگذار کردند و بعد از سقوط کابینه مشار الیه مجله بدیه مترجم شد پس از ان خیلی تلاش کرد بلکه در بلدیه جائی از برای خود پیدا کند و موفق اشد بعداز یاس برای گذراندن حیات پست و پر کردن شکم فرومایه خود روز نامه نویس شد در پدو امر با یک هریده های که بفریاد دست ها بیشتر شبیه بود به اشراف حمله نمود یک سلسله رجز خوانی نمود و عدهای انکارتات او یک منطق و براهینی بر ضد اشراف ابود همه اش هریده و فریاد بود مثلا بجای اینکه مظالم اشراف و فجایع اعمال انها را شرح دهد و احساسات عامه را نسبت به انها مکدر کند مانند دیوانه کان می نوشت (ای اشراف ای استخوان های پوسیده ای شکم خوارگان ما اینقلم را بچشم شمافردی برنمی ما تیر زهر الود خود را بقلب‌شما می زنیم ما یک مشت خاک بر سرشما میریزیم وبرسرخود همه ماشما رابد میدانیم ای همه خائن ای قوم حمیت ای مرغها عاطفه ای شغال ها زوزه ! بر قله‌الوند با صراحی دست بکریبان خون دل را بر لوح سیاه مینویسم . . .)

و از این قبیل مزخرفات حریده را پر میکرد و بعد از ان قوام‌السلطنه را دفن کرد و میگفت (ایها الناس قوام‌السلطنه دزد دزد دزد خائن خائن خائن ما او را دفن کردیم و یک مشت خاک سیه بر او ریختیم و بسر خود هم

مردم‌از این داد فریادچیزی نمیفهمیدند ونمیدانستند که آنها مزخرفات این‌شیخ عرب فکر ندارد منطق نخوانده استدلال بلد نیست وبالاخره‌فارسی را نمی‌تواند بخوبی بنویسد ولی شاید یک احساسات پاک وساده دارد وتمی تواند ان ها را در قالب بیان بریزد

اما پس از چند روز دیدیم قوام‌السلطنه از قبر برون آمد و به قول مدیر اقدام از سالکین پاک تر و از پیشنمازان خود توی تر و کار آمد تر است

از همان روز اقدام و مدیرش شیخ عباس در میان منجلابی‌که شایسته بود افتاده و عقاید بگلی از وی بر گشت و آن روح ساده که‌مردم در اوتصور می‌کردند یکبک قیافه کثیفی در انتظار میدل کردید بعد ها عملیات او تائید کردید این قیافه تا چند را در هر روز یک‌لک سیاه دیگری بصورت سیاه‌او زده میشد مثلا در عین حالی که‌روزنامه اقای فجات و اقای طباطبائی‌را (!) با کابینه‌موافق گفند و ان هاهم‌به‌ساده لوحی واداداقی او خندیده و مسخره اش میکردند تا ان که قوام‌السلطنه که خودش‌دستور داده بود

صفحه ۱۱

را نشان میدهد که برطبق ان یک جمعه رب‌النوع پیدایت عوکردیده روح زرتشت با جامه سبز وموی سفید وکیدو های تاکسر ریخته بایک قیافه‌ملکوتی و حرکات پیمبری پیدا میشود و شروع بخواندن این ابیات مینماید واهسته اهسته همچون روح حرکت مینماید

من روان پاک زرتشتم که بستو دیده هان
پیش آهنگ همه دستوریان و موبدان
من سخن آرای دستور مهابادم همی
آنچه باید داد رهبری دادم همی
کار نیک و گفت نیکو ودل پاک این‌نداد
کوش ایرانی به بد بختی امروز اوفتاد
ایجوان مردان عالمگیر خفته در مغاک
نامتان رخشنده در افاق‌و خود درزیرخاک
جایدارد هر چه دلتنگید از ایران کنون
زین پسرهای درآورده پدراز خودبرون
حیف نبود زاده‌کان خسرو کشور گشای
دست بر شمشیر نا برده دو آبندی زپای
خیره‌گی بنگر که‌درمغرب زمین غوغاییاست
این همیگوید کاپران ازمن انگوید زماست

اقدام بشاه حمله کند اوراق توقیف کرده ولی مدیر اقدام حتی یك کلمه هم بر ضد کابینه در جرائد خودش و هم روز همه خاله قوام السلطنه میرفت تا این که قوام السلطنه یك روز قبل از سقوط کابینه اش اقدام را از توقیف برون آورد که برای کابینه آینده منفی باقی گذارد ولی متاسفانه چون بمقام سلطنت توهین کرده بود مدعی العموم قبل از محاکمه و تعیین تکلیف اجازه انتشار نداد و باوه سرائی کند

دیروز دیدم بیدار را منتشر کرده و در آن بمه کابینه حمله کرده و اقدام به توقیف اقدام را مخالف قانون خوانده و مستوفی الممالك را لایق بقانون خلاف کار گفته بود

من در این جا یك سئوال از آقای اخوند عباس خلیلی دارم و امیدوارم جواب لغو نخواند بدهد زیرا موضوع واضح خواهد شد

آقای شیخ عباس

ایا مبادرت قوام السلطنه به توقیف اقدام بر خلاف قانون بود یا موافق قانون است اگر موافق قانون بوده است بکدام دلیل قانونی از توقیف خارج شد

و اگر مخالف قانون بوده است چرا چرا بمه قوام السلطنه هیچ حمله نکردی

و علی ای حال قوام السلطنه بیشتر مستحق توقیف بوده است یا آقای مستوفی الممالك ؟

یك سئوال دیگر هم دارم.

شفق سرخ اقدام هر دو با هم و به یك اسم توقیف شدند بطور شد اقدام با آن همه یاوه سرائی ها به مقام سلطنت از توقیف خارج شد و شفق سرخ کابدا تعرض شدیدی بر ضد مقام سلطنت نکرده بود هنوز هم در توقیف باقی است

در خاتمه باقای شیخ عباس خلیلی تذکر میدهم که اهالی طوران و ایران با هوش تر از آن هستند که یك روح منافق و کثیفی را نشناخته و با اشتلم و دادوفریاد بکسی معتقد شده حقایق را نه بینند

﴿ علی ازاد ﴾

این مقاله اگر چه خیلی تند بود و مناسب آنکه برعلیه مدیر یك روز المه‌القدرها تندی کنیم ولی چون مدیر اقدام بقدری قانون عقیده به خرج داده است که بایت تاسف عموم جریده نگاران شده برای تنبیه ایشان از درج این مقاله مضایقه ننمودیم

قرن بیستم

قطعه

جواب مقاله کابینه نیم بند یکی از جرائد بومیه طرفدار قوام السلطنه

آن زن که بنیك وبی کمال است — ز آن دائما تو ند بهتر
آن میوه که بو ندارد اصلا — زان میوه که کرده گند بهتر
زان دولت عهد باعدو بند — کابینه نیم بند بهتر

اخطار

چهار شنبه این هفته و چهار شنبه هفته بعد بواسطه گرفتاری به امور اداری روزنامه طبع نخواهد شد

دفتر قرن بیستم

اظهاریه جماعت زنان تهران

به ورقه مفصل چاپی با امضای عده زیادی از زنان تهران طوران باداره رسیده مبنی بر اینکه قرائت خانه فیروزی متعلق بزردشتیان خالص است و چون مفصل بود بواسطه ضیق صفحات از درج آنها معذوریم

اعلان

نظر باینکه در مقابل تقاضا های واصله بادیه طهران بوسیله سیم فرعی پارهٔ از معابر را روشن نموده و از نقطه نظر فنی چراغ دادن از سیم های مزبور برای منازل غیر ممکن است بنا بر این اخطار میشود که آقایانی که مایلند بمنازل خود چراغ برق بکشند بکار کنان آقای حاج امین الضرب مراجعه وتقاضای نصب چراغ و رفع نواقص را بنمایند

نماینده اعلان ه

حکیم اعظم

۲ — ۲

پریشان کوئی

عاقبت امره گذشته هم در راس قاله های مظلومانه من جمله پریشان کوئی را شاندلد آری طبیعت میخواهد باچاپریشان کوئی باسفسطه و مغالطه روح من فکر من اعصاب حساس مرا از مه افتاده مایوس گذلد مثل یك مقتول در لابحه آخرین تشنجات اعصابی دست و پا زده خاموش کردند خوب منهم بیش از این رویه درازی مباحثه و مدافعه نمی کنم شاید طبیعت دروغ هم نگفته باشد زیرا چند مرتبه برای تفریح و سیاحت دار المجانین به ملاقات ان مردمیکه برتیمام موجودات به چیز علایق بخت یا زده خوش بختانه قوه عاقله وان قوه ئیکه علت العلل و سرمنشاء جاه طلبی خودخواهی تمدن وبالاخره تمام بدبختیهای بشر است ان قوه را وداع گفته یا مساعدت طبیعت ترك کرده اند زفته ام — بالواقع دقت ان مردم وارسته را ملاقات نموده ام مثلا بعض الها را در قیدیکه کمتر از قید حیات زندگی نبود اسیر دیده که دست و پای ان ها را بانواع مختلف بسته بودند

درعین حال باقیافه مظلومانه وصورت حق بجانب رقت اوری میگفتند — چرا ما را دستگیر کرده اند چرا دست و پای ما را بسته اند ما دیوانه نیستیم الهائیکه ما را در این محل حولناك اورده در قید اسارت افگنده اند دیوانه اند عقل ندارند و تقریبا این تظاهرات بطور معقولانه از انها تراوش میکرد من واقعا مشتبه شده بودم رقت کردم پی اختیار بطرف یکی از انها رفتم تا در حال او دقت نموده مطمئن شوم شاید موجبات استخلاص او را از این قید و عبوطه فراهم سازم همینکه از دیك شدم مانند یك برگ سلطنت سریع السیر باچشم های افروخته و قیافه هولناك در مقابل من جستن کرده بمن حمله نمود بد بختانه او مقید بود و من پر ازدیك نبودم و گرنه مرا راحت کرده بود دیگر در زحمت پریشان کوئی دچار نمیشدم باری زود خود را جمع کرده دور شدم و تصدیق نمودم انان دیوانه اند

آری شاید امروز منهم مثل روز آن دیوانه باشم شاید من پریشان کوئی میکنم شاید من نمیفهمم اما طبیعت میفهمد پس عجالتة از این مقوله ساکت میشوم دیگر مجادله نمی کنم دیگر نمینویسم

بلی من پریشان کوئی میکنم از این گفتار من فکر من زندگانی من کار های شبانه روزی من پریشان است

البته پریشان است — چرا ؟

برای انکه من بدبختم طبیعت خواسته است آنقدر تند روز کار میخواهد مثل یك سلطان مقتدر مالك الرقاب خود سر لوازم تجمل و تفریح او مهیا باشد

میخواهد همه چیز داشته باشد عاقل — دیوانه — مقتدر — ضعیف — توانگر — فاجر — و بالاخره خوش بخت و بدبخت — اتفاقا من بدبخت بوجود آمده ام آری من بدبختم — اگر من خوش بخت میشدم دستگاه با شکوه طبیعت ناقص بود یك پایه تخت باعظمت او گم و ناجور میشد — بسیار خوب این جام باز تسلیم میشوم اما میپرسم چرا بطور تعیین من بدبخت و دیگران خوش بخت شدند — چرا من هیچ ندارم دیگران همه چیز دارند — چرا من وامثال من جزء آسایش جزء مازومات خود سری و لوازم کامرانی دیگران و متمم عیش انها شده ایم — خوش بختها چه ترجیحی بر بدبختها دارند — طبیعت چه خویشاوندی و قرابت با انها دارد — و چه سابقه و دشمنی با ما در نظر داشته — ترجیح بلا مرجح چرا

آقایان اشراف وای عزیزان بی‌حوت وای خوش بختها راستی من از شما میپرسم شما چه کرده اید چه حقه و نیرنگی بکار برده اید تا ما هم بگنیم باکاله ادب عرض میکنم — اقای طبیعت چرا بشك مرحمت تو بر ما نیافتاد ، چرا شاهین اقبال تو بر سر ما نه نشست ، چه شد مادر فطرت نزد تو در شششدری ماندیم در صفحه شطرنج تو چرا بی سایه شاه ما را کش نمودند که نتوانیم بقلعه برویم بخوش بختی مباهات کنیم — اینها همه که ما در اولین حرکت مات شدیم

بنین دارم حالا به چاره سعی و عمل کوشش — وبالاخره کار کردن تقدیر مقدرت خواهی کرده میگویند اشخاص بد بخت بی فکرند تن پرورند حس کار کردن زحمت کشیدن ندارند روی همرفته بیکاره اند تنبلند اتوقت در جواب خواهم گفت این اولادهای عزیز نور چشمهای طبیعت این رب النوع های اوره کی عزیزان بی‌حوت کاهای بی‌رنك و بو بعبارت دیگر این اشراف بیمروت بی مصرف

اولا ثروت مملکت ما پدبخت ها را که علت و سبب تنبه کار های عمومی است مانند یك تاجر بخیل مثل ارزاق عمومی دست اندازی واحتکار کرده

نمیگذارند بدبختها با سرمایه طبیعت کار کرده خوش بخت شوند مثل انها از لذائذ خوب مأکولات مایوسات طبیعی بی بهره و رباشند

آنها همه خانه اساسیه ثروت کرده هر کدام یك عائله تشکیل دهند علاوه بر تعداد نفوس مملکت را مطیع افکار امراض بر عزت مملکت بیفزایند شما را بخدا انصاف است مروت است خوش بختها نرمانفرما ها امیرت الدوله ها و . . . هر کدام معادل ششصد هفتصد هزار زرع زمین را خانه شخصی ساخته بانواع زینتها واسبابه های نفیس آنرا بین دهند انگاه قسمت عمده یك مملکت

با پریشانی کمرصاکی اصرار حیات کرده یکوجب زمین مسقف برای دفاع از گرما وسرما نداشته باشند و در اثر مضایقه و طمع ورزی دیگران [فشار اقتصادی انها موضوع کار و استخدام اصلا منتفی و مفقود باشد افوقت انها را تنبل بی فکر بی‌کاره بدبخت بخوانند اینست عادت طبیعت

از موضوع خارج شدیم بر گردیم بطرف مبحث خودمان واما املاك حاصل خیز در صد نود ویکج ان را خوش بختها و اشراف بعنوان تملك و اغلب بوسائل غیر مشروع دست اندازی کرده یا قرنای مملکی که رفقای مظالم انها هستند معاونه نموده نمیگذارند هیچ کس در انجا مراوده کند نظاری داشته باشد

این است جواب خوش بختها نسبت به ثروت فقدی و معاینات مملکت اما در قسمت های دیگر ثروت آنیه مفصلا دفاع خواهم نمود سید محمد تقی بهبهانی

صفحه ۱۲

ای گروه پاك مشرق هندو ایران ترك وچین
بر سر مشرق زمین شد جنك در مغرب زمین
در اروپا آسیا را لقمهٔ چند اشتند
هریك اندر خوردش چنگالها برداشتند
بی‌خبر کاخر نگنجد کوه در حلقوم کاه
گر که این لقمه فرو بردند روی من سیاه
یاد از آن عهدی کدر مشرق تمدن تاب بود
وز فروغ شرق نور معرفت پر تاب بود
یادشان رفته همان هنگام در مغرب زمین
مردمی بودند همچون جانور جنگل نشین
از همین رو کاهکاه — میجهیدندی گیاه
خیز ای مشرق زمینی روز مغرب کن سیاه
تا نتابد شرق کی مغرب برآید آفتاب
غرب را بیداری انگشد که شد شرقی بخواب
دارم امید انکه گردد شرقی بابد اقتدار
از پی آسایش خلق اقتدار آرد بکار
نی چو غربی آدمی را رانده از هر جا کنند
آدمی و آدمیت را چنین رسوا کنند

سال دوم دوره دوم شماره نهم

اداره : طهران خیابان اسلامبول

دوشنبه چهارشنبه جمعه

تک نمره ۸ شاهی

پس از یکهفته یکقران است

شنبه ۷ رجب المرجب ۱۳۴۱

قرن بیستم

صاحب امتیاز و نویسنده اساسی : ر . میرزاده عشقی

۲۴ قوس ۱۳۰۱ حوت ۵

ابونمان پیشکی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان

وجه اشتراک

برای محصلین . کارگران . و اعضاء اتحادیه ها ۵ تومان .

قیمت اعلانات و مقالات خصوصی با دفتر اداره است

بخوانید و فکر چاره باشید

بیم دخول میکروب موذی در وجود کابینه سالم

نصرة الدوله میخواهد وزیر داخله بشود

چند روز است که کاسه پر از زهری را وکلای طرفدار نصرت الدوله بدست گرفته و تا نزدیک لب مستوفی الممالک برده باو باصرار تعارف میکنند که از آن کاسه بیاشامد

زهر آن کاسه عبارت است از خواستن مقام وزارت داخله برای نصرت الدوله است

بیچاره وزارت داخله

خدا وزارت داخله را از این بلای عینکی . . . حفظ کند ؟

فردا است که اگر آن کاسه زهر را رئیس دولت حاضره بیاشامد یک مرتبه اول تمام موجودیت دوائر دور و نزدیک وزارت داخله مسموم و سپس تمامت هیئت دولت و در نتیجه تمام دوائر دولتی زهر آلود گردیده و بالطبیعه سر تا سر مملکت مسموم خواهد شد

باید متشکر بود که رئیس دولت تا دیروز همواره دو دسته آن کاسه را پس زده و هنوز حاضر نشده است که با آن کاسه پلید پر از زهر لب آشنا نماید

ولی این وظیفه ما و همه آزادیخواهان بلکه عموم مردم است که همه باهم همدست گردیده هجوم نموده آن کاسه را از دست دسته طرفدار نصرت الدوله عنفا گرفته بزمین زده و با پا زمین خورده آن کاسه را ریزریز نمائیم

اگر نکنیم چه خواهد شد ؟

چیزی طول نمی کشد که نصرت الدوله را در وزارت داخله خواهید دید با دست نادرستش حکم ماموریت تمام نادرست هارا برای حکومت تمام نقاط دور و نزدیک این مملکت امضا میکند

غریب بلائی است ؟

عجب این دست شکسته بال گردن پیکر نحیف این جامعه بدبخت گردیده

خیلی عجب است که با دست شکسته هم تا ما را از پا در نیاورد دست از سر ما نخواهد کشید

و عجب تر این است که با همجان بد آفت ندارد یعنی در ایام زمامداری قوام السلطنه این خیال مدهش در کله ایشان جا نداشت

بعد از قرنی که آزادیخواهان موفق بتکشیل یک کابینه سالم و صالحی گردیدند ایشان به این خیال افتادند

خانواده فرمانفرما عجب آفت بزرگی برای ایران شدند

از افسانه گو های قدیم می شنیدیم که گاهی اژدهائی در کنار شهری مسکن میگرفت اهالی آن شهر از ترس بنام باج همه روزه یک نفر بدبخت را به نزدیک او برده و او آن بیچاره را می بلعید و با همین صدقه اهل شهر از هجوم و تعدی آن اژدها ایمن بودند در این هیجده ساله عمر مشروطیت دولت ایران برای جلوگیری از آزار فرمانفرما همین رویه را پیش گرفته بود یعنی بان گرگ پیر همه ساله حکومت کرمانشاه و یا ایالت فارس یا اجازه چپاول پروجرد و غیره را میدادند که بوسیله این صدقه از شر این اژدهای اجتماعی ایمن باشند

متاسفانه این اژدها چندین افعی بوجود آورده نصرت الدوله — سالار لشکر — محمد ولی میرزا — و ... دولت ایران این چند اژدها بچه را چگونه راضی نماید از همین قرار باید حالت بدبختی ملت ایران را که این چند افعی را در سینه جا داده مقایسه نمود

من گاهی که تابوتی را در معابر می بینم در قلب خود میگویم خدایا آیا یک روز میشود وثوق الدوله و یا قوام السلطنه را در این جعبه های حبس ابدی به بینم ولی هیچوقت آرزو نمی کنم که فرمانفرما را در آن صندوق های اسرار عدم زیارت نمایم ؛

چه که فرمانفرما تازه وقتی مرد چار پنج فرمانفرما برای آزار روح و هلاک استقلال این مملکت از خود یادگار گذارده است ولی وثوق الدوله و قوام السلطنه خوشبختانه هیچ کدام اولاد جانشینی ندارند و هر روز مردند آنروز روز خوشبختی و جشن سعادت این ملت چند بار فروخته شده است

آری فرمانفرما یک بلای پر دنباله است تازه وقتی مرد نصرة الدوله هست سالار لشکر هست شاید آنها هم وقتی اژدها شدند مانند پدرشان چندین افعی بوجود بیاورند

الحاصل پسر فرمانفرما از زیر عینک با آن چشمهای درشت سیاه که قسمت اعظم سیاه روزی ما نتیجه آنها است چند روز است شب و روز بصندلی وزارت داخله خیره شده و اگر اندکی غفلت شود یک مرتبه روی آن خواهد جست

آن روز است که آبادی و هم چانه های فرمانفرما هر یک بولایتی مشغول حکومت و تعدی و انتخاب کاسه لیسه های این خانواده موذی برای کرسی های مجلس ششم خواهند بود

نصرت الدوله تمام دسائس و محکم کاریهای خود را در این چند روزه اخیر بعمل آورده است

خطر تا نزدیکی درب وزارت داخله رسیده است

بدبختی تا آستانه خانمان این ملت پریشان قدم گذارده

اینها همه را گفتم اینهم نگفته نگذارم

نصرت الدوله هرچه انتریک بکند و کارکنان او هرچه زحمت بکشند محال است بگذارم او در کابینه مستوفی الممالک وزیر داخله باشد

اگر کابینه مستوفی الممالک سقوط کند بهتر از این است که نصرت الدوله اسمش در کابینه او برده شود

رمیرزاده عشقی

سؤال از آقای قوام السلطنه

مؤتمن السلطنه قنسول بغداد در کابینه شما بطرف بغداد حرکت کرد البته منصوب شدن ایشان رسمیت داشته در صورت رسمیت تلگراف رسمی بودن مشارالیه را بتوسط سرپرسی کاکس یا ملک فیصل مخابره نموده اید ؟

در هر صورت البته بجهت رفع شبه جواب خواهید داد

چون یک زمزمه هائی در اطراف این قضیه و تصدیق حمایت انگلیس در بین النهرین نسبت بشما هست که ناچاریم حقیقت را بگوئیم و بفهمانیم به ایرانیها که اثر جنایت شخص شما در بین النهرین چه نتیجه داده و چگونه مقامی را که ایرانیها در بین النهرین حائز بودند امروز فاقد آن شده اند و مدلل کنیم که سبب شخص جناب عالی بوده اید

بموجب کاغذهای که از بین النهرین رسیده و شرحی از تنفر عربها از ایرانیها و بد گفتن به دولت ایران و ایرانیهای عموماً و به شخص شما خصوصا در نمرات البته خواهیم نگاشت

(— سید حسن سبط الشیخ نجفی —)

***

آقای آقا سید حسن از این آقائی که شما سؤال فرموده اید مطمئن باشید جناب ایشان چون پول دارند و پول خرج میکنند و پارتی دارند ذغال را سفید و ماست را سیاه معرفی خواهند کرد ...

در جواب حضرت عالی هم اعلانهای مفصلی در جرائد منتشر خواهند نمود و ضمنا باشتباه کاری کاری خواهند کرد که بایشان در موضوع این جناب مهم ایرادی وارد نشود و سر پرسی کاکس و دولت میبوعه او نیز از او راضی بمانند

قرن بیستم

بعد از این باید نماند هیچکس در بندگی

هر کسی از بهر خود زنداست و دارد زندگی

چون کلام بدین جا می رسد شت زرتشت با دست اشاره بسقف سن نموده و گهواره آراسته با بیرق ایران و مزین به چراغهای رنگارنگ از سقف پائین می آید و روان زرتشت با دست بان اشاره نموده و بکلام خود ادامه میدهد

در همین گهواره خفته نطفهٔ آیندگان

نطفهٔ این مردگانی را که بینی زندگان

از همین گهواره تا چند دگر فرزند چند

سر بر آرد سر بسر ایران از ایشان سربلند

بعد از این اقبال ایران را دگر افسوس نیست

لکهٔ در سرنوشت کشور سیروس نیست

من ابراهیم ایرانیان غالب شدم

حافظ ایران بود یزدان و من غائب شدم

شت زرتشت در پشت همان دیوار که تجلی کرده غائب میشود دو مرتبه دیوار بجای خود بر می گردد و سلاطین هم پس از مدتی حیرت و شعف در دیوارها نیکه محو شده بود و آنها پیدا شده بودند رفته بحالت اولیه خود باز گشته نموده ناپدید میشوند و خسرو دخت هم آهسته آهسته در قبر خود جای میگیرد

در این بین میرزادهٔ عشقی از خواب برخواسته با یک وحشت و تعجب معلمی این ابیات را میخواند

بمناسبت ۳ حوت

احساسات من

نسبت به سید ضیاء الدین

بیان چگونگی پیدایش نباتات و حیوانات بعقیده برخی از فلاسفه آلمان و ذکر دیباچهٔ از ارواح فوق العاده کان و تقدیر آقای آقا سید ضیاء الدین

چو این منظومه آفاق سرتاسر منظم شد — همانا فارغ آفاق آفرین از نظم عالم شد
روان فرمود از انوار انجم بر زمین روحی — که آخر رشتهٔ زان روح ارواح مکرم شد
بد آن روح عمومی سایهٔ از پرتو یزدان — نخستین بار آن روح اندر اندر قلزم و یم شد
پس از تولید اجسام نباتی در بن دریا — درون در او رفت و بر زمین بنشست شبنم شد
چو اشک آسمان شد او بشد چشم زمین روشن — درون در چشمه ها گردید و کوه و دشت خرم شد
پس از تولید اجسام نباتی سر ز حیوان زد — روان بخشید بر هر جسم بی جانی که توام شد
تجلی کرد در هر عضو هر گون جانور آخر — گهی چشمان آهو گشت و گه چنگال ضیغم شد
همین سان تا بجلد جانور های دوپا آمد — نمیدانم چه با این دم بریده گرد کاده شد
کشید از جنگل و از غار بیرونشان بیکدیگر — شناسانید فرداً فرد و جمعیت فراهم شد
سپس گرد آشیان در مغز هر پر مغز انسانی — سوی هر کس که پر زد صاحب اقلیم و پرچم شد
بخواب داربوش آمد پریشان شد خیالاتش — نه هشت آسوده اش تا تاجدار کشور جم شد
قرین در قرن دارا شد بذو قرنین اسکندر — ره دارائی دارا زده دارای عالم شد
هم او در شد به نوشروان و نوشین شد روان او — شد او تسلیم سلمان تا مسلمانی مسلم شد
سپس برد از حریم یزدگردی حرمت شاهی — بنو او با محرم بیت الحرام کعبه محرم شد
فتاد اندر سر پر شور برخی جنگجویان زان — گهی هم دوش قارن گشت و گه هم دست رستم شد
چو ظاهر گشت در [illegible] هانا گشت از او ظاهر — چنان کان یل ز چوپانی بسلطانی مصمم شد
همین روح الغرض با هر که در هر راه شد همره — ز تاییدات وی بر همگنان خود مقدم شد
بهر ملت که پیدا گشت از آن بیم فنا گم شد — ز هر جمعیتی گم گشت از آن بخت بقا گم شد
کنون قرنی است زایران گم شده است این روح کین گونه — بنای ملک درهم گشت و نظم قوم برهم شد
مرا زد در اسپاس از بعد آن کز غیبتش ایران — همه اندوهگین صحنه سراسر پرده غم شد
پی تجدید فیروزی نسل پاک ساسانی — مهین سید ضیاء الدین خجسته صدر اعظم شد

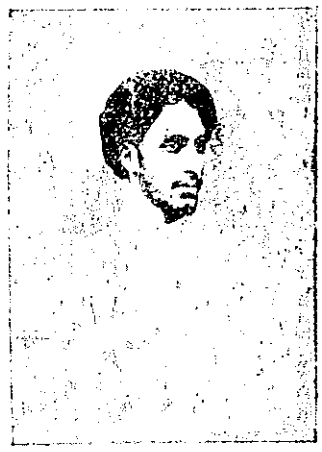

شد او اندر شجاعت آن کز او درمانده ضیغم شد — شد او اندر سخاوت آن کز او شرمنده حاتم شد
ندانم این طبیب اجتماعی را چه درمان بد — کز آن صد ساله زخم مهلک این قوم مرهم شد
من اضمحلال ایران را بچشم خویشتن میدیدم — کنون در مغزم استقلال این کشور مجسم شد
ملک محکم سزد قدر تو محکم رای را داند — کش از احکام تو بنیان سنت ملک محکم شد
تو فوق العاده ما فوقی به فوق العاده کان یکسر — ز فوق العادگی ات فوق فوق العاده کان ختم شد
چنان تاریخی ایران شد ز تاریخ تو تاریخی — که این تاریخ تاریخی ترین تاریخ عالم شد
که می پنداشت ایران را منظم سازد ایرانی؟ — بنام ایزد کنون با دست ایرانی منظم شد
به بین عشقی که هر کابینه را نفرین نمود اینک — چسان در مدح این کابینه قدرت مصمم شد

این منظومه را در زمان زمامداری آقا سید ضیاء الدین سرودم و در همان اوان جریدهٔ قرن بیستم بطور هفتهٔ کی منتشر میشد برای اینکه به تملق فرض نشود از درج این منظومه در آن ایام خودداری کردم ولی اینک که سید ضیاء الدین فرسنگها از طهران دور است با کمال میل به نشر آن مبادرت جسته و نهایت علاقه خود را نسبت بایشان اعلان و این یگانه مدیحه ایست که من از زبان قلب در عمرم گفته ام

رهم عشقی

دار الشورای ملی

خلاصه جلسه ۲ حوت ۱۳۰۱

بریاست آقای مؤتمن الملک جلسه تشکیل و صورت جلسه یوم قبل قرائت و با یکی دو فقره اصلاح تصویب گردید

بدوا آقای بهادر معظم کردستانی تلگراف واصله اسفند بادرامینی بر شکایت از مظالم و تعدیات حد و یغما گری های آنان بعرض مجلس رسانید و ضمناً مختصری از بی ترتیبی عدلیه آنان بیان کرده

آقای معاون وزارت خارجه تقاضا کردند شهریه های مستخدمین وزارت خارجه جزو دستور شود

آقای شیخ اسدالله مخالفت نموده و راجع بعدم ترتیب و تعیین دستور جلسات مجلس اظهاراتی نمودند

آقای معاون اظهار داشتند که سابقاً شهریه های مستخدمین وزارت خارجه جزو بودجه وزارت مالیه بود و بعد جزو بودجه خود وزارت خارجه گردید ولی ضمیمه و متن اعتبار نامه مصوبه وزارت خارجه نبوده و تصویب نشده است و خود آقا شیخ اسدالله در آنوقت عضو کمیسیون بوده و مسبوق هستند

شاهزاده نصرت الدوله در تعقیب اظهارات آقای معاون توضیحاتی دادند و بالاخره بالهجه شیرین فکاهی جواب بآقای شیخ اسداله را گفته و برای دخول در شوران رای گرفته و تصویب شد

آقای شیخ اسدالله سؤالاتی از آقای معاون نموده و جواب ایرادات ایشان باز گفتند

آقای آقا سید عبدالوهاب عقیده داشتند که ابتدا بایستی محلی از برای آن تهیه نمود و بعد تصویب کرد

آقایان دست غیب و حاج میرزا علی محمد و شیخ الاسلام موافقت نمودند

آقای محقق العلماء پیشنهاد نمودند که بقیه مذاکرات بشنبه آتیه موکول گردد و اظهار مخالفت نمودند

ماده واحده بدین مضمون قرائت گردید که مجلس پرداخت ۴ ر ۴۶۸۷۴ تومان حقوق تقاعدی را بمستخدمین وزارت خارجه که در ماده ۶ تصریح شده از هذا السنه ۱۳۰۱ تصویب مینماید و دارندگان این حقوق از اول حمل ۱۳۰۲ مشمول قانون استخدام خواهند بود

پس از تبادل نظر آقایان مخالفین و موافقین و پیشنهاد آقای معاون دائر باضافه مبلغ ۱۹۵ ر ۳۲۸۷ تومان بر کسر حقوق صاحبان اقلام پنج گانه که حقوق ایشان کسر شده ماده واحد پیشنهادی کمیسیون را با جزئی تصرفی مجدداً قرائت و باورقه اخذ رای شده و باکثریت ۴۹ رای تصویب گردید

آقای منصور السلطنه تقاضا کردند قانون استخدام قضاة بفوریت یکشعبه آن تصویب گردد در این موضوع اخذ رای نموده و تصویب شد

آقای اقبال السلطان تقاضا نمودند لایحه تشکیل خزانه داری جزو دستور شود و آقای صدیق حضرت هم اظهارات ایشان را تایید و تقاضای فوریت آن را نمودند سپس اخذ رای نموده و تصویب گردید

آقای رئیس — مذاکرات در کلیات قانون تشکیلات خزانه داری است

آقای شیخ الاسلام مواد آنرا قرائت و نظریات خود را راجع به آن ها اظهار داشتند

آقایان محمد ولی میرزا و صدیق حضرت توضیحاتی داده و ماده اول قرائت گردید چون مخالفی نبود رای گرفته و تصویب شد

ماده دوم قرائت و آقایان حائری زاده و تدین با تفویض مقام خزانه داری بیک نفر آمریکائی مخالف بوده و مذاکراتی در اطراف این ایراد بعمل آمده بالاخره برحسب پیشنهاد آقای تدین ماده پیشنهادی کمیسیون رد شده و پیشنهادی دولت که عبارت از استخدام امریکائی تا زمان تصدی دکتر میلسپو باشد قرائت گردیده و در این وقت مجلس ختم شد

اخبار داخله

اوضاع جاریه

هیئت وزراء

قبل از ظهر پنجشنبه آقای رئیس الوزراء بهیئت تشریف آورده وزراء هم متدرجاً از وزارتخانه های خود آمده جلسه تا نیم ساعت بغروب امتداد داشت

حقوق نظمیه

بطوریکه اطلاع حاصل شده است حقوق اعضاء نظمیه را روسای نظمیه دریافت داشته اند ولی بواسطه کثرت مخارج خود خود شان بلع نموده اند

ورود بمرکز

آقای ظهیر اسلام که چندی بود بعتبات عالیات تشریف برده بودند روز دوشنبه گذشته بمرکز ورود نمودند

اعزام او اشتکتن

برحسب درخواست آقای علائی آقای مهذب الدوله رئیس فعلی کابینه وزارت خارجه به مستشاری سفارت دولت ایران در واشنگتن منصوب گردیدند

حرکت

آقای میرزا علی اکبر خان آگاه رئیس خط شوسه کرمان شاهان قووره تو که از اشخاص جدی وظیفه شناس وزارت فوائد عامه است چون چندی قبل برای تفتیش خط مازندران بمرکز احضار شده بودند پس از انجام مأموریت و تقدیم یک سلسله راپورت بوزارت خانه صبح پنجشنبه ۳ حوت بطرف نزون حرکت نمودند

صفحه ۱۴

میرزاده عشقی

آنچه من دیدم در این قصر خراب
بد به بیداری خدایا یا بخواب
پادشاهان را همه اندوهگین
دیدم اندر ماتم ایران زمین
ننگ خود دانند مان اجدادمان
ای خدا دیگر برس بر دادمان
وعدهٔ زرتشت را تقدیر کن
دید عشقی خواب و تو تعبیر کن

پرده می افتد و اپرا تمام میشود

اغلاط اپرا

حال اسارت ملک خود بین — غلط
حال اسارت ملک خود بین — صحیح
کو آن خسروان عالم گیرت — غلط
کو خسروان عالم گیرت — صحیح
آنچه باید داد رهبری دادم همی — غلط
آنچه باید داد داد رهبری دادم همی — صحیح

از اشخاصی که این ورقی ها را کتاب میکند خواهش میشود که این اغلاط را تصحیح نمایند

مدرسه نصرتیه

نظر بعلاقه و امیدواری که بتعلیم و تربیت نسوان داریم چندی قبل تحقیقاتی از مدرسهٔ نصرتیه واقعه در خیابان اسمعیل [illegible] نمودیم و بحال مدیره محترمه اش [illegible] رفت کردیم این بیچاره قریب یازده سال از مال خود خرج کرد و برای [illegible] نوع خود و اجرای عقیده ثابت از هستی ساقط شده و کسی با او معاونت و مساعدت نکرده حتی وزارت معارف هم نظر تقدیر و همراهی را مضایقه کرده است مابطور جدی مساعدت وزارت معارف را با ان مؤسسه ملیه جلب می نمائیم اگر این مدرسه و مدیره از میان بروند جای کمال تاسف است منتظریم اقدام رضایت بخش عاجلی با ان مدرسه بفرمایند

خیلی از خاتمه رفعت زاده تشکر می کنیم که در ان مدرسه مجانا تدریس می کنند و نمی گذارید منحل شود

راپرت از کتاباد

[illegible]روز در قریه ریاب یکنفر سخی استاد حسن بناغه سید میرزا علی نقی نام برادرزن خودش را بضرب کارد مقتول وفرار مینماید امروز جنازه سید را بدارالحکومه آورده نزد علمای محل ارائه داده و برای دفن در ریاب بردند

خوی

حسب الامر و تصمیم اولیای عظام که [illegible] شده بود دهات یغما وغارت ومحزوبه شده اشغالی اسمعیل آقا را تعین وتشخیص و مقامات عالیه پیشنهاد شود چند روز است [illegible] ازمعاریف اهالی انتخاب وکمیسیونی تشکیل داده مشغول تحقیقات وتفتیش ونوشتن [illegible] جامعی بوده امروز باتمام رسانیده [illegible] امین مالیه محل ازسلماس نزد امیر اقبال مفتش مالیهٔ اعزامی مرکز ایالتی ارسال نمودند

شیراز

آقای مصباح الدوله بحکومت تبریز منصوب و بسمت ماموریت حرکت نمودند آقای مقبل السلطان بحکومت بیضا وراه جرد برقرار و بصوب ماموریت حرکت نمودند کمیسیونی از هیئت تجار وطبقات مختلفه در اداره حکومتی تشکیل و برای دائر نمودن کارخانه بلور سازی که اسباب و وسائل آن فراهم است ومقداری هم بلور آلات بطور نمونه ساخته شده مذاکراتی در جریان است جمعیت از مکاری پانزده روز است در تلگرافخانه متحصن وانتظار جواب راجع بموقوف کردن باج راه کازرون را دادند .

قتل در بوشهر

چند روز قبل عبدالنبی نام خرازی فروش مفقود میشود پس از تحقیقات زیاد جنازه اورا در خانه منصور نام پیدا میکنند کلیه اهالی ازصغیر و کبیر درب دارالحکومه با کسان مقتول جمع میشوند ودر خواست مجازات قاتل را مینمایند حکومت هم جمعیت را متقاعد کرده است که جنازه را دفن نمایند که دولت قاتلین را بخوبی مشخص نموده بزودی مجازات مینماید تا کنون هم چند نفر از بستگان قاتل را دستگیر نموده اند مشغول استنطاق هستند

اخطار اداری

تقاضای مخبر

نظر بید و تاسیس این جریده در ولایات مخبر ندارده آقایانیکه داوطلب برای مخبری این اداره میباشند با تقبل شرایطی که در شماره های قبل ذکر شده کتبا شرحی باداره مرقوم دارند تا باشرایط لازمه اعتبار نامه مخبری جهة ایشان ارسال گردد

رمان پاورقی

اشخاصیکه رمان های شیرین اخلاقی تهیه دارند که بامرام سوسیالیست موافق باشد جهة پاورقی این جریده ارسال تا بدرج آن مبادرت شده و ازاین معاونت قدر دانی خواهد شد

اخبار خارجه

﴿ پی سیم مسکو ﴾

مورخه ۲۲ فوریه ۱۹۲۳

(شورش دهاقین)

مسکو ۱۶ — در بعضی از قطعات محال لیدسک واقعه در اراضی لهستان دهاقین محلی که از نژاد بلوروس هستند برعلیه ملاکین و مستخدمین دولتی و سربازان و مهاجرین لهستانی نائره شورش را مشتعل ساختند . دستجات قشون لهستانی برای مجازات شورشیان اعزام گردید یک قریه را آتش زده شورشیان را تیر باران و جمع زیادی را دستگیر و توقیف کردند

﴿ مهاجرت کارگران بروسیه ﴾

مینسک ۱۶ — اخیرا مشاهده میشود که مهاجرت کارگران بروسیه رو بافزایش گذارده وعلت ان تعدیات وفشاری است که ژاندارمری لهستان نسبت بکارگران معمول میدارد

(مهاجرین سیاسی)

نولا ۱۶ — در مجامع عمومی کارگران و مستخدمین اعانه بمنفعت مهاجرین سیاسی که از محابس غرب بروسیه وارد میشوند جمع اوری میگردد

(بازار مکاره کیف)

کیف ۱۶ — حالیه رابطه محکمی بین بازار مکارهٔ کیف و ممالک خارجه برقرار گردیده است . متجاوز از پنجاه موسسه تجارتی و صناعتی خارجه در بازار مکاره محلی برای خود تحصیل کرده اند

(در ناحیه رود)

لندن ۱۵ — وضعیت رود بسرعت خرابتر میگردد . بایکوت نسبت بفرانسه با وجود اعمال فشار و تضییقات ادامه دارد تیرگی اوضاع که در رود مشهود میگردد در جریانات پاریس تاثیرات خود را می بخشد

(وقوع مصادمات)

برلن ۱۵ — در کرنلد مصادماتی بین پلیس و بیکاران رویداده

(در اطراف اشغال رود)

لندن ۱۵ — روزنامه و ستمینستر اظهارات بونادلو را که قضیه اشغال رود هیچگونه نتایجی نخواهد داد به تشویق المانها برای ابراز مقاومت تعبیر میکنند مطبوعات پاریس عدم موفقیت قضیه رود را از انگلستان میدانند

(روسیه ولیتوار)

کونو ۱۹۵ — امروز نماینده مختار جدید روسیه ساوتی رفیق اگوزونگف اعتبار نامه خودرا تسلیم داشت .

فجایع فرانسه ها

انقره ۱۱ — در ناحیه هیدون فرانسه ها قراء عثمانی را اتش زده و اهالی صلح طلب را توقیف میکنند در جرائد انقره اسامی عثمانیها را که اشغال کنندگان فرانسه چشم انها را کنده اندرج میکنند

مصادمات خونین

برلن ۱۵ — در گلسیرک (واقعه در روستاق) مصادمات خونینی بین کموایست و پلیس رویداد زیر اکموفیست ها میخواستند مجلس مشاوره شرکت کنندگان در جنگ را منعقد سازند

(مصاحبه تروتسکی بانماینده سیاه پوستان)

مسکو ۱۷ — اخیرا شرح مصاحبه که بین رفیق تروتسکوی با [ماکوم] نماینده سیاه پوستان رویداده در جرائد انتشار یافته است در جواب سئوال ماکوم راجع باقدامات جلو گیری و مبارزه بر علیه استفاده سیاه پوستان برای جنگ های امپریالیستی رفیق تروتسکی اشعار داشت که استفاده این نژاد ها بعنوان قوای جنگی اشراف دنیا نقشه ایست که سرمایه داران از روی مطالعه برای اختناق جنبش کارگری طرح کرده اند . برای عقیم گذاردن این نقشه لازم است که مبارزه شدیدی برای از میان بردن تصورات موهومه نژادی و تعصبات مفرط وطنی که هنوز در بین کارگران سیاه پوست و سفید پوست اروپا و امریکا وجود دارد بعمل اید

(ایران)

طهران ۱۸ — روزنامه طوفان رویه گچ و متباین خود را نسبت بروسیه ساوتی تجدید نموده است لیکن گمانیکه از موقعیت این روزنامه در ایام بحران اخیر کابینه قوام السلطنه اطلاع دادند این قضیه را ناشی از مقتضیات و وضعیاتی میدانند که در ایران هر روزنامه باستثنای معدودی باید در آن مقتضیات بسر برده وکارکند — عاقلان دانند قرن بیستم

خلاصه مکاتیب عدیده از همدان

از قرار مکاتیب وارده حکومت همدان بیاد ایام استبداد پارهٔ عملیات می نماید برای استفاده مشغول آنتریک ما بین اصناف بوده دخالت در اموزات حقوقی با مهر (اجرائیه حکومت) احضاریه میفرستند بعدهم انکار می نماید در کابینه قوام السلطنه شروع بتضییقات آزادیخواهان نموده بود و اهالی آنچه تظلم شکایت میکردند ابدا ترتیب آثاری داده نمیشد امید است آقای مستوفی الممالک که عموم از قبولی مقام ریاست وزرائی ایشان خوش حال هستند بشکایت متظلمین عطف توجه فرموده مظالم دست نشانده کابینه ارتجاع را از سر اهالی همدان رفع وجمعی را قرین آسایش بفرمایند وضعیت سایر دوائر دولتی در شماره آینده متدرج خواهد بود

یکشب در تاتر

در طهران

— ۱ —

میل دارم قبل از شروع به تعریف و تشریح شب مذکور یک سئوال بنمایم : برای چه اسم این بنارا (گراند هتل) نهاده اند ؟

آیا مالک این عمارت فرانسویست ؟

یا این شهر یکی از شهرهای فرانسه است ؟

یا اینکه اگر اسامی ابنیه وشهرها و اشخاص را فرانسه بگذاریم آن بنا معتبر وان شهر آبادوان اشخاص بزرگ میشوند ؟

معارف هرملت و مملکت سعی میکنند بقدر امکان لغات ملل اجنبی را استعمال ننمایند .

درموقع اجبار تغییر میدهند و عین آن کلمه را استعمال نمیکنند مثلا روسها (پورتره) را پور ترت و (یالت) را بالترا میگویند .

ولی مابقدری اجنبی پرست وبی تعصبیم که گاهی لغات عرب را غارت کردیم و گاهی به کلمات ترک هجوم) آوردیم گویا اکنون نوبت فرانسه است .

باری خارج از موضوع اصلی شدیم مقصود بنده تیاطر بوده نه غیره ، دریکی از جراید خواندم : امشب تیاطر داده می شود و مخصوصا نوشته شده بود (شب خنده) و مراهم که اوضاع ناگوار طهران ملول و آزرده کرده بود مصمم شدم شب را بتیاتر مزبور بروم .

این اولین مرتبه بوده که من در طهران بتیاطر میرفتم)

در سرساعت معین حاضر شده بلیط خریده داخل تیاطر شدم

(۱) پرده صحنه که در تمام عالم معمول است دوعدد باشد پردهٔ روی و پرده که در تنس ها انداخته میشود در اینجا یکی بیشتر نبود .

(۲) پرده روی که باید از زندگانی آن کشور و ملت منقش باشد یک دریای بی معنی وبی ربط بوده .

صفحه ۱۵

اپرت

نمایش تمام آهنگی

﴿ بچه گدا و دکتر نیکوکار ﴾

غرض از این نمایش مجسم کردن استعداد های خوب ایرانیست که در نتیجه نبودن تعلیم اجباری بدزدی و حقه بازی و رذالت صرف میشود و در پردهٔ دوم نشان داده میشود که ممکن است استعداد هائیکه در کارهای زشت ترقی می کنند انها را از این کارها باز گردانده و در کارهای زیبا بانها ترقی داد

اشخاص

قربانعلی کاشی	دکتر نیکوکار
بچه گدا	
نقاش	شیفته خانم
جمال	
بیوه زن که شغلش گدائی است	مأمور حکومت
داش مشتی	اژان
	حاج کم کرده

پرده اول

سن در کوچه است پرده بالا میرود قربانعلی با لباس و عمامهٔ شیر شکری دیده میشود بچه گدائی بسن شانزده سالگی (خیلی قشنگ) در نزد او نشسته است

(۳) در بالای صحنه تمثال اعلیحضرت بود در حالتیکه صورت اعلی حضرت با تیاطر هیچ مناسبتی ندارد .

من پیش از ورود بتیاطر با خود فکر میکردم) بقیناً در روی پرده صحنه خرابه های تخت جمشید ساخته شده و بالای صحنه که قانوناً باید صورت یا مجسمه یکی از تیاطر نویس ها باشد و چون ما تیاطر نویس نداشتیم مجسمه چند نفر از استادان صنایع مستظرفه است از قبیل رودکی که دارای دو جنبه است شاعری — موسیقی دانی و حکیم فردوسی و استاد اعظم بهزاد نقاش مشهور قرن شانزدهم ایران .

خلاصه آمدم جای گرفتم و متوجه اقایان حضار شدم .

باوجود اینکه در راست وچپ و جلو و عقب نوشته و از دیوار آویخته بودند استعمال دخانیات ممنوع است هیچکس از استعمال دخانیات خودداری نمیکرد دود باندازه هوا را کثیف کرده بود که نفس غیر ممکن بود نشستگان ما اکثریت ازان شوخی های بی مزه و بی نمک و بی موقع که در کوچه ها — بازارها — قهوه خانه ها — معرکه ها سایر مجامع پست این شهر متداول است می کردند وعموما تخمه میشکستند

غافل ازشعر حضرت سعدی که میفرمایند خوردن برای زیستن و کار کردن است تو معتقد کز زیستن از بهر خوردن است

من تعجب میکنم این ملت برای خوردن خلق شده در خیابان میخورند در کوچه میخورند در مسجد میخورند در میخانه میخورند .

باری چراغها خاموش شد و پرده بالا رفت یک هرج و مرج روی نموده که مافوقش متصور نمیشود

اشخاصی که عقب بودند وجای خوب نداشتند جلو دویده وصف کشیدند آن وقت عقبی ها داد می زدند : اقایان بشنید جلویها بنشنید چه دردسر بدهم تیاطر شد مثل همان معرکه لوطی غلامحسین و بلکه بدتر زیرا لوطی غلامحسین بایک طرز مخصوص مردم را می نشاند ولکه میدارد ولی اینجا کسی نمیتوانست نگهداری ساکت بنماید عجب تر اینکه در اثنای بازی درمقابل صحنه را اتصالا باز میکردند وروشنائی مانع نمایش میشد .

حالا خوب است چندگاه نیز از بازی (تیاطر) صحبت کنیم .

چون پرده بالا رفت بنده متوجه بازی شدم دیدم باندازه غیر طبیعی مصنوعی است که به هیچ وجه جالب توجه نیست واصلا اثری نمیکند غرض بنده این بوده تیاطر در قرن بیستم در چه حال است

هر چند میدانم هیچ نتیجه ئی ندارد جز اینکه یک عده اشخاص که گوش استماع برای شنیدن سخن های راست ندارند از من رنجیده ومکدر بشوند

رسام ارژنگی

قسمت ادبی

قطعه

جواب قطعه ئیکه در جریده قانون اثر طبع شاعر کم نامی به نام جواب قطعه شماره گذشته ما درج شده بود

گفتی که زن نجیبه باید — در خانه نشسته کم خروشد
آن زن که نجیبه است با کس — از خانه برون همی نجوشد
هر جا که رود تو مطمئن باش — در حفظ خود او نکو بکوشد
وان زن که لوند بود بر عکس — پند و سخن تو کی نیوشد
تا پای برون نهد ز خانه — چون جامه سحر کهان به پوشد
هم عصمت خود دهد به رندان — هم آبروی تو را فروشد
آن به که زن لوند خانه — بنشیند و خون دل بنوشد

غزل

سربسر اسباب بدبختی ما آماده کرد — خون ما را آنکه اندر شیشه جای باده کرد
میکشد این دردم آخر زانکه دست اجنبی — از خراسان انتخاب او را و از آباده کرد
آن مدافع از وثوق الدوله اندر پارلمان — . . . . . .
الحق اندر دورهٔ چارم حقوق رنجبر — حفظ در مجلس همین شهزاده آزاده کرد
چون قوام السلطنه در مجلس شورا نشست — ای بسا بازی گری با دولت حق داده کرد
از گیاه هرزه شد افزوده بستان وطن — . . . . . .
شادباش آزاد خونش عاقبت گردد هدر — خون ما را آنکه اندر شیشه جای باده کرد

(علی آزاد)

مریضخانه بلدیه

چند روز قبل بمساعدت یکی از دوستان محترم اتفاقا از کنار مریضخانه بلدیه (واقع در خارج دروازه باغ شاه) میگذشتیم

وضعیت مرتب آن محوطه که از خارج در مشاهده میگردید برای تماشای انجا حس کنجکاوی مرا تحریک نمود

بمساعدت در راهنمائی مصاحب خود از دواره رفیع ان مؤسسه جان بخش وارد راهرو حیاط وسیع ان گردیدیم

درسمت چپ راهروایوان و یک اطاق بسیار پاکیزه مبله دیده میشد

پرسیدم این چه اطاقی است

رفیق من گفت اطاق مدیر است

فورا شیخ محترمیکه اورا جناب میگفتند باداب وخوش روئی از ان اطاق برای ملاقات ما بیرون امد سلام کرد ودست محبت بسوی ما دراز نمود

قیافه او حاکی بود که بخواهد از ملت ورود ما سؤال کند اما مراسم ادب او را اجازه نمیدهد من قبل از سؤال بجواب او مبادرت کرده گفتم

اقای محترم میخواهم این مؤسسه ملی راکه از عواید مستقیم ملت وبرادران عزیزم تاسیس واداره شده است به تفصیل دیده باشم

ان شخص موقر بدون تعلل استدعای مرا پذیرفته برای راهنمائی در جلو حرکت کرد وبما گفت چه ضرر دارد وبفرمائید

باتفاق وارد حیاط معنی یک باغ وسیعی که از طول ان یک نهر مملو از هفت سنگ آب عبور میکرد گردیدیم

برای اظهار تشکر قلبی خود وقدردانی اجازه میخواهم تاسیسات وپاکیزگی انجا را بطور اجمال شرح دهیم

سمت دست چپ در بنای غربی انجا ابتداء رسیدیم باطاق ماز و مات که آن اطاق تقریبا وسیع و مملو بود از چندین توپ قماش دوخته و دوخته سفید که با نهایت نظافت در سطح اطاق چیده بودند

بعلاوه چندین جفت کفش نو و بسیاری از اشیاء مختلفه دیگر در گوشه اطاق بود و کفشها از بدیوار اویخته بودند دو نفر مستخدم هم دران اطاق حاضر بود از انجا گذشته باشیز خانه رسیدیم یک محوطه وسیع مسقف با اجاقهای خیلی مرتب و وضع پاکیزه برای طبخ غذاهای ناخوشها و یک اطاق بسیار خوب برای تقسیم کردن غذاها مشاهده شد چون موقع غذا خوردن ناخوشها بود چندین قسم ماکول ابگوشت کوفته — چلو — شیر برنج — فرنی و بعض خوراک های دیگر در در بشقابها و کاسه های نظیف بتقسیمات یکنفری کشیده وبر سکوها گذاشته بودند از هر یک ان غذاها مقداری چشیدیم بسیار خوب طبخ شده بود از انجا برای معاینه ناخوشها و دیدن اطاق و تخت خواب و رخت خواب های آنها متوجه شدیم اولا مرضی بمناسبت مرض بترتیب ذیل منقسم و مرتب شده بودند

امراض مسریه — امراض مزاجی — امراض جراحی — شصت و دو مریض را با لباسهای سفید پاکیزه با ترتیب و تقسیم بندی مرتب که در شمال و عمارت وسط ان باغ ساخته اند هریکنفر بالای یک تخت خواب خوابانیده بودند در تمام اطاقها رعایت کمال نظافت وحفظ الصحه شده و در هر اطاق یک بخاری میسوخت پرستار های مردانه و زنانه با نهایت دقت و مواظبت برای خدمت عموم مرضی ایستاده بودند از خود مرضی یک بیک احوال پرسیدم همه اظهار رضایت مندی کرده و با حال عجز برای سعادت ملت و مؤسسین ان محل از ته قلب بی اختیار دعا می نمودند از مشاهده اینها هم منصرف شدیم حمام بسیار خوب برای شصت و شو موجود بود دیدیم اطاق معاینه — اطاق زخم — اطاق عمل — دواخانه و بعضی مؤسسات دیگر در نهایت نظافت و تنظیم تهیه و ترتیب شده بود من یقین دارم مریض هیچ یک از اعیان و تجار بهتر از مرضای ان مریضخانه معالجه و پرستاری نمیشود عجب اینکه من گمان کردم این مرضی از متوسطین هستند زیرا ترتیب لباس مریضخانه آنهارا به بیچارگی مصرفی نمی کرد سئوال کردم جواب عملی شنیدم مرا در اطاقی اوردند که ابر بود از نوره پاره ها که بدیوارها اویخته بودند در هر یک از انها یک مشت لباس پاره کثیف بود که جز سوزانیدن بکار دیگری نمیخورد معلوم شد هر یک از آنها لباسی عادی یکی از ان که بدو ورود از بدن انها کنده میشود وبعد از خوب شدن وقت خروج بانها پس داده میشود خداحافظی کرده خارج شدیم اینک بنام بروز احساسات یک چنین مؤسسه نافع را که حقیقتا عموم مردم در موقع شدت و احتیاج میتوانند از آن منتفع گردند تقدیر کرده وبنام قدردانی بموسسین و مدیران پایکدنیا علاقه مندی تبریک می گوئیم فی الواقع یگانه تاسیس باشکوهی که از حیث تمامیت و تکمیل میتوانند از کلیه نواقص تاسیسات بلدیه تدارک کرده ومعذرت ان نواقص را از پیشگاه ملت بخواهد همین مؤسسه عالی خواهد بود

این مؤسسه از حیث ترتیب و نظافت بخوبی میتواند نمونه و مستوره رشد ملی ما واقع شده ودر اتیه ما را بوجود اشخاص کافی وافکار جوان برای اصلاح کلیه دوائر دولتی امیدوار سازد این نکته را هم بناچار تذکر میدهیم چون بیش از ۶۶ تخت خواب در مریضخانه مزبور موجود نیست و بواسطه کثرت رجوع مرضی غالبا مباشرین انجا دچار زحمت شده ولاعلاج از عدم قبول زائد بر ان عده می گردد خوب است اولیای امور بذل مساعدت کرده وعدد تخت خواب انجارا تا یکصد یا لااقل تا ۸۰ عدد تکمیل نمایند زیرا اکثر مباشرین ولوازم انجا مثل طبیب وپرستار طباخ و دواخانه وچراغ وامثال انها برای صد یا هشتاد مریض کافی است و فقط تخت خواب باید تهیه شود اگر این پیشنهاد انجام گردد امیدواریم اقای احیاء الدوله رئیس ان مریضخانه بامختصر تفاوت مصرفی باز انجارا بهمین ترتیب و تنظیم فعلی اداره کنند

سید محمد تقی بهبهانی

بواسطه تصادف روز طبع روزنامه ما باسوم حوت و تطویل مطابع بجای جمعه شنبه منتشر شد
مطبعه برادران با فرزاده

صفحه ۱۶

قربانعلی — امروز که خوب حقه سوار کردی امشب لیو برات میخرم
بچه گدا — چشم اما . .
قربانعلی — اما چی
بچه گدا — بابا این هم زندگانی شد که من میکنم !
قربانعلی — مگر چه عیب دارد الان پوست خربزه بهت خواهم داد
(قربانعلی پوست خربزه ازمیان کیسه زیر عبای خود بیرون اورده باو میدهد)
بچه گدا — (با دست پوست خربزه را رد میکند) من پوست خربزه نمیخواهم خود خربزه را هم میل ندارم بخورم تو الان یکسال است مرا باسم اینکه جادوگری بتو خواهم آموخت آورده و هنوز هیچ چیز یاد نداده و همیشه میخواهی به پوست خربزه مرا خوشحال کنی من دست از خانواده و پدر و مادر کشیده ام و پیش تو آمده ام
قربانعلی — دهه همین مقدمه است تو باید این ریاضت ها را بکشی تا جادوگری بیاموزی مگر شوخی است خودم برای اینکه جادوگری بیاموزم با تو این ریاضت ها را میکشم
بچه گدا — باشد اما من میترسم هفت کفن بپوسانم و تو این کار را بمن نیاموزی
قربانعلی — آی یکی امد یکی آمد
(نقاش مسافر وارد میشود بچه گدا شروع بخواندن)
بچه گدا — (با مقام) گدایم من گدایم من گدای بینوایم من
بسختی مبتلایم من فغان از حال زار من بیکسم یتیمم بابا ندارم
آقا آقا پول یک کف نان

سال دوم دوره دوم شماره دهم

اداره : طهران خیابان اسلامبول

دوشنبه چهارشنبه جمعه

تك نمره ۸ شاهی

پس از یکهفته یکقران است

۲ شنبه ۱۰ رجب المرجب ۱۳۴۱

قرن بیستم

صاحب امتیاز و نویسنده اساسی : ر . میرزاده عشقی

۷ حوت ۱۳۰۱ ۲۶ فوریه

ابونمان پیشکی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان

وجه اشتراك

برای محصلین . کارگران . و اعضاء اتحادیه ها ۵ تومان .

قیمت اعلانات و مقالات خصوصی با دفتر اداره است

قسمت سیاسی

بمناسبت انتخابات دوره پنجم

آدمك های چوبی

نجار ها بی استفاده برای اطفال خورد سال روی یك چوبه خراطی شدنی پاکیزه بارتفاع نیم زرع یك آدمك کوچك چوبی درست میکنند دست های آن آدمك چوبی را طوری ترتیب میدهند که در موقع سکون به بالای چوب چسبیده و بدن آن آدمك بحالت طبیعی متصل بر آن چوبه عمودی ایستاده است

شاه کاریکه در این بازیچه بکار برده شده این است که : « یك ریسمانی بدست و پای آن اسکلت تخته بسته و از سوراخی که در بالای آن چوبه است میگذرانند و بهمین وسیله هروقت آن ریسمان کشیده شود آدمك چوبی باکمال چابکی بر بالای چوبه جستن کرده و پس از رها کردن ریسمان پائین می افتد

وثوق الدوله آن نجار سیاسی وصنعت گر طرار وحقه باز زیر دست موقع زمامداری خود وزمان انتخابات دوره حاضره عدهٔ از همین آدمکها با جمیع آن خصوصیات باسم وکلای ملت ساخته ودست و پا و جمیع افکار و اراده آنها را به یك ریسمان علمی و بند مخصوصی بسته از سوراخ کرسیهای پارلمان گذرانده وسر آن رشته را بدست نماینده دولت انگلیس سپرده که هروقت آن ریسمان را آنها بخواهند بکشند و آن آدمکها از جای جستن کنند هروقت نکشند آنها نشسته باشند

این را هم بگویم که قسمت اعظم مجلس را نمی توان در دیف آدمکها فرض کرد ولی تك تك میان آنها از این آدمکها پیدا میشود

میگوئید نه

حالا یکی از آنهارا نشان میدهم

جناب آقای حاجی میرزا عبد الوهاب (آن خزانهٔ گوشت) ایشان هر وقت بر میخیزند من یقین میکنم که آن ریسمان مخصوصی را کشیده اند

اگر بخواهید آن ریسمان را به بیند آن ریسمان غیر مرئی نیست ولی یك نمونهٔ از آن ریسمان را ذیلا بنظر قارئین میرسانم

سواد مراسله ویس قنسول انگلیس ها در همدان به یکی از دوستان خودشان

ویس قنسول بریطانیا

همدان

۲۶ شوال

۱۳۳۸

خدمت جناب مستطاب دوستان استظهاری مشفق محترم مهربان آقای حاجی میرزا عبدالوهاب دامت برکاته

پس از طی مراسم ارادت و مودت باطنی لازم گردید محض استحضار خاطر شریف مشروحه ذیل را تصدیع دهد — از قرار اطلاعات واصله دو سه روز قبل مجلسی از کلیه آقایان و خوانین معظم شهر تشکیل و جنابعالی هم در آنجا تشریف داشته اید و پس از مذاکرات چندی گویا قرار شده و رای داده اند که تلگرافی مبنی بتقاضای رفع مزاحمت اغیار باستان اقدس شهریاری شاه ایران مخابره نمایند اولا دوستدار از این حسن نیت جنابعالی و سایر اهالی شهر نهایت تشکر را دارم که اغلب اوقات دقت خودتان را صرف رفع ظلم اغیار میفرمائید البته این نوع اقدامات بسیار مفید و سودمند و ناشی از جدیت اهالی و رفع اغتشاش از خود و همراهی آنها با اشخاصی که کمك آنها را مینمایند خواهد بود چون میدانم که ممکن است در آتیه برای طرح همین مذاکرات جلساتی تشکیل بشود و البته جنابعالی هم تشریف خواهید داشت

این است محض اطلاع خاطر جنابعالی و عموم طبقات محترم مردم اشعار میدارد که درچندی قبل موقعی که در بغداد جزئی اغتشاش از طرف بعضی اشخاص هرج و مرج طلب بی اهمیت شروع شده بود حضرت اجل آقای مستر ویلسن حاکم کل سیاسی عراق عرب و ایران مجلسی از طبقات اهالی بغداد تشکیل داده و خود ایشان دران مجلس نطقی فرموده و اشعار داشته اند که اهالی بغداد باید بخوبی مسبوق باشند که نظامیان دولت فخیمه انگلیس فقط بواسطه تقاضای مجمع اتفاق ملل عهده دار تشکیل حکومت آتیه بین النهرین شده و تعلل و تسامحی که متاسفانه رخ میدهد برای علل و جهاتی است که ما نمیتوانیم باین آسانی حل کنیم مثلا موانع سرعت مقصد ما در تقبل حکومت آتیه بین النهرین اولا بواسطه طول مدت جنك بین المللی و امتداد قبول امضاء صلح عمومی و قبول معاهدهٔ صلح خصوصی با دولت عثمانی و غیره و غیره بوده ولی من امیدوارم که دولت باین زودی ها موفق باقدام مقصد خود بشود منتها و مهم ترین چیزی که باید خاطرنشان آقایان نمود این است که در هر موقع دولتی یا مملکتی قیمومیت امور سیاسی و غیره دولت و مملکت دیگری را عهده دار شود اول و مهم ترین شرط آن این است که افراد و اهالی آن مملکت که قیم لازم دارند همواره در فکر اصلاح انتظامات امور مملکتی خود باشند و تا موقعی که شما ترتیب و نظم خودرا داده و اسباب هرج و مرج مملکت خود را از دست بهر وسیله مرتکب میشوید دولت دیگر چگونه میتواند قیمومیت شمارا بعهده خود بگیرد . اقل چیزیکه برای شما لازم بل الزم است این مسئله خواهد بود که اسباب انتظام مملکت را بهر شکلی که ممکن است فراهم نموده و مجری دارید زیرا اهالی بغداد مخصوصا شورشیان باید بخوبی بدانند که تمام اقدامات آنها بر علیه اصلاحات امور وطن خود آنها خواهد بود فقط اسباب جزئی معطلی کار هموطنان محترم خودشان خواهد گردید بطور حتم بدانید من اوضاع را قدری ناپسندیده و از نظامیان دولت فخیمه تقاضای رفع این زحمت و غائله بنمایم بفوریت باندازه قشون و قوا حاضر مینماید که هیچ قوه از بین النهرین و اطراف آن طاقت مقاومت نداشته باشد و جلوگیری از او نشود لهذا بوسیله التیماتوم بشما میگویم که بکلی در سر جای خود راحت و آرام باشید و ابداً در خیال اقدامی بر علیه اوضاع کنونی نباشید زیرا که فقط ضرر و خسران آن بخود شما و هموطنان محترم شمارا جمع خواهد بود و در آخر نطق خودشان فرموده اند دولت انگلیس قیمومیت بین النهرین را فقط بواسطه تقاضای مجمع اتفاق ملل بعهده و کف کفایت خود گرفته (باصدای بلند و ابداً بهیچ وجه من الوجوه امکان ندارد که دولت قوائیکه نفذاً در بین النهرین دارد بیرون ببرد مگر موقعیکه بتواند مجمع اتفاق ملل را راضی و قانع نماید که دیگر بین النهرین احتیاجی بوجود و حضور قیم ندارد و خود بتنهائی میتواند حکومت خود را اداره نماید و این مسئله هم ابدا ممکن نخواهد شد زیرا که بین النهرین همواره تا مدت بسیار ملتمسادی محتاج بوجود مربی خواهد بود این فوق را در سیم ماه جون فرنگی ۱۹۲۰ در چهل و چهار یوم قبل در بغداد و حضور عموم اشراف بغداد فرموده اند . در خاتمه تقاضا دارد هرگاه تاکنون تلگرافی بطهران مخابره فرموده و بیا میفرمائید سوادان را جهة دوست دار ارسال دارید که دوستدار هم عین آن را بانگلیسی ترجمه و بطهران خدمت جناب وزیر مختار دولت فخیمه انگلیس ارسال خواهم داشت بدین وسیله مودت و دوستی صمیمانه خودرا تجدید مینماید (قونسول و حاکم سیاسی دولت فخیمه انگلیس مقیم همدان)

عرض از غیری گویا روسها است معلوم میشود که انگلیسها خود شان را با ما غیر نمیدانند بلکه خودمانی میدانند یا شاید فقط با آقای حاجی میرزا عبد الوهاب خودمانی هستند

باری از این مراسله چنین فهمیده میشود که در کلیه قضایا از قنسولگری و یا سفارت باقای حاجی میرزا عبدالوهاب دستور داده میشود و تمام نشست و برخواست جناب ایشان منوط بامر و نهی نمایندگان دولت انگلیس است

ایرانیها

اینهمه همه نتیجه دو سال زمامداری وثوق الدوله است

ایرانیها

فکر بکنید به بینید چقدر شرم آور است که وکیل و نماینده یك مملکت در امور حیاتی رای خودرا اسیر اراده یك دولت دشمنی بدارد

گذشته گذشته است

ایرانیها

برای دوره پنجم در فکر باشید لااقل کاری بکنید که این قبیل مزدور ها داخل مجلس نباشند

همدانیها

مراسله فوق را بخوانید و بفهمید که چه آدمی بنام وکالت و نمایندگی از طرف شما در مجلس شورای طهران نشسته است درصورتیکه روح عموم اهالی همدان از این مردم منزجر است و ایشان در حقیقت وکیل پسر فرمانفرما سالار لشکر هستند

(خدا بایران رحم کرده و بحمدالله این قبیل اشخاص در مجلس تا آن اندازه

صفحه ۱۷

نقاش — (پس از مدتی تعجب) . بچه تو چرا گدائی میکنی

بچه گدا — آقا پس چکار کنم

نقاش — نوکری کن هزار زحمت دیگر هست با من بزنجان میائی

قربان علی — بلی ترا نمی آید با سر می آید

نقاش — پسر پدر داری

بچه گدا (با مقام) گدایم من — گدایم من — گدای بینوایم من — بسختی مبتلایم من — فغان از حال زار من — یتیمم بی کسم بابا ندارم — آقا آقا پول یك کف نان

نقاش — [با مقام) بیا همراه من ایدون — از این ویرانه شو بیرون — مکن گریه مشو محزون — که می آئی بکار من — غم مخور ای پسر بابای تو من — بچه میائی با من بزنجان .

بچه گدا — (با مقام) غریبم یتیمم — بابا ندارم — آقا آقا پول یك کف نان

نقاش (با مقام) شوی همره شب و روزم — چو بابا بر تو دلسوزم — تورا نقاشی آموزم — شوی در اختیار من

که انگلیس ها انتظار دارند نه عدد پیدا کردند و نه نبود وگرنه ایران جزو هندوستان شده بود!

همدانیها هشتصد بهای عزیز برای دوره پنجم مجلس دیگر این آقای انگلیسی را در نظر نگیرید.

همدان کهواره باباطاهر و مقبرستان بوعلی است.

برای دوره پنجم مجلس کسی را انتخاب کنید که وقتی گفتند این مرد نماینده همدانست بتوان گفت که این مرد همشهری بوعلی سینا و باباطاهر عریانست دیگر کسی را انتخاب نکنید که بند و بستی با مقامات اجنبی داشته و در حکم آدمک چوبی بوده و از خود اراده نداشته باشد.

میرزاده عشقی

آقای قوام السلطنه

جواب شما را راجع به سئوال سید حسن سبط الشیخ شماره قبل خواندم مرا له اول که از آقا سید حسن سبط الشیخ در آن گنجانده بودید

حقیقتاً اگر صحت داشته باشد قال تاسف است سید حسن خودش به اداره آمد و شرحی در تکذیب آن مکتوب آورده بود که درج کنیم

من بایشان گفتم که اگر شما همچو کاغذی به قوام السلطنه نوشته اید عرضحال بمدعیه بدهید و ادعای شرف کنید

گر ثابت گردید که آن کاغذ را خود قوام السلطنه ساخته است و ایشان محکوم شدند اوقت ما میدانیم که با قوام السلطنه چه بکنیم

باری اگر واقعاً آن کاغذ واقعیت ندارد من عوض سید حسن شرمنده ولی چکنم یک آقائی با عمامه و عبا با اظهارات پر از حرارت و عرق اسلامیت باندازه می آید و یک لوایحی بامضاء میدهد که ما هم ایشان را اصالح دانسته چاپ میکنیم

بخبر از اینکه اوهم مثل سرکار عالی برای پول کار میکند و آن چیز هارا می نویسد که بوصال پولی برسد

اری این قبیل اشخاص روز بروز زیاد میشوند

ولی تصدیق بفرمائید که اینهم تقصیر شماست تقصیر شما و برادر حائن شما وثوق الدوله است

وثوق الدوله آن معلم بزرگ الفبای فساد اخلاق بمردم چنین فهماند که باید برای پول کار کرد باید عقیده وجدان مسلک را فدای پول کرد

در اثر همین تعلیمات شما و برادر بضمیمه فرمانفرما و پسرهایش غالب عناصر دسته جات سیاسی پولکی شدند و غالبی را هم که پول ندادید متوسل به تکانش خیانت های خود شما شدند تا بدین وسیله شما را مجبور کنند که پولی بانها بدهید تا ساکت شوند

من چهار ده هفته قبل یک لائحه بر ضد شما باداره رسید ما آنرا چاپ کردیم امضاء آن لائحه مدیر بیدار بود طولی نکشید دیدیم روزنامه بیدار بقلم مدیر باقدام جسورانه شما بیرون آمد

من از شدت غیظ و تعجب نزدیک بود سکته بکنم که لائحه بروز او روزنامه ما چه بود و روزنامه امروز او چیست

ولی این را هم خودتان تصدیق کنید که شما اگر مرتکب به خیانت عمده نمیشدید مردم برای اخذ پول بشما حمله نمی کردند چرا سید حسن سبط الشیخ و مدیر روزنامه بیدار یا علیه مشیر الدوله برای اخذ پول چیزی نمی نویسند

ولی اینرا هم بدانید که معدودی بد بخت برای کلاشی بشما حمله میکنند اما سایرین و مخالفین بر جسته شما از روی عقیده بر علیه شما هستند.

راست میگوئید از سایرین میرزا کریم ترین مخالف شما هستند چومکتوبی ارائه دهید

راست میگوئید از من که آرزومند مرگ برادر شما وثوق الدوله و پیشنهاد کننده تبعید شما هستم هیچو مکتوبی ارائه دهید

نوشته بودید که برای رفع شبهه مدیر قرن بیستم در اینکه من پول خرج میکنم مکتوب سید حسن را بنظر عموم میرسانم

آقای قوام السلطنه اگر انصاف دارند از آن انصاف شما سوال میکنم اگر شما پول خرج نکنید یکساعت می توانید در این شهر توقف نمائید

شما بدون خرج کردن ممکن است رئیس الوزرا بشوید

وقتی رئیس الوزرا شدید بدون خرج کردن ممکن است یک هفته کابینه شما دوام بکند

آقای قوام السلطنه من اشتباه نکرده ام شما پول دارید و پول هم خرج می کنید و آن پول هاهم از ارث پدرتان نرسیده است از مالیه مملکت دزدیده اید و طرفداران دزدی خودتان هم از آن پول همیشه داده اید و میدهید و اگر ندهید یک روز دوام نخواهید کرد

آقای قوام السلطنه مدیر قرن بیستم اشتباه نمیکنند

مدیر قرن بیستم

اخبار و اخطار

مرمت وتکمیل کابینه

از قرار اطلاعی که باداره رسیده در این دوسه روزه آقای رئیس الوزراء مشغول مطالعه در اطراف کابینه بودند ودر ظرف همین دوسه روزه بقیه اعضای کابینه خود را بمجلس معرفی خواهند فرمود

تلگراف ازعراق

توسط آقاشیخ محمد حسین خواساری

بمقام مقدس علماء بحرم دیوان عالی تمیز

(۶) بپیشگاه مجلس مقدس شورای ملی — بپیشگاه شفق سریر بپیشگاه ستاره و قرن بیستم بپیشگاه حزب دموکرات دامت عظمتهم ازحکم شعبه ثانی استیناف برله سعدالدوله و ابهین الملجاء مستدعی تمیز نفوذ مانع از اجراء حق بنده زیرا حبس نمودن شیخ رضا وکالت نامه را بدون حضور مرحومه وکیل الدوله موجب اقرارات مشارالیه در موسوعه شعبه پنج استنطاق مرکزی معادم دلیل عدم مالکیت کوکب الدوله در املاک سه دانگ وقف دوانگ سیدعلی نتایج مقدم واضح نمود منسوب بنده قبل از ایجاد عقد دعوای طوماریانس عثمان مالم بجب اصرار غیر جایز دعوای اجاره قبل از ثبوت دعوای ملکیت بی مورد وادله فوق براءت ذمه اورا حاصل نه بادر میوای از طوماریانس کرنته نه خودم راضی نشوید شر فراش سعدالدوله امین التجار و زور وزیر عدلیه بر حسب سقوط هستی مظلومی کرده

(امضاء سالار حشمت)

بروجرد

امنیت از هر حیث برقرار ابوالفتح میرزا رئیس عدلیه بواسطه شکایات اهالی و تلگرافات بمرکز از سوء عملیات مشارالیه از شغل خود منفصل و بطرف ملایر حرکت نمودند از قراریکه معلوم کویا دولت عدلیه آنجا را در نظر گرفته اند

راپورت از عباس اباد

دیروز دوساعت بغروب در کوههای اطراف اغتشاری تولید شده که بعد از نیم ساعت سیل عظیمی احشام واز اطراف وارد شهر شد اهالی سیاه بضرب الحمیه الله قوت بخوبی کذشت

قوچان تاسیس عدلیه

سیدعلی خان رئیس جدید عدلیه مشغول تهیه اثاثیه و تغییر اجزاء بوده منزلی در خیابان عشق اباد کرایه کرده بعموم طبقات دعوت نموده برای افتتاح عدلیه جدید تشکیل یافت از طرف راجع بقانون عدلیه از طرف حضار مجلس تشکیل بعمل آمد

ملایر

دیروز شاهزاده منصور الدوله حکمران که برای خاتمه پریشانی اوضاع شخصی اجازه چهل روز مرخصی حاصل و عازم طهران بودند مشغول توزیع به آقایان فوق العاده عموم اهالی از پیش آمدها غیر منتظره ایشان مانع ومقارن واز حرکت ایشان بی اندازه متاسف میباشند

عراق قوت

بر اثر کسالت یکماهه دیروز حجة الاسلام آقای نور الدین مجتهد رفسنجانی ایزدی پیوستند قاطبه اهالی و کلیه آقایان علما و ورثاء دوائر دولتی وغیره مراسم تجلیل واحترام بعمل آمده در اعقاب اداره مجلس و منازل مجلس ترحیم منعقد است

ورودیه محلات

امنیت حاصل دیروز بپیام نظام حکومت محلات و رئیس امور معتمد حکومت سابق هم فردا بطرف طهران حرکت مینمایند

بانگ ایام

در فشند یک فرسخی منزل ظهراب خان مسیحی را سرقت مینمایند و مقداری کندم و اسباب پرده اهم از طرف حکومت ساوج اعلام مامور برای دستگیری و کشف آن فرستاده تا کنون سارق دست نیامده است

توسیر کان جمع آوری تخم مرغ

یحیی نام پسر رجب حمامی شاکرد آقا عبدالله عطار در قریه (فرسنج) به مظنونیت اینکه با شبکه رفاقت داشته آقای سهام الدوله بحکم استبدادی و بدلیت مالکیت مقداری از قریه مزبور آن بی چاره را بحساب بدوا بحکم بدراشیدن زالف های او نمایند سپس مشارالیه را با زالف تراشیده بر دهنه واژد حامی از رعایا سوار الاغ کرده در [illegible] که متحاق بخود اوست میگردانند

آقای سهام الدوله هم از آن بادکارهای عهد دیرینه هستند که هنوز کلاه شصت سال قبل و سرداری هشتاد سال قبلشان را می پوشند سرهم رفته سرتا پا انتیک میباشند یکی از ایشان پرسید که آیا کسی بازن خود حرم سرو کاری داشته باشد شریعت مقدس اسلام یک مجازات مخصوصی برای او معین نموده که پس از آنکه با ترتیبات مقصلی

غم مخور ای پسر بابای تو من — بچه خیاطیے با من بزنجان

بچه گدا - (با مقام) یتیم بی کسم بابا ندارم — آقا آقا پول یک کف نان

نقاش — (خطاب به قربانعلی) ای مشهدی کربلائی این بچه با شما چه نسبتی دارد

قربانعلی — (با مقام) هلا ای مرد با ایمان این همین طفلی که بینی همان - کرو باشد به ده تومان — بنام اعتبار من

نقاش — چطور چطور مگر انسان را هم گرو میدارند تا حال بفکر نمی شود مگر انسان ساعت است که گرو بگذارند

قربانعلی — خوب هر کس لازم داشته باشد ده تومان میدهد و میبرد دیروز یکی از محترمین را صبح زود بیدار کرده بود هشت تومان بدهد و ببرد من ندادم

نقاش — بسیار خوب من این ده تومان را می دهم و بچه را میبرم بخانه اینکه بدرد من بیشتر خواهد خورد (ده تومان را داده دست بچه را میگیرد)

قربانعلی — (با شانه و آهسته به بچه گدا می گوید) ها چه میگی — همان جام ... همان جا هم بیرونت میکنم چه حد سوار مینی اخت

نقاش — چه گفتی؟

ع معین شده اقبات شد حاکم شرع
مجازات نماید بحکومت محل یا
بوطه بایشان چه که با آن پوز آنتیک
که چند صد تخم مرغی دریافت نمایند
را تراشیده این آبادی آن آبادی
قرن بیستم

اوضاع کرمانشاه

ریکه اطلاع حاصل نموده ایم اوضاع
اهان بتحریک شاهزاده نصرت الدوله
ی انتخابات جدید بطوری وخیم و
شده است که شب و روز در کوچه ها
پلیس چند عده نظامی قزاق معین و
او گیری از متنفذین نصرت الدوله
هم میخواهد با انتریک وکیل شود
زدر گردش و از این حیث سلب امنیت
اهالی گردیده و وقته رفته این هرج
بدسایس مختلفه بالا کشیده و اوضاع
تری را خواهد آورد

ارالشورای ملی

لاصه مذاکرات یوم یکشنبه ۶ حوت
لسه بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل
ت جلسه یوم قبل قرائت و بایک فقره
ح تصویب گردید
دوا آقای رئیس برای تجدید اجازه
ی ده روزه آقای مساوات بواسطه امتداد
کسالت ایشان که کمسیون هم تصویب
ه بود رای گرفته تصویب شد
آقای شیخ اسدالله با این قبیل اجازه
الف بوده و عقیده داشتند که شخص
ی نبایستی از مجلس تقاضای مرخصی کند
فقط بتصدیق طبیب از حضور در مجلس
خواهد بود
آقای رئیس — چون این عقیده مخالف
ظامنامه است اگر پیشنهادی داشته باشید

بکمسیون مراجعه کنید

چون دستور این جلسه معین نشده بود پیشنهاداتی از طرف بعضی آقایان راجع بدستور شده و بر حسب تقاضای آقای حاج میرزا مرتضی برای مطرح بودن قانون انتخابات رای گرفته تصویب شد

شاهزاده محمدولی میرزا اظهار داشتند چندی قبل پیشنهادی بامضای شانزده نفر از آقایان تقدیم شده تقاضا دارم قرائت شود

پیشنهاد مزبور قرائت و مفاد آن این بود که مبلغ پنجاه هزار تومانی که برای اعانه اهالی ارومیه در تجارتخانه طومانیانس گذاشته شده خوبست برای رفع بیچارگی اهالی ارومیه بنیه توقیفی تجارتخانه را با نظارت وزارت مالیه بفروش رسانیده و اعانه اهالی بالتمام کارسازی شود

یکنفر از آقایان با اقامه مختصر دلیلی مخالفت نمودند

ماده بیست و دوم قانون انتخابات قرائت شده و مختصر مذاکره در اطراف آن شده چون مخالفی نبود ماده بیست و سیم و بیست و چهارم قرائت و یکی دو فقره از ماده بیست و پنجم و دو ماده بیست و ششم و بیست هشتم قرائت گردید و مطالعات لازمه راجع بمواد بعمل آمده و آقای اقبال السلطان بایک روز تعرفه دادن و رای گرفتن مخالف بوده چرا که اولا باعث پیش آمد بعضی اشکالات برای انجمن های نظار خواهد شد و نیز اعمال نفوذ های شخصی هم در آن میشود و عقیده شان این بود که یکدفعه تعرفه گرفته و وقتی دیگر آراء خود را نوشته در صندوق اندازد که تا درجه فکر کرده شاید از تحت نفوذ اشخاص فرار کرده نه اینکه بکلی سلب مهلت از آنها شده کور کورانه در تحت نفوذ اربابان خود بشهر آمده فی الفور اخذ تعرفه نموده اسم ارباب را بنویسد و در صندوق انداخته مراجعت کنند

آقای شیخ الرئیس جواب اعتراضات آقای اقبال السلطان را داده و بالاخره اظهار داشتند که اگر در ظرف یکروز خاتمه پیدا کند از برای رعایا بهتر خواهد بود خواه آنکه جبراً آنها را برای رای دادن بشهر آورده باشند یا بمیل خود آمده باشند در اینموقع بکافی بودن مذاکرات رای گرفته تصویب نشد

آقای فتح الدوله — این ماده از برای ملاکین و اربابان بسیار خوبست که رعایا را بزور می آورند بشهر و تعرفه میگیرند و اسامی ایشان را نوشته در صندوق می اندازند و ترو فرض کار خود را صورت می دهند و ابدا مجال نفس کشیدن بآن بدبخت ها نمی دهند که شاید متنبه شوند و بوسیله از دست آنها فرا کنند بالاخره بعقیده من مثل سابق لا اقل بایستی سه روز بعد از اخذ تعرفه رای بدهند

آقای ملک الشعرا — بعقیده ما این اصل بهترین مواد قانون انتخابات است چرا در نزد تمام ممالک متمدنه بعالم این اصل مهرض و محترم و باعث سهولت کار خواهد بود و نتیجه سه ماهه را سه روزه می گیریم و اساس تمدن این است که کار ها سهل شود ما هم برای اینکه مدت انتخابات زیاد طول نکشد خوبست این ماده را قبول کنیم بقول آقای فتح الدوله همه نقاط مثل اصفهان رعایا را جبرا برای اخذ آراء بشهر نیاورده اند و همه بزور وکیل نشده اند و تمام آقایان هر یک اعتبارنامه های ایشان از مجلس باکثریت آراء گذشته است بالاخره من مقصودم از این اظهار تنبه آقای فتح الدوله بود البته انتخابات اصفهان هم صحیح بوده است ولی مقصود این است که رعایائی که در اطراف شهر در پنج شش فرسخی واقع اند در زمستان و برف و سختی و غیره نمیتوان پیش از یکی دو روز از زراعت و کار خود صرف نظر نموده و برای دادن رای بحق یا من غیر حق خود در شهر معطل شوند و بیشتر این ماده برای رعایت حال ایشان وضع شده است بالاخره یکایک اعتراضات وارده راجع باین ماده را جوابی گفتند

آقای تدین شرح مبسوطی اظهار و اعتراضات وارده باین ماده را ایراد نمودند

آقای آصف الممالک — بنده ابتدا با انتخابات عمومی بواسطه همان دلیلی که آقای تدین متذکر شدند مخالف بوده و بکمسیون پیشنهاد کردم و متاسفانه پذیرفته نشد ولی نظر ما در کمسیون یکی سرعت در امر انتخابات بود و دیگری جلوگیری از اعمال نفوذ متنفذین فلذا این اصل تقدیم مجلس گردیده و توضیحاتی هم راجع بآن دادند

در این موقع بکافی بودن مذاکرات رای گرفته و بقیه موکول بجلسه آتیه گردید

برای تعیین دستور جلسه آتیه پیشنهادات بسیاری از طرف آقایان شده و بالاخره قانون ممیزی جزو دستور جلسه آتیه شده مجلس خاتمه یافت

مظلم از بازیچه های فرمانفرما

محمد ولی میرزا وکیل صالح

شرح مفصل حیرت آوری از طرف آقای امجدالسلطان با اسناد و مدارک صحیحی باداره رسیده و تظلم نموده که شاهزاده مزبور بالغ بر دو هزار تومان طلب حقه برادر من ارفع السلطان که از دولت بابت حقوق محق بوده دریافت داشته و در همان موقع برادر من مقتول و اموال او غارت گردید قریب دو سال است که بدولت و پارلمان متظلم بوده و جمعی از وکلای محترم عهده دار اصلاح این امر شده اند و تاکنون به هیچوجه در مقام استرداد طلب حقه ورثه بردار من بر نیامده و بامروز و فردا میگذراند و چند نفر از وکلای محترم از قبیل شاهزاده سلیمان میرزا و آقای کازرانی و آقای معتمدالتجار و آقای ناظم الدوله که در کار بوده اند و از قضیه بخوبی مطلع اند از حل مطالب عاجز گردیده اند و تقاضا نموده بنام آزادی مطبوعات در احقاق حق ورثه برادر مقتول او اولیاء دولت را تذکر دهیم که بحال اسف آور آنها عطف توجهی فرموده احقاق حق آنها را بنمایند

و ما هم بواسطه ضیق صفحات عجالتا از درج عین مکتوب و اسناد و مدارکی که بخط و امضاء خود محمد ولی میرزا میباشد خود داری نموده بنمرات آتیه موکول میداریم و همین طور اولیای دولت را تذکر میدهیم که بدون ملاحظه شاهزاده بودن و وکیل بودن پسر فرمانفرما بودن تبعیض در قانون روا نداشته احقاق حق مظلومین را بفرمایند

(علاقه مندان بعالم معارف را بشارت)

که از تاریخ دوم حوت (تدریس آسان) در تحت تعلیمات آقای آقا ولی الله معارفی شروع میشود و هر آدم بی سوادی که حتی خواندن (الف با) را هم نتواند یک ماهه با آن وضع تدریس که خود ایشان اختراع نموده اند فارسی خوان خواهد شد و هر کس میل دارد بدین تحصیل آسان خود را بقرائت خانه ترقی کارگران معرفی نموده از نیم ساعت بعد از ظهر الی دو ساعت بعد از ظهر بغیر از ایام تعطیل عمومی ایشان برای تدریس حاضرند استفاده نمایند — در خاتمه میدانست که در تحت تعلیمات این طور جوانان حساس و علاقه مندان بمعارف این همه بدبختیها که از جهل و بی علمی ناشی میشود مرتفع سازیم — و ضمنا تذکر میدهد که کلاس اکابر شبانه برای تحصیل السنه — فرانسه — روسی — انگلیسی — دائر خواهد بود

مدیر قرائتخانه ترقی کارگران محمود — فیروز بخت

پریشان گویی

افسوس هر وقت قلم بر داشتم از شرح پریشانی بد بختی خود چیزی بنویسم

هر وقت خواستم خونابه دل را با نوک قلم بر این صفحات جاری سازم هر وقت ترانه های قلب مجروحم میرود با صدای ملایم نوک قلم هم آواز گردد

و بالاخره هر وقت خواستم شرح افسردگی خود را تحریر کنم بقدری خاطره های هولناک از مخیله ام عبور و در نظرم عرض اندام دارد که تمام مکنونات قلبی خود را فراموش میکنم

سینه میگوید که من تنگ آمدم فریاد کن

افسوس صد افسوس

مقدرات تاریک من با قلم سیاه بر چهره نیلگون طبیعت بدست تقدیر مرتسم شده است

حس محرومیت ناامیدی خیلی مرا اذیت میکند

برای تسلیت خاطر افسرده باز میخواهم درد دل کرده باشم اما نمیدانم چه بگویم چه بنویسم با چه زبان تقریر کنم

زیرا بقدری اعصاب من حساس شده

بقدری تالمات روحی بدماغم زور آور گردیده است باندازه احساسات تاریک دقیق مشاهدات روحی و معنوی مرا از فشار هولناک این هستی مسموم این جامعه فاسد از مقدرات تاریک زنده گی این زندگی شرم آور تجدید میکند که حقیقتا با کمال میل آرزوی مرگ دارم

کاش یکمرتبه در گرداب مرگ در سیاه چال نیستی وقتا فرو رفته باین مرقومات و اظهارات و با اظهار این احساسات هم دلخوش نمیکردم

برای اینکه این ضجه ها و ناله های مظلومانه بگوش چوپانان ما نمیرسد

و این گوسفندان ساده این برادران غفلت زده ام باین حرفها گوش نداده و از این استغاثه و فریاد ها چیزی نفهمیده بخود نمی آیند

راستی زندگانی برای چیست ما چه

صفحه ۱۹

قربان علی — هیچ سفارش کردم بشما خوب خدمت کند که شما از او راضی باشید — (نقاش و بچه گدا هر دو خارج میشوند)

قربان علی — (با خود) الان یک بلائی بسر این مرد خواهد آورد و یک چیزش را خواهد دزدید امروز خوب لقمه گیر آمد

(یکنفر حمال با قیافه وافوری و کوله بارش را برای رفع خستگی بزمین می گذارد

قربان علی — (بچشم تعجب می نگرد) ها ها تو محمد هاشم پسر حاج محمد رضا الوف الوف نیستی

حمال چرا رای داد و بیداد (خمیازه طولانی میکشد)

قربان علی — چرا باین روز افتادی پدرت که دارای آلاف و الوف عنوان تجارت خانه شما هم الوف الوف بود

حمال — ای بابا ... وافور وافور دیگر چه بگویم آه سردی می کشد آهنگ شوشتری

هر که اندر زندگی پا بند بر تریاک شد
زنده ناور در حساب اورا حسابش پاک شد
هر جوانی یکدو سالی لب باین عفریت زد
پیر شد فرتوت شد مرد استخوانش خاک شد
بار ها دیدم کزین سرمایه ادبار و فقر
کمترین بی چیز و با ثروت ترین ملاک شد

سال دوم دوره دوم شماره یازدهم

اداره طهران : خیابان اسلامبول

دو شنبه چهار شنبه جمعه

تک نمره ۸ شاهی

پس از یک هفته یکقران است

قرن بیستم

صاحب امتیاز و نویسنده اساسی : ر . میرزاده عشقی

۲ شنبه ۱۷ رجب المرجب ۱۳۴۱

۱۳ حوت ۱۳۰۱ ۳ مارس

آبونمان پیشگی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان

وجه اشتراک

برای محصلین ، کارگران ، و اعضاء اتحادیه‌ها ۵ تومان

قیمت اعلانات و مقالات خصوصی با دفتر اداره است

قسمت سیاسی

پروگرام دولت در مجلس

حسن - حسن مدرس

دیروز پروگرام دولت در مجلس مطرح گردید

مدرس با آن هیکل واویلا برای مخالفت به پشت تریبون رفت

از پس تریبون با آن نعره هائی که اختصاص بحلقوم و حنجره خود مدرس دارد فضای دارالشورا را پر از طنین منکر گردانید

اول حرفش من بود آخر حرفش من معلوم نبود چه میخواهد بگوید

میگفت من هرگز مقلد سیاست هیچ یک از زمامداران ایران نبوده ام

من خودم یک سیاست مخصوصی دارم در صورتیکه آقای مدرس آنوقتیکه تنها بودند شاید یک سیاست مخصوصی داشتند ولی از وقتی با نصرت الدوله هم دست شدند دیگر تابع سیاست سیاستمداران دولت فخیمه انگلیس گردیدند و ایشان ندانسته مقلد سیاست لرد کرزن شدند

آن آقائیکه شب و روز در آغوش نصرت الدوله در آغوش نصرت الدوله ئی که شب و روز در آغوش وثوق الدوله همان وثوق الدوله شب که و روز در آغوش انگلیسها بوده و هست و خواهد بود نمی‌تواند بگوید که من هرگز مقلد سیاسی کسی نبوده ام خیر آقا شما مقلد سیاسی نصرت الدوله هستید و نصرت الدوله هم مقلد سیاسی انگلیسها و از همین رو شما من غیر مستقیم مقلد سیاسی لرد کرزن هستید و هیچ این مسئله قابل تردید نیست

خیلی عجیب است اظهار میکرد تا زمامداری تابع سیاست من نباشد من با او موافقت نخواهم کرد

از این اظهار آقا معلوم شد تا کابینه از عناصر انگلو فیل تمام عیار تشکیل نشود آقای مدرس موافقت نخواهند کرد

چنانچه در بین آن نعره هائی که میکشیدند علنا اظهار کردند

میان این حسن با آن حسن فرقی است ژرف

غرضشان از وقتیکه ما بین حسن وثوق الدوله و حسن مستوفی الممالک هست بود و علنا اظهار عشق نسبت بحسن اولی یعنی حسن وثوق الدوله فرمودند

خودشان را حسن و در ردیف حسن وثوق الدوله معرفی کردند

بقدری حسن حسن کردند که دل تماشاچی ها بحال بی‌طاقتی و بی تابی مدرس از فراق حسن وثوق الدوله سوخت باری سر تا سر مکالمات و اظهارات آقای مدرس مملو بود از جملات بی‌منطق و بی معنی و معلوم بود که آقای مدرس هیچ ایرادی بکابینه و پروگرام کابینه ندارد و فقط آن نعره ها را برای بهانه جوئی میزند

در خاتمه بوکلای اقلیت تذکر میدهیم که از نعره های مدرس و بی طاقتی‌های آقای سید یعقوب برای قوام السلطنه هیچ لطمه بکابینه و پروگرام کابینه وارد نخواهد شد فقط خود شما بیش از پیش رسوا خواهید شد

هیئت مؤتلفه احزاب دست چپ انزلی

نمره ۴۷-۲۵ دلو ۱۳۰۱

توسط هم مسلک محترم آقای سلیمان میرزا و جریده قرن بیستم

ساحت مقدس دار الشورای ملی شید الله ارکانه

در این موقع که زمام امور مملکت بید با کفایت و با لیاقت آقای مستوفی الممالک قرار گرفته و آزادیخواهان این سامان را بسا مایه امید و اعتقاد است که ملت ایران در این دوره شاید بتواند با مال ملیه خود که هزاران جوانان حساس وطن پرست خود را فدای آن نموده نایل گردد اینک هیئت مؤتلفه احزاب دست چپ انزلی موقع را مغتنم شمرده پیشنهادات ذیل را بآن محضر انور تقدیم و اجرای آن مواد را تقاضا و امیدوار است

۱ - ترمیم کابینه ملی از عناصر صالح و مستقل الرای و صاحبان عقاید چپ

۲ - توسعه و اصلاح اساسی معارف

۳ - تفکیک روحانیت از سیاست

۴ - الغاء حکام نظامی

۵ - عملی کردن الغاء اساس استعماری (کاپیتولاسیون)

۶ - اصلاح قوای قضائیه مملکت موافق منافع اکثریت ملت

۷ - حل قضیهٔ ترانزیت و عقد قرار داد تجارتی با روسیه شوروی

۸ - جلوگیری از عملیات انگلیسها در کلیه نقاط ایران خصوصا در جنوب

۹ - کوتاه نمودن نفوذ سیاسی اجانب از کلیه دوائر ایرانی

۱۰ - عقد شرایط عاری از مختصات امپریالیزمی و توسعه معاهده نامه‌های اعتبار (کریدیت)

...

این تقاضاها را وقتی باید نمود که بنده یا امثال بنده متصدی امر زمامداری باشیم از آقای مستوفی الممالک باید متوقع بود که ایادی عناصر مهم ارتجاع را حتی المقدور کم کنند و نگذارند آزادی بیش از این اسیر ارتجاع باشد

آرزوهای دور و دراز دست چپی‌ها را باید توام با جدیت بروی کار آوردن جوانهای تازه و تحصیل کرده داشت

نویسنده قرن بیستم

قسمت اجتماعی

بمناسبت انتخابات دوره پنجم

اسکلت های جنبنده

ای اسکلت های جنبنده !

ای استخوانهای متحرک !

ای هیکلهای وصله وصله دندان عاریه عینک بچشم بسته عصا بدست گرفته کرسیهای پارلمان تا عمر دارید در اجاره شما نیست مدت کرسی‌نشینی طبقه شما مدتهاست گذشته شما حالا وظایف دیگر دارید معطل نکنید برخیزید از این ببعد دیگر نوبت ماست

رمز عشقی

در همدان یک مکتب داری بود که فقط الفباء و ابجد و کتاب نصاب را می توانست تدریس کند و در همان مکتب خانه یک مرد کلاه بلندی نیز وجود داشت که خطاطی میکرد و بشاگرد ها رسم الخط دوره ابتدائی را می آموخت

من خودم چند سال از دوره طفولیتم را در آن مکتب خانه بسر بردم تا آنکه مدارس جدید در همدان تاسیس شد من و چند شاگرد دیگر را از آن مکتب خانه بیرون آوردند و بمدرسه گذاردند طولی نکشید که همان مکتب دارهم در کلاسهای ابتدائی مدرسه معلم شد

معلوم است تدریسات مدرسه دیگر منحصر به نصاب و کتاب بهرام گل اندام نبود بسیاری از کتب جدیده آورده بودند و بسیاری از علوم جدیده که در مکتب خانه اصلا اسمی از آنها شنیده نشده بود تدریس میکردند فیزیک شیمی جغرافی الخ . . .

معلمین این دروس همه جوان و با اطلاع و همه صاحب یک هیکلهائی متفاوت با هیکل معلمین مکتب خانه بودند چند ماهی بخوبی و جدیت مشغول تدریس شدند در آن چند ماهه معلمین مکتب خانه ها که بمدرسه برای تدریس کلاسهای ابتدائی آمده بودند بنای قرقر و لند و لند را گذاردند که کتاب فیزیک و شیمی و جغرافی همه فارسی است ما حتی می توانیم بصاب و سائر کتب عربی را هم تدریس کنیم دلیل ندارد که ما آن کتابها را تدریس نکنیم

هرچه بآنها گفته میشد که مراد تدریس عبارت ساده کتاب فیزیک نیست مدرسی فیزیک و شیمی باید یک اطلاعات فنی از آنچه درس میدهد داشته باشد بخرج آنها نمیرفت بالاخره باهمین داد و فریادها معلمین جوان را جواب گفتند و همان مکتب دار سابق ما آمد و مشغول تدریس فیزیک و شیمی شد —

فیزیک و شیمی درس دادن مدرسین نصاب و غیره معلوم است چقدر مضحک واقع خواهد شد

شاگردها که تا اندازه فهمیده بودند که این کتب معلمین متخصصی میخواهد بصدا در آمدند —

های هوی - ما این معلم را نمیخواهیم ما آن معلمین سابق را میخواهیم — مگر بخرج آن مکتب دار میرفت با میگفت تا هزار سال اگر عمر بکنید من بشما همه چیز درس خواهم داد آخر مجبور شدیم یکی ریش جو و گندمی اورا گرفت و سائر شاگردها هر کدام یکی از اعضاء اورا و با یک افتضاحی که بگفتار راست نمی آید ایشان را بیرون کردیم و فرستادیم سر مکتب داری و معلمین سابق را آوردیم

حالا قصه ما با این آقایان فرتوت قدیمی رجال دوره زنده باد مشروطه که روی کرسی‌های پارلمان نشسته اند همان قصه مکتب دار است

صفحه ۲۱

قربان علی — اگر میخواهی دوستت داشته باشم اسم پول را هیچوقت مبر که میرنجم و (میرود)

بچه گدا — خدایا این کارها را برای چه میکنم مقدمه جادوگری دزدی است سبحان الله من کجا دزدی کجا؟

(داش مشتی وارد میشود)

بچه گدا - (شروع به خواندن)

گدایم من - گدایم من - گدائی بینوایم من - به سختی مبتلایم من — فغان از حال زار من - غریبم بی کسم بابا ندارم آقا آقا پول یک کف نان -

داش مشتی — با لهجه لوطی گری

بیا ای ماه رو دختر - تو با من باش هم بستر - لباس تو نما در بر - همیشه در کنار من — غم مخور ای دختر بیا پیش من پاشو پاشو بریم بخونه

قربان علی — خوب شد از این پیرزن گدا هم بما فیضی رسید

در حال بچه گدا با لباس پسری وارد میشود

قربان علی — ها چه کردی امروز خیلی شیرین کاری کردی سه دفعه لباس عوض کردی

این آقایان که مدرسین الفبای مشروطیت بوده اند میخواهند امروز هم که موقع تدریس کتابهای کلاسهای عالی دوره تجدد است باز معلم و مدرس باشند

رفقا این آقایان این طوریکه محکم روی کرسی های پارلمان جلوس فرموده اند گمان نمیرود که با نصیحت و مسالمت برخیزند و جایگاه جوانان را برای جوانان بگذارند

چه که اینها تازه جایشان را گرم کرده اند و روی این کرسی ها تنبل شده اند و حوصله ندارند از روی این کرسی ها برخیزند سالها روی این کرسی ها چرت زده اند

اینها را باید از روی این کرسی ها عنقا بلند کرد

باید زیر بغل اینها را گرفت و گفت آقا برخیز من میخواهم بنشینم

اگر چه بازوی بعضی از انها را باید با احتیاط گرفت و بلند کرد چه که از بس پوسیده اند ممکن است که بازوی آنها کنده شود

یکی از آن آقایان پوسیده را می شناسیم که در ایام زمامداری وثوق الدوله سنش هفتاد و پنج سال بوده و خودش برای مصلحت وکالت میگفت شصت وهشت سال دارم اینک که سه چهار سال از آن ایام گذشته و باعتراف خودش باید هفتاد و دو سال داشته باشد در این دوره هم به تکاپوی انتخاب شدن افتاده

خیلی غریب است اینها خجالت نمی کشند ؟

اینها وقتی جوانهای تازه پا بسال می گذارده دانای عالم فهمیده پر استعداد آشنا باسیاست دنیارا می بینند شرمنده نمیشوند

چطور جرئت می کنند در یک محیطی که این گونه عناصر وجود دارد باز هیکل سرتاپا وصله وصله خود را شایسته وکالت معرفی نمایند

این اشخاص اگر خادم بوده اند اگر خائن بوده اند اگر صالح اند واگر طالحند هر صفتی را که دار بوده و یا هستند دیگر باید خانه نشین باشند

اگر این اشخاص برای آزادی زحمت کشیده اند برای مشروطیت صدمه دیده اند و باید در انظار مردم و تاریخ مقدس بشمار آیند

این ها همه دلیل نمیشود که باز با کله های پوسیده ودماغهای فوسفور تمام شده و جمجمه های گرم خورده روی کرسی های پارلمان بنشینند و برای مقدرات زندگانی ما که از همه آنها فهمیده تریم رای بدهند

برفرض آنکه لازم باشد که ملت بپاس خدمات سابق آنها برای آنها یک قدر وقیمتی قائل باشد

باید آنها در خانه بنشینند و خانه آنها در حکم یک زیارت گاهی باشد

یعنی مردم دسته دسته بخانه آنها بروند و یک زیارت نامه بالای سر آنها نصب شده باشد که از قرائت آن زیارت نامه ها مردم احترامات لازمه آن کالبد های نیم جان را بعمل آورده باشند

بس است بس است

ما دیگر بیش از این نمی توانیم پشت در بهارستان معطل باشیم به بینیم مدت چرت فلان وکیل فرتوت کی تمام میشود

ما یعنی آن دسته جوانیکه سالهاست دماغ وفکرمان را در میدان سیاست معاصر دنیا ودرک صلاحیت مقام عضویت پارلمان ورزش می دهیم بیش از این نمی توانیم معطل بمانیم

ای اسکلت های جنده

ای پوست و استخوان های متحرک

ای هیکلهای وصله وصله دندان عاریه

عینک بچشم بسته عصا بدست گرفته کرسی پارلمان تا عمر دارید در اجاره شما نیست مدت کرسی نشینی طبقه شما مدتهاست گذشته شما حالا وظایف دیگر دارید معطل نکنید برخیزید از این به بعد دیگر نوبت ماست

رمیرزاده عشقی

دارالشورای ملی

جلسه یکشنبه ۱۳ حوت ۱۳۰۱

قریب دوساعت قبل از ظهر جلسه ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل وصورت جلسه یوم قبل قرائت گردید

چون عده برای مذاکره کافی نبود آقای رئیس جلسه را تعطیل نموده و کمی بعد مجددا تشکیل وصورت جلسه قبل تصویب گردید

آقای سید یعقوب — بر حسب سابقه و جریانات مجلس تقاضا می کنم که اعتبارنامه قوام السلطنه جزو دستور ومطرح شود

آقای رئیس — روز گذشته من درمجلس نبودم وخبر ندارم

آقا سید یعقوب — بصریح نظامنامه داخلی مجلس چون دیروز اعتبار نامه قوام السلطنه مطرح شده ومخالف پیدا کرد لازم می اید که جزو دستور جلسه بعد شود وامروز باید مذاکره گردد

آقای رئیس — کدام ماده نظامنامه چنین مطلبی را تصریح می کند

آقا سید یعقوب — همراه نداشتم که بعرض رسانم

آقای سید محمد تدین منظور آقای سید یعقوب را ماده ● نظامنامه دانسته وعین ماده را قرائت ونظریه آقای سید یعقوب را برخلاف مشمول ان دانستند آقا سید یعقوب — مطابق [نص صریح مقام ریاست] خنده وکلا و سابقه مجلس این مسئله چندی است مطرح است وهنوز خاتمه نیافته وحال آنکه تمام اعتبار نامه ها در ظرف ۲۴ ساعت طبع و توزیع شده و مطرح وتصویب میشد پس چرا بایستی این مسئله این قدر بطول انجامد

آقای رئیس — من جزو دستور امروز نکرده بودم و جزو دستور هم نیست اگر میخواهید مطرح شود باید پیشنهاد نموده و رأی بگیریم

آقا محمد هاشم میرزا — اعتبار نامه همیشه بر هر چیز مقدم و از هر دستوری لازم تر است و در باب مخالفت با اعتبار نامه هم بصریح ماده ● لازم نیست حتما در جلسه بعد مطرح شود بلکه بر حسب تقاضائی که میشود آنرا طبع و توزیع نمود و فردای آن روز مقدم بر هر چیزی مطرح و مورد بحث میشود بالاخره مسئله اعتبار نامه جزو مطالب اساسی مجلس است ونباید زیاد در آن صحبت کرد وبعقیده بنده چون گویا طبع و توزیع نشده باشد لازم نیست امروز حتما در این خصوص مذاکره شود

آقای رئیس — اشتباه کرده اید اعتبار نامه هر وقت که تهیه شد جزو دستور ومطرح می شود و اگر مخالفی پیدا نمود آنرا طبع و توزیع نموده و بجلسه بعد محول میدارند و دیروز آقای نایب رئیس جزو دستور امروز نکرده اند

آقای محمد هاشم میرزا — شده هم اینطور عرض کردم و مفاد فرمایشات مقام ریاست را بعرض رساندم

آقا سید یعقوب — مسئله را رجوع بسابقه مجلس کنید تا چه حکم خواهد کرد

آقای رئیس — باید پیشنهاد شود — از طرف اکثر آقایان مذاکرات کافی است

آقای رئیس جزو دستور سه شنبه میشود (صحیح است)

آقای رئیس — آقای مدرس در کلیات فرمایشی دارید

آقای مدرس — البته تصدیق دارید دستورالعمل یک دولت بایستی بالایحه قانونی طبع شود چه اگر در حدود پرگرام مذاکراتی شود بموقع خود اساس عملیات و سیاسیات یک دولتی است — گرچه کسالت دارم و سینه ام یاری نمیکند لیکن احتیاطاً لازم دانستم عقاید خود را بگویم که باید مشروحا مذاکراتی که راجع بسیاست یک دولتی است در پرگرام ذکر شود

همه آقایان میدانند شخص بنده باقسمتی از آقایان نمایندگان از بدو تاسیس دولت جدید اظهار موافقت نکرده و شاید بعضی هم هم برای این مسئله از من ملول باشند ، اینک عرض می کنم من و آن جمعی که با من اظهار موافقت نموده اند تا این ساعت که پرگرام دولت به مجلس آمده بمقتضای وظیفه

سابقه قرن بیستم

فرانسه ها میگویند زن در حکم سایه مرد است هرچه از او فرار کنید شما را تعاقب میکند هرچه او را تعاقب کنید از شما فرار خواهد کرد

چه خانم ها وچه آقایان میتوانند در این زمینه چه بعنوان مخالفت با این معنی وچه در موافقت با این معنی نظما یا نثرا مرقوم دارند وهریک بهتر از همه مرقوم داشتند یکسال جریدهٔ قرن بیستم مجانا بادرس ایشان ارسال خواهد شد

ونیز این گوینده آن معنی را بازبان شعر ادا کرده وعجالتاً در این شماره مبادرت بدرج آن مینمایم

درمقام مرد زن چون سایه است — لاجرم چون سایه اقبالت کند
هرچه دنبالش کنی بگریزد او — هرچه بگریزی تو دنبالت کند

رمیرزاده عشقی

اطلاع

بواسطه تراکم لوایح در این شماره موفق بدرج بی سیم مسکو واخبار روتر وبسیاری از از اخبار دیگر نگردیدیم

اخطار

بواسطه بعضی محظورات وموانعی که در پیش است شمارهٔ چهارشنبه این هفته ما منتشر نخواهد شد بمشترکین وعده می دهم که در آتیه تلافی نمائیم

دفتر قرن بیستم

صفحه ۲۲

بچه گدا — یک لاطی آمده بود اوس شده بود که با صیغهٔ من شو

قربان علی — تو چه کردی

بچه گدا — مست بود یک چند قدم که رفتم توی آن خرابه ها افتاد من هم (دست در جیب کرده یکقدری پول سیاه و جام و کیسه توتون و چپقش و زنجیرش را از جیبش در آوردم و رفتم یکدست لباس پسرانه پوشیدم و آمدم حالا اگر بیاد من را با این لباس نخواهد شناخت مرا با لباس زنانه دیده بود حالا لباس مردانه پوشیدم

قربان علی — بده بمن

(قربان علی اسباب ها را از او گرفته چشمش از دور بفرنگی ما بی افتاد)

قربان علی — زود زود خودت را بشناخوشی ومردن مردن بزن یک کاکلی از دور میاید من او را می شناسم دکتر است

(دکتر وارد میشود)

بچه گدا — (با مقام) امان دکتر فغان دکتر — دردی نشسته بر دلم دکتر نمی کند آنی و لم دکتر دلم شد خون رود بیرون این درد از دل من کی دکتر دستم بدامانت ای دکتر

دکتر — (با مقام) آرام شو دهم من برتو گردی

وکالت و نمایندگی ملت خود عمل کرده‌ایم چرا که موافقت با هر دولت بواسطه سائس بودن اوست و بالاشبهه نیست که آقای مشتوفی الممالک از اشخاص صالح و خدمتگذار این مملکت بوده و هست ولی خوبی شخص غیر از تصدیق نمودن بسائس بودن اوست واضح تر عرض کنم هر وکیلی هر پارلمانی و بالاخره هر موکلی و من نسبت بدولت باید یک ماده اجتماعی سیاسی داشته باشیم و در این صورت معلوم است و میتوانیم موافق دولت باشیم و الا تکلیف وکیل نسبت به دولت با مخالفت عقیده سیاسی مخالف است والا مکرر گفته ام هر دولتی باید با ورقه سفید بیاید با ورقه کبود برود نه بهر نه تهدید و غیره اگر واقعا عاری از سیاست یا غیره ملتفت در سیاست بود ممکن است ممتنع باشد مثل ما که نسبت با این دولت از اول تا حال ممتنع بودیم چرا ما قبل از معرفی آقای رئیس الوزراء اساس سیاستی نگذارده بودیم بخلاف دولت های سابق پس بر ما چیزی نیست نه قصوری نه تقصیری نه خارج از وظیفه و باید هم همین قسم کرده باشیم و کردیم الحمد لله همه وکلا خوب و دانا هستند و من خودم در این مملکت مقلد سیاست هیچ یک از رجال نیستیم یعنی کسی را بهتر و سائس تر از از خودم سراغ ندارم حالا میشود این خیال جهل مرکب باشد و هیچ کس را از مسافرت کرده و غیره در سیاست از خودم بالاتر ندیدم حالا انشاء الله الرحمن اینطور نباشد علیهذا چون من و رفقای من از ابتداء با دولت مخالف بودیم

بقیه دارد

روح سعید زاده

مدیر مدرسهٔ متوسطه ثروت

دست بی رحم روزگار از آستین در آمده یکی از گلهای گلشن معارف این کشور باستانی بدبخت را چید :

باد ناگهانی خزانی در موسم بهار نونهال یک وجود ذی قیمت را بشکست

سعید زاده رفت ولی هزاران داغ بر دل علاقه مندان معارف نهاد

سعید زاده رفت اما در حقیقت پانصد نفر شاگرد بی معلم ماند !

آخ ! آخ ! هیهات یک همچو مجاهد و فدائی این آب و خاک برای معارف بپروراند .

سعید زاده آن فرزند گران بهای وطن سعید زاده آن که سال های بی بدل جوانی خود را وقف تعلیم و تربیت نوباوگان ایران کرد

شعید زاده آن شهید راه معارف که در آخرین لحظه نیز از شاگردان خود نگران و در فکر مدرسه بود آخ ! روزگار آخ ! روزگار ...

سزاوار است شاگردانش تا آخر عمر او را فراموش نکنند برای او گریه کنند

متاسفانه در محیط ایران هنوز قدر و قیمت کارکنان معارف مجهول است و مردم علاقه مند بمعارف نیستند

یگانه شاهد من اینست : روزنامه نگاری که همیشه خود را طرفدار معارف جلو میدهد از فرط عدم علاقه بمعارف در موقع معرفی کابینه معارف را پائین تر از همه آن وزرا مینویسد

حق دارند زیرا این معارف خراب است و قابل پرستش نیست

در خاتمه این بنده بازماندگان و رفقا و شاگردان آن شهید معارف (آقای سعید زاده) را خصوصا به آقای شمس الادباء تسلیت میگوید

رسام ارژنگی

روزنامه کار

از روز سه شنبه ۱۸ رجب المرجب مطابق با ۱۵ برج حوت روزنامه کار با قطع بزرگ در چهار صفحه هفته سه شماره یکشنبه سه شنبه پنج شنبه منتشر میشود هموطنان عزیز را بقرائت این نامه نوزاد دعوت میکنم ابوالفضل لسانی

شاعر جوان

منظومه های شیرین آقای نیما از نمره آتیه در پاورقی روزنامه بخوبی که بتوان آن را کتاب نمود درج خواهد شد

عموم مشترکین محترم خود را بقرائت منظومه های دل چسب آن توصیه مینمائیم

جواب (ح ش)

جواب مدافعه [ح ش] همدانی را بواسطه ضیق صفحات نتوانستیم درج کنیم چون مضمون آن خیلی بی منطق بوده در نمره آتیه منتظر خواندن جواب باشید

س م ت بهبهانی

اخبار داخله

ترمیم کسری کابینه

آقای رئیس الوزراء راجع به تعیین وزراء پست و تلگراف و فوائد عامه در این چند روز مشغول مطالعاتی هستند و میخواهند اشخاصی که سوابق آنها در وزارت های گذشته مورد دقت است برای وزارت های فوق الذکر تعیین فرمایند

عهد نامه

آقای تقی زاده سفیر فوق العاده ایران با حکومت ساویت در خصوص عقد قرارداد و عهد نامه تجارتی شروع به مذاکره نموده و بترتیب خوشی در جریان است

حرکت

آقای مهذب الدوله مستشار سفارت امریکا در ظرف فردا پایس فردا بطرف واشنگتن عزیمت مینمایند

اصفهان

علی نام کلیچه سارق که مدتی در نظمیه توقیف بوده چند روز قبل التزام میدهد که از شهر خارج شود شب پلیس مشار الیه را در شهر دیده دستگیر مینماید بعد به کمیسری برده و از آنجا به نظمیه میفرستند وسط بازار فرار میکند پلیس هرقدر عقب مشار الیه میرود نمیرسد تیری بطرف او میاندازد بگردن علی نام خورده فورا فوت میشود

شیروان

یک نفر قهرمان نام بجنوردی به نایب الحکومه مطعون شده و او را حبس کرده استرکنی همراه خود داشته خورد و فوت میشود

کلات

دوکله گوسفند میرزا حسین و مقصود بای ساکین قلعه زورا که در چند روز قبل از سرحد سالدات های روسی برده بودند دوشاخ دیروز بهمراهی یکی دو نفر گوسفند ها را مستر داشته بصاحبانش رد نمودند

مشهد

دیشب که شب ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین سلام الله علیه بود آستانه مقدسه و دکاکین اطراف چراغان مفصلی کرده بودند روز هم قبل از ظهر چند تیر توپ شلیک نموده عصر را تولیت آستان مقدس در ایوان طلا نشسته عموم روسای دوائر هم از لشکری و کشوری حضور داشتند

اهر

خوانین جلیاقلو و متمردین آنها و غیره که در خاک اهر بودند بغیر از جواد خان عموما به اردوی دولتی آمده تسلیم شده مشغول دادن اسلحه میباشند

پریشان گویی

شب است ظلمت شدید عالم را فرا گرفته عفریت مهیب خود را در فضای عالم نمایش داده —

تند باد از خلال شاخ و برگ اشجار بسرعت می گذرد . حالت جذر و مد و تصادم آنها طنین صدای هولناکی بگوش میرساند

ابرهای تیره خیمه سیاه بر فراز جهان افراشته

غرش مهیب رعد اعماق قلب مرا مرتعش کرده

احساسات خوفناک طپش و ضربان قلب را هر لحظه شدت داده مرا هراسان می کند

امشب یک حالت وحشتناکی در خود احساس میکنم حالت تاثر سختی بمن دست داده است

ارتعاشات و تشنجات قلبی فکر مرا سخت پریشان نموده افکار پریشان بمن اجازه نمیدهد در زیر پلاس بدبختی خود خزیده باشم بی اختیار بر خواسته از پنجره باسمان نظر افکندم آسمان منظره محزونی نشان می دهد ابوالهول شب با یک تاریکی مدهشی بنظر میرسد از این منظره خوفناک بسا حالت بهت ایستاده بی اختیار بطرف بالا نگاه می کنم ابخره تیره سر تا سر افق را احاطه کرده چشمهای من با یک توجهات و حالات مخصوصی بطرف آسمان خیره شده گویا بعد از این شدت و هراس انتظار فرج می کشند رفته رفته قلبم میرود آرامش سکونت پیدا کند خوشبختانه سمت راست افق از خلال ابر ها آسمان مشاهده میشود از همان روز که ستاره شفافی بسا درخشندگی در نظرم جلوه گر شده رنگ این ستاره کمی بزردی مایل و با خرمن پرتو ضعیف رقت آور خورشید در وقت غروب شبیه است از منظره خود احساسات فره بخشی در من تولید کرده پس از کمی تامل او را شناختم همان کوکب طرب انگیز طلائی رنگ (زهره) و محبوب همیشگی من است که در نظرم جلوه گر شده

من این ستاره را خیلی دوست میدارم گویا در این لحظه با لب خند مخصوصی بمن چشمک میزند آه مثل یک عاشق دل سوخته که در پایان صبر و امید از دیدار چهره زیبای معشوق میخواهد قلب خود را تسکین دهد تشویش درونی و ضربات سریع قلب من میرود صورت آرامش پیدا کند از کثرت اشتیاق دیدار محبوب آسمانی اشک از دیدگانم جاری گردید با یک دل پر آمال و درد میخواهم با محبوب خود درد دل کنم فکرم در اثر آن تشویش باز پریشان است میخواهم تکلم کنم

مکتوب از خندق

مکتوب مفصلی از خندق و بیابانک ممهور بمهر صد نفر از معاریف و روحانیین و تجار و کسبه آن محل حاکی از رضایت مندی از شاهزاده ابوالفضل میرزا با داره رسیده که ما بواسطه ضیق صفحات عجالة موفق بدرج آن نشدیم امید است در آتیه درج شود

و خلاصه مکتوب حاکی از آن است که پس از مدتها که دولت ما را فراموش کرده بود دچار حملات و غارت و چپاول یاغیان و اشرار بودیم

عطف توجهی فرموده

ما را از اعزام یکنفر حکومت صالح آزادی خواهی مثل شاهزاده ابوالفضل میرزا قرین افتخار و امتنان فرموده

تقاضا داریم سلب این نعمت و امنیت را از ما نفرمایند

صفحه ۲۳

که تا خوری ز درد آسوده گردی کم گریه کن ای پسر

ماشاء الله جوانی هیچ غصه نخور هر دردی دارد درمانی

جانم درمانی بیمت ز چیست درد تورا چه بیم است —

طب جدید غیر طب قدیم است در طب قدیم خاکشیر اولین

درمان بود در طب جدید پیر با درمانی جوان است

جانم جوان است

چند ساعت است دلت درد می کند

قربان علی — الان یکماه است

دکتر — (از میان کیف خود دوائی بیرون آورد به بچه گدا میگوید)

دهانت را باز کن باز کن

(قربان علی هم وقت را غنیمت شمرده اسبابهای کیف دکتر را میدزدد)

بچه گدا — (پس از خوردن دوا خودش را بمردن میزند) آی آخ وای وای سوختم (نفس قطع میشود)

قربان علی — آی عزیزم اگیری بچه ام طفل نازنینم

دکتر — ای داد و بیداد بچه خواهد مرد پسر پسر ای بچه یقین پنج شش دقیقه دیگر زنده خواهد بود

قربان علی — ای دکتر خونه ات خراب بشد بچه ام را کشتی اکبر چون آخ اخ بچه ام مرد

دکتر — با خود عجب کاری بود کردم خیر نمرده ولی شاید تا

اما نمیدانم چه بگویم خیالات متشتت و خاطره های مختلف بسرعت تمام بر فکرم عارض گشته و میگذرد آرزو ئیکه در مواقع عادی بیش از سایر چیز ها بانجام آن میل دارم در اینوقت با یک قوت فوق العاده توجه مرا بسوی خود جلب کرده بی اختیار میخواهم بر روی آن آرزو صحبت کنم آری میخواهم درد دل کنم میخواهم پریشان گوئی کرده باشم ای کوکب درخشنده ای محبوب آسمانی در این ساعت که در نظر من جلوه گر شده تمام دنیا در منظره تو جلوه گر است

تو همه جارا میبینی، تو خاک فرانسه، آلمان، جزایر بریطانیا و سایر ممالک اروپا و آسیارا مشاهده می کنی تو مملکت ژاپون و تمام ممالک قوی وضعیف را در تحت نظر داری و بالاخره در آن گوشه اروپا آن مملکت کوچک (منتکارلو) که فقط تمام آن مرکب از دو شهر منتکارلو — مناکو است بخوبی مشاهده می کنی و میدانی آنجا با آن کوچکی استقلال تمام دارد، مردمش چه اندازه در رفاهیت هستند، تورا بخدائی که در آن مقام رفیع ترا جای گزین کرده است خراب تر، بیچاره تر، پریشان تر از ایران هیچ می بینی، تو بر تمام مردم دنیا تسلط داری هیچ مردمیرا مثل من و برادرهای ایرانی من بدبخت، سیه روزگار دیده این رنگ پریده، گونه های زرد، چهره افسرده، حالت فلاکت، پریشانی، فقر عمومی، در هیچ یک از ملل مشاهده می کنی — خیر، آری عزیزم اینها برای چیست برای آنکه اصول تربیت اساساً در ایران وجود ندارد، برای آنکه دار الفنون صحیح، مدارس عالی فنی و صنعتی نداریم و همه نمیتوانند از نور علم و صنعت بهره مند شوند جز یک مشت مردم متمول آنها هم از روی یک اصول بی ترتیبی و اصول تربیت آنها هم مختلف و متضاد است

یکی بامریکا دیگری انگلستان دیگری بفرانسه، آن یکی بالمان و آن بروسیه برای تحصیل مسافرت کرده و تمام درس وزارت میخوانند در مراجعت میخواهند همه وزیر شوند هیئت دولت که از آن اشخاص مختلف صورت می بندد خیلی مضحک است زیرا البته سیاست دول با یکدیگر معارض و هر یک از زمامداران با یک سیاست مخالف میخواهد سعادت ما را پیش بینی کند از این رو ما هیچوقت بطرف سعادت نمیرویم مابین طبقات ما رفاقت، صمیمیت، مهربانی ترحم، بلکه دیانت وجود ندارد بزرگان بزیردستان ترحم نکرده زیردستان باحالت استرحام و تادیب از آنان استمداد نمی کنند

همه منافق، تمام بی شفقت، همه حتاک و بی عاطفه از این رو کار صنعت، تجارت راه عبور، امنیت همه را فاقد هستیم

مال معاصر از راه آسمان با یکدیگر مراوده کرده از هوا ارتزاق می کنند، ایرانی از روی زمین اگر بخواهد مسافرت کند برای هر دو فرسخ باید سه تومان پول داده و اقلا یک روز تمام را برای رفتن و باز گشت آن حرکت محقر صرف وقت کند، ایرانی از این اراضی وسیع و چشمه های طبیعی نمیتواند کشت و زرع و استفاده و ارتزاق نماید بزرگان ما گذشته از اینکه ترویج فلاحت نکرده و مردم را برای کار تشویق نمیکنند به علاوه از اقدام کارگران وزیردستان باسامی مختلف و بهانه های رنگارنگ ممانعت دارند اهل این مملکت مسلمانند دیانت اسلام، گدائی، سئوال بکف را منع کرده از مفت خواری و بیکاری مردم را نهی صریح و برای کار و کسب معیشت امر و تشویق نموده بر خلاف این دستور یکعده کثیر سائل بکف و برای جمع آوری صدقات لاینقطع فریاد کرده بسائرین زحمت میدهند و تمام بزرگان دینی و کتاب محترم دیانتی را آلت ارتزاق و پر کردن شکم فرومایه خود قرار میدهند

و بقدری این رویه در مذاق آنان شیرین است که هرکس یکهفته نان آن کار را خورد دیگر بهیچوسیله ممکن نمیشود اورا بکاری وادار نمود جمع دیگر منتظر دریافت وجوه خمس و زکوة هستند مثلا کاسب تاجر، در این مملکت مثل آنست که وجود ندارد

اما خمس و زکات گیرنده بسیار درصورتیکه اساساً تجار و کسبه مراسم دیانت را منظور نداشته و بهیچ اسم چیزی بکسی نمیدهند

مثلا جمعی مایل کار کردن هستند آنهم نوکری دولت و گرفتن حقوق زیاد و در مقابل هرزگی و تنبلی نمودن

مثلا همه جزء ملت هستند اما چه وقت در وقت انتخاب آنهم برای وکیل شدن

مثلا امروز هزار نفر در طهران برای وکیل شدن سنگ بسینه میزنند

خوب وکیل میتواند برای چه بطور اکثر برای گرفتن پول باسم حقوق وکلاء برداری اشراف و ظلمه به بذل مختصر وجهی جمعی از مردمان مفلوک بی اراده را تسخیر کرده و بادست آنها هر جنایت و خیانتی را مرتکب میشوند

در همان اشراف جابر با خرج بدست آن مردم بسرای وکالت پارلمان منتخب و قانون گذار میشوند آنوقت مردم از ظلم و تعدی طاقت فرسای اشراف فریاد میکنند در صورتیکه میتوانند ملی خود را محترم شمرده احمقانه ظالمی را انتخاب نکنند حقیقتا اوضاع مردم خیلی تماشائی است

ای محبوب درخشنده و ای مخلوق قشنگ ما انسان ها تو را و شش کره دیگر که مخلوق عوالم علومی هستند عرصه دنیا و جمیع مخلوق زمین میدانند ما ترتیب تورا در خود با اثر شمرده

ایسا ممکن است من بعد تاثیر مخصوص کرده از این ساعت در روحی که افکار اهل این مملکت را نیکوئی ببخشید

شاید خویش را جنبانیده بخود با یکدیگر مرافقت موافقت کرده شوند

دست بدست داده کلیم خود را غرقاب بدبختی فلاکت بیرون کشیده بین ملل عالم سر فراز گردند

شاید اسامی پدران بزرگ خود زنده کرده روح آنها را از خود خوشحال سازند

امروز ایرانرا در ردیف تو مشعشع پیشینیان باقلم برجسته در صفحه تاریخ درج کنند اه فکرم پریشان است میخواهم برای خود درد دل کنم

الکلام یجر الکلام بواسطه پریشانی حواس تشتت خیال یکسر از موضوع و مشغول پرت گوئی شدم

معذرت میخواهم ابتداء معذرت خود را خواهم زیرا من پریشانم پریشان گوئی میکنم

سید محمد تقی بهبهانی

مکتوب از رشت

۲۵ داو ۱۰۳۱

اخبار انزلی

۱ — مسیو هونین بلژیکی رئیس گمرکات گیلان با تعلیمات ایکلیسیها تشکیلاتی از اجزاء مفتخور خود برضد آزادیخواهان خصوصا حکمران محبوب آزادیخواه ما آقای نیر السلطان داده شبانه روز بر علیه آرزوی احرار مشغول دسیسه و آنتریک هستند

آزادیخواهان گیلان از موضوع مطلع عملیات شرم آور او و همدستانش را به توسط شب نامه باهالی انزلی گوشزد نموده و عواقب وخیم دسایس این اهریمن اجنبی را بعامه متذکر کردند مسیو هونین برای آنکه ذهن مردم را مشوب و خودرا سلمان فارسی جلوه دهد نمایشی را که مسلمین مدارس انزلی بمنفعت تاسیس قرائت خانه و مدرسه ملی بمعرض نمایش میگذاشتند پیشقدم و مسئولیت آنرا عهده دار شده آذری وسعید حضور را مامور فروش بلیط نمودند خود نیز شاید دوسه تومانی از کیسه فتوت خود که از بلژیک آورده اند به منفعت این مؤسسه بدهند

نگارنده که از اخلاق واطوار و سیاست مسیو هونین بخوبی مستحضرم لازم دانستم برای آنکه حقیقت مخفی نبوده و عوام نیز گول این دزدان اجنبی را نخورده و برنگهای خوش خط و خال آنان فریفته نشوند مختصری از اعمال مسیو هونین را بوسیله آن گرامی جریده ملی بعرض هموطنان عزیز خود خصوصاً اهالی انزلی رسانیده تا حقا آشکار شود — عجالتا اکتفا میکنم بدو فقره از خیانت و عملیات مسیو هونین

وعرض میکنم — اگر مسیو هونین واقعا میل خدمت بمعارف داشت بلیط نمایش به منفعت اکابر که بمراتب بهتر از قرائت خانه است قبول میکرد

ودو نفر جوان بلیط فروش را پس از یکساعت و نیم سرپا ماندن در دم درب اطاق توسط مترجمش نمیفرمود که به بلیط فروشها بگو که من هیچ وقت از این پولها نداده و نمیدهم و بعلاوه نمیدانم این پول بجیب که میرود و بشما میگویم از این گدا بازی دست بر دارید

۲ — اگر مسیو هونین خیر خواه ملت ایران بود چرا وجه پوط یکشاهی را که تجار برای امور معارفی در گمرک جمع میکردند دوماه نزد خود ضبط میکرد و به تجار نمیگفت که حتما باید معارف ارامنه که جمیعا صد و سی نفر و معارف مسلمان قریب پنجهزار نفرند با شما بالسویه سهیم باشند و بالاخره معارف مسلمانها را در معاهده بطور دلخواه خود متضرر نمود

اگر مسیو هونین صرفه دولت وملت را منظور میداشت بادست عملیاتش ارمنی تقریبا ۳ هزار تومان اختلاس نمیکرد اگر اهالی انزلی نمیدانند از آقای وصنیع الملک استفسار نمایند

اینست شرح مختصری از عملیات مسیو هونین که هزار یک آن نهفته است: ما خود انشاء الله بنوبه و بتدریج از عملیات شرم آور این دزد اجنبی عموم هموطنان را بوسیله آن گرامی جریده مستحضر میداریم

نمونه از استبداد

شب گذشته حکمران نظامی انزلی امر میکند کلاسهای اکابر را که تقریبا عده از فقرای بی سواد در آنجا تحصیل میکنند تعطیل نمایند هرقدر داد میزنند که علت چیست و اگر برخلاف رویه تحصیلی حرکتی از معلم یا متعلم ناشی شده و بدان جهت امر بتعطیل مینمائید اظهار فرمائید جوابی نه کتبی نه شفاهی جز تعطیل نمی فرمایند آیا با این وصف میتوان از همچو مملکتی امید ترقی داشت

دسیسه

آقای شیخ احمد رئیس صلحیه انزلی بهمدستی میرزا عبدالله کمپانی و آقا محمد تقی وهاب زاده و امیرزا عبدالغنی معاون بلدیه شبها برضد آقای نیر السلطان در انزلی جلسه دارند و کاملا مشغول آنتریک هستند چنانچه دوشب قبل جلسه در منزل میرزا عبدالغنی و شب گذشته در منزل وهاب زاده تشکیل بوده رنود موضوع را فهمیده و در توی خانه شب نامه انداخته اند آقای وهاب زاده از این موضوع عصبانی شده در جستجو هستند که نویسنده را پیدا کنند

دیلمی

مطبعه شعبه شرکت برادران باقرزاده

صفحه ۲٤

ساعت دیگر بمیرد لا اله الا الله من میخواستم خوب بشود دستم بدامانت مرا بد نام نکن رسوا خواهم شد

قربانعلی — حالا کجایش را دیده من پول خون بچه را میخواهم

دکتر — دستم بدامانت هر چه میخواهی میدهم من خواستم خوبی کنم مبادا مرا بد نام کنی مسئول شوم

قربان علی — تا بیست تومان ازت نگیرم ولت نمی کنم

دکتر — والله بیشتر از هفت تومان ندارم

قربان علی — بده من بده من هر چه داری بده

(دکتر — هرچه دارد پول سیاه می دهد کیف را بر داشته خارج میشود)

بچه گدا — (پس از رفتن دکتر بر خواسته قاه قاه میخندد)

قربان علی — بارک الله آفرین آفرین منتها درجه حقه را خوب سوار کردی دکتر پاک دست و پاچه شده بود خدا برکت می دهد امروز خوب دخلی کردیم

دکتر — (برای پیدا کردن اسباب جراحی خود برمیگردد و بچه گدا را ایستاده می بیند) آه مرا فریب دادی اهای بچه تو زنده شدی چطور مرا گول زدی غریب مهارتی داری من الان آژان صدا می کنم

قربان علی — جناب دکتر شما را که فریب داد هیچ مرا هم فریب داده این ور بریده نمیدانم چه آزاری داشت من خودم تنبیهش میکنم گوشش را میگیرم

بچه گدا — (بامقام) به بخش دکتر — به بخش دکتر — امان امان از درد ناچاری — وامیدارد انسان بهر کاری — روزی هزار مرتبه می میرم تا لقمه نانی آید گیرم

سال دوم — دوره دوم — شماره دوازدهم

اداره طهران : خیابان اسلامبول

دو شنبه چهار شنبه جمعه

تک نمره ۸ شاهی

پس از یک هفته یک قران است

قرن بیستم

صاحب امتیاز و نویسنده اساسی : میرزاده عشقی

۱۸ جمادی الثانی ۱۳۴۱ — ۱۸ مارس ۱۹۲۳

آبونمان پستی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان

وجه اشتراک

برای محصلین ، کارگران ، و اعضاء اتحادیه‌ها ۵ تومان

قیمت اعلانات و مقالات خصوصی

با دفتر اداره است

کابینهٔ هفت جوش

افکار قاصر — و عناصریکه یقین دارند از این کابینه نمیشود چیزی بدشت و سپس بند بنده کی اش بگردن افتاد اخیر کابینه کابوئی را بکابینه نیم بندا سم گذاری کرده بودند اری چشم احول فکر معوج همت کوتاه جز نیم بند چیزی دیگر نمی پسند لسان الکن جز کلمهٔ نیم بند نمیتواند تفوه کند از سلیقه منحرف عقیده فاسد قلم حنک غیر از بند و نیم بند انتظاری نداریم این اشخاص در روی زمینه بالاتری نمیتوانند قلم فرسائی کنند ماهم تا کزیر میگوئیم آقایان همان کابینه بر خلاف میل و بر غم انف شما امروز کابینه هفت جوش گردید پرو گرام خود را از تصویب مجلس گذرانید و هفت جوش شد نمایندگان قوام السلطنه دسته بند بهای نصرت الدوله و انتشار ورق پارهای نیم بندی بقدر یک بند کاغذ هم عاید نمایند فایده نکرد عریضهای مدرس یا آن هیکل وا ویلا و فریاد های پوچ شاهد خواهی بلند پروازی های او در پشت تریبون هیچ طرفداری پیدا نکرد مهاجر و پرت توقی های آقای سید یعقوب تقریرات شده قوام السلطنه و فرمان فرما لکنتی در کار نیاورد

سحر با معجزه پهلو نزند دل خوشدار بای چشم بندی - شعبده بازی دسیسه و تقلب آسمان حقیقت را نمیتواند با خیانت و اشقیا هکاری از دیده حق بین ملت مستور نماید سیله های پی آلایش مردم پکار برای درهم و دینار مجلس بسرای تماشای نقشه مقدرات ملت باسم تماشاچی در مجلس حاضر میشوند از مواجهه قیافه سهام السلطان (صدمه قرن نصرت الدوله) بتنگ آمده و بی اختیار صرفه میکنند

اینها میل دارند هر چه میخواهند بگویند آتش افروزی کنند صحن مجلس را کود زور خانه و محل جست و خیز و غرض و رزی قرار داده مشغول جنگ جار کشی باشند و سنگ قوام السلطنه را بسینه بزنند با کابینه صالح مخالصه مردم در مقابل حرکات ایشان ساکت و در دیار باشند حتی صرفه اکنند خیلی مضحک است

پریشب هم صدای صرفه از وکلای حاضر مجلس و تماشائی در مرقع پرت کوئی سهام السلطان بی اختیار از سینه‌ها بلند میشد خاطر ایشان تنگ شده کاندجر اصرفه میکنید اینجا مجلس نیست اینجا بازی گر خانه است و به حضار تغیر داشتند

یقین است سینه های مردم برای هدف شدن بخواهی نخواهی گوش و زبان شما حاضر نمیشود تا حاضر نباشید چنانچه قوام السلطنه و مزدوران او را مشاهده کنند و هیچ نگویند مردم نمیتوانند به بیانند شما و نصرت الدوله ها و آن یکی دیگر دو در مقابل کابینه حاضره کار شکنی واشکال تراشی کردهٔ هر چه میخواهید بکوئید هر کار میل دارید بکنید گر چه دسته بندی های پر بشب بسیار هم بود

صفحه ۲۰

دکتر (با مقام) معلوم شد تو خیلی حقه بازی

بازی بازی با ریش ما هم بازی

شوخی با کسی کن که اهل شوخی دانی با هر کسی

مکن هر کسی دارد عنوانی خانم عنوانی

در کشوری که دزد دیست افتخاری تو هم اگر دزدی

گنه نداری گنه نداری گیرم تو محصل شوی کری

دارالفنون که تو پرفسور از آن بیائی بیرون

بیائی بیرون

دکتر با خود — وا فسا این بچه خیلی هوشمند است خوب است من او را به پرم تربیت کنم — بچه بیا با من برویم والا میگویم جیبت کنند

ژیان علی — دستم به دامانت دکتر من فقط این چه را دارم اگر از من دور شود دق خواهم کرد

دکتر — این بچه حیف است زیر دست تو بماند او لاد تو هم باشد من تو چش میکنم امید وارم که این استعداد فوق العاده که دزدی و رو آموختهٔ من دارد باو بیاموزم) ست ژیان علی که بچه که را گرفته زده می کند کشان کشان میبرد پرده می افتد)

اظهار تاسف

چون ورقهٔ اخراج توسط تصادف باختتام سال چهارم و بعضی نظریات دیگر و تصمیم قطعی راجع بخط مشی سیاسی سال پنجم موقتا در حال تعطیل است و نمی توانستم در خصوص توهین به لیدر محترم حضرت آقای تدین نماینده حقیقی طهران بیطرف باشیم

لهذا بوسیله این چند سطر از پیش آمد اخیر اظهار تاسف نموده نسبت بدینکونه قضایا با نظر خوشی نخواهیم نگریست

(مدیر حلاج)

نامهٔ صلای اسلامی

از روز ۳ شنبه ۲۴ رجب ۱۳۴۱ هفته دوشماره در چهار صفحه بزرگ منتشر خواهد شد

اعلان

عموم علاقه مندان بمملکت و انتخابات را بشارت که فدائی اسلام آقای امجد الواعظین از جمعه آتیه سه ساعت بغروب مانده درب صحن حضرت عبد العظیم صلوات زمینه انتخابات اطفای آتشین خواهند نمود بشتابید برای بیداری و دانستن وظیفه

امجد الواعظین

سؤال از دکتر میلسپو

از تراویکه یکی از مخبرین سری ما با اطلاع میدهد وزیر مالیه سابق که شما را با صرار بالا دست خودش در دشکه جاویداد و اعوان وزارت مالیه حایه از کسانی هستند که برای بده کار کردن دولت به ارباب جشید اولی پانزده هزار تومان و دومی پنج شش هزار تومان از ارباب جشید رشوه گرفته اند و رابورت این مسئله را برئیس بانک حایه داده اند و ایشان هم بشما اطلاع داده است

ما از شما سؤال میکنیم که در این دو خصوص شما چه اقداماتی کرده اید تا بر سیم بحساب آن اشخاص عدیدهٔ که قریب سیصد هزار تومان از ارباب جمشید رشوه گرفته اند و چهارصد هزار تومان دولت را باو بده کار کرده اند

قرن بیستم

دومین بیان موزون بر علیه قرار دادیان و انگلیس

نام دژخیم وطن دل بشنود خون می کند

پس باین خونخوارا کر شد رو بروچون میکند ؟

آنکه گفتی محو تیر آن راهی باید نمود

عقرب این گفته باسر نیزه مقرون می کند

وای از این مهمان که اندر خانه نهاده هنوز

پای صاحب خانه را از خانه بیرون می کند

داستان موش و گربه است عهد ما و انگلیس

موش را گر گر به برگیرد روزها چرنی می کند

شیر هم با شیم گر ما رو به دهر است او

شیر را روباه معروف است مغبون می کند

هیچ میدانی حریف ما چه دارد در نظر

این همه خرج گزافی را که اکنون می کنید

انگلیس ایدون دلش بهر من و تو سوخته

آنکه بهر یک رحب بخاك این همه خون می کند

اقدر می دانم امروز ار که بر ما داده پنج

غاز فردا دهوی پنجاه میلون می کند

آنکه در آفریك بر یك بیابان چشم داشت

چشم پوشی از دبا دکنج قارون می کند

دزد ره زن دزد ناد ان است راحت پشت میز

دزد دانا دزدی از مجرای قانون می کند

گوش آوخ ندهد این ملت بدبن ها گردهد

گوش از این گوش ازان گوش بیرون میکند

ورنه میدانم در احساسات این بی حس نژاد

گفته های من نه چیزی کم نه افزون می کند

ای خدا جای تشکر چشم زخمم می زنند

چشم من هم چشمی از بارود جیحون میکند

عشق از عشق وطن آن سان مجرب گشته کین

کهنه دیوانه جنون تعلیم مجنون میکنند

دفاع

رد لایحه دفاعیه از حاج میرزا عبدالوهاب وکیل همدان

منتشره در جریده آسیای وسطی و در جریده پرتو

نگارنده لایحه دفاعیه جنن اظهار میدارد که در موقع پیشرفت متجاسرین گیلان اهالی همدان تقاضای اجازهٔ دفاع از حاج میرزا عبد الوهاب نموده وچون این اقدام مخالف مقتضیات بود آقای حاج میرزا عبد الوهاب جنین صلاح دانستند که مراتب بمرکز اطلاع داده شود و اقدامات مقتضیه بعمل آید الخ

ج — اما الجواب اولا دفاع کننده خود میداند که آقای حاج میرزا عبد الوهاب در همدان دارای آن مقام و اهمیت نیستند که این مسئله و فریضه حتمیه هر مسلم را لازم باشد از ایشان استجازه نمایند و خودشان در اجتماعات بطریق که متن کاغذ و مراسلهٔ قنسولگری حاکی است جزء خبر نگاران بایستی بوده باشند نه جزء فنوی دهندگان و ثانیا میگویند پس از اخذ جواب اقدامات مقتضیه بعمل آمده آیا آن اقدامات مقتضیه چه بود است که اهالی همدان نمیدانند شاید محرمانه بوده وجز آقا کسی دیگر اطلاع نداشته باشد نویسنده لایحه مذکوره میاویسد این اقدام خیر خواهانه مخالف میل انگلیس ها بود چگونه ممکن است دفاع از متجاسرین که خود انگلیسی ها در جبههٔ گیلان با خود انها در حال محاربه و دفاع بودند واهمه داشتند که مبادا سیل باشورش بسمت بین النهرین جاری شود مخالف میلشان باشد آقا این چه منطقی ای اساسی است که انخاذ نموده و تمام دفاع خود را روی آن زمینه قرار داده اید ونیز میگوید که انگلیسی ها تهدید آقایان در نظر گرفته ونطق ویلسن خطاب ببغدادیها را در مراسله خود قنسول آنها میاویسد تصور میکنم اگر مقصود تهدید آقا بود نوشتن این عبارات لازم نمیشد بلکه آقایان را بواسطهٔ تهدید و بیم افکار غاصبین بین النهرین منحرف مینمایند و ضمنا آن عبارت کذائی را (که بین النهرین تا مدتهای متمادی محتاج بوجود قیم است) بگوش ایرانیان فرو میبرند —

اما اینکه حدس آقای عشق را بخودی دانستن انگلیسی ها آقای حاج میرزا عبدالوهاب دلیل برائت آقا میدانند خیلی محل تعجب است زیرا آقایان روحانی دیگر در همدان بفوت و علم و تقوی تر زیاد است اگر انشاء را بیگانه میدانستند بسایرین میاوشتند نه آقای بد بزرگوار ! ! ! تصور میرود هر کس این جمله اخیر مراسله مذکوره (درخانه تقاضا دادهر کار ناگون تلگرافی بطهران بخارج رهاز موده

بفرمایید سوادی از اجهة وستدار ا سال دارید که دوستدار هم عین ا را به انگلیس

[illegible]

بان وسیله مودت ودو ق (مودن تجدید میشاید) بر خورده باشد سوء ظن شدیدی نسبت به آقا پیدا نموده زوابط ایشان را با ن مقام اجانب بخوبی میفهمد و لی بدیهی است لایعلم الغیب الاهو — ماکیتوالیم [illegible] درجه صمیمیت ایشان را با کلیسا ین مراسله مفهوم است شرح داده بیان نمائیم لذا بذوق خوانندگان محترم محول میداریم انشاء الله ..... کرباست

اما در موضوع انتخابات حضرت عالی این است که انتخابات دوره چهارم گذشته از اینکه جریان انتخابات ادوار گذشته را نموده یک قدم بازپسی هم از جهة ملت ایران عقب نموده است بلی ممکن است آقای حاجی میرزا عبد الوهاب زحمات اشخاصی که برای وکالت ایشان خدمت کرده اند بپذیرفته باشند از قبیل علی اکبر خان پسر حاجی قلی خان وشجاع الملك سارق که سرقت او بر دولت و ملت پوشیده نیست یا خان زاد واقازاده هائی که در بلوك و یا در شهر با ایشان مساعدت نموده اند والا ملت همدان کتباً وتلگرافاً بی اظهارانی بایشان نموده اند بذل توجهی ننموده است برای اینکه انها موکلین آقا نبوده اند در هر صورت ملت همدان که از وجود ... ایشان فایده برده جز اینکه عمده از آزادی خواهان مجانب انتخاب آقا بوده اند ازطرف سالار لشکر پسر فرمانفرما نبیند وسایر مردم هم از ترس حکومت جرات بر اظهار عقیده نداشتند ولوایح شکوائیه اصناف همدان در این موضوع موجود است که از وکالت ایشان شدیداً اظهار تنفر نموده اند خلاصه باینکه همدان دارای هشت بلوك وشهر است برخلاف تدین آقایان نظار که ایشان هم جزء آنها بوده اند پنج هزار ورقه تعرفه را برخلاف تقسیمات خوزه وبلوك سه آباد ملکی فرمانفرما با همراهی عنایت الملك کفیل حکومت وتوکر فرمانفرما سنداده وباین بی ترتیبی حضرت آقا وکیل شدند وکیل یك بیست رعیت بی نوای فلك زده وزحمت کش همدان بلکه میان خودوخدا خوب از عهده وکالت بر نیایند ! ! ! وباینکه میکویند در ا زمان وثوق الدوله انتخابات صورت گرفته است بلی قطع بشکایات متواتره اهالی همدان از هیئت نظار و فای مذکور آرء توقیف وبعد ازمدتی در زمان حکومت سالار لشکر همان آراء قرائت وایشان باین ترتیب وکیل شدند انصاف میخواهیم اقا همین قسم جریان شد

و این قسم باید خودرا به توده ملت تحمیل نمود ؟ این است معنی وکالت ؟ آیا از این نماینده محترم غیر از اهانت وشکست روی دیانت ما هی دویست تومان از جیب ملت فقیر فائده سراغ دارید

گمان نمیکنم فراموش کرده اید اشخاصی که در زمان مجاهده نموده اید در حالتیکه مردم از گرسنگی هزار هزار جان خود را بقیمت مرگ میکردند آیا ازهمین راه جریان ادوار گذشته شده است یا این تفصیل چگونه می شود فرض کرد که آقای بزرگوار موضع اهالی همدان بوده و بتقاضای اجازه دفاع از ایشان بشود —

آقای ح . ش — آقا میرزا عبد الوهاب جنبه دینی و روحانی هم که نداشتند در همدان که از این راه بتوان فرض نمود که مرجع عامه باشند زیرا اگر ایشان فضائل با تقوی و روحانیتی داشتند یك اسباب غیر قابل حل و نقل نموده که در همدان جا بگذارد لابد همراه خود می آوردند والحمدلله مراتب علمی و فضلی و پاکدامنی ایشان هم بر عموم اهالی مرکز معلوم و مشهود گردید و محتاج بتوضیح نیست شاید یکی از محسنات آقا این است که در مدرسه شیخ علی خان که ولایت آن بلد با وی تعلق داشت ایشان بزور چاق کرده و ضبط نموده یکشاهی هم بورثه فقیر آن نبیدهد — در هر صورت مسائل راجعه بهم مخلوط نموده وجنبه هوچیگری بخود داد و قهی شود مطالبی که کاملا واضح و مشهود است بطور خلط مبحث و مغالطه از میان برد گمان می کنم نگارنده لایحه دفاعیه از قای حاج میرزاعبد لوهاب بیشتر موجبات افتضاح ایشانرا فراهم نموده باشد ولی ما امیدوار هستیم که اهالی ایران از خواب غفلت بیدار شده و دشمنان و غاصبین خود را شناخته و الهارا بحساب دعوت نموده و بالاخره حاکمیت ملی خود را بمحترم بشمارند که مخرج بسئوال وجوابهای ما و شما نباشد این قبیل اشخاص را که شب و روز با اجنبی مربوط هستند نگذارند بمغالطه خود کرا و کیل ملت معرفی کنند این اشخاص اجنبی پرست هستند و وکیل اجنبی آقای ح ش تقاضا میشود هر که ایرانی هستید از آقای حاجی میرزا عبد الوهاب دفاع ننمائید و هر گاه با ایشان هم عقیده هستید درنیت خود ثابت باشید حاج درویش همدانی عبدالله همدانی عباس همدانی محسن همدانی محمدتقی همدانی محمدحسن همدانی مهدی همدانی عبدالله همدانی تقی همدانی حسن همدانی حسین الحسینی حسین همدانی تقی همدانی

***

مدافع آقای حاجی میرزا عبد الوهاب عوض دفاع کردن از آن قاتل خونخوار کوشش بین پرده است که از فلان شعر تو می فلان معنی را در ك کرده ام که خلاف دیانت است در صورتیکه هیچ مربوط بقضیه نیست و این پرخاش ایشان در این مورد خیلی بیاورد است

دزدی در قزوین بیاغی داخل شده مشغول انکور دزدی شد باغبان رسید و فریاد زد انکور هارا کجا میبری دزد در جواب بکال اعتنا نکرد تو چرا برای زدن انکور ما فریاد میزنی باغبان باکمال حیرت اظهار داشت که انکور دزدی چه ربطی دارد بقش قرمز دزد در جواب گفت آخر حرف حرف میاورد

آقای (ح ش همدانی) کمن بشرف شناسائی جنابعالی تاکنون فائز نشده ام و از این دوحریفیکه برای خود آن امضا مبین فرموده اند جز (خش) چیز دیگر معلوم نمیشود نیز مانند آن دزد قزوینی عقیده شان اینست که حرف حرف را میاورد و در مقابل این اعتراض کوبنده باقای حاجی میرزا عبدالوهاب که چرا قنسول انگلیس چنین مراسله صمیمی را نوشته است اظهار میدارند از فلان شعر تو فلان معنی مخالف دیانت را استنباط مینمایم

[illegible]

در همان موقعیکه آقای حاجی میرزا عبد الوهاب با ان هیکل سلام صلوات کاغذ های عشق بازی از قنسول انگلیس در یافت می داشتند

این صفحه بندها همین قوکولی که بکردنم بسته ام بر علیه انگلیس نطق میکردم و برای مظلومیت مسلمانها اشك میریختم و بر ضد انگلیس ها اشعار میگفتم در این شماره ملاحظه میفرمائید بیست و دهم هزار ورقه نطق و مقاله دیگر بر علیه انگلیس که باید در سر تاسر ایران معرف شده باشد

هشهری عزیز من میخواهم همدانان کاموا ره باباطاهر و همدان بوعلی نیابد مباش در طهران اسباب خنده نباشد

نویسنده قرن بیستم

صیمیانه انزلی

توسط حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا ساحت مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه

سواد — اتحادیه مرکزی کارگران طهران

قرن بیستم

مورخه ۲۸ برج جدی ۱۳۰۱

تا کنون از بابت بیشروت وظالمان با ثروت از جهالتی وغفلتی ما استفاده کرده حقوق حقه مارا غصب و حیات ما رنجبران را برای تعیش و منافع خود زهر آلود نموده الدآنچه ذات بودکشیدیم تا آخرین درجه شرب تلخ زندگانی را چشیدیم هریك در گوشهٔ داد و فریاد آه و ناله و زاری کردیم بگوش هیچکس نرفت ودرقلب هیچکس تولید رحم وانصافی ننمود این است که امروز منفرداً قبیله متحداً برای مبارزه حیات حاضر شدیم و هیچگونه ظلم و تعدی را قبول نخواهیم کرد اینك پیام مذاکره ازحقوق میخواهیم که اقلا یك ماه و نیم قبل اداره فوایدعامه انزلی بدون رعایت هیچ یك از قانون اجباراً از هریك ما (۲۵) قران دریافت نموده جوازی در خصوص صید آزادانه را داد که موعد آن پنج ماه است که ملحق داشته باشیم تا آخر برج ثور ۱۳۰۲ در رود خانه و نهاز انزلی صید نمایم ولی پس از یکماه بتوسط اعلانیه ما را از حدود لهرك دهنه پرت آزصید ماهی قدغن نمودهاما رفته مطالبه پول یا آزادی کامل در صید مینمائیم رئیس نوایند هامه که بجای رئیس ما پستی آمده است اظهار میکنند رئیس سابق معزول شده و این موضوع ربطی بمن ندارد در صورتیکه ما پولرا بادارهٔ فوایدعامه دادهو قبض بامهر ادارهداریم ابدا بحرف ما اعتنا نمیکنند ه —

اخبار داخله

روز گذشته دوساعت بعد از ظهر سفیر کبیر اسلامی متمالی در منزل حضرت حجة الاسلام آقای حاج آقا جمال الدین مجتهد تشریف برده ومدتی مشغول مذاکره وصحبت دینی بوده اند

حرکت

مستر (هل) پیشکار مالیهٔ ایالتی خراسان با دو نفر مترجم دو روز قبل بسوب مامور یت خودشان حرکت نمودند

گذشت

سرتیپ محمد حسین خان رئیس تیپ شمالی از روز ورود برشت با یك جدیت فوق العاده مشغول تنظیم و اصلاحات قشونی هستند بطوری که در این قلیل مدت یکلی حال روحیه قشون تغییر وبطوری با مرتب خوش رفتاری مینمایند که اسباب امیدواری علاقه مندان است هر روز که بارندگی نباشد قبل از افتاب افراد مشغول مشق هستند از قرار تلفون حکومت انزلی امروز یك کشتی جنگی قشون و مسافر هم ندارد نزدیکی دهنه سرتیپ آورده لنگر انداخته یکی دونفر فرستاده اند تفتیش نمایند

تحصن

کاشان محمد علی خان هنوز در تلگراف خانه متحصن ومنتظر جواب است

پرده دوم — پرده بالا میرود

(سن عمده دکر نیکوکار است بچه گدا تنها با لباس شاگرد طبیب لشته مشغول پاك کردن شیشه ها است موزیك مترنم است و این اشعار را می خواند

بچه گدا (با مقام) شبهای ماهتاب در موسم شباب
دل فرق زخم عشق کی دیده فکر خواب
ای خدا عشق دیوانه ام کرد عاشقم عاشقم

بچه گدا — خدا با من بد کرد چه بکویم بس پیش شکر تسم خوردم — بسر قرا دعلی همتم چطوررا ستش را بکویم اگر بکویم عشق را چه حکم از همه بدتر این ضیفه هم که اسباب زحمت شده میکوید که عاشق شیفته خانم وارد میشود

شیفته خانم — دیکر من طاقت ندارم یقین بدان که همین روز ها خود را خواهم کشت

بچه گدا — خانم من بشما میکنم که نمی توانم خواهش شما را بجا آورم —

شیفته خانم — آهسته کنید و با مقام میخواند

بسوزانده عشق آنچنان سینه زل که خاکستری
مانده ز آتیهٔ دل وای آتش گرفتم — وای آتش گرفتم

نهایاً برای تربیت این کار بحکمران نظامی آذربایجان مراجعه نمودیم ایشان توسط ملازم خود برای ترتیب کارها اشعار ، پنج تومان محض‌پانه مطالبه نمود از آنجا که احتیاج اشد باین مسئله داریم لذا مجبوراً هرکس بقدر قوه خود این پول را جمع کرده بوسیله یکنفر شاهد بتوسط مستشار دیوان مدیر کابینه حکومتی بحکومت داده ایم بعد معلوم شد که ۶۰ تومان را حکومت و دیوان راه مستشار و پنج تومان را جزاء ملازم حکومت تصاحب نمودند بواسطه اطلاع بعضی از اهالی مطلب فاش شده حکومت کارما را انجام نداده و انتشار داده است که سپاهان رای من رشوه آورده اند ولی من رشوه خور نیستم و برای عبرت سایرین این پول را هم پس نداده و بدارالایتام خواهم داده

حالای ساحیان وجدان و میطرفداران زحمت کش قضاوت کنید و بداد های بی چارگان برسید —

*** ***

اگر چه رشوه دارن را هم در شمار رشوه گرفتن است ولی بچاره جماعت زحمت کش سپاه وقتی تاجار می ماند چه بگند و نیز از قرار یکه بعضی از موثقین اظهار میدارند حکومت ازالی بعل رشوه قایمت و ممکن است که باجراء حکومت بنام حکومه خواست الله اخاذی کرده باشد بعد حکومت فهمیده وزود کرده است

در هر حال ما بجداً از حکومت ازالی تقاضا داریم که بوجهات رفع زحمت از جماعت سپاهان را فراهم و هر چه زود تر ما را از نتیجه عمل خود مطلع نمایند

فرن بیستم

بین النهرین

در آتش فجایع انگلیسها میسوزد

بخوابید ، بخوابید ایمردم غافل ، بخوابید ایمردم بی جنبش ، بخوابید ایملت بی غیرت بخوابید ، ایمردم بی همه چیز

بپارهید ای قوم منافق ، ای امت فاقد مشاعر احساسات انسانیت ، بپارهید ای طائفه بی حس که هیچ حادثه مهیج شما را بخواهد نبود ، بخوابید ، بخوابید که خواب ابدی باشد ؟

انگلیسها فجایع خود را در بین النهرین ، این هیه قدیمی شما مسلمین دور از اسلامیت مرتکب میشوند ، انگلیسها برادران دینی ، مذهبی ، نژادی شما را در زیر پتهای آتش فشان مرگبار طیارات خود درزیر خاک پنهان نمی نمایند و شما بخوابید ، پس بخوابید بخوابید که خواب ابدی باشد

انگلیسها ، جرائم منحوس بریطانی ، این شهوت رانان استعمار و جهانگیری این براندازان نسل بشری ، این حیوانات درنده و وحشی و دشمن بشریت ، اهالی معصوم بین النهرین را برای پیشرفت مقاصد سیاسی خود ، چون کباب به سرنیزه های خود کشیدند چون گوسفند سر بریدند ، چون اجساد موتی در زیر خاک پنهان نمودند ، قراء و قصباتش را آتش زدند ، زنها را اسیر کردند ، اطفال را طعمه آتش نمودند ، جرائم حاضر تاریخ بشر شما ای قوم بی همه چیز بی غیرت و بخوابید ، پس بخوابید ، بخوابید که خواب ابدی باشد

ای مردم آخر غفلت و بیخودی تا کی ؟ فساق و منافق تا کی ؟ دولت بی حمیتی تا کی ؟ آخر این هاها کون طعمه شمشیر و نیزه مسحوق بسب و خمپاره ، مغلوب دشمن و اعداء هستند نه برادران شما پند نمیگیرند و هم نژادان شما پند ای روح محمد آن عیدالله از شما بیزار ای ارواح مقدسه ائمه اطهار از شما آزرده ، آخر شما دارای حس و عاطفه نیستید شود ، بلکه بی بنیه و بی حمیت شده اید بگیرید و ایستاده باید بخوابید بخوابید که خواب ابدی باشد

ای ملت فاقد شعور ، ای مردان پست نژاد زن شما هم حرکتی شما هم فریادی شما هم اظهار همدردی و تنفر از این اعمال شنیعه انگلیسها نیست بمسلمین بین النهرین کلمات بیغمبرتان از آن بدرد آمده است بشمگید اقلا بنمایانید که شما هم مسلمان و غم خور برادران دینی خود هستید و از اعمال فجیعه ان دشمنان بشریت بیزار و متنفر هستید

این بین النهرین که اکنون در زیر بمبهای آتش بار طیارات دولت ظالمه انگلیس میسوزد و میسازد میسوزد و جان میدهد جوانهای ناکام خود را فدای راه استقلال خود مینماید روزی برای شما بجوش آمده بود برضد عملیات وحشیانه دولت نزاری روس اقدامات مجدانه میکرد ناله های جان سوز ، استغاثه های برادران شما خون را در عروق آنها بجوش در آورده بود و برای استخلاص استقلال شه از چنگال روبهای ظالم در خط فداکاری قدم میزد اکنون که وقت تلافی است اکنون که وقت جبران است ! پس چرا بخوابید پس چرا بیحس و حرکتید بخوابید که خواب ابدی باشد

ای ملت عالم ای ساکنین کره ارض ملاحظه و رقه جراح تو بوسیله تصادف این نبات وحشی

برای رهائی از قیود اسارت این قوم دشمن بشریت برزبد برزبد ، ازاد این ملت را دز آتش بسوزانید اطفال آنهارا بدون ترحم طعمه آتش سازید که از شر آنها در آینه برهید زنان آنها را طعمه حیوانات درنده جنس خودشان بنمائید که دیگر از اینگونه مردم مولد نشود

این حیوانات درنده از بین النهرین چه میخواهند با مسلمین چه کار دارند با شرقیها چرا بشمنی و عداوت بخرج میدهند مگر تمام مردم برای استخدام آنها آفریده شده مگر کائنات برای راحتی و خوش گذرانی آنها خلق شده است که خلاقی چون گاو و خر جان بکنند و لوردهای انگلیس استفاده و بهره ببرند

چه شد شرایط استقلال و حق حاکمیت ملل کجا رفت اصول آزادی و حریت بقر چه ویلسون که خود را سامی ملل ضعیفه معرفی کرد و برای صلح و آسایش عمومی دنیا موادچهارده گانه خود را ایجاد کرد پیدا نمیشود بپرسد این فجایع هم جزء شرائط و مقررات صلح بود

ای لعنت بر این بشر و بشریت ای نفرین بر این انسانها و انسانیت ای ننگ بر این فجایع سنگین دولت ظالمه انگلیس .

کاوه دارزاده

گرفته گرفته آتش عشق تو از پا تا سرم رحمی
امان آتش گرفتم یار بر جا کسترم رحمی
به ننگ دل داده‌ی به‌نام کردی مرا - خدا غامت کند تمام کردی مرا
بچه گدا - بازمقام) - مگن خانم اقدر زاری میآیم
که من خود بجای دگر مبتلایم
وای آتش گرفتم آی آتش گرفتم
[از اول شعر بچه گدا و شیفته جانم با هم میخوانند]
گرفته آتش عشق تو از پا تا سرم رحمی
وای آتش گرفتم یار بر جا کسترم رحمی
به ننگ دل داده کی به نام کردی مرا
خدا غامت کند تمام کردی مرا
شیفته خانم - (با مقام) جانت باد جوانی من
کر بکنی الاهی که خیر از جوانی نه بینی
وای آتش گرفتم وای آتش گرفتم

مجددا از اول گرفته با هم میخوانند -

بچه گدا - خانم از من ساخته نیست باز هم میگویم من خودم

مسابقه قرن بیستم

حضرت اقای شفقی ! [۱]

موضوع قیمتی و جالب توجهی که در شماره اخیر قرن بیستم مسابقه آقایان و خانمها گذارده فوق العاده مفید بود و گمان می کنم پس از بقای رهنما دوم کسی هست که در انتخاب موضوعهای خوب و بدیع خیلی ماهر بد

آری موضوع مسابقه این است : (فرانسه ها میگویند زن در حکم سایه مرد است هرچه از او فرار کنید شما را تعاقب می کند و هرچه او را تعاقب کنید از شما فرار خواهد کرد)

آقای مدیر محترم ، برخلاف گفته فرانسوی ها که زن را سایه مرد میدانند و برخلاف اغلب از رجال و جوانان ایران که زن را پرده و کثیف محسوب میدارند عقیده دارم : که زن مهمترین عامل زندگانی بشری در کلیه زحمات و مشقت و نوائب کاملا باید شریک و سهیم مرد باشد .

بلی ، بعقیده بنده ان من زن اساس و پایه ترقی یک مملکتی بشمار میرود و چرا ؟ زیرا آن کسی که با زحمات فوق الطاقه طفل را بمرحله وجود آورده و اولین غرای اورا از خون دل یا از پستان خود میدهد مادر است ! ...

زیرا آن کسی که در شب های ظلمانی و طولانی بیداری و بی خوابی کشیده و با تمام جرئت طفل سرا سیمه به بالینش رفته و بخوابش مینماید مادر است ! ...

زیرا آن کسی که برای اولین مرتبه خاطر طفل را بحکایات و قصص شیرین مشغول میسازد و عواطف و احساسات پاکدرید بضمیر طفل تولید میکند مادر است .

و بالاخره آن کسی که با تمام طفل قایما محزون و مغموم شده و هر طریق بشود رفع تاثر طفل را مینماید او مادر است ...

پس با خوب با ادله فوق که برای اثبات علو مرتبه زن در هیئت اجتماعیه کافی است آیا مضحک نیست که زن را سایه مرد وطیعش را لحوج معرفی نمایند !!!

بالاخره برخلاف گفته فرانسوی ها عقیده دارم ، که زن شریک زندگانی یعنی شریک صدمه و راحتی مرد بوده هرچه از او فرار کنید شما را تعاقب می کند و هرچه او را تعاقب کنید از شما دور نمیشود .)

حال نمیدانم از این که عقیده مرا برخلاف گفته فرانسوی ها می بینند چه گمان می کنند ؟ ... آیا مخالفت من با گفته آنها از طرف شما قارئین محترم چنین عجیب است ؟

جعفر حائری محصل مدرسه سیاسی

غرض از آن مثال فرانسوی معرفی کردن قدر و قیمت زن در هیئت نیست بلکه از آن مثال غرض معرفی کردن جنبه اخلاقی زن است در مقام معاشرت با مرد ، در اینصورت باید از این نقطه نظر قلم فرسائی شود

(۲) آقای مدیر محترم ، در مسابقه قرن بیستم شماره ۱۱ مرقوم فرموده بودید فرانسه ها میگویند زن در حکم سایه مرد است هرچه از او فرار کنید شما را تعقیب میکند هرچه او را تعاقب کنید از شما فرار خواهد کرد من با مطلب اول مخالف هستم برای آنکه زن دارای حجب و حیای مخصوصی است که مختص بوجود اوست عفت و عصمت او مانع است از اینکه زن مرد را تعقیب نماید چنانچه قانون طبیعی شهادت میدهد کمتر اتفاق میافتد که زنی بمردی اظهار نماید که او را بهم سری خود قبول نماید بر عکس مردانند که در تجسس شریک برای زندگانی خود میباشند شاید از آن زنانیکه مردان را تعاقب مینمایند وجود داشته باشند ولی نمیتوان آنها را با شرف گفت این صفت مخصوص عده است که نام آنها باعث ننگ و سرشکستگی جامعه ازنان با شرف است در این صورت زنانی که دارای محسنات اخلاقی هستند هیچوقت خودشان را تنزل نمیدهند که مرد آنانرا تعقیب نماید

ولی آنکه میگویید هرچه شما زنان را تعاقب کنید ازشما فرار خواهند کرد زن دارای صفات چندی است از آنجمله رقیق القلب وزود باور است با تعاقب پراز محبت و طالبی ازهر گونه ریب وریا تقاضای مردی را می پذیرد و فریب حرفهای آتشین و ظاهری اورا خورده تصور می نماید شوهر ابدی و همسر واقعی او خواهد شد این است که محبت خود غالب خود آنچه خود همه چیز خود را تسلیم مرد نماید اما چندی نمیگذرد که مرد آن اوسپر شده شروع بنمایاندن خارج عیاشات نامشروع و حرکات غیر قابل تحمل آن قسمت قابلی هم که ما همسر خود بسر میبرد بمحبت هائی میگذرد که موجب دلسردی زن میگردد وچون زن معصوم یا میدها وارد خانه مردی شد و مقدرات آتیه خود را منوط بمحبت او دانست و آنچه را که از محبت و وفا از شوهر خود توقع دارد تصور آنوقت است که آن حرارت و محبت مبدل بپرودت شده از همسر عزیز چشم می پوشد و مجبور بتفریق میشود مسلم است پس از آنکه قلب رقیق زن چنین صدمه دار گشت دیگر هرقدر اظهار انقیاد و بندگی بلو نمایند بی ثمر و بلاتیجه است

خوش بحال مرد و زنی که توافق اخلاقی داشته باشند بارمان صمیمیت که بهم رسیده اند تا اخر هم بوده تشکیل عائله سعادتمندی بدهند و نور سان خود را برای خدمت بوطن آماده سازند

در جامعه زن چونکه عفیف است و طاهر او مظهر عشق پاک باشد چنین وقتیکه بسر تجدد دل خوش بسر او بسی زار شود زمردم بد آئین

مریم رفعت زاده متخلص بناهید

یک حس وطن‌پرستی

(انیس درسرنا سر بین‌النهرین) از قرار اطلاع خصوصی که موقع بیان صفحات رسید :

از این شقاوت اعراب بهیجان‌آمده مشارالیه را کشته اند بلافاصله زمامداران انگلیس تقریبا سیصد طیاره در آن محل اعزام داشته وعدهٔ کثیری زیرا با آتش‌فشانی طیار ها قتل عام کردند دردنباله این واقعه احراز بغداد

مسار جرش‌مستشار اپالت‌دیوانیه‌در دفاره که از توابع دیوانیه‌است اتفاق مسلمانها از فشار ومظالم انگلیس‌اورا عصبانی کرده باضرب هفت تیر یکنفر ازرؤسای اعراب‌رامقتول‌نمود

در ایستگاه خط‌آهن باب الشیخ یا انگلیسها بی‌عاطفه زدوخورد کرده وخوش بخانه رئیس ماشین کلی کشته شده‌است دراثر این پیش آمدهای ناگوار انقلاب خونینی درسرتاسر بین‌النهرین‌ریا ومسلمانها ملل ایران

معصوم درزیر بار آن آتش کارکنان دولت بریطانی کبیر افتاده اندکار این‌زودیرحیر بمارسیده‌بود من همین مطلب را سر مقاله میکردم و میدانستم چه بنویسم متاسفانه هشت ازشب این خبر رسید یاری سیاست

مداران انگلیس از این واقعه معلوم میشود که پشت و پا به تمام عواطف آدمیت و آدمیت زده اند این فرزندان کرامول که خود را معلمین تمدن جمعیت انسان امروزی‌میدانند تمدن وانسان و انسانیت رابدنام کردند

اخر ای کسانیکه خودرا معلم انصاف و تمدن قرن بیستم میدانید شماوقتی که نسبت دیوانیه را بمیاردمان می کنند فکر نمیکنند که دراین قاحیا بچه های‌دوساله یافت میشود که هیچ گناهی ندارند جزاینکه‌خلق‌شده‌اند

چرا این وحشیگری را محو میکنید؟ ای طرفداران‌مظلومیت ای نژادآنگلوساکسون که مشرق زمین‌ها اگر رحم نمی‌کنید بگرحمی‌به نژادآینده‌خودتان بگوئید چه بلاخرمشرق زمینی‌درآینده‌یک‌قدرتی پیداخواهد

کرد که انتقام خود را ازنسل‌آینده‌شما بگیرد فکر این چه میکنی بگن ای دشمن‌قوی من‌اگر قوی شوم از این بترسم دشمن انگلیس و انگلیسی

(مشقی)

محرمین ولایات

بارهم مکتوب از زرند

شکایات پی در پی ومکاتیب مفصل‌از طرف‌اهالی زرند مبنی برشکی از مظالم وتعدیات حکومت نظامی واطرافیانش باداره راصل وما هیچ‌چه کارنداریم بلکه نویسندگان این شکایت نامه ها جاهل وغیر ذی حق وبا رعایت بیان مرقومین حکومت آنجا این اوضاع را ایجاد کرده و یااظهارات آنها واقعیت دارد ودر حقیقت مجاز آمده اند در هرصورت ما باوجود سلطنت مشروطه بکلی با حکومتهای نظامی مخالف

دانسته واز اولیا عاموروقت تقاضا نموده وتوصیه مینمائیم که هر چه زودتر یکنفر حاکم صالح غیرنظامی بجای حکومت حالیا زرند اعزام داشته تادرهرصورت رفع شکایات اهالی شده و خلاف قانونی هم شده باشد قرن بیستم

اوضاع مالیه

مدتی بود که اهالی ازتعدیات دائمی رئیس مالیه به طهران شکایت داشته و تقاضای اعزام مفتش را نموده که صحت وسقم شکایات آنها معلوم شود تا اینکه هفته قبل میرزا هما یون خسان بدین سمت مامور تفتیش عملیات رئیس مالیه وارد قم شده وشروع برسیدگی نمودند چادین فقره کشف شدکه ذیلا معروض میدارد —

۱ دویست تومان وجه نقد که بخط ومهر خود ایشان بوده که از یکی ازتجار گرفته وبحساب اداره نیاورده درموقع سئوال ازاین قضیه جواباً اظهار داشته که این خط ومهر من نیست بعداز مطابقه کردن معلوم شد که خط خود ایشان است (وعین درسی) ۲ — دویست تومان که از زارعین گرفته توسط سپهدار معیل ناظر بوده و توسط یکی از تجار برات طهران کرفته این‌هم ثابت شد و گرفتن جو و گندم در راس خرمن بزارعان گفته آقای رئیس حساب آوو معلوم است که چه میزان بوده

بمناسبت اینکه دیشب سه ساعت از شب رفته کابینه با کثریت ۶۴ رای نصوب شد قطعه ذیل فی البدیهه قطعه سروده شد

ای یار لطیفه گوی مرشد	با آلهمه نطق چربندی
کابینه نیم شبه خواندی	این دولت آبروی منبدی
دیدی که بر غم گفته تو	شددولت شصت و چاربندی
ازمن تو بگو برشد خود	کای خائن صدهزار قندی
گویا تو خیال کرده بودی	باین سخنان ریشخندی
کابینه کند سقوط واز تو	چون‌بز به پری تو پربندی
زین پس تو باین خیال در آنه	در خانه بمانی و بکندی

یک مکتوب لوس

از لاهیجان — یک مکتوب خیلی لوس از یکی از کسانیکه ان قوام السلطنه شکم آنها را سیر کرده است باداره رسید

اولا امضایش را فقط (م) گذارده است ثانیا تمام مکتوب رابفرانسه نوشته‌است و بفرانسه نویسنده قرن بیستم

اصبحت [illegible] که باشخاص [illegible] قوام السلطنه تاخت نیاورد در ضمن اینکه قوام السلطنه رأ جواسیله است از اشخاص بزرگ‌معرفی نماید بفرانسه یک نامربوط طولانی و مزخرفات مخلوطی و لوس نوشته است که بدست هر فرانسه و یافرانسه دانی بدهند مسخره است این قبیل کاسه لیسها خوبست پیش کاسه لیسی اقلا امضای صریح خودشا را بگذارند اقلا از امضاء مضایقه نکنند

ولی خیر اینها خودشان نیز ازطرف داری قوام السلطنه ننك دارند و از ترس اینکه آشنایان ایشان با همان چشمی که بقوام السلطنه نگاه میکنند بایشان بنگرند باین کونه امضاهای رمزی ملتجی شده و جرئت اظهار اسم خودرا ندارند

خیلی با مزه است اگر این مکتوب لوس در طهران نوشته وبالا هیجان فرستاده باشند که در آنجا تعمیر پست خورده و عودت کرده باشد تا بمردم بفهمانند که قوام السلطنه در خارج ازطهران نیز طرفدارانی دارد

آقای (م) اگر راست میگوئید که شما حقیقتاً طرفدار قوام السلطنه هستید و او را مرد بزرگی میدانید اسم خود را اشکار کرده و بازبان فارسی ازوی دفاع کنید والا این تستر و روپوشی که طرفداران قوام السلطنه و وثوق الدوله دارند خود دلیل بزرگی است که این دو برادر در جامعه منفور اند و حتی کاسه لیسان وریزه خوران خوان ایشان نیز جرئت نظاهر بطرفداری از انها را ندارند و بعلاوه افکار متوجه اشخاص معدودی شده و چنانچه درگردیم احتمال میرود که امثال این مکتوب را همان اشخاص معدود در طهران نوشته و برای اعوام و اشیاهکاری بخارج فرستند که در آنجا تعمیر پست خورده و بطهران برگردد

تلگرافات رتر

مورخه پنجشنبه ۸ مارس ۱۹۲۳

تظاهرات اندازی

— فاهره — امروز بواسطه پرتاب شدن [illegible] بوسیله هیجان غریبی تولید کردید یکی ازشب ها در مرکز قوای علامات و نشان انگلیسی پرتاب کشت و لی منفجر نشد دیگری در قهوه‌خانه نزدیک بمرکز ارکان حرب نظامی انگلیسی انداخته شد و از قرار معلوم یک نفر مصری مقتول و یک نفر مصری دیگر و سه نفر سرباز انگلیسی مجروح شدند ترنچین نیز تماما کریختند

حمایت دورم

رم — ۴ نفر کوشش میکنند که قهرا داخل سفارت آلمان شوند که در اثنیجه تزعی که بوقوع پیوست کارله بدل نایب سفارت اصابت نموده ولی هر سه نفر مفسد دستگیر کشته (موسولینی) نیز از سفیر آلمان معذرت خواسته است

ساختن تلگرافخانه های بی سیم

امروز — (پنارلا) در مجلس سیموئان اظهار داشت دولت قصد دارد ایستگاههای تلگرافخانه های بی‌سیم برای محابره ما باسفیرات بسازد و منجاوزغیره نپذاجازه اینکار را بدهد

میزان مبادلات

نرخ مبادلات خارجه روز ۶ مارس در لندن بر حسب میزان لیره ازاینقرار است :

— پاریس — ۷۷٫۹۳

— ایطالی — ۱۰۶٫۵۰۰

— برلن — ۹۸٫۱۰

— اپوبرگ ۴٫۶۹

کنفرانس عمومی

روز ۲۱ شهر جاری سه ساعت بغروب در مجمع دموکرات کنفرانس جالب توجهی ازطرف هم مسلك محترم اقای دکتر مهدیخان مالك زاده ایراد خواهد شد و ضمناً بیانات مفیدی راجع باستعمال منسوجات وطنی خواهند نمود از عموم علاقه مندان باصلاح مملکت برای استماع دعوت میشود

مدیر مجمع دموکرات — موافق

مطبعه شرکت برادران اقبال و شرکاء

مبلا هسلم

شیفته خانم — مبتلای که هستی

بچه گدا — مبتلای ... من چه میدانم ولکه دکتر

شیفته خانم — دکتر ماشاالله که تو با من بسازی

بچه گدا — نه دکتر خیر آخر تو شوهر داری

شیفته خانم — اگر تو بین قول بدهی من از شوهرم طلاق می گیرم

بچه گدا — برای خودم‌چه‌گرفتاری پیدا کرده ام و مست رون پیشانی گدا زده و آمده کتبده با مضا میخواند

بدرمان است این درد - کاظهار نتوان کرد

در دیده اشك گرم در سینه آه سرد - ای خدا عشق

دیوانه ام کرد عاشقم عاشقم

شیفته خانم - از وصل نا امید بنگر چه ها کشید

این روسیه ز عشق ای ماه رو سپید ای خدا عشق

دیوانه ام کرد عاشقم عاشقم

از بیرون صدای پای فرزاد علی آمد شیفته خانم میخواد پشت پرده بیکوید من عقب در مستم -

فرزاد علی — (خطاب به بچه گدا) اله عاشقم عاشقم چه عاشق هم شده مبارك باشد -

سال دوم دوره دوم شماره سیزده‌هم

اداره طهران خیابان اسلامبول

دو شنبه چهار شنبه جمعه

تك نمره ۸ شاهی

پس از یك هفته یك قران است

قرن بیستم

صاحب امتیاز و نویسنده اساسی و ... میرزاده عشقی

۷ ربیع الاول ۱۳۴۱

آبونمان پستی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان

وجه اشتراك

برای محصلین ، کارگران ، و اعضاء اتحادیه‌ها ۵ تومان

قیمت اعلانات و مقالات خصوصی

با دفتر اداره است

قسمت اجتماعی

فرزندان انقلاب

تخم انقلاب افکار دماغهای پر جسته ناراضی ــ مزرع انقلاب شکمهای گرسنه و بدنهای برهنه و چشمهای فرو رفته ــ نهال انقلاب آتش و خون ، انتقام ــ میوه انقلاب تربیت تازه و تربیت جدید است

وما جوانهای پا به بخت امروزه عصاره میوه انقلاب ایرانیم و شیر خورده از پستان انقلاب و بالاخره فرزند ان انقلابیم چه که نتیجه تربیت تازه انقلابیم

آنوقتیکه ما جوانهای پابه بخت امروزه دو سه ساله بودیم میان باغچه خروسهای قوی را که میدیدیم مرغو خروسهای ضعیف را میزنند فوراً حس ترحمان بجنبش آمده کوچولو کوچولو میدویدیم و با چوب و سنك منقار تعدی آن خروس متعدی را از سر سائرین دور می نمودیم از همان وقت پی بر علیه تعدی اقویا بودیم

هر کس را هم میدیدیم مانند ما بر علیه تعدیت از او خوشمان می آمد آن دوره که هیاهوی مشروطیت و آزادی بلند شد مدوسه میرفتیم و باهمان عقل ده دوازده ساله که آنوقت داشتیم فهمیدیم بن داد و فریادها بر علیه تعدی متعدیانست متی صدای شلیك تفنگ و غوغای بمب وتوپ را می شنیدیم می فهمیدیم که اینکار ها را می کنند که دست متعدی را از سر مظلومین کوتاه کنند ودر همان ایام می شنیدیم که باین هیاهوها انقلاب وانهائیکه عامل این هیاهو هستند انقلابی میگویند

از همان تاریخ ما از این کلمه خوشمان آمد ودر همان ده دوازده ساله کی خودمان را دوستدار انقلاب انقلابی هامیدانستیم برای انکه در دوسه ساله‌ی هم خود ما شریك انقلابی بودیم و خودمن قوی و متعدیرا مانع میشدیم از اینکه ضعفهای ضعیف را آزار نماید

و ما از انقلاب ها تا رفع ظلم و جلو گیری از متعدی را فهمیده بودیم

طولی نکشید که خرد خورده چشم و گوشمان یکقدری بیشتر باز شد دیدیم در اثر آمیزشها و هوهاو تراقی تروتهای یك اداراتی تشکیل شده و یك عده اشخاص نپاپوش لباس کوتاه پوشیده اند و عوض شب کلاهی که قدیم داشتند کلاه بزرگی از پوست گوسفند بسر گذاشته اند و کاهی هم دور هم جمع میشوند وهمه با هم فریاد میزنند زنده باد مشروطیه بعد فهمیدیم که باانها مجاهد میگویند و آنها انقلابی هستند و هریك یك ماوزر هم دارند

سر تا پا هیکل انها اگر چه چندان زیبا نبود ولی ما جدا شیفته آنها شده بودیم و خیلی میل داشتیم که ما هم شکل انها باشیم و ماهم ماوزر داشته باشیم درمدوسه معلمین میگفتیم که این مجاهدین خیلی قابل تمجیدند

معلمین بما میگفتند که اینها چندان اهمیت ندارند بی سوادند

اینها آلتند اینها موقتی هستند اینها نمی توانند سعادت این مملکت را تدارك کنند اینها باید یك چند سالی کور کورانه این حرکات را بکنند تا شما بزرك شوید و کاررا از دست اینها بگیرید و مملکت را به اروپی علم و اطلاع آنطوری که شایسته تمدن امروز است اداره کنید

ما از این حرف معلم بدمان می آمد و می گفتیم نسبت بمجاهدین و انقلابی ها غرض رانی میکنند این حرفها توهین است بمقام مقدس ... گرچه رؤسای خرد انقلابیها هم در همان ایام بما می گفتند ما این هیاهو را راه انداخته ایم که چرخ اراده ترقی شما بسهولت راه بیافتد ما میخواهیم رژیم کهنه استبداد و طبقه منکر علم را از بین ببریم و عجالتا موقتا خودمان جای آنها می نشینیم و باصطلاح یك کر کری میکنیم تا شما مدرسه را تمام کنید و بیائید از روی علم واطلاع این سرزمین را طرف تجدد وسعادت سوق بدهید و خودشان هم اعتراف میکردند که برای تهیه کردن وسائل سعادت وتدارك موجبات ترقی وتمدن معاصر امروزی دنیا لایق نیستند ولی باز ما باور نمیکردیم وخیال می کردیم که شکسته نفسی میکنند وخودانها و این شب کلاهی هائیکه انقلابی شده اند تا چندسال دیگر ایران را بهشت خواهند کرد خط آهن خواهند کشید کارخانه ها وارد خواهند نمود معادن را از زیر زمین بیرون خواهند کشید وبالاخره ایران خرابه را همین شب کلاهیها تا چندسال دیگر عروس دنیا خواهند ساخت

در این بینها هم هی برمعلومات ما راجع بانها وجریان کار انقلاب بیشتری شد و کم کم از اهمیت آنها کاسته میشد پنج شش سال از تاریخ انقلاب گذشت دیدیم ایران فرنگستان نشد نه اثری از خط آهن نه فابریك نه استخراج معادن هیچ هیچ فقط بعضی کلمات در اذهان زیاد شد دموکراسی اعتدالی جنك و نوغای لفظی

باوجود همه اینها در آن دوره چون باز عقل قضاوت ماکال و بچه سال بود نمی توانست درك کند که اینها قابلیت خط آهن کشیدن وفابریك تاسیس کردن و استخراج معادن وبالاخره مملکت مشرقزمینی را شکل مملکت اروپائی کردن ندارند عاقبت آن روزیکه از مدرسه بیرون آمدیم واوقات فارغ البالی پیدا کردیم ومشغول روزنامه خواندن گردیدیم خورده خورده آن دنیا دنیا ارادتی که باقایان انقلاب کرده های معروف داشتیم رو بضعف گذاشت

رفته رفته فهمیدیم که اینها چیزی بارشان نیست و باید ما بزرك بشویم شاید ما کاری بکنیم

دیگر در دو سه سال اوائل جنك بین المللی که فضیلت آقایان کاملا معلوم شد و ما تقریبا بقدر کافی فهمیدیم این طبقه که در اثر انقلاب بروی کار آمده اند از اداره اصول تجدد وگسترانیدن تمدن اروپائی ناشی هستند و اینها هرچه بگویند ما متجدد و آزادیخواه هستیم در کهنه بودن دماغ وسابقه آنها تغییری پیدا نخواهد شد

از همان وقت دیگر باانها وبه عملیات آنها بعنوان تماشا نگاه می کردیم

برای تفریح باانها توجه مینمودیم اگر روز نامه آنهارا میخواندیم می خواستیم به بینیم باز تازه چه حقه بازی و ناشی کاری از آنها سرزده

باهمان نظری که بمرکه لوطی غلام حسین بچه ها نگاه میکنند باهم باهمان توجه به روز نامه آنها بعملیات آنها به نظریات آنها نگاه میکردیم

دیگر از آن به بعد وقتی ازاحوال انقلاب و انقلابیها حرفی بمیان می آمد ما فوراً میگفتیم :

این وقایع حقه بود این جماعت حقه باز اگر از وطن پرستی آنها گفتگو میشد میگفتیم : خود این مملکت یك طویله خراب است

که هرکس سرش بند یك آخور است

همان هم که بینی و طن پرور است

ورا آخوری نیست درعرعر است

اخبار خوسی از بین النهرین

کربلا

در یوم غره رجب موقعیکه تا چند فرسخ از اطراف سرای عبور ومرور زوار پراز جمعیت بوده شصت و دو طیاره انگلیس برای اضافه تهدید مردم در اطراف وحوالی شهر بمب انداز کرده اند

معلوم است در همچو موقعی که چه اندازه مردم بی طرف زیر آتش فشانی تلف خواهند شد (نجف اشرف)

یوم ششم شهر رجب شصت ودو طیاره درهوای آنجا آمده واطراف را بمباردمان کرده کنندان پیاده شده در خواست ملاقات از آقایان روحانیین و عموم علماء نموده است هیچ یك از آقایان برای ملاقات کمیسان انگلیس راقبول نکرده اند بالاخره توسط حکومت ورئیس نظمیه سخت برای آقایان علماء پیغام کرده که شنیده می شود اهالی اظهار احساسات نسبت به ترکها کرده و ضمنا عملیاتی دارند چنانچه این رویه را تعقیب کنند مامورین دولت بریطانیای برای سرکوبی اهالی مجبور باستعمال اسلحه نار به خواهند گردید

بچه گدا ــ ای داد تو باز امدی آخر ای نریان علی جا انصاف

ای بی همه چیز تو از جان من چه میخواهی

نریان علی ــ من خوبی تورا میخواهم من می خواهم بتو جادو بکنم بیاورم بمزای نیکی بدی است؟ تو الان شش هفت ماه است که اینجا هستی و وقتی شما بچه شده اگر نزد من نمانده بودی، الات جادو گر شده بودی

بچه گدا ــ اخر تو چه نیکی در حق من کرده هیچ میدانی یك سال بچه‌ات مرا رها داشتی با سم اینکه جادوگری بتو میاموزم حالا آمده ام این جا چندین روز است تمام دواهارا بمن داده سم اغلب هم میدانم بچه درد میخورد حالا دیگر از جان من چه میخواهی

نریان علی ــ ده بچه بصورت چه گدا میگذارد ده آهای نمکم کورت کند چقدر پوست خرزه بتو دادم و الان نگفتی تو چه بخواهی و چه نخواهی من تو را خواهم برد درانتظام از دست دکتر ها ربش شده ام الان مامور حواهد آمد مگر دل کن دکتر هستم

در از بیرون صدای پای دکتر آمده نریان علی میرود پشت پرده از دیگ میز غذا تمام میشود

دکتر ــ اکبر این شیشه ها را پاك کردی

بچه گدا ــ بله بله

دکتر ــ خیلی خوب برو آن طشت زخم شوئی را یك دفعه دیگر با الکل بشوی که خوب تمیز شود

دیگر کاملا فهمیده بودیم که یك قسمت این آقایان مسلك وعقیده ووجدان فقط روی زبانشان است در ته قلب این آقایان نوشته شده است میخواهیم پول پیدا کنیم از هر راه سهل تر باشد وامروز با کلمه وطن بهتر میشود استفاده کرد همه گونه هوا و هوس در سر آنها هست جز حس نوع دوستی و وطن پرستی

همین ها را فهمیدیم گفتیم که :

مشفقی بخدا همانا که میگفت خدای
ازعشق وطن سرشت آب وگل من
چون کالبدش ز پای تا سر دیدیم
عشق همه چیز داشت جز عشق وطن

آری فهمیدیم که یك قسمت ازرؤسای انقلاب یك عده استفاده چی بوده اند که بعنوان انقلاب و انقلابی آمده و کلاه مروز بدرا برداشته خورده عملیات این استفاده چی ها ما را عصبانی کرد واز حالت تماشچی بودن خارج نمود

یواش یواش در صدد شدیم که اگر بتوانیم یك اتحادی بسر آنها بیاندازیم در زمان وثوق الدوله که این عده دورهم جمع شدند و اورا رئیس الوزرا کردند و باو اختیار و اقتدار دادند که مانند ابر اقرا مانند یك عده جانور اهلی بفروشد دیگر طاقت نیاوردیم بصدا در آمدیم بر ضد آن ها شعر گفتیم شب نامه نوشتیم نطق کردیم ما را حبس کردن از حبس بیرون آمدیم و بشدت ادامه دادیم و همین طور در این دوسه ساله تا نتوانستیم آبروی مصنوعی که آنها بشهادی بدست آورده بودند بزمین ریختیم وزمین ریخته آنرا نیز لگد مالی کردیم تمام رابطش انها از ما از همین راهست بما میگویند "چرا چنین کردید ما میگوئیم خوب کردیم

بما میگویند ما مردم را خوب کول زده بودیم

ما بشهادی بنام مسلك و عقیده خوب مردم را سوار شده بودیم شما چه راهشت ما را باز کردید اما بن حرفها را مسره ـ اه ـ ه بما میگویند ولی جلو مردم میگویند چرا ما را فراموش کرده اید ما ازادی کرفتیم خدمات باسلطان مستبد راجع کردیم اقلا احترام سابقه خدمات ما را مراعات نمائید

در صورتیکه این آقایان این کار را نکرده اند

این کار را آنها کردند که گفته شده اند این کار را آنها کردند که با آنکه اهمیت انها همه کونه چه در گذشته و چه حالیه بیش اقایان بوده و هست امروز باز بی چیزند امروز باز بضاعت انها قدر بضاعت قبل از مشروطیت نهاست بلکه کمتر شده و باز انها هستند که جلو خودسری قوام السلطنه امثال و قوام السلطنه را که در این دوره در حکم همسان محمد علیشاه آن دوره هستند کرفته اند

انقلاب را آنها کرده اند که در انقلاب پای آنها کاه خورده بضاعت آنها تمام شده سیخ تا صبح عصر تا صبح زانو دور دست کرفته در کوشه قهوه خانه ها نشسته اند غصه و کرسنه کی میخورند

انقلاب را آنها کرده اند که پس از انقلاب دو باره رفتند سر کسب و کار خودشان و شما آنها را بکلی فراموش کردید تا در این ایام که از ما ها بی فرسید به باد آنها افتاده اید و اتحادیه محلات تشکیلا داده اید

ما اگر بخواهیم احترامات انقلابی بودن کسی را بجا بیاوریم باید جالیز میدانهها را احترام کنیم

باید آنها را احترام کنیم که از پرتو انقلاب صاحب قصر و زندکانی اشرافی شده اند هنوز هم برضد اشرافند

باری هر چه دسیسه کنید هر چه بما نسل معاصر صاحب هزار عیب بکوئید روز بروز بر قوت ما افزوده میشود و از نفوذ شما کاهیده

ما به شما اعلان میکنیم که هر چه دست و پا دارید بزنید از این به بعد ما میخواهم روی کار بیائیم

از این ببعد میخواهم شما دسته فاسد دروغ کوی خراب را خانه نشین کنیم و خودمان به میدان بیائیم در خاتمه این مقاله معاصرین خود را مخاطب داشته میکوییم :

ای جگر کوشه های انقلاب

ای جوانهائی که روز بیمار دمان مجلس ۱۳۲۶ درست پانزده سال قبل متولد شده یا در آن وقت بمکتب میرفتید و طفل بوده اید

نسل مقدم بشما دلیل خود خواه پر انحوت دو رو و بد دهن بی حیا بی سواد بی عقل شارلاتان بی رحم بی مروت اجنبی پرست مزدور بی دین ضعیف المزاج بد کل بی عفت میکوید

اگر اینطور است ساکت باشید و اگر جز این است دفاع کنید بشما میکویند شما از بچکی غرق خور و سیکار کش شده اید اگر اینطور نیست چرا دفاع نمی کنید

ای برادر های عزیز همه کناه شما این است که الوقتیکه نسل مقدم مشغول ماوزر کشیدن و توپ اندازی و بمباردمان بوده است شما باقیافه معصوم صبح های زود کتاب زیر بغل کرفته کوچولو کوچولو بمدرسه میرفته اید که در اینده بیائید و حقا در جایکاهی که معلومات شما بشما حکم میکند بنشینید

ای نسل مقدم

آن روزیکه صدای توپ و بمب و تفنك و طپانچه حواس ما را راحت نمی کذاشت وقتی ازشما می پرسیدیم چه خبر است میکفتید ما این هیاهو را راه انداخته ایم که بچرخ برده ترقی شما بموازات براه بیافتد ما میخواهیم زورم کهنه استبداد و طبقه ومنکر علم را از بین به بریم و عجالتا

بچه کدا — بچشم « خارج میشود »

دکتر — « با خود » فی الواقع درد پدرمانی شده کرفتاری من نسبت باین پسر کفتنی نیست اگر زن بود اهمیتی نداشت و هر اندازه ممکن بود لرد و لی حالا باید شب و روز خودم را بکار فداری عشق این پسر کدا زنده و اظهاری نتوانم بکنم « دست روی پیشانی کذارده پس از قدری تامل خطاب بخود می کوید » دکتر دکتر تو دکتری تو باید مردم را از این عادت منع کنی تو عاشق پسر شلیته ای دکتر از تو قبیح است چون نسل هستم بروم یکقدری راحت کم — خارج میشود

بچه کدا وارد سن شده مشغول مرتب کردن اسباب های میز است مشهدی قنبر نوکر فرومی وارد میشود

مشهدی قنبر — (بامقام) دکتر کجا است پسر بکو مشهد قنبر کار لازم دارد

بچه کدا (بامقام) دکتر خفته است ایدر

مشهدی قنبر — (بامقام) ای بالام عشق دیوانه ام کرده عاشقم عاشقم

بنده یك خانم وار کفته زلف بسیار کفته بکذار دکتر حالا زلفم بکذار ای خدا عشق دیوانه ام کرد عاشقم عاشقم

خودمان جای آنها می نشینیم و باصطلاح یك کرکری میکم تا شما مدرسه را تمام کنید ما برخیزیم وشما بیائید بتوروی عام واطلاع این سرزمین را بطرف ترقی سعادت سوق بدهید

حالا کما مدرسه را تمام کرده ایم و بعلاوه مدتهاهم هست بلدانم کاریهای شما تماشا کرده تاسف میخوریم برخیزید که ما از روی استحقاق میخواهیم و بجاهای خودمان بنشینیم

چرا بما فحش میدهید؟
چرا بما بد میکوئید

آن زبان های زهر آلوده چیست از دهانها بیرون آورده به مادلیسی کوفتی عرق خور سیکارکش میکوئید

بد کردیم در این پانزده ساله مزاحم شما نشدیم شما ای رجال انقلاب تا زده سال قبل که تا حالا زنده اید

شما از آن انقلابی های دغلید که تا حالا زنده اید

وکر نه چرا کشته نشدید ؟ اکر شما از انقلابی های پاك باز بودید چرا حالا کدا نوشدید ؟

شما که قبل از انقلاب پك خانه کلی هم نداشتید چرا حالا پارك دارید ؟

شما که اوقوت یك الاغ لنکی هم نداشتید چرا حالا کالسکه اتومبیل دارید

ای نسل مقدم تو ای پدر بزرکوار امیر بهادر را از خانهٔ اش بیرون کردی و خودت رفتی در میان خانه او نشستی تمام مایملك او را صاحب کردید ودر کالسکه او سوار شدی انقلاب برای این بود که امیر بهادر از بین برود و خودت امروز بد تر از امیر بهادری شدی

بهمان دلیل که تو انقلاب نمودی و امیر بهادر را بیرون کردی بهمان دلیل امروز ما هم باید انقلاب کنیم و تو را بیرون نمائیم آنوقت اکر ما هم پس از بیرون کردن تو لباس تورا پوشیدیم حتماً باید نسل آینده بیاید وهمین بلارا بسر ما بیاورد

ای معاصرین

باید ما باین دسته که انکل سعادت وسنك راه ترقی مملکت شده اند امروز با آن چشم نکاه کنیم که دیروز انها بامیر بهادر نکاه میکردند اکر بخواهند تا چند سال دیکر دراکاهد اری قدرت و خودسری خودشان مقاومت کنند وحق ما را بما ندهند باید همان معامله را که آنها بامیر بهادر کردند با انها بکنیم باید ما پنجه در خون آنها رنکین کنیم همت نمیرد بروی انها بکشیم چاره دیکر نداریم همین طور یکا انها با یکا ن کردند

رحیم زاده شفق

دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات جلسه ۲۰ جوت ۱۳۰۱

جلسه بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل و صورت مجلس روز قبل قرائت وتصویب کردید

پس از ان ماده واحده رابرت کمیسیون راجع بافزوده ماهی ده هزار تومان کسر بودجه دربار سلطنتی از ابتدای حمل ۱۳۰۱ قرائت وپس از مذاکرات لازمه بأوراله اخذ رای شد واز ۸۴ نفر با کثریت ۵۹ رای تصویب کردید !

سپس بودجه وزارت معارف از ماده ۱۱ قرائت ومطرح کردید

از ماده یازده تماده هیجده هم بترتیب قرائت وپس از مذاکرات تصویب کردید

در ماده نوزده آقای شیخ الاسلام اظهار داشتند که مدارس عالیهٔ ایران منحصر و بلکه اختصاص بهمان مدرسه طب دارد و از قرار تحقیقاتی که عمل آمده فقط است اوضاع ان خیلی بی ترتیب ومعلمین ان اغلب بدون امتحان داخل مدرسه شده وتحصیلات انها کامل از برای تدریس نیست ونیز متعلمین انها اغلب بدون طی نمودن دوره مقدماتی ومتوسطه بواسطهٔ داخل مدرسه شده و همچنین در موقع امتحان با استحقاق بد اهدا دیپلم داده میشود دیپلمی که فکر کنند که این قبیل اشخاص بعنوان دیپلمه مدرسه طب قابلیت اشخاص را از روی جهالت در دست خواهند کرفت وبالاخره ازاین رو اظهار تاسف مینمودند که با اینکه سی هزار تومان بودجهٔ آن مدرسه است چرا بایستی اوضاع آن تا این درجه بی نظم و ترتیب باشد

آقای وزیر معارف — بکلی ایرادات آقای شیخ الاسلام را بعکس تعبیر نموده و اظهار داشتند که برعکس بخلاف آنچه که آقای شیخ الاسلام فرمودند در بارهٔ مدرسه معمول وکاملا رعایت مراتب میشود

بکافی بودن مذاکرات تصمیم و برای ماده ۱۹ رای کرفته تصویب شد

ماده ۲۰ قرائت شده وآقای نوبان اظهار داشتند درتحت عنوان اضافه مدارس خارجه چهار مدرسه قید شده از جمله یکی مدرسه ارامنه است وحال انکه مدرسه جزو داخله ایران محسوب میشود صحیح است

آقای رئیس — کلمه داخله درعنوان اضافه مدارس خارجه اضافه میشود واصلاح کردید

آقای کازرونی اظهار داشتند که اطفال ما در مدارس خارجه بایستی بر طبق تعلیمات معارفی تربیت شوند

آقای وزیر خارجه اظهار داشتند که بر طبق قانون آزادی معارف نمیتوان این مطلب را ابلاغ نمود جز اینکه اکر بنا باشد از دولت اعانه دریافت دارند البته متابعت قوانین معارفی ما را خواهند نمود

و نیز کر بخاطر واقعی نکنیم خواهیم دانست که این مدارس خارجی بعالم معارف ما کمك می کنند و باید از انها اندر دانی کرد و البته مسلم است که مثلا مدرسه الیانس و سن لوئی در زبان فرانسه بیشتر رقت خواهند نمود اما قیاید کفت که با این وصف وجود انها لازم نیست

ماده بیست دوم قرائت کردید

آقای وزیر معارف — یکی از بهترین و بجا ترین مصارف دولت مشمول ماده بیست و دوم است و پیشنهاد کردند که چون یکی دو نفر از قلم افتاده است و مصرف ان فوق العاده بجا و مناسب است مبلغ شصت تومان هر ماهه بدان اضافه شود

بخبر کمیسیون بودجه ماهی شصت تومان اضافه بر مبلغ مقرری ماده بیست دوم پیشنهادی آقای وزیر معارف را بقبول از طرف کمیسیون قبول میکنم

آقای حاج مخبر السلطنه عقیده شان این بود که اکر این مبالغ را بنا باشد به قسمت بی بضاعتی اشخاص بسرای خارج تحصیل نما داد این قبیل اشخاص بسیار هستند و این خرجها کتاب نخواهد داد الا این که امتیاز استعدادی و اخلاقی انها در این موقع رعایت شود

برای ماده ۲۳ اخذ رای نموده و تصویب کردید و مواد ۲۴ و بیست و پنجم قرائت و پس از مذاکرات لازمه با مختصر اصلاحاتی تصویب کردید

دستور جلسه آتیه معین و مجلس ختم شد

اعلان

توقبراً باطلاع عموم میرساند — اداره مباشرت مجلس در صورتی مطبوعات را قبول کرده باقایان نمایندگان محترم خواهد رساند که درپاکتی جداگانه بسته یا مختوم و دارای عنوان اسم نمایندگان محترم باشد و الامعذور است

اداره مباشرت برای شورای ملی

خارجه

۱ — تلگرافات روتر مورخه یکشنبه ۱ مارس ۱۹۲۳

تعیین وزراء جدید

لندن — رسما اعلام شده است که (نویل چیمبرلین) بسمت وزارت مستعمرات و (جان‌سن سیمز) بمقام وزارت پست وتلگراف منصوب خواهند گشت

قوای فرانسه در آلمان

کابینه در جواب یك نفر از نمایندگان اظهار داشت، عده قوای فرانسه در ناحیه رور قبل از تصرف بالغ بر ۹۱۰۰۰ بوده فعلی حالیه ۱۱۶۰۰۰ نفر میباشد

تمایل انگلیس

در دوائر مطلعه تصور میرود که دولت انگلیس با مراعات شرایط معاهده یونان حاضر است بر حسب پیشنهاد عثمانی مجددا داخل مذاکرات کردد بشرط اینکه عثمانی اطمینان بدهدکه واقعا مایل بصلاح میباشد

موفقیت دولت عثمانی

از قرار معلوم دولت انقره نسبت به ازاطیون که پوسته ایرادانی به پیشنهادهای متقابله دولت می نمودند موفقیت تامه حاصل نموده و در نتیجه رای اعتمادیکه بدولت داده شده مذاکرات قطع کردیده ومخصوصا نسبت برویه عصمت پاشا اظهار موافقت بعمل امده بنا بر این موفقیت مانند ان روزی است که گفرانس لوزان تشکیل گشته بود ودولت اختیار تامه داردکه یادر موضوع مواد اقتصادی داخل مذاکره گشته و یا در انباب هیچ مذاکره نکند تا معاهده صلح بامضاء رسد — دوائر عثمانی اسلامبول تصور میکنند کهعاقریب دولت پیشنهادهای خود را اظهار خواهد داشت و قویت باستقرار صلح از خیلی امید وارند

دستگیری اشتراکیون

نظر باینکه مدعی‌العموم اطلاع حاصل کرده است که اعتصابات اخیره عملجات معادن ذغال و اهن درنتیجه تحریکات اشتراکیون بوده و انها بدین واسطه در اختلال امور عملگی بر امده‌اند لهذا دوبیروکسل (لقور) و کان امر بدستگیری عده کثیری داده و مخصوصا چهل نفر از دستگیر شده کان زعماء و قائدین اشتراکیون میباشند

بیانیه فرقه حزب الوطن

اوضاع قاهره کاملا قرین انتظام وآسایش است ولی فقط درقهوه‌خانه هائیکه سربازان انگلیس‌اباب وذهاب دارند پلیس و قزاول مسلح گماشته شده است

هیئت فرقه‌مجددا تشکیل گردیدهٔ بیانیه صادرنمود ودر آن اظهار داشته است‌عدم موفقیت‌درجلگیری‌قانون دستگیری‌سابقین اعضاء سابق وفرقه‌رااجتناب نمیکند ضمنا‌هم این‌نکته ذکرشده است کهامور مصر بواسطه خون ریزی صحیح نخواهد شد وعقیده و فرقه‌این بودوبعدها هم همینطور خواهدبود

میزان مبادلات برات‌لیره‌در‌لندن

پاریس—	۷۸٫۰۵
ایطالی—	۹۸۷۵
ایران	۹۷۰۰۰
نیویورك	۴۷۰۹

بی سیم مسکو

تلگرافات بی‌سیم مسکو

مورخه ۱۱ مارس ۱۹۲۳

در جمهوریهای سابق

مسکو ۹ — لایحه قانونی راجع بحفظ انحصار دولتی استخراجات عمده طلا تصویب گردیده در موضوع مؤسسات کوچك ابتکار اشخاص متفرقه مجوز خواهد بود

مسکو — رفیق‌رادك در مقاله‌مندرجه درروزنامه‌پراودا‌اشعارمیداردکه بورژوازی و سوسیال دموکراتهای آلمان از مقاومت در مقابل اشغال ناحیه رور بتوسط‌فرانسه ها عاجزمانده الدونا بت‌میکند کهادامه اشغال عالم سرمایه داری را بوضعیت و خامت باری گرفتار خواهد ساخت

مسکو ۹ — در جواب پیشنهاد دولت لاتوی راجع بشروع مذاکرات عقدقرار داد تجارتی دولت‌روس بتوسط کمیساریات خارجه حضور خود را برای مذاکرات بدولت لاتوی اعلام نموده و پیشنهاد کرد که مذاکرات فورا در مسکو شروع کردد

مسکو ۹ — امروز کنفرانس وس و لهستان برای عقد قرارداد تجارتی افتتاح یافت

تاشکند ۷ — اولین کنفرانس اقتصادی ترکستان و خیوه و بخارا افتتاح یافت امیدوار کنفرانس طرفدار اتحاد اقتصادی جماهیر ساوتی آسیای وسطی میباشند

مسکو ۹ کنفره حزب کمونیست‌روس در پانزدهم آوریل افتتاح خواهد یافت

مسکو — برحسب ابتکار بانك صناعتی اخیرا شرکتی بنام جهازات آسمان پیمائی داوطلب درروی‌اصول‌تجارتی‌تاسیس میکردد که وسائل پیشرفت امور موسسات صناعتی روسیه را فراهم سازد علاوه بر آن‌شرکت دیگری بنام شرکت دو سنداران جهازات آسمان پیمای ایجادمیکردد که جنبه‌اسپه‌ری خواهد داشت در این اواخر عملیات‌اداره کمیانی کل‌روس برای جمع آوری‌وسائل ساختن جهازات آسمان پیمای جدیدشروع میکردیده است

درنواحی اشغالی‌شده

برلن ٤ — اولیای امور اشغال‌کنند کان اجازه دادند که ارزاق‌از کاولسرود داو مانگیم حمل وخارج شود مشروط بر اینکه ۵۰ درصد قیمت اجناس بمنفعت بانك فرانسه محسوب شود

* * *

برلن ٤ — فرانسه ها در کان مبلغ پانصد ملیون مارك که برای نادیه حقوق مستخدمین راه اهن و ارم شده‌بود تو قیف کردند در مایتس فرانسه لهدر اتحاد محلی کارکران راه اهن را تو قیف نمودند و صد ملیون وجوه اتحادیه‌را نیز توقیف کردند .

گذارشات المان

برلن ٤ — مقامات جوانان سوسیال دموکرات کمونیست مرکزی بیانیه‌عمومی انتشار داده و ازجوانان ورنجبران المان دعوت میکنند که در هفته تبلیغات بر علیه ارتجاع که‌از۱۸مارس/خواهدبودشرکت کنند شعار تمایشان تقاضای تشکیل حکومت کارکری میباشد

اوضاع بلغارستان

صوفیه — درسر تاسر بلغارستان فرور حکومتی مخصوصا برضد کمونیست ها با کمال‌شدت حکم فرماشده‌است‌اخیرا‌مامورین پلیس موسسه تعاونی موسوم به استخلاص راغارت کرده‌ودربلاد بلغارستان‌کمونیست هارا دسته دسته توقیف کرده اندپطروف نام کدخدای‌قریه دو نیك کاز کمونیست بودبدست فاسیست‌های محلی مقتول گشت برطبق تعلیمات واوامر دولت تعقیب اقار شیست‌ها نیز شروع‌کردیده است درموقعی که‌مامورین‌دولت در صوفیه اقار شیست‌ها را توقیف میکردند دو نفر مقتول شدند

ادامه‌تجهیزات‌یونان

امن‌کابینه‌وزرای‌یونان‌مقرر‌داشت‌که‌عموم قوای ذخیره‌بحریه‌بخدمت دعوت شوند وزیرجنك حکمی‌صادرنمود که‌چند فروند کشتی تجارتی را برای انجام مقاصد نظامی تغییرو‌تبدیل دهند

مطبوعات یونان

اتن‌مطبوعات یونان تحت‌مانور شدیدی درآمده است جراید مخالف قصد دارندکه درصورت ادامه فشار سانسور‌تعرضا تعطیل کنند تمام جرایدبااستثنای ناشرین‌افکار دولت باستونهای‌سانسور شده‌صفحه‌زیادی‌شامل‌میباشند

در مجلس کبیر عثمانی

آنقره ۲ — امروز جلسه آخر سال مجلس کبیر ملی عثمانی انعقاد یافت‌مصطفی کمال پاشا دو ساعت ونیم راجع بمسائل سیاست داخلی وخارجی عثمانی نطق‌نموده ومتذکر شد که‌امروزه اتحاد دوستانه‌عثمانی با روسیه ساوتی بیش ازهر زمانی میباشد عقد قرارداد تجارتی و مقاومت دیگر بین این دومملکت مسائلی است که‌درهمین روزهای نزدیك طرح خواهندشد :

جریانات عثمانی

اطلاعات واصله ازآنقره

چندی قبل کتاب « خلافت‌اسلام‌و مجلس کبیر ملی عثمانی » که از تالیفات یکی از وکلای دسته دوم حاجی شکری وکیل است ازطبع در آمده درکتاب مزبور اشعار میشود که لازم است‌خلیفه را رئیس طبیعی مجلس شناخت . درمدت هفت سال تمام جراید مملو ازمقالاتی بودکه بر علیه این کتاب نکارش یافته بود . پس ازمدت چندی تالیف‌کنندگان آقایان وکلا از وکلا است‌ودرد کتاب‌فوق‌الذکر تالیف‌کردیده ازطبع درآمده مدعی‌العموم کل پیشنهادی بمجلس کبیر نمود که حاجی شکری نویسنده کتاب خلافت‌اسلام‌ومقصد کمه جناب شود انتظار میرود که‌درهمین نزدیکیها این مسئله درمجلس کبیر مطرح شود

کمیته کل‌حفظ‌خلافت در هندوستان اخیرا بتوسط سفیر عثمانی‌مقیم روم تلگراف ذیل را به مصطفی کمال پاشا ارسال‌نموده است: هندوستان متحدبخصوص قطعه مسلمین اعتماد کامل خود رانسبت بشما اظهارداشته و حضور خود را برای ایرا ز همه نوع مساعدت اعلام میدارند

* * *

جراید آنقره تصمیم و فتوای ذیل را که‌از طرف کمیته‌حفظ خلافت هندوستان کمیته خلافت عالم اسلام را از انتخابات عبدالمجید بمسند خلافت تبریك میگوید ۲ انتخابات برطبق‌ترتیبات‌مقرره‌ومطابق شریعت اسلام بعمل آمده‌است ۳) کمیته کل‌تشکرات خود را بمقام حکومت مجلس کبیر ملی عثمانی تقدیم میدارد[۴) کمیته کل خلافت

تصویب و مقرر داشت که بمناسبت انتخاب عبدالمجید بمقام خلافت در تمام هندوستان جشن و عید گرفته شود ٥) در صورت ورود خلیفه مخلوع بهندوستان کلیه‌مسلمین‌مکلف اندکه مشارالیه را بایکوت کنند ٦) کمیته اعلام میدارد

اگر دول اروپاچه‌بارت‌ورزیده مقام خلافت‌را نحقیر و بایخواهند امکنه مقدسه را تحت اطاعت خود در آورند مسلمین‌با کلیه قوای خود بر علیه این اقدام مبارزه خواهند نمود

بچه گدا — (بامقام) این نصف شب کیسو
ای مرد آبله کو
مشدی قنبر — چه گفتی
بچه گدا — داد نکن — دکتر خفته آهوی
ای خداعشق دیوانه ام کرد عاشقم عاشقم
مشهدی قنبر — تو هم عاشقی برو به دکتر بگو مشهدی قنبرسما راست
دکتر — چه میگوئی مردك من زلفم کجا بود
مشهدی قنبر — نه دکتر فهمیدی یك دوائی بده بخورم حکه سرم دودر بیاورد همین حالا
— هیچ دوائی وجود ندارد واگهی زلف میخواهی چه بکنی
مشهدی قنبر — پس تو چه فرنگستان رفته اینگرامافون را فرنگیان ساخته اند پس شما چه یاد گرفته اید
دکتر مرد که دیوانه شده برخیز برو من فرنگستان تحصیل طب کرده ام چه ربطی به گرامافون دارد من اگر گرامافون هم بتوانم بسازم از دوای گیسو در آمدن را نمیدانم حالا برخیز و برو
مشهدی قنبر — د درحالت معنی ء من نمازنم در بیارم بیرون نخواهم رفت

مسابقهٔ قرن بیستم

درمسابقه قرن‌بیستم شماره ۱۱ اصطلاح فرانسه ها ذکر شده بودکه‌زن در حکم سایه مرد است هرچه ازاو فرار کنید شما را تعقیب میکند هرچه اورا تعقیب کنید از شما فرار خواهد کرد

در شماره ۱۲ بامضای‌خانم‌مریم‌رفعت زاده ناهید طرفین این قضیه انتقاد شده بود

بواسطه اجمال موضوع درچند نظر انتقاد وارد است اما پس از تعمق و دقت آن انتقاد بکلی بی‌مورد وحق با کوینده فرانسوی خواهد بود بیان اجمال آنکه موافق قانون علمی اصلو در استعمال الفاظ اداره کردن معنی حقیقی است اگر موضوع فوق را در ظاهر معانی حقیقی خود استعمال کنیم ناچار باید قبول کنم که‌مرد

ازرن فراری است دروقتیکه زن اورا تعقیب کند وزن ازمرد فراری است موقتیکه مرد زن را تعقیب نماید بعبارت دیگر همیشه مرد ها از زنان وزنها ازمردها فراری هستند

آنوقت باید قائل شویم هیچ مرد و زنی بهم نه رسیده توالد و تناسلی هم نشده باشد این معنی دروغ و خلاف حس است زیرا باانقراض بشر ملازمه دارد بر خلاف چندین هزار سال ازعمر دنیا میگذرد وسلسله بشر باقی است پس ناچاریم تفصیل قائل شویم و بگوئیم

مردان و جیه ومردانیکه از حیث تمول یا و جاهیت صوری و یا علم و سایر جهات جالب توجه هستند هرچه از زن فرار کنند زن تعقیب کرده خود را بوی میرساند و بالعکس مردانگی فاقد آن خصوصیات هستند هرچه زنرا تعاقب کنند زن فرار کرده نزدیک نمی شود

و اما اینکه از طرف نویسنده محترمه اظهار شده بود من یامطلب اول مخالف هستم — و زن دارای حجب و حیائی است که مخلص بوجود او است — این جمله ادعائی است بی منطق — و اینکه عفت و عصمت زن مانع است از اینکه مرد را تعقیب نماید بی مورد و خلاف اورا تاریخ دنیا مکرر نشان داده از آن جمله معاشقه زلیخا است با یوسف که لسان تاریخ و کتب آسمانی بشرح آن مبادرت کرده این است میگویم دویدن زلیخا عقب یوسف و دریدن پیراهن او از عقب بهترین شاهد نقض آن دعوی است

اینجا لسان تاریخ بخوبی نشان داده است که زن مرد اجنبی را بهمخوابه گی خود دعوت نموده .

تاریخ مکرر نشان داده است که رسما در نتیجه شهوت رانی مرتکب بس قساوت هاء شده اند

مثلا ساره شوهر خود ابراهیم خلیل ع را اجبار نمود که اسمعیل رضیع و مادر او هاجر را در بیابان بی آب و علف حجاز بین کوه و در جلگه خشک و گرم کوه صفا و مروه بگذارد و عقب سر خود هم نگاه نکرده منصرف شود و اینکه اخیرا اظهار شده است که مرد مشغول عملیات نامشروع شده اسباب دلسردی زن را فراهم میکند آن عملیات نا مشروع مرد را همان زنها وخواهرهای طبیعی مخدره برای فاسد کردن عقیده و خود سری مرد تهیه میکنند

در اثر همین سوء اخلاق جنس زن جمعی از بزرگان دین ومتفکرین اجتماعی با بیانات مختلف زن را ملامت کرده اند

امیرالمومنین علیه السلام میفرماید دع ذکرهن فما لهن وقاع ریح الصبا و عهودهن سواء فردوسی گفته است

زن واژدها هردو در خاک به (جهان پاک از این هر دو ناپاک به) زنانرا ستائی سگانرا ستای گه یک سگ به از صد زن پارسای — سعدی گفته

چه خوش گفت شاه جهان کیقباد — که نفرین بد بر زن نیک باد

بعلاوه بقدری شهوت رانی وقساوت قلب زنها بشهادت تاریخ در عالم حکم فرمائی کرده است که از تعداد ان عاجز و روز نامه گنجایش ندارد باید مفصلا کتابی نوشته شود شهادت امیرالمومنین ع به خواهش زن نهر وانیه بعمل امد حضرت مجتبی را زن مسموم کرد حضرت امام محمد تقی را زن مسموم نمود هارون الرشید در نتیجه خود خواهی زبیده ان کنیز مطبخی را ابستن کرد

تمام آل برامکه و ان عشیره بزرگ برای مختصر شهوت رانی یک زن بی فکر عباسی بوصل جعفر برمکی از بیداد و عرق عصبیت هارون الرشید قتل عام شدند و بطور عموم یک نفر از انان باقی نماند

از این مرتبه قدمی پائین تر نهیم تابستان تمام فضای امام زاده قاسم — بالای پل تجریش صحنه با صفای تلهک خیابان راه شمران — خیابان لازار و ناصریه و سایر خیابان های طهران راشهوت رانی وعدم حجب وحیای زنها پراز جمعیت و مرکز فساد اخلاق عمومی قرار میدهد ولی احساسات زنها رقیق خیلی سریع التاثر است اما در مقابل جوان های ساده و اما در مقابل اشخاص دیگر قلب انان ازسنگ هم سخت تر است واما آن زنهائیکه بسوء اخلاق زوج خود دچار میشوند در نتیجه سوء اخلاق زنهای دیگر و خواهر های نوعی وهم جنسهای عزیزانها است چگونه این وقایع تاریخی و رفتار کنونی جنس زن را در عداد امور نادر الوقوع گفته و از امور اتفاقی توان حساب نمود

سید محمد تقی بهبهانی

عقیده فروخته ها

برای عبرت جراید مزدور

مطالب مندرجه خالی از اهمیت در بعضی جراید مزدور دراین چند روزه بقدری موجب تاثر وملال است که قلم از شرح آن عاجز است

وقایع کنونی وموقعیت فعلی بس مهم است که هر صاحب تدبیری را متوجه خود ساخته وآنی نمیشود غفلت نمود

درموقعیکه جرائد باید به تهذیب افکار عمومی بپردازند وجنجال های داخلی خود شانرا کنار گذارده متفقا مشغول بخدمت این آب وخاک شوند دراین موقع بچند قسمت شده قسمتی حقیقتا خودرا وظیفه دار خدمت کردن بولی النعم خود که شخصا خود آنها مزدوران اجانب هستند میباشند قسمت دیگر خودرا بیطرف نام نهاده ورول سیاست منفی رابازی میکند وقسمت آخری خدمت بجامعه را اولین وظیفه خود دانسته وملت را بتکالیف خود آگاه کرده ومشغول به ایفاء وظیفه میباشند

واما قسمت اول که مدت قلیلی است به روی کار آمده وحیثیت جریده نگاری را ننگین ساخته ودوش بدوش صلحاء قوم راه میروند وبا یک ملتی بازی کرده و سبب بطوء جریان ترقی وتعالی این ملت گردیده اند

میخواهیم ببینیم این ..... این وفاهای بی وفا وووووو که میخواهند خود را هادی افکار معرفی کنند در چه کابینه مصدر این شغل مهم شده اند

(البته هر کسی ملاحظه باین سطور نماید میفهمد که جز واضح شدن مطالب مقصودی در بین نیست)

ای جرائد مزدور وای مسیبین تیره روزی ایران شما ها که به طرف داری قوام السلطنه خائن و نصرت الدوله عاقد قرار داد ..... و هستند

میخواهم به بینم مشاهدات خود تان در این چندروزه چه بوده بشرط آنکه طرفداری را کنار بگذارید) =

ازروی چه منطقی ولی النعم خائن خودتان را ستایش کرده و به اشخاص آزادیخواهی از قبیل آقای تدین ورفقای اکثریتش افتراهای جعلی و ناسزاهای بی جائی به بندید .

شماها کوچکتر از آنید که دامان اشخاص آزادیخواه پاک راآلوده نمائید .

البته وظیفه جز این ندارید زیرا بمصداق این شعر هویت خود را ثابت کرده اید .

کبوتر با کبوتر باز با باز
گندهم جنس باهم جنس پرواز

خوب است این ترهات را کنار گذارده وازحرکات شرم آور خود خجل شوید .

شماها اگر حقیقتاً از روی فکر ثابت و عقیده کار میکنید پس چگونه ارتیکل غیر مفهومی راکه بغیر از خود شماها و رفقای مزدور پاچه و رمالیده شما نمی فهمند تماماً بدون کم و زیادی از روی همان یاد داشتها ئیکه نویسنده ادیب برای شما میفرستد درروز نامه خودتان درج میکنید هر کس نگاه کند میفهمد مطلب از چه قرار است بیخود داد وطن خواهی نکشید وسنگ حسن وحسین رابسینه نزنید توده ملت از شما هسته های بی مغز متنفر است

بگذارید قدری مردم بخیال خود باشند هر چند داد و فریاد کنید تهمت وناسزا گوئید بی نتیجه خواهد ماند .

زیرا مشاهدات ملت هم دخیل است .

بیش از این مرد مسان ساده لوح محلات جنوب را الت دست خود نکنید واسم انهارا بدنام ننمائید

فرداست که در میان آنها هم اشخاصی مثل من پیدا شده و سر شما را بسنگ بدبختی خود تان خواهند کوبید فرد است که نسل معاصر بهوش آمده و شما ریشه های فسادرا ازبن خواهند کند .

بیائید وازامروز فکر خود باشید یا چاره کنید یاهمرنگ شوید .

اینستکه که به شما میگوئیم شما از آزادی بهره ندارید

اری شما از ازادی بهره ندارید و درقرن بیستم ازاین عملیات بجز افتضاح خود نتیجه نخواهید برده .

و بالعکس مردم قرن بیستم بریش شما ها . . . . . .

. . . مردم کول شما را نمیخورند شمائید که به این درجه از اهمیت ایران نامی کاسته اید

اینهم عقاید نسل معاصر است

خلاصه بیش ازاین نمیخواهم صفحات گرانبهای یک روزنامه که راجع بعموم ملت است اشغال کنم

فقط میگویم بیش ازاین مزاحم ملت بیچاره ایران نشوید و بگذارید بروند بکار خود مشغول شوند زیرا ملت شما را خوب شناخته و در مقابل احساسات پاک جوانان ملی باین ترهات تملق آمیز اهمیتی نمیشود .

هر چند شما هم نان میخواهید حق دارید حمایت از اربابان خود ... البته اگر نکنید نان شما قطع میشود

پس چه کنید

ولی ما میگوئیم

عصر عصر ترقی و دوره سعی و عمل است

عصر عصر نهضت جوانان است

ولی نه امثال شما ها

زیرا شما ها فاسد العقیده و جبان ترسو وپولکی هستید

ما جوانانی هستیم که تازه پایدار عمل گذارده و البته منتظرین مقام عالی هستیم .

مائیم که میخواهیم بعد ها ایران را که شما خراب کرده اید آباد کنیم

این مملکت آباد نمیشود مگر از ... ما جوانان .

حس پیدا کنید و بیش از این فحش نامه های خودتان را پر نکنید فخر ننمائید .

البته حس انتقام در هر بشر ضعیفی یافت میشود ولی قلب ما مانند آئینه شفاف و پاک است

میر سید محمد خان کاشانی نسل معاصر

ساکن چاله میدان

شعبه کتب ... مطبعه ...

صفحه ۲۸

دکتر - مرد حسابی من بتو میگویم حالا من نمیتوانم دوا بدهم فردا بیا من دوائی خواهم داد که سرت مو در بیاورد

مشهدی قنبر - ابداً من از این جا بیرون نمی روم تا سرم مو در نیاورد

دکتر « با تغیر » من حالا میروم آژان میاورم « خارج میشود »

مشهدی قنبر - هرکه را میخواهی بیاور من از این جا بیرون نمی روم « میافتد زمین »

قربان علی - از پشت پرده بیرون میاید دست در جیب مشهدی قنبر نموده مقداری پول در میاورد و به بچه گدا یا تغیر اشاره میکند که حرفی نزند

« مشهدی قنبر در موقعی که دست بجیبش کرده میگوید »

دکتر پول های مرا در میاوری

« قربان علی فوراً خارج میشود

دکتر - « باتفاق آژان وارد میشود » این است که اسباب اذیت شده است

مشهدی قنبر - « دست در جیب خود کرده » دکتر پول های مرا دزدیدی تو دکتری یا دزدی

دکتر - مردکه من پول چه ! دزدی چه !

مشهدی قنبر - من خود با چشم خودم دیدم دزدیدی

دکتر - مردکه آدم خودت رابشناس بیهوده حرف مزن

سال دوم دوره دوم شماره چهاردهم

اداره: طهران - خیابان اسلامبول

دو شنبه چهار شنبه جمعه

تک نمره ۸ شاهی

پس از یک هفته یک قران است

فرن بیستم

صاحب امتیاز و نویسنده اساسی ر - میرزاده عشقی

چهارشنبه ۲۶ رجب المرجب ۱۳۴۱ - ۱۰ اسد ۱۳۰۱ - ۳۱ اگست ۱۹۲۲

آونمان پستی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان

وجه اشتراک

برای محصلین - کارگران و اعضاء اتحادیه‌ها ۵ تومان

قیمت اعلانات و مقالات خصوصی

با دفتر اداره است

بمناسبت نزدیکی عید نوروز

عید نوروز

ژم (جم) بزبان پهلوی سلطان را گویند . منوچهر پادشاه باستانی برای رسیدگی باحوال اهالی ایران وسیر مملکت خویش درقرن سوم به سمر قند رفته و اواخر زمستان بازر آبادکان رسید در آنجا مجلسی ازدر باریان و وزرا و منجمین تشکیل داده وگفت میخواهد جشن سالیانه برای کشور ایران که مربوط بادیان مل نباشد رسماً برقرار سازد، تا همه اهالی مملکت ایران هر سال در انروز عید کنند .

ستاره شناسان اول پروردین را (۲۱ و ۲۲ مارس) چون روز آفتاب به نقطه حمل ، برابری شب و روز ، گذشتن زمستان و تجدید حیات زمین پیشنهاد کرده و گفتند : وقتی خدا زمین لطیف بهاری آن بحد کمال پیراست و همچنین آدم ابوالبشر را در آغاز بهار به گیتی فرستاده . البته یک چنین روزی نه منتها برای ایرانیان و بلکه برای اهل عالم مقدس است و شایسته تجدید سال جهانیان و شادمانی جهانیان می باشد

مجلسیان تصویب کرده و شاه امضاء نموده .

نخستین روز فروردین منوچهر رخت زرغوانی جواهردوز در بر و تاج مرصع پرگوهر سیزده زاری بتخت زرین بر آمده روبروی خورشید بنشست . گوهرهای گرانبها رنگارنگ از اشعه شمس تابناک شده و شهریار مانند یک قطعه فیروزان در آن میان می درخشید . اولین صدای بوق بتقدیم تبریک رسید ! رسید ! رسید ! بانگ شد بزبان پهلوی روشن درخشان معنی میدهد . از آوفت خبر فوق الذکر بجمشید ملهب گشت . جمشید امر داد نوروز را در هرسال باعداد ماههای سال ۱۲ روز جشن گرفته و میان ایرانیان در هرجا از هر ملت که باشند گویند و روز ۱۳ بگشت و صحرا رفته و از ۱۴ پروردین بکار مشغول شوند . جمشید در آن دوازده روز هر مقصر یا زندانی را بخواهش اهالی عفو و آزاد می ساخت . افسوس یک چنین عید بزرگی از حقوق ملت ایران ساقط شد .

قرائن حکومت (با تقاضای قربان علی وارد شده خطاب به دکتر)

آقای دکتر این قربان علی آمده بحکومت عارض شده اکبر پسرش را شما آورده اید نگاهداشته اید سپرده اید که پس از روانه بعد با این که خودتان بیایید جواب بگوئید —

دکتر - (بعد از قدری فکر) حیف از این پسر که تو پدر او هستی افسوس از این پسر اگر تا سه سال دیگر نزد من بود یک دکتر حسابی می شد —

قربان علی — من هیچ نمی خوانم خدا هم دکتر بشود قربان علی مگر خودش دکتر است میخوانم هم که پیر بشود

بچه کجا — ای داد بیداد بیچاره من بد بخت من که این سن نوشتم است

دکتر — اما دیگر دکتر خواهد شد افسوس افسوس

قربان علی — ای بچهنم نالیسه شد دکتر نمی شود من که دکتر نمیخوام از گرسنگی میمردم

دکتر — بچه را خوب اگر میخواهید ببرید

قربان علی — شما یک اجیر کاما شوهی از او گرفته اید ما باید همین الان یک مرد محترمی را بخواهید و اجیر نامه را فسخ کنید

دکتر — با این اصف شب مرد محترم را از کجا خبر کنم باید

قربان علی — حتما باید صبح اجیر نامه امشب خوانده شود

جشن نوروز زمانند درفش ۳ رنگ مادر داریوش شیر خورشید از علائم رسمی ایران باستان بشمار میاید .

از اهالی ایران مسلمانان و زرتشتیان عید نوروز را باشیرینی و کلاب و یاس نوین شادمانه بجلال پذیرائی میکنند .

و دیگر ایرانیان از مسیحی و کلیمی [که بی شک در قدیم شرکت داشته] خویشتن را بر کنار نگذاشته اند .

شاید می پندارند نوروز عید مذهبی مسلمین و یا زرد شتیان است ! اگر چنین بودی نوشتی و یا تشریفات اسلامیه عید میگرفت در صورتیکه می بینند در سایر ممالک اسلامی مانند عثمانی از نوروز آثاری نیست و در هندوستان فقط پارسیان که اجداد آنان در شکست یزدگرد و فتح عمر از ایران مهاجرت کرده ، این تنها یادگار پدران مهاجر خویش را حفظ و نوروز را جشن میگیرند آری نوروز مخصوص ایرانیان است هرچه از هر ملت که باشد هر ایرانی در هر جا که باشد هر ایرانی در هر عصر هر ایرانی در هر دین و مذهب که باشد در اول ماه جشن میگیرند چنانچه هر ایرانی در هر گوشه جهان باشد نوروز را مبارک شمرده و عید میگیرد) سزاوار است آن ایرانیان غیر مسلم و غیر زرتشتی که دلی خویشتن را از این جشن محروم داشته اند از این پس باجتماع شرکت در آیند .

از آغاز پروردین زمین لباس نوین خودرا از مخمل پوش سبز در بر با کل های رنگارنگ خویشتن را زینت داده و درختها دسته دسته برگهای چسبنده معطر خودرا به تبریک نوروزی بیرون میدهند غنچه های گل سرخ مانند عروسان سر از گریبان های زمردین بدر بلبلان ساز سخن را کوک ، چه چه زنان برای تقدیم نوبهای عید باخوش معشوقهای خویش می ایند .

در حقیقت تمامی موجودات در این موقع جشن دارند . آیا برای آن انسانهای مملکت خورشیدی ، که خویشتن را از این جشن بهاری تازه شدن دنیای ابهی بر کنار میگیرند . سر شکسته کی نیست ؟

با یک عید دیگر مانند نوروز داریم آنروز نیست که کاخ استبداد از آش عضب ملت ایران خاکستر شده وزمیر های ظلم بقوت بازوی اهالی مملکت قطعه قطعه گشته و آفتاب آزادی در ۱۴ جمادی الاخر از آسمان بهارستان بما سلام داد . این عید مانند جشن ۱۴ ژوییه فرانسه هاومثل ۷ آکتبر انقلاب کبیر روس مقدس است .

هر فرد انسوی خواه از هر ملت باشد در ۱۴ ژوییه اگر فرسنگ از مملکت خود دور باشد سازجشن را بنوای مارسیز گوک و چیره کی آنروز را از نظر خویش دفیله داده و عید میکند . هر اهل مملکت روز از اهالی [illegible] و بیرق سرخش را بوسیده و بروز ابروی داس و بوتک سلام بیفرستد .

در این جا نمی شود بی سرزنش نا گفته گذارد که یک عده از اهالی ولایات ایران هنوز از جشن مشروطیت بی خبرو بخواب غفلت اندرند منتها طهران در این عید کامرانی میکند . بعضی از عمال حکومت مشروطه ایران در پاداشتن این جشن کوتاهی میورزند وهیچ گاه بلکه تاکنون بودجه آنرا بمجلس شورای ملی پیشنهاد نکرده است . شاید از اینده تاکنون هیچیک از سفراء و قونسلهای ایران هم این روز را در خارجه عید نگرفته اند .

از ذره نوازندگان و خبرنگاران جراید وقائدین احزاب است که با گفتن و نوشتن جشن انقلاب ایران را استوار داشته بنام اهالی ایران در هر ۱۴ جمادی الاخر تعطیل و چراغانی نموده وبیرق سبز و سفید و سرخش را باهتزاز در آورد و عید کنند .

(کی استوان گیلانی)

ما از عموم مطلعین و متفکرین منتظریم که در این ایام نزدیک عید عقاید و آراء خود را راجع به نوروز نگاه داشته و صفحات جرائد مرگزار را با ذکر مزایای این عید مهم مزین نمایند

فرن بیستم

روزنامه نویسی مایه خون دل

روزنامه نویسی مایه خون دل است خصوصا برای من

باید دید امید بعضی از مردم را که متاهل شدند و در نتیجه عیال بار کردند اند وقتی بدوستان صمیمی درد دل میکنند با نهایت تاثر اظهار میدارند .

خوشا بحال آن ایامیکه ما پای بند اهل و عیال نشده بودیم و خودرا گرفتار این درد سر لاعلاج نموده بودیم

در خانه پدر بودیم نه غم نان داشتیم نه غصه لباس که می شنیدیم بابسا گوش نداریم لباسم دریده کلا هم کهنه شده و نه میدیدم که صبح ده نفر دهنشان باز است و لقمه میخواهند [illegible]

روزنامه هزار دردسر دارد که یکی از آنها مصارف هنگفت طبعه و کاغذ است (تقریبا شماره چهل تومان)

من خودم قبل از اینکه شروع به نوشتن قرن بیستم نمایم با غالب از مدیران محترم مراتد محضور بودم و از انها میشنیدم که روزنامه نویسی مایه خون دل است ولی انطوریکه باید نمی فهمیدم چی دل انها میسوزد که این حرف را می زنند

ولی حالا :

اولا یک قلم هرچه روز نامه نویس می نویسم بحال متفارقت میکنم سابق بعضی از اشخاص مستحق دیده میشد که یک ورقه استشهادی از مجتهدین دردست دارند که این شخص مستحق است باو ترحم کنید

حالا روز نامه را که می بینم همان ورقه استشهاد استحقاق در نظر جلوه میدهد تا روزنامه را می بینم پیش خودم میگویم ناشر این ورقه مستحق است هرکس باو ترحم نماید ثواب دارد روز نامه نویسی در ایران !!

عجب مالیا خولیائی !!

روزنامه را باید با مقالات عالمانه و فلسفی زینت داد این کار در ایران ممکن نیست چه که کثر مردمانی هستند که عالم و متخصص باشند تازه وقتی این قبیل اشخاص یافت بشوند وقت و مجالی حاضر نیستند که اطلاعات و نتیجه زحمات چندین ساله خود را تسلیم جرایدی نمایند که وقتی هم نکارشات انها چاپ شد اعتنا آنرا خواهد

شعرا با مغلوطه، مروفهای کهنه غلیظ خواهند یافت بینند اما یک صفحه را چاپ نکرده اند یا اوکه صفحات لانحه را این و پرتی

جیده‌اند بطوریکه از آن لائحه همه چیز فهمیده میشود جزان چیزیکه نویسنده در نظر گرفته

گذشته ازاین هر کس هوس کرد که معروف بشود یک مطالبی که هیچ قابل درج در جرائد نیست با یک انشاء مضحك و مخلوط می‌نویسد ومیاورد ونهایت درجه اصرار دارد که چاپ بشود و اگر دیر صلاح ندانست نویسنده ان میرنجد تمدنها دربخارج متقابل افترا وهتاکی است

روزنامه باید حاوی اخبار مهمه و اطلاعات کافی ازجریان امور اداری واجتماعی مملکت باشد

مملکت تا یکی فاقد مراکز تمرکز اخبار است

وزارتخانه ها ابدا اخبار مهمه را بر حسب دستوریکه دارند نمیدهند اخباری که وزارتخانه ها بمخبرین میدهند اخبار نیست اگر ندهندهم از خارج میشود تحصیل کرد فلانکس ریاست فلانجا منصوب شد فلان مرد ودزد که ریاست اداره مالیه فلان جا رفته بود معزول شد اینها هم که خبر نمیشود اخبار مخبرین ولایات هم چندان جالب اطمینان نیست خبر هرملی باهریك ازرؤسای ادارات محیط و خصوصیات دشت از او تعریف مینویسد و باهر کس کمپانه نداشت ازاول تکذیب میکند اخبار رویتر وبی‌سیم مسکوهم اخباری است که بعموم جرائد ارسال میشود روز نامه خودش باید منبع اخبار مخابرجی بالاختصاص داشته باشد که بان وسیله بتواند امتیازی از سائرین پیدا کند واز همان راه جلب توجه مشترکین بنماید اینهم گمه در تهران ممکن

دنیای خودمانی و روزنامه نویسان ایران

که در ایران فعلا میتوان گفت روزنامه نخوان نیست درطهران گذایخت مملکت ششهزار نسخه است شاید هزار نفر روزنامه نخوان نباشد اذالی‌هم که روزنامه نخوانند فقط از مقالاتیکه فحش خالی و هتك بی منطق داشته باشد خوششان میاید وهر کس پرت و پلا بنویسد پیش انها فاضل‌تر بنظر خواهد آمد

اینها همه یکطرف معامله مشترکین یك طرف اولا هفت تومان ابونه یکساله را باید پیش‌پیشکه فراش بیرود تا که اقای مشترك را ببیند بعد اقای مشترك بکوید بیرید وقبض شش ماهه بنویسید بیاورید وقتی ان قبض ششماهه را بهزار جان کندن داد فورا در همان روز متوقع است که بواسطه چهار تومانی که با نهایت . . . . اطف فرموده سر مقاله روزنامه سرتاپا تمجید ازایشان باشد

اما بدبختی که این گوینده زائد بر سایر جریده نگاران دارم

اولا مطلقا باشخاصی که پول بجرائد میدهند وکمکهای هنگفت می‌کنند مخالفم وبر ضد آنها همیشه مقدسیاتی داشته ام و با اشخاصی مسلکم موافق است که اغلب هیچ کدام عادت بپول دادن و کمك کردن بجرائد را ندارند

دوم اینکه چون روز نامه قرن بیستم در اواخر کابینه قوام السلطنه منتشر شد و یکی از عوامل مؤثر سقوط کابینه او بشمار امد جناب ایشان بعموم معارفین وزارتخانه ها که همه از دوستان معروف دست نشانده ایشانید رحمات کابینه وصیت فرمودند که اعلان بروزنامه قرن بیستم ندهید چنانکه تا بامروز با انکه وزراء سفارش کرده اند معاونین یك اعلان

دوستاری هم نفرستاده اند الان که این سطور را می نویسم خبر وارد شد واظهار کرد که وزارت مالیه اظهار داشته است ما گذشته از انکه بشما اعلان نخواهیم داد بشما هم نخواهیم داد چرا ؟ برای انکه در شماره سابق ما نوشتیم که معاون وزارت مالیه از ارباب جشید شش هزار تومان رشوه گرفته و این مسائل همین ایام در عدلیه مطرح است اگر بخواهم مصائب و درد های روزنامه نویس را بنویسم باید تمام روز نامه مارا برای این کار وقف نمایم همین قدر میگویم روز نامه نویس مایه خون دل است مخصوصاً برای من

نویسنده قرن بیستم

دارالشورای ملی

جلسه ۲۴۳

خلاصه مذاکرات عصر سه شنبه ۲۲ حوت ۱۳۰۱ - ۲۵ رجب ۱۳۴۱ مجلس یکساعت ایم غروب در تحت ریاست اقای مؤتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم قبل قرائت وبادو فقره اصلاح تصویب شد رئیس بودجه معارف ازماده ۲۵ مطرح است

فصل چهارم

ماده ۲۵ - اعتبارات ومصارف مبلغ ۱۲۹۰۰ تومان (تصویب شد)

فصل پنجم

ماده ۲۶ - صحیه مبلغ ۸۳۲۰۰ تومان

بصحیه ولایات و ایالات و بنادر حاضر چند اظهار داشتند وعقیده‌شان این بود که صحیه ولایات بی ترتیب وغیر نظم است و باید مثل صحیه طهران تمام نقاط کل و جزو صحیه منظم داشته باشد

وزیر معارف - اظهارات اقایان را تایید نموده و قول دادند که در بودجه سال آتیه تمام نظریات آقایان اجرا خواهد شد

ماده ۲۶ تصویب شد

ماده ۲۷ - مدرسه صنایع مستظرفه مبلغ ۱۴۴۰۰ تومان

تصویب شد

ماده ۲۸ - بودجه مدارس ابتدائی ایالات و ولایات مصوبه مجلس شورای ملی بودجه سابق مدارس ایالات و ولایات واداره معارف بعضی نقاط مبلغ ۱۸۴۴۰ تومان ومبلغ ۱۳۰۰۰۰ تومان هم از قرار تومان یکعباس و خاروباری یکقران است که اهالی هر محل کمك مینمایند

اقای شیخ الاسلام اصفهانی - عقیده داشتند که دولت و مجلس حتی الامکان نگهداری و کوشش در ترقی صحیه ومعارف وسایر ادارات در ولایات بنمایند

آقای پور رضا - شرحی از اوضاع راجع بنواقصات معارف و لایات و بنادر اظهار داشتند و شرحی بی ترتیبی مدارس بوشهر وشکایاتی که تلگرافا از آن محل مخابره شده بود اظهار و تقاضا نمودند که دولت بسر حدات نظر فوری بفرمایند و راجع بشکایات اهالی بوشهر هم جواب صحیحی فوری بدهند

مغرب جلسه برای تنفس تعطیل و پس از ۳ ربع مجلس مجددا تشکیل گردید

خبر از کمسیون بودجه بمجلس شورای ملی کمسیون بودجه در جلسه ۱۹ برج حوت قسمت اول لایحه ۳۸۳۴۸ دوات راجع بچهل وهشت هزار تومان مخارج فوق العاده مستشاران امریکائی را تحت شور مطالعه قرار داده مادواحده ذیل رآ برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید

مادهٔ واحده - وزارت مالیه مجاز است که بشرح ذیل مبلغ چهل و هشت هزار تومان مخارج فوق العاده مستشاران امریکائی را تادیه و پرداخت نماید

۱ - برای خریداری اثاثیه دفتر و منزل اقایان مستشارها وکرایه منازل انها ۳۰۰۰۰ تومان

ب - مخارج مسافرت از فرنگ تا طهران ۱۰۰۰۰

ج - حقوق مترجمین ومنشی و مستخدمین حوزه در اثر مستشاری ۴۰۰۰ تومان

د - حقوق معاونین اداری در ظرف سه ماه اخر سال ۴۰۰۰ تومان

و پس از توضیحات وزیر مالیه از ۷۶ نفر نمایندگان حاضر با اکثریت ۶۰ رای تصویب شد -

آقای داور - موافق عقیده داشتند که اعتبارات را آقایان بگذارند برای پیشنهاد آقای صنیع الدوله تصویب نمود که صورت جزء بودجه ایالات وولایات را بمجلس بیاورند تا از روی بصیرت رای گرفته شود - پس از توضیحات خودشان - پیشنهاد قابل توجه شد ومادهٔ ۲۸ مانده تا صورت جزء طبع وتوزیع شود وبادقت رای گرفته شود

رئیس - راپورت کمسیون بودجه راجع بمبلغ ۴۸۹ هزار تومان اعتبار مطرح است

(بشرح ذیل قرائت شد)

راپورت کمسیون بودجه راجع بخرج تحصیل میرزا سید مرتضی خان ناظمی ۶ ساله در المان بمبلغ ۳۸۷ تومان - اخذ اراء بعمل امده از ۷۶ نفر نمایندگان حاضر با اکثریت ۵۸ رای تصویب گردید

برحسب تقاضای شاهزاده شیخ الرئیس وسلیمان میرزا لایحه راجع به یکصد هزار تومان اعتبار دوره پنجم قرائت ومطرح از ۷۷ نفر نمایندگان حاضر با اکثریت ۶۶ رای تصویب گردید

مجلس ۲ ساعت نیم از شب ختم شد دستور فردا لایحه قانون استخدام قضات عدلیه و کارد شهری

اخبار داخله

دربار

روز گذشته آقای مستوفی الممالك رئیس الوزراء بدربار تشریف آورده تا دو ساعت بند از ظهر مشغول رتق و فتق امورات بوده اند

انتخاب

اقای میرزا میداقه خان کرمانی بریاست تفتیش وزارت مالیه منصوب گردیدند

مخبر مخصوص ما اطلاع میدهد خبری که این روزها مطرح و در شهر شهرت دارد تلگرافی است که حجت الاسلام اقای حاجی آقا حسین مجتهد از خراسان بعنوان حضرت آیة الله آقای حاجی شیخ عبدالکریم دامت برکاته نموده اند و از قرار معلوم مضمون تلگراف این است که انگلیسها در مشهد مقدس مشغول خریداری املاك و علاقه میباشند و این مسئله منافی شرع انور میباشد تقاضای اقدام و مساعدت در رفع این مسئله از معظم له نموده اند

گویا آقای حاجی شیخ هنوز اقدام و تصمیمی دراین موضوع نفرموده اند

تلگرافات روتر

نماینده استثمار در روسیه

— هلسینگفرس — خبر واصله ازمسکو اشعار میدارد — داج مایندہ کمپانی نفت استاندارد برای مذاکره راجع بتجدید حساب صنعتی نفت روسیه وارد مسکو گردیده است

حالت وخیم فراریان

— اسلامیون ۷ — مهاجرین مانند سیل باسلامبول میریزند و بانهایت تاسف معلوم شده است که موسسات خیریه واحسانیه موجوده قادر بمساعدت نیستند آنان ودر موقعی که مسئله (هیر نیکتن) برای مشایعت فقط پیدا کرده حالت وخیم مهاجرین اناطولی را بانهایت رقت ملاحظه می‌نمود قریب یك صد زرع دور ازبقدر یك قابق الکار اندا خانه ومعلو از مهاجرین پر آبله بود و غالب آنها زن بودند پانزده فراز آن فلك زدگان مرده ولی بقدری قوت نداشته بودند اجسادشان را بدریا اندازند از دیروز تا کنون

شماره اینده نهضت اسلام

را بدقت بخوانید که حاوی تمام کاریهای دوره زندگانی یکی از پیشروان بزرگ دولت انقلاب ایران است

سی بندهای آنها نیز داخته اپگن امروز از طرف نماینده انگلیس طیب برای اعزام واحده پتریز در میانشان تقسیم اوضاع آتیه اسلامبول بس و هیجان میباید وامراض مسریه شهر را تحت در آورده و حالیه هم هفته صد ها از امراض مختلفه تلف میشوند

فجایع فرانسه

دستر استورك - چون عملیات خط آهن بین (اپن ویر) و [کیول] از مساعدت بقطار های حامل مصالح و لوازم راه آهن استنکاف ورزیدند امروز مامورین فرانسه امر بتعطیل نموده و فوراً قشون السلطنه و راه آهن را تصرف نمودند

توسعه تاحیه تصرف

— پاریس ۷ — وزارت جنك طیر که دیروز راجع بتصرف هشت شهر دیگر آلمان از طرف قوای فرانسه اشاعت یافت تاکید نموده و اسامی آنها از این قرار است : (دیسبورگ ازدف) [ ] (زن) (وی بن فورت) ، (رشید) ، (زی برك) ، (گیلف راج) ، (نت من) (ارتنان) بنا براین ناحیه منصرفه از جانب نو انگلیس یکی از ناحیه غیر منصرفه آلم بلکی جدا شده است

بصفحه ۳۰

حاجی کم گردد - ﴿ وارد میشود ﴾ امان دکتر فغان دکتر دردی نشسته بر دلم دکتر آنی نمی کند دلم دکتر

دلبر شد خون رود بیرون این درد از دل من کی دکتر هستم بدامانت ای دکتر

دکتر - آرام بگیر دهم من بر تو گردی که تا خوری زدرد آسوده گردی کم گریه کن ای حاجی ماشاءالله جوانی هیچ غصه نخور هر دردی دارد درمانی جانم درمانی

بهت چیست درد تو را چه نام است طب جدید غیر از طب قدیم است در طب قدیم خاکشیر اولین درمان است در طب جدید خاکشیر درمانی جوان است

حاجی جوان است

وانما درد شما چیست

حاجی - آقای دکتر من دختری دارم که اسمش فرنگ بود الان یک سال و نیم است که از من دزدیده اند اگر پیدا نید چقدر دوستش

بدبخت اهالی همدان

...ح مفصل حیرت آوری شکایت و آه و ناله از انجمن زارعین همدان در ...وضوع تعدیات غیر قابل تحمل حکومت آنجا بایکسلسله اسناد کافی حاکی از ...یات فوق العاده حکومت سر خود آنجا باداره رسیده که حقیقتاً ...توان گفت عملیات دوره استبداد و کیف مایشائی را ادامه داده و ما ...واسطه ضیق صفحات از درج بین مکتوب و اسناد آنها خود داری ...وده و همین قدر دولت صالح وقت را تذکر میدهم که در اینموقع که تمام ...هالی ولایات و ایالات منتظرند که نسبت بانها عطف توجهی شده و دست ...بور و تعدی حکام جابر را از سر آنها کوتاه کرده و زمام امور آنها را بدست ...مردمان صالح و عناصر بی آلایش بدهند خوب است بشکایات آنها خاتمه ...ده که اسباب مزید امیدواری گردد و بگذشت زارع و رنجبر از این بدبختی ...رهائی یابند

...احسب الوظیفه پنجاه شصت سند از عملیات خود سرانه حکومت همدان را ...برای ما انجمن زارعین فرستاده‌اند بنظر رئیس دولت خواهیم رساند و سعی ...واهیم کرد بلکه رئیس دولت اهالی همدان را راحت نمایند اگر پارتیهایش ...نبیل حاجی میرزا عبد الوهاب بگذارند

قرن بیستم

اخطار از طرف توزیع کل جراید مرکزی

...موم مدیران جراید باکمال احترام معروض میدارم از این تاریخ ببعد نظر ...کثرت مشاغل و پیش آمد یک مسافرت غیر معلوم از جهة بنده و بغیر از ...ن جرایدی که اسامیش درج شده از توزیع سایر جراید معذرت میخواهم ...آقایانیکه شاگرد از برای انتشار جریده خود شان آورده اند از این تاریخ ...وزعین بکلی از فروش روزنامه ایشان امتناع دارند هرگاه آن مدیران ...م مجدداً مایل باشند که روزنامه ایشان بتوسط توزیع منتشر شود باید ...سارات موزعین را تادیه نمایند تا اینکه موزعین جراید آنها را از جهة فروش ...ند و الا توزیع بدون استثناء از توزیع نمودن جراید ایشان معذور است

...جرایدی که از این تاریخ منتشر میشود بقرار ذیل است .

...وفان بیدار (اقدام) بار - شفق - ستاره ایران - ایران - پرچم آسیای وسطی ...اتحاد - عصر جدید - میهن - وطن - گلشن - قانون - گل زرد - ...نوبهار - شهاب - افق روشن - پیکان - کار - مرد آزاد - ...وشش - حصار عدل - بامداد - قرن بیستم .

دفتر توزیع کل جراید مرکزی (محمد سقا زاده)

معاهده لزان

— اسلامبول — در اواخر مذاکرات راجع بمعاهده لزان در مجلس ملی آنقره یکصد و پنجاه نفر از مبعوثین پیشنهادی تقدیم کرده دائر بر اینکه هرگاه استقلال مالی ، اقتصادی ، و اداری عثمانی کاملا تضمین شود دولت اجازه امضاء معاهده را خواهد داشت این پیشنهاد بعد از دادن رای اعتماد بدولت بود ، بالاخره تصمیم گرفته شد که دولت اجازه دارد مطابق مواد ذیل امذاکرات ادامه دهد

— ۱ — القاء حق قضاوت قنسولها

۲ تاخیر انداختن حل قضایای اقتصادی و مالی و همچنین موصل

۳ — دست کشیدن از قره تاج

۴ — قبولی سایر موادیکه هیئت اعزامیه عثمانی پیشنهاد کرده

۵ — اخذ غرامت از میان

فشار ایطالی بالمان

— روم چون ۱۷ نفر کارگر و یک نفر کشیش ایطالیائی از بلوی علیا بسمت بلژیک مسافرت کرده و در راه با آنها بد سلوکی شده بتصور آنکه (روهر) میرفته اند (موسولیل) اقدام بسیار شدیدی نموده و تلگرافاً بسفیر ایطالی در سویس و قنسول یونتج دستور داده است که قویاً اعتراض نموده و تنبیه شدید مرتکبین را تقاضا کنند ضمناً هم (موسولین) در یادداشت خود اظهار داشته است : دولت جدید ایطالی اجازه نمیدهد با اتباع ایطالی بد رفتاری شود و بدون ملاحظه عواقب وخیمه جدا از آنها مدافعه خواهد کرد

تلگرافات خصوصی

از همدان

مقام منیع وزارت جلیله عدلیه کپیه ریاست وزراء کپیه مجلس شورای ملی کپیه عصر انقلاب کپیه قرن بیستم آقای سیفی عضو شعبه ثانی عدلیه من پیرمرد را چوب زده بقدریکه تمام پاهای من مجروح شده با پای مجروح به مدعی العموم تظلم کرده استشهاد میخواهد آنها را که در موقع زدن من بوده اند رعیت‌ها هستند که از دادن شهادت میترسند آخر ای وکلاءای وزراء این است حکومت مشروطه این است آزادی این است عدالت من پیر مرد هفتاد ساله کجا بروم بکه شکایت کنم سیف الله حیدری

***

اگر این واقعه صحت داشته باشد وزیر عدلیه اگر واقعا وزیر عدلیه باشد باید همان معامله را که آقا سیفی با این پیر مرد کرده است همان مسئله را با آقا سیفی بنماید

انقدر خونریزی انقدر انقلاب انقدر جان کندن این همه مشروطه بازی برای این بود که کسی کسی را بحکم خودش چوب بزند اگر اینطور باشد و هرشب کلاه سر عضو عدلیه افتد چوب زدن داشته باشد بهتر این است محمد علی شاه مخلوع را برای سلطنت دعوت کنیم

قرن بیستم

کنفرانس جالب توجه

روز جمعه ۲۸ شهر جاری سه ساعت بغروب در مجمع دموکرات از عموم هموطنان محترم برای استماع کنفرانس که از طرف یگانه ادیب فاضل و دانشمند معظم هم ملک محترم حضرت آقای آقا سید ابوالفتوح علوی که از پیشوایان آزادی هستند راجع بعلاقه مادی ایرانیان با آمال اهالی اسلامیه بین النهرین داده خواهد شد با کمال احترام دعوت میشود —

مدیر مجمع دموکرات

صدای اسلام

جریده صدای اسلام شماره اولش دیروز منتشر شد نویسنده آن اسلوب و سبک معین را اتخاذ نموده است اگرچه از مندرجات آن چنین فهمیده شد که نویسنده صدای اسلام عقیده اش با عقیده نویسنده قرن بیستم تا اندازه متباین است معذالک ما بنام آزادی عقیده آن اوراق را احترام نموده و امیدواریم که تا میتوانند بامتانت این جریده را که منتصب به اسلام و دیانت است جلوه بدهند و مانند بعضی از جرائد نازیبا هر روزی خود را طرفدار یک رژیم معرفی ننمایند

قرن بیستم

مسابقه قرن بیستم

آقای عشقی

مقاله خانم رفعتزاده در شماره سابق که از فرط تعصب خواسته بودند زن را با یک کلمات قشنگ و عبارات زیبا و آراسته اهمیت دهند مطالعه شد مینویسند : عقیده دارم که زن بهترین عامل زندگانی بشر در کلیه زحمات و مشقات و . . . .

الخ اهمیت زن در جامعه‌ها فقط از این نقطه نظر است که : اول مربی و معلم طفل است کی زن در کلیه زحمات و مشقات شریک و سهیم مرد است

زن یعنی تنبلترین مخلوقات زن (بقول آقای نفیسی) یعنی دشمن بشر زن یعنی سبب بدبختی مرد زن یعنی باعث جمله مصائب و جنایات و خیانات . . .

ما اگر رجوع بتاریخ و حکایات و رمانها نمائیم خواهیم دید سبب تمام جنایات و خیانات و مصائب زن بوده و هست

خسرو پرویز را زن بکشتن داد قیس را زن مجنون کرد و دربدر نمود وامق را زن بان بلیات دچار کرد . . . .

زن تن پرور ترین خلایق است و تمام عالم و مافیها را برای لذت آنی و خوش گذرانی خود میخواهد

زن دارای هیچ نوع احساسات نیست مثلا عالی اجناسیکه در خصوص امتعه وطنی کنفرانس میدهد همیشه خودش چادر اطلسی و پوطین فرنگی . . . . می پوشد ما اگر دقت کنیم خواهیم دید : اجناسی که از خارجه وارد این مملکت میشود ربع آن مردانه نیست همه‌اش چادر اطلس پوطین برق پارچه های حریر و نازک و تور و روبان و اسباب توالت . . . . و غیره

کنفرانس و مقاله نویسی ایشان یک ظاهر سازی و فورمالیته میباشد

خانم رفعت زاده باز مینویسند : بلی بعقیده جوان من زن اساس پایه ترقی یک مملکتی بشمار میرود : وچرا ؟ ؟ زیرا آنکسیکه با زحمت . . . . . خلاصه یعنی آنکه نخستین مربی غفل است خوب تمام محسنات زن همین است و ما نیز در

صفحه ۱

شاعر جوان

این ساختمانی را که می‌بینی افسانه من در آن جا گرفته است و یک طرز مکالمه آزادی را نشان می دهد شاید برای دفعه اول پسندیده تر نباشد اما باعتقاد من از این حیث که می تواند به نمایش ها اختصاصی داشته باشد بهترین ساختمان ها است . برای همین اختصاصی همانطور که سایر اقسام شعر هرکدام اسمی دارند اسم ساختمان خود را که نمایش اسم گذاشته ام و جز این هم شایسته اسم دیگری نبود .

اگر بعضی ساختمان‌ها مثلا مثنوی بواسطه وسعت خود در شرح یک سرگذشت وصف یک موضوع تو را کمی رهائی می دهد تا بتواند روح و قلب تو با هر ضربت خود حرکتی کند این یکی چندین برابر آن صاحب این نوع مزیت است .

اینقدر گنجایش دارد که هرچه در آن جا بدهی از تو می پذیرد : وصف ، زمان تعزیه مضحکه هرچه بخواهی .

خوب هم از اشخاص مجلس تو پذیرائی میکنند : آنها را وا میگذارد در یک یا چند مصرع یا یکی دو کلمه از روی اراده و طبیعت هرقدر بخواهند صحبت کنند و هرجا خواسته باشند سؤال و جواب خود را قطع کنند ، بدون اینکه تجاری و کم وسعتی شعری آنها را بسخن در آورده باشد . در حقیقت در این ساختمان اشخاصی هستند که صحبت می کنند نه اینهمه تکلفات شعری .

چیزی که بیشتر مرا باین ساختمان تازه معتقد کرده است همان

صفحه ۳۱

داشتم و الان از فراق او ناخوش شده ام

دکتر خیلی خوب چون شب است تشخیص مرض شما را نمی توانم بدهم انشاء الله صبح تشریف بیاورید کاملا معاینه بکنم ولی عجالتا خواهش دارم شما هم شاهد باشید که من اجیر نامه این پسر را (صدا میزند اکبر قربان علی بیائید جلو) فسخ کردم

حاجی بعد از جلو آمدن اکبر و قربان علی با نهایت تعجب بچه گدا را نگاه کرده یکمرتبه او را بغل نمود ای وای غزال تو این جائی چرا لباس مردانه پوشیده ؟ -

دکتر - حاجی چه میفرمائید

حاجی - دخترم را که گم کرده بودم همین است (مجدداً او را بغل میکند)

قربان علی - تا سلامتی اجیر نامه را خوب فسخ کردم عجب خطائی کردم

شیفته خانم - وارد سن شده بطور تعجبی بچه گدا را نگاه میکند وای تو مرد نبودی تو هم مثل من زن بودی

بچه گدا - دیدی خانم وقتی که میگفتم از من آنچه تو میخواهی ساخته نه نیست حق داشتم و تو باور نمی کردی و من هم نمی دانستم چه زبان بتو حالی کنم

شیفته خانم — وای من در ماه اشتباهی عاشق بودم

قربان علی — تبارک الله تو هم عاشقی

فوق این مسئله را متذکر شدیم

ولی متاسفانه این محسنات در زنهای طهران نیست من باچشم خودم دیده ام فلان خانم خودشان چادر اطلس وپوتین زرد شفاف ولباسهای حریر وتشك دستکش ابریشمی رنك پوشیده ودر خانه را بسته اطفال بیچاره راکریان که نه در سر کلاه دارند نه دربر جامه درخانه میگذارند وخودشان بی تفریح میروند

خواهش میکنم واستدعا مینمایم خانم محترم قدری تامل وتعقل فرمایند وبخود بر نوشتن این کلمات مبادرت نفرمایند

دیگر خانم زینت زاده مینویسند : وبالاخره برخلاف گفته فرانسویها عقیده دارم (زن شریك زندگانی یعنی شریك صدمه و راحتی مرد بوده هر چه از او فرار کنید شما را تعاقب میکند وهرچه اورا تعاقب کنید ازشما دور میشود) این دیگر خیلی مضحك است زن حالش این است دراول بافرار واستهای ومهارت مردرا شیفتهٔ خود مینماید وهمینکه حس کرد مرد خود را تسلیم وی نمود ازاو دوری و مهجوری میکند واین دشمن شیر ازاین حیله ومکاری خود همیشه برخویش میبالد وخوش و خورسند است

باز خانم محترم مینویسند : واما اینکه میگویند هرچه شما وارا تعاقب کنید ازشما فرار خواهد کرد زن دارای صفات چند است ازآن جمله رقیق القلب وزود باور است وبا قلب پراز محبت وخالی ازهر گونه عیب و ویا تقاضای مرد را ... النع چگونه انصاف و وجدان نویسندهٔ محترم اجازه می دهد بر اینکه بنویسند زن رقیق القلب است

زن رقیق القلب کجا بود ؟؟ زن تمی القلب تراز تمام مردن عالم است وزن زودباور کجا بود ؟ ؟ محیل ترین وفریبنده ترین جمله خلایق است زن دل پر از محبت کجا بود ؟ ؟ زن ظالم ترین همه افریده شدگان است

اینکه مرد ازوی سیر میشود متاسفانه من ندیدم وسراغ ندارم مردی از یك زنی تحبب که شریك خوب و بد او و رفیق زندگانی وی باشد از او سیر شود ودوری نماید

همیشه زنها ازشوهر خود سیر شده درفکر همسر دیگر میافتند واو را مجبور بدادن طلاق میکند

در سر تاسر این مقاله فقط ستور ذیل از روی انصاف بوده که مینویسد خوش بخت مردوزنیکه توافق اخلاق داشته باشند وبایمان صمیمیت کههم رسیده اند تا آخر بوده تشکیل خانه سعادتمندی بدهند و نورسان خود را برای خدمت بوطن آماده سازند

ولی بازهم ازاظهار عشق خواننده لایق مظهر عشق زن کجا بود

مظهر عشق هم آن است که فلان شاعررا درگوشهٔ مقابر نشاند

مظهر عشق همان است که فلان نقاش را از لذات دنیا محروم مینماید و بآن خوش است

مظهر عشق همان است که فلان نویسنده را رایگان بزندان میسپارد

آقای مدیر محترم من میخواستم مظهر عشق را تشریح کنم و رفع اشتباه نمایم تا دیگر از آقایان وخانمها زنرا مظهر عشق خطاب نکنند ولی کسالت اجازه نداد تولید میدهم بعدها مظاهر عشق را تعریف نمایم

رسام ارژنگی

صفحه ۲

روایت طبیعت است و هیچ حسی برای شعر وشاعر بالاتر از این نیست که بهتر بتواند طبیعت را تشریح کند وقتی که نمایش خودرا تمام کرده به صحنه دادم بتو نشان خواهم داد چطور سلا شاید چند تا تصورات کوچك کوچك تواند بتوسعه دهد تا تفاوت این ساختمان را با ساختمان های کهنه بشناسی تمام نظریات مرا در دیباچه نمایش آینده من خواهی دید این افسانه فقط نمونه ای است .

نیما

اُمّه‌ها

من فسانه دل عاشقانم

اول شب است

عاشق در کنار جنگل تنها نشسته غمگین و متفکر است

ای دل من دل من دل من !
ماجرا مضطرا قابل حسن !
همه خوبی و قدر و عزت
از تو آخر چه شد حاصل من
جز سرشك و غم و نا امیدی
آخر ای بیوا دل چه دیدی

مختصری ولایات

از شهر هرود

۱ـ عصر ۲۸ دو سروش بر نشاط اقارکی ملت غیر مسبوق خورشید نموده وبرساله ۱۳ ساعت وقت نموده

۲ـ قریب ۲۰ روز است وثوق اهالی بسطام وبیوند و سروش (ده ملا) ـ کلانه ملا ـ حداده ـ سرخ زمار ـ قلعه نو وسایر دهات قرب شهر بوسیله اجحافات مامورین مالیه در تذکره‌خانه متحصن و با اولیاء امور مشغول مذاکره هستند تاکنون جواب مساعدی از مرکز نگرفته اند

۳ـ روز قبل حشمت بخوت ولیس قلعه بوسیله عساکر اعزامی که با ولیس مالیه داشته او رسیدن حقوق چند برج افراد استعفای خودرا تقدیم بوزارت داخله نموده است ویکروز بعد محتشم الدوله کفیل حکومت استعفای خود راجوزرت جنك نموده است ! !

۴ـ دوروز قبل از طرف ریاست مالیه وکفیل معارف امر تاسیس یکباب مدرسه دولتی در قصبه بسطام شده وچند طفرا اعلان در معابر بسطام الصاق شده که اطفال بی‌بضاعت بدیرا قبول میشود

۵ـ مدرسه دولتی شاهرود عما قریب منحل یا لی خواهد شد زیرا میرزا عبدالله رقبی رئیس معارف قریب شش ماه است در طهران مشغول عیاشی است و مدرسه مذکور دارای ۵۰ نفر شاگرد ماهانه و ۳۰ نفر محصل بی بضاعت که هر کدام باید مقدر قوه درماه تعارف بحفیل و مدیر مدرسه بدهند ! ! !

۶ـ اداره بلدیه اسمی بلا رسم است کفیل حکومت وقالای شیخ احمد چند نفر اشخاص قالایق را بدون رای بلکه اطلاع اهالی بسمت ریاست واجزای بلدیه منصوب نموده ایشان هم زیلو زرگ در سر منزل نصب نموده وگاهی برحسب اتفاق درمنزل مذکور جمع میشوند ولی از بدو تشکیل تا کنون اقدامی در تنظیفات شهری و غیره از ایشان مشاهده نشده است معابر هم از کثرت اب وگل مملو است

اینست وضعیت بلدیه شهر یکه عایدی سوائل ان ماهیانه ۱۵۰۰ تومان است

۷ـ دو روز قبل حکم کفالت قاضیه تلگرافا از مرکز برای آقای معتمد دیوان بفعالی رسیده متعاقب الیه اداره را تحویل کرده ومشغول رتق وفتق امورات اداری هستند

۸ـ اهالی بسطام ودهات هنوز بحال آنحصن باقی هستند از قرار مسموع طوطه کردند که اگر تا یکهفته دیگر جواب ساعدی از طرف اولیاء امور نرسد مرام بالشویکی را بموقع اجرا گذارده وشهر را یغما نمایند !

۹ـ مدتی است پول نایاب شده و فشار اقتصادی روی کرده است که اکثر اهالی برای نان شب محتاج هستند در بازار و معابر جز سائل وگدا کمتر کسی دیده میشود !!!

مبارك باد یك هجو بیل

اگرچه تقریبا بتعطیلست بجراید جزء فوری تالیفه وآداب آشنا از رو دریایی روزنامه نگاران شدند هر روز ما نه که تازه منتشر میشود روزنامه نویس های دیگر اهم ازانکه بهیئت نگارنده آن خوش بین باشند ویا اورا بشناسند یا نشناسند مجبورند تقریظ بنویسند مخصوصا جملات تقریظ هم خورده خورده یك جملات معین پیدا شده جریده فلان درنحت نظروه مدیریت ادیب دانشمند فلان تازه از افق مطبوعات طلوع نموده ماموفقیت مدیر محترم آن جریده فریده را از خداوند متعال خواستاریم

بدون اینکه برسند به پهلو نویسنده آن روزنامه ادیب است ادیب دانشمند است دانشمند نیست اگر هم ایراد شود میگویند رسم شده قرض دادن وآداب معمولی است مثل آنکه بهر کس باید توشت جناب مستطاب اجل افخم اکرم امجد فلان

باری من این سبك را ابدا نمی پسندم روزنامه نویس باید روزنامه را تازه منتشر میشود بخواند و بپسندد یا نپسندد میترسم که یا خیر می پسندد چه سبك ارا می پسندد و بس احساسات خودرا قسمت یا نهایا نویسد

باهمین پرنسیب آینك مبارك باد گوئی ما بجراید ذیل

شفق سرخ

جریده شفق سرخ اخبرا تجدید سال خودرا اعلان نمود و شایسته است سال نو این جریده را تبریك گفت

جریده شفق سرخ دراین یکساله که منتشر شده است حقیقتا یکی از جرائد ممتاز ومهم پای تخت خودرا جلوه داده

اولا مدیر آن خودرا بوسیله اوراق منتشره شفق فاضل ومتفکر معرفی نموده وقبلا نشان داد که بوسیله انتشار روزنامه نمیخواهد فقط کاسبی کرده باشد بلکه قصد همه او در انتشار هفته سه شماره اوراق مجانی یا رو یا کاسه فقاید وافکار خود را نویر افکار سائرین نموده است وما ازهمین رو باقای دشتی سال نو جریدهٔ آبرومند شفق را تبریك میگوئیم

جریده گاو

جریدهٔ گاو تا کنون ۵ شماره از آن منتشر شده است از سبك نگارش ومندرجات آن فهمیده میشود که این جریده صاحب یك مسلك معین است وهمیشه یك عقیده و رویه مخصوصی را تعقیب خواهد نمود خصوصا چون آقای لسانی که سابق روزنامه اقتصادی لکلکه مدیر این جریده اند

مخصوصا با یشان متذکر میشویم که اسلوب جریده گاو از جریده اتحاد ایران هم بهتر شده است و عموم مردم هم باین روزنامه علاقه مندند و میدانند در این روز نامه یك روز یکی رادفن نخواهند کرد وروز دیگر همان دفن شده را تقدیس نمایند

و نوید میدهد که جریدهٔ گاو ارکان کار گران طهران است و مدافع در روی زمینه منافع کار گران قدم فرسائی خواهد نمود

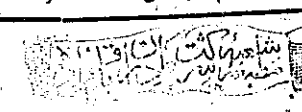

صفحه ۳۲

دگر بس خوب عالم ما ما حق داریم تو یکو به بینم چرا عاشق شدیم —

شیفته خانم (بامقام) کنه زشتباه است و من بی گناهم دو ماه است من عاشق اشتباهم وای اگش گرفتم وای آتش گرفتم چنان شد قحطی مرد آخر اندر دوده ساسان که گیر بر سر کله نهاد زن مرد است در ایران

خراب مردان زنان خراب زمردان مردان ما در چرا کمتر بی از زنان —

شیفته خانم — چشمش به مشهدی قنبر افتاده فورا با چادرش را محکم می گیرد آهسته بگوش بیچاره گدا بگوید این شوهر من است امشب او در خانه زنی را رفیق برای خود آورده من هم بخیال خود دلبری تو آمده بودم حالا نی کم از او ولی اشتباه کردم

فریاد علی — بیچاره این شوهر چه زنی را لازم دارد احمق زن خودش را این جا می بیند ولی نمیداند که چرا بواسطه این است که خوب صورت را گرفته است (۴)

بیوه گدا — (با حالت حزن)

سال دوم دوره دوم پانزدهم

اداره طهران خیابان اسلامبول

دو شنبه چهار شنبه جمعه

تک نمره ۸ شاهی

پس از یک هفته یک قران است

قرن بیستم

صاحب امتیاز و نویسنده اسامی ... میرزاده عشقی

۱۴ شعبان ۱۳۴۱ — ۱۴ مارس ۱۹۲۳

آونمان پستی

طهران ۷ داخله ۸ خارجه ۹ تومان

وجه اشتراک

برای محصلین ـ کارگران ـ و اعضاء اتحادیه‌ها ۵ تومان

قیمت اعلانات و مقالات خصوصی

با دفتر اداره است

وضعیت سیاسی

سال نو ـ اینده بیمناک

سال نکذشته بشد ظرف زمانش لبریز ریخت پر ساحت این ... متناهی دهلیز
بر کی سال نو آینده اسرار آمیز هیچ جغدی به ... نوای ... لحن ستیز
بنشسته است به بام فلک و نغمه سر است

دیل نو

خیال داشتم دراین شماره شمه‌ای از آواره وعقاید مختلفه‌راجع به‌نوروز بنظر قارئین برسانم مثل سفانه از امروز ببعدازظهر حوادثی‌داخل و خارج سیاست کردید که هواسی برای فکارش آن مقاله در من باقی نگذاشت الخاصل مجبور شدم که صرف نظر کنم وفقط بذکر این‌چند سطر اکتفا نمایم :

غالبی از متفکرین را عقیده این است که‌دوران موقعی که جماعات بشر فقط خانه و لانه بوده‌اند وزمستانها بایدن عریان برفشار سرما و برف و یخ و یخبندان بسر میبرده‌اند اساسا فصل زمستان‌را یک‌هیولای دشمن بشر حدس میزده‌اند

و از همین روی موسمی که آثار زمستان در تکاپوی سیری شدن بوده، است انها فکر میکرده اند که هیولای دوست دار بشر که بهار باشد با هیولای دشمن بشر ا زمستان ا درجنك است وعنقریب او را شکست خواهد داد و بهمین مناسبت برای کمك و معاضدت باو چوب جنکل و تیاغ حیوانات و استخوان بعضی از جانسور های درشت‌را بدست کرفته همه دورهم کرد آمده هلهله مینمودند

دراین معامله میخواسته‌اند که بدوست‌دار بشر(موسم بهار) بفهمانند که ما با یکدیك تو

امسالیم ودر ضمن نیز دشمن بشر (هیولای زمستان)را ترسانیده باشند و بفرور ایام که آثار زمستان رو بذوال می کذارده است حرکات آنها بهمین منوال تحریك هیجان شادمانی بیشتر میشده‌است تا انکه بکلی‌زمستان خاتمه میافته است

این عادت را ایام در هر دوره تغیری میداده‌است تا انکه‌در یك دوره از روی سرمشق عقیده فوق یکنفر را از میان خود بشکل هیولای مفروض زمستان درآورده خانه اند و مردم دیکر جمع شده باو میخنده‌اند و مسخره میکرده‌اند وهمین خانده کردن و مسخره نمودن را توام با جهیدن و رقص کردن بجا می آورده اند

این عادت تا امروز در قالب از ملل کهنه باقی میشود خود من در اسلامبول بوقانیها را دیده ام که آخر زمستان این حرکات‌را کم وبیش‌در میان کوچها بجا می آوردندو در ایران هم این عادت هست و همان دسته کوسه کابن مربوط بهمین عادتست و بعض از کوسه کابن کویا همان هیولای زمستان (دشمن بشر) باشد

درنتیجه این عقیده واین رسوم در هر ماقی ایام این حرکات وعادات را روز جشن وایام عید قرار داده‌اند و ممکن است عید نو روز ماهم نتیجه‌این عادات باشد وهمچنین کوسه کابن ما هم هیولای زمستان باشد؟ اکر

چه کابه کوسه کابن ترکی است و باید کفت این اسمهرا ترکها ایجاد آورده اند و لی عقیده نویسنده این است که این کوسه کابن در ایران از قدیم بوده شاید ترکها اسم انرا تغیر داده باشد

یادی جشن نو روز و عید سال نو در هر سالی بشر ایام خوشی و روزکار رهائی از فشار و محنت زمستان و وصال بهار و فصل شادابی است

اما نوروز امسال ما ؟!!!

* * *

آینده نوروز امسال

پیشك ما معلوم نیست که ایام شادمانی و روزکار خوشی باشد درست است بهار می اید ولی کو دل خوش کننده از بهار استفاده نماید

خیال میکند حوادثی که از دیروز تاکنون هر دم زن سلاقی کابینه ونه تنها کابینه بلکه سلاقی مقدرات اینده ایران و ایرانی با چهره سهمکین‌در فضای بهارستان عرض وجود نموده است خواهد کذاشت که ما از این بهار استفاده نمائیم

خیال میکند وزارت داخله آقای‌قوام السلطنه دما غی برای کسی باقی خواهد کذاشت که در این بهار کاری بکند

خلاکو اینده امسال‌نوروزاشرخ‌خوابهم نبوده نداشته باشد بدبختی‌های من نسبت باینده اینها چه ربطست

* * *

وضعیت کابینه دیروز نیمساعت قبل از حاضره ظهر آقای رئیس‌الوزراء آقای‌مخبر السلطنه را برای وزارت فوائد عامه و آقای بهاء الملك را برای وزارت مالیه و آقای ادیب السلطنه را برای کفالت وزارت داخله و آقای قوام الملك ایرانی‌وزارت پست‌وتلکراف‌مجلس برده‌اند که در حضور نمایندکان آقایان را معرفی نمایند

متاسفانه چون قبلا چند نفر از وکلا بملاقاتی آقای حاج میرزا علی‌محمد جداً مقام وزارت داخله را برای آقای قوام الدوله از رئیس الوزراء درخواست نموده بودند و رئیس الوزراء خواهش انهارا پذیرفته بوده قبل از ورود رئیس دولت و سائر وزراء در مجلس برای زمزمهٔ وقفه هائی بین مخالفین کابینه را کذارده بودند

و در پایان این زمزمه ها همین‌که رئیس الوزراء بعزم معرفی‌وزراء جدید میخواهد وارد سالون مجلس بشود نماینده از طرف خود به پیش‌رئیس‌الوزراء میفرستند که اکر داخل سالون مجلس بشوی‌وقوام‌الدوله‌را بوزارت داخله معرفی‌کنی باکابینه‌درهمین‌جلسه‌مخالفت خواهیم کرد و اکثریت رااز هم‌متلاشی خواهیم نمود رئیس‌الوزراءهم دراثر این اولومانوم ازورود در سالون مجلس خودداری نموده و از مجلس بعنوان دلتنکی خارج کردیده به هیئت دولت باز فاصله چند نفر از وکلا بادارهٔ ما همه قضیه را ذکر نموده و انها حدس‌میزدند که این کابینه با آنهمه مشکلات مقاومت نخواهد کرد و معلوم نیست تا چند روز دیکر این دولت‌درحیات کاستان آمدورفت داشته باشند

مردم‌خرد شما حدس بزنید که اوضاع سال آینده چه خواهد بود

ـ یك طرف اقلیت دیروزی اکثریت امروزی کاملا فهمانده اند

که اهوال تا آنها بساری نمیکند اقلا پنج شش ماه یك کابینه ایرا موافق دلخواه نموده مات نکاهداری کنند

از طرف‌دیکر صلحای قوم ومتفکرین و نویسندکان پاکباز کاملا از مجلس و سیاسیون معتمد مایوس کردیده و

صفحه ۳۳

بی دلم میرد زین دیار جا نمانده دل نزد یار
من به‌پای خود میروم تو برو دلم را بیار
عاشق ار برمعشوق دو شد خود به‌پای‌خود سوی کور شد
عاشقم عاشقم عاشقم
دکتر ـ من هم عاشقم ای امان .
بچه کدا ـ بر که
دکتر ـ بر تو روح روان جان من مکن ترك من
گر کنی کنم ترك جان عاشق ارز معشوق دور شد
خود به‌پای خود سوی کور شد عاشقم عاشقم عاشقم
(مجددا دکتر میخواند) بار بین رخ فکر وخته
چشم سوی من دوخته من در آتش افتادم
تو کجا دلت سوخته عاشق ارز معشوق دور شد
خود به‌پای خود سوی کور شد عاشقم عاشقم عاشقم

حاضری ـ معلوم میشود شما به یکدیکر عشق میبید
دکتر ـ جناب حضن من قبلا تو دوستم این دختر است و بدك

مکتوب

عشقی عزیزم

از قرائت آخرین مقاله شیرین شما که پیرامون انقلاب حمله کرده بودید در عین ملاقات خوشنود شدم که خود شما از اهل فاضل ولایق معاصر دفاع کرده‌اید

همان طور که در فکر داشته واراده من درموقع نکاشتن سلسله مقالات (نسل معاصر متوجه بوده است ـ ناچارم خاطر آن نویسنده‌محترم را اسوده سازم که موضوع (نسل معاصر) یك موضوع اجتماعی کلی است که فساد و اکثریت نسل جوان را که از اثر عدم بسط معارف در مدت مشروطیت و عالل و جهات عدیده اساسی که بثبوت انوشته‌میشود بوده است ، شرح میدهد ـ و بهیچوجه بجوانان فاضل و ادیب و شاعر که در قیساتوس بی پایان نسل معاصر حالات قطرات شبنم را دارند وبی اندازه عده انها کم است ، ارتباط ندارد ، تصدیق نمید هر وقت عیب یك جامعه نوشته میشود ، متوجه اکثریت جماعت بوده وقطعا افراد قابلی کاز عیوب عمومی مبرا ومنزه هستند حق‌شکوه وکله ندارند

درباقیه‌صورت‌میل دارم باتوجه بحقایق‌فوق واعتماد باحساسات شخصی من نسبت بخود وسایر معاصرین فاضل خودتان ، تصور خصوصی در موضوع مزبور درخاطر حساس خود نکرده واحتیاجات مرا نسبت بخود تان بیشتر بدانید ـ و هیجوقت مقالات اطیف خود را بشخصیات و الخصاصات در چه دوم تنزل ندارده مخصوصا خودتان هرچه بیشتر در شمردن معایب نسل معاصر وایجاد طرق اصلاح آن همراهی فرما نید

ودر خاتمه از پارهٔ جملات و اهانات که در بعضی جرائد نشر شده و شاید انرا هم بتوان مربوط بهمین تصورات و وهم طن ها نمود مثلا سنب هستم

م . بهار

* * *

در مقابل مقالات علمی اجتماعی اکر نویسنده بخواهد جواب بنویسد البته شایسته است که جواب آنهم علمی و اجتماعی باشد واز داخل شدن در شخصیات کاملا پرهیز نمایند

این کوینده‌درمقالات‌مسلسل کار برای آیندهای تازه‌مطالب را کاملا علمی و اجتماعی‌بیان نموده ام البته آن مقالات را مطالعه فرموده اید

اما در مقاله قرزندان انقلاب بنده کان میکنم در هیچ یك از سطور آن اسمی‌ازکسی برده نشده فقط بطور کلی کفته شده است که ارجال دوره انقلاب خسته اند ولازمست که بچه های انقلاب یعنی نسلیکه در موقع انقلاب بچه بوده‌اند وحالا بزرك شده اند روی کار بیایند وهمین طور مقالات نسل معاصر حضرت مستطاب عالی هم کاملا علمی بوده ولی و حضرت مستطابه لی جوانان فاسد و نسل ضایع معاصر را تعقیب فرموده اید که من هم بر علیه آنها هستم واین کوینده بعکس وقتی برای‌فرزندان انقلاب خطابه می نویسم غرضم از جوانهای فاضل وصالح است نه انها نیرا که شما شرح داده اید

نویسنده قرن بیستم

درباینده از حمایت مناصر معروف بمحبوب احتیاط خواهندداشت

کفته ازهمه اینها خورده‌خورده مشاهده میشود که وکلا بامقدرات‌ماقفریح میکنند

و مانند کودکان بیالهوس این بازی تشد ان بازی میکویند این کابینه را بیاندازیم ان کابینه‌را بیاوریم‌پس چه

مکر شیاست یك مملکتی را میشود باریجه تلقی نمود

این را برداریم انرا بکذاریم چیست

قوام الدوله از جان این مملکت چه می خواهد

وکلایك اندازه‌باریکی موقع رارعایت نمائید واقای قوام الدوله اکر یك‌چندی آهوس وزارت مدارا نمایند چه‌ضرری‌بر شخص ایشان ویاده‌مملکت متوجه خواهد شد

تصحیح

اظهار بدینکه نوبهار هفتگی با چندی منتشر نخواهد شد — لازم دانستم یك اشتباه ادبی که در شماره (۲۱) نوبهار در ضمن قصیدهٔ دماوند واقع شده‌است تصحیح شود : در آخر قصیده یك بیت واقع شده که در آنجا بین کوه (وزو) که ولکان (پمپی) در آن واقع شده بوده و کوه (اتنا) که آتش فشان سیسیل در سالیان اخیر در آن بوقوع پیوسته است اشتباه دست داده و این اشتباه هم مربوط بیکی از فضلا ست که اصرار کرده بود . اثبات نماید که قله آتش فشان سابقه (وزو) همان قله (اتنا) بوده — وعامیت لغت (ولکان) که در اصل شعر بوده است (اتنا) تبدیل یافته و اینك باشتباه مزبور واقف واصل شعر مزبور بطریق ذیل اصلاح میشود :

چونانکه بشاروسان [پمپی] ، ولکان ، با اهل معنی افکند ؛

استدعا داریم مشترکین محترم بیت را بدین طریق اصلاح بفرمایند — وفضلای قوم این تحری را بانظر اغماضی بنگرند .

دفتر نوبهار

اگر چه کابینه هم ..... نمی فهمم ما این کابینه را همیشه بحیث وضایع معرفی نموده ایم بین‌الله دوست ودشمن همبسرشتی ومحبوبیت رئیس الوزراء کنونی تصدیق دارند

اما منصفانه در این یك ماهه نمی‌که زمام امور را بدست گرفته اند توانسته اند کاملا موجبات خوشنودی اصلاح طلبان راجلب نمایند

...

حوصله ام سررفت

رئیس الوزراء کنونی با کمال شرمندگی خطاب میکنم :

آقای رئیس الوزراء والله حوصله‌من و حوصله عموم علاقه مندان بشما سررفت این چه وضعی است در ست و مجهول بیت شما جواب انتظارات اصلاح طلبان را نمیدهد

مردم منتظر بودند که شما در هر چه زودتر بیت اقداماتی بکنید که دراثر آن اقدامات سر تا سر طهران بلکه سر تا سر ایران گفت که آواز هلهله و شادمانی آزادی خواهان و اصلاح طلبان گردون جاشد که نشد

آقای رئیس الوزرا بر فرض اینکه موانعی برای اینگونه اقدامات درپیش داشته باشید اقلا شما یکه وی شجاعت و متانت وایستادگی بخرج بدهید

آقای رئیس الوزراء از این وکلا ئیکه ابداً روح ملت ازجریان انتخاب انها اطلاعی ندارد شما چه توقع دارید بسر فرض دو فر وکیل ..... امدند و بشما گفتند که وزراء جدید را امروز معرفی فرمائید شما را چه واداشت که حرف انها را بشنوید

آقای رئیس الوزرا شما خیال میکنید که فقط وکلا صاحب اختیار اوضاع این مملکت هستند وای‌ما ویسنده‌گان (یعنی ما سلطنت کننده گان در افکار عامه) هیچ مداخلی نداریم

خیر آقای رئیس الوزراء یك گوشه از کارهای مهم این مملکت که مربوط به افکارعامه است کاملا دردست ماست

آینده بیمناك اگر این رویه ها که در پیش است

سـال نو مـا بچـه روز

دیگر ادامه پیدا کند

وای بر سال آینده !!

سال آینده برای ما یك‌سال سر تا سر عزاو ماتم خواهد بود اگر چند غلط دیگر این کابینه بخورد و یك چند مرتبه دیگر کابینه این پهلو ان پهلو بشود این دولت از میان خواهد رفت و نتیجه خون دل خوردن و زحمات پنج و شش ماهه یك عده پاك باز آزادی خواه دستخوش هوس رانی امثال حاجی میرزا علی محمد خواهد شد

کابینه مستوفی الممالك خواهد افتاد ویك کابینه ارتجاعی یا بریاست قوام‌السلطنه و یا قوام الدوله و یا دیگری امثال اینها تشکیل خواهد شدو انتخابات دوره پنجم مجلس به منفعت ارتجاعیون تمام خواهد شد

و در نتیجه مملکت بطرف یك ارتجاع سهمگین رجعت خواهد نمود شرط باشد عناصری برای وکالت دورهٔ پنجم انتخاب کردند که مردم‌روز چراغ برداشته دنبال نصرت الدوله ها و وثوق الدوله ها بگردد شرط باشد هیاکل عجیب و غریب وقیافه های‌واویلاهائی‌در کرسی های‌مجلس دوره پنجم به نشینند که مردم از نخوست قیافه انها به فیروتومی وأویلا نمای‌مدرس پناه ببرند

ای بچه‌های انقلاب

ای انهائیکه در موقع انقلاب

بچه بودید‌ومدرسه میرفتایدو حالا بزرگ شده واز مدرسه بیرون امده اید این است اوضاع ومنگر بدوران شما بر زمین شما

را باین روز نشانده اند وحالا هم محیط باین خراب‌شما تسلیم نمی کنند میخواهند امور انرا خراب کنند که دیگر قابل تعمیر نباشد انوقت بما تسلیم نمایند

رفقا برادرهای عزیز !

بیائید از حالا جلو گیری کنیم رفقا خودتان را تسلیم موقعیات ننمائید زمستانه مسردمان تنبل را بیدار کند اسیر نمایند ولی مردمان فعال کاملا می توانند حوادث را اسیر خود بنمایند

روز کار همه گونه صدمات و بلیات برای نوع بشر تهیه دارد

زمستان برف میبارد تابستان گرما همه را لخت مینماید

انسان تنبل که در یکجا نشسته واز جای خود حرکت نمی نماید کاملا اسیر روزگار و حوادث است یعنی برف زمستان روی اومی بارد و آفتاب تابستان بسر او می تابد او هرچه بخواهد از گذاری زمانه بنالد بی ربط است

زیرا این حوادث برای مردمان فعال نیست ولی مردمان فعال برای جلو گیری از صدمه برف زمستان اطاق گرم تهیه میکنند وبرای صیانت از گرمای تابستان زیرزمین سرد

پس حوادث مردمان تنبل را می تواند اسیر نماید و بس

ولی بر مردمان فعال چندان فائق نیست

این نژاد انقلاب شما اگر این حوادث را قضا وقدر وپیش امد غیر قابل علاج ندانید وای برشما و وای بر اینده این آبین مملکت که بالاخره زمامداران انیه ان شمائید

ولی اگر بخواهید ایمان بیاورید باینکه میتوان با تدبیر وفعالیت از حوادث ناگوار جلو گیری کرد درصدد باشید

که دست رجال کهنه وفاسد دوره انقلاب را ازکار کوتاه کنید وخود شما که هزار بار استعداد و لیاقتتان بیش از انهاست بروی کار بیائید وانچه لازمه جلب سعادت وترقی وتمدن معاصر این مملکت است فراهم نمائید

رفقای عزیز

نگذارید که زمانه شما را اسیر نماید شما زمانه را اسیر کنید

من اطمینام که یکدسته تدبیر مملکت

تسلیم هرزه گرد قضا وقدر نکنم زیرو زبر اگر نکنی گاخ خصم ما

ای‌چرخ زیروروی تو زیروزبر کنم

ر. میرزاده عشقی

دارالشورای ملی

خلاصه مذاکرات جلسه یکشنبه ۲۸ حوت ۱۳۰۱

مجلس دوساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل صورت جلسه روز قبل قرائت وتصویب گردید

پس از آن لایحه امتیاز کل شرح حاجی معین التجار بوشهری مطرح وهو اول ودوم آن قرائت بااصلاحات لازمه تصویب گردید

مادهٔ سیم قرائت ومذاکراتی در اطراف آن شده چون عده برای رای کافی نبوده آقای رئیس جلسه رابرای نیمساعت تعطیل نمودند پس از نیم ساعت مجددا جلسه بریاست آقای نایب رئیس تشکیل گردید

آقای تدین عقیده شان این بود باینکه در لایحه تقدیمی دولت قید شده که صاحب امتیاز ملتزم است سالی صد هزار تومان بدولت بپردازد

این مطلب را هیچ شخص عاقلی نمی پذیرد و ممکن است که بالفرض اگر هم او سلب منفعت خود نموده و حاضر شود این مبلغ را در سال تادیه کند حوادثی رخ دهد که شخص صاحب امتیاز از پرداخت این مبلغ معذور شود باید در هر صورت عاد لانه رفتار شود بعقیده من بهتر این است که حاجی معین التجار ابتدا دعاوی خود را قسمت بدولت اثبات کند و پس از آن در موضوع امتیاز هم دولت بادارنده امتیاز شرکت کند و صدی پنجاه ازعایدات در سال بدولت بپردازد بالاخره در این موضوع پیشنهاد اتزیادی از طرف بعضی از آقایان شده و هر یك مباحثی در اطراف آن بیان نمودند و هیچکدام قابل توجه واقع نشده و بسا صل ماده پیشنهادی کمیسیون رای گرفته و تصویب شد

آقای رئیس الوزراء وهیئت دولت مقارن ظهر برای معرفی آقایان بهادالملك و حاجی مخبر السلطنه و ادیب السلطنه به مجلس آمده ولی در جلسه حاضر نشدند از طرف آقای نایب رئیس بایشان ابلاغ شد که در جلسه برای معرفی آقایان حضور بهمرسانند واز قرار بواسطه مخالفت بعضی از آقایان از حاضر شدن در جلسه امتناع ورزیده و جلسه امنیه بعصر امروز موکول شده مجلس خاتمه یافت

تلگرافات بی‌سیم مسکو

مورخه ۱۷ مارس

در جمهوریهای ساوتی

مسکو ۱۴ — بمناسبت جشن بیست پنجمین سال تاسیس حزب کمونیست روسی (بالشویك ها) کمیته مرکزی حزب بیانیه خطاب براجیران و دهاقین روسیه انتشار داده و در ذیل آن اشعار میدارد که در مدت مبارزه بیست و پنجساله حزب کمونیست علاوه زیادی با کاران بهم‌رسانده وحتی مرجع کاران بیطرف واقع گردیده رفیق بوخادین در

عشق فوق العاده با و داشتم ولی چون پسر بود واز عشق به پسر فوق العاده نفرت میکنم اظهار نمی کردم شش ماه است پیش من است خیلی ناموس است اغلب دوستان من نمیدانند من تا پنج سال زن ندارم تصور میکنم بقدر من اطلاعات در طب پیدا کرده و یك دکتر خوبی بشود

حاجی — آخر من الان یکسال نیم است این بچه را ندیده ام حالا بچطور دست از او بردارم

بچه گداست اگر بخواهد بزور من را از نزد دکتر ببری من خودم را خواهم کشت

دکتر — من هم اگر بخواهید غزال را ببرید و از من جدا کنید خودرا مسموم خواهم کرد

حاجی — چه عیب دارد موافق قانون با یکدیگر زندگانی کنید و برای من هم مثل زنهای است دختر م را پیش شما آدمی شوهر داده ام

دکتر — امیدوارم که در ظل مراحمت شما با یکدیگر سعادتمند زندگانی کنید

دکتر و غزال — (با مقام میخوانند)

بعد ازاین ذکر شادمانی است — شادمانی است کامرانی است

روزی ارگند گینه روزگار — روز دیگرش مهربانی است

...ابقه قرن بیستم

چون غالبی از نویسندگان خارج از حدود موضوع مسابقه قرن بیستم قلم فرسائی ...اند مجبوریم که در همه شماره ترجمه مثال فرانسویها را که مطرح است درج کنم ...رای مرد زن چون سایه است ... لاجرم چون سایه اقبالت کند ...چه دنبالش کنی بگریزد او ... هرچه بگریزی تو دنبالت کند

آقای مدیر محترم در شماره ۱۲ روزنامه شریفه در فوق امضای مریم رفعت ...متخلص بناهید راجع بمسابقه قرن بیستم و گفته فرانسویها مقاله نوشته شده ...آقای سید محمدتقی بهبهانی در شماره ۱۳ از ایشان تنقید کرده و مطالب حقه ...را با قوه قلم میخواستند پایمال نمایند اینک بنده با وجود اینکه قلمی ندارم که ...چیزی بنگارم با همان لسان الکن و قلم شکسته خود چند سطر ذیل را راجع به ...تنقیدات آقای آقا سید محمدتقی بهبهانی ذکر میکنم اولا ایشان مرقوم ...فرموده‌اند مردان وجیه و صاحب تمول هرچه از زن فرار کنند آنها را تعقیب میکنند ...این خود واضح است اگر مردهم زنی را با همان صفات ببیند بیشتر باو میل ...تا زن دیگری که چادر کهنه و مندرس سرکرده باشد و علاوه بر این خود ایشان ...فرموده و میگویند مردان وجیه و صاحب تمول البته تصدیق میکنند که همیشه اقلیت ...خوشگلها و متمولین است و در دنیا حق بطرف اکثریت بوده است و امروز ...طرف بدگلها و زشت ها و بی تمول ها است چنین نیست ؟ چرا البته خود ...ایشان تصدیق بحق شکنی خود خواهند کرد

گرچه خود بنده از طایفه مذکور و جزء آن طبقه محسوب میشوم و باید ...همیشه موافق اقتضای طبیعی و فطری حق بجانب خود بگیرم لیکن با وجود ...اینها حق شکنی را سزاوار نمیدانم و نمیخواهم اسمم در تعداد اسامی حق شکنان ...ده شود همانطور که خانم محترمه فرموده اند اکثریت با مردان است که در عقب ...میمانند مگر معدودی که نویسنده معززه ذکر کرده اند و فرموده اند و لازم توضیح نیست ...مثلا طبیعتا میبینم که همیشه مردان خواستگار برای زنان بمنازل آنها می ...روند تاکنون دیده نشده که زنی خواستگار برای شوهر کردن بخانه کسی ...نماید

ثانیا راجع بموضوعی که میفرمایند زلیخا یوسف را تعاقب نمود و مسئله چاک زدن ...پیراهن وغیره عرض میکنم بهمان دلیل فوق این هم یکی از او در بوده است ...بنده نمیگویم که زنان هیچوقت عقب مردان را نمیگیرند بلکه میگویم آیا زن ...ندارد ؟ آیا زن انسان نیست ؟ فقط عرض من در اینست که امروز اکثریت ...تعقیب مردان است زنان را

دیگر اینکه راجع به مسموم نمودن حسن مجتبی ص فرمودند عرض میکنم کاملا ...مسئله مخالفم صحیح است که زن امام حسن آن حضرت را مسموم کرد ولی ...این عمل بکه میرسید ؟ خوبست قدری تعمق کنیم و سنجیده حرف تزنیم می ...که پس از حضرت امام حسن ص معاویة ابن ابی سفیان خلیفه شد و بطور ...معلوم میشود که معاویه برای خیال جاه طلبی خود زن حضرت را بفریفت ...بهمان دلیلی که خانم رفعت زاده فرمودند «زن زود باو است» فریب او را ...خورده و سم را در داخل کوزه آب حضرت نمود

آیا معاویه مرد نبود ؟

رابعا آقای بهبهانی اشعار فردوسی و سعدی را شاهد مطلب خود گرفته ...بنده گمان میکنم هریک از این شعراء در وقتی از زن خود یا زن دیگری بدی دیده و دلبری داشته که این اشعار را گفته اند و الا حالات شعرای ما مخصوصا سعدی و خیام وغیره نسبت بزنان واضح است

پس من بر خلاف حق شکنی آقای بهبهانی عقیده داشته و عقاید صاف و بی غل و غش خانم رفعت زاده را کاملا تصدیق میکنم و بخود آقای سید محمدتقی خطاب کرده و میپرسم آیا این حق شکنی نبوده ؟ و پس از آن با صدای جلی میگویم مردان همیشه نسبت بزنان در دنیا ظلم و جور و اجحاف و تعدی روا داشته اند امروز روزی است که نسوان دست از آستین انتقام برآورده با پنجه قهر و غضب حقوق متعلقه خود را دریافت دارند : ای زنان ایران بیدار شوید بیدار !

ایرج اسکندری محصل مدرسه علوم سیاسی

روزنامه پراودا مینویسد که در عملیات حزب تعصبات انقلابی با طریقه عمل توام بوده و پیوسته رابطه مستقیمی بین افواج آهنین حزب کمونیست روس و احتیاجات توده‌های توسعه وجود داشت

مسکو ۱۴ — در ضمن مقالاتی که جرائد محلی در اطراف یاد داشت اخیر چیچرین و راکوسکی راجع بمسئله کالیس شرقی می نگارند که جماهیر ساوتی در مقدرات سکنه او کراتیای کالیس شرقی علاقه مستقیمی دارند

مسکو ۱۴ — در یاد داشت جوابیه که رفیق چیچرین بدولت لهستان اظهار نموده است اظهارات صلح جویانه دولت لهستان در مسئله لهستان و لیتوا تبریک گفته و اشاره دولت لهستان که گویا وساطت مجمع اتفاق ملل مفید خواهد بود رد نموده و ضمنا متذکر شده است که وساطت روسیه ساوتی و سائر دول بیغرض ممکن است اختلاف لهستان و لیتوا را بطریق صلح حل و تسویه کند

درنواحی اشغال شده

برلن ۱۰ — در آخر اعتصاب کارگران مطابع که تقاضای اضافه حقوق میکنند شروع گردید در ناحیه اشغال شده جراید انتشار نمی یابند .

اعتصاب

ریگا ۱۰ — اعتصاب کارگران مطابع ادامه دارد صاحبان آنها از دادن تخفیفات امتناع دارند .

از قرار معلوم قریب دویست تومان به اهالی مقروض و بواسطه عدم پرداخت آن طلب کاران از حکومت مطالبه دارند

راپورت درجز

نوروز نام در یکسال قبل بعیال خودش مظنون میشود که با یوسف نام که هردو اهل نوخندان هستند بارتکاب فعل شنیع مشغول است در صدد قتل هر دو بر میاید یوسف فرار میکند تا چهار شب قبل موقعی که نوروز بکوه رفته بوده است بمنزل نوروز میاید در موقعی که یوسف با عیال نوروز نشسته صحبت میکرده اند اتفاقا نوروز وارد و بعد از مختصر نزاعی یوسف فرار میکند صبح اهالی قلعه دیده اند نوروز مفقود و عیال مشار الیه مرحوم شده حالیه نوروز دستگیر و در توقیف حکومت اقرار کرده که چون عیالم بد اخلاق بوده او را خفه کرده ام

جنایت

بطوریکه از عباس آباد راپورت میدهند دیروز ضعیفه کبری نام بواسطه قلت نفقه دفتر خود با دامادش نزاع میکند شوهر ضعیفه مرتضی نام قهوه‌چی مطلع شد بمنزل دامادش میاید که عیالش را ببرد ضعیفه بنای فحاشی را گذاشته مرتضی لگدی به پهلوی مشار الیه زده از ضرب لگد پهلوی ضعیفه درد گرفته بعد از نیمساعت فوت میکند مشار الیه را مامورین حکومت دستگیر و توقیف مینمایند

انتخاب

سمنان — نایب قاسم خان برای تشکیلات نظمیه سمنان از مرکز معین و مشغول انتظامات امور نظمیه است مامور سابق نظمیه نیز در خصوص حقوق عقب افتاده آژان ها با مالیه طرف حساب هستند هنوز بحساب آنها رسیده کی نشده

انتخاب

آقای مخبرالدوله بمعاونت وزارت پست و تلگراف منتخب گردیدند

وزارت مالیه

اخبار نمیدهد ؟

ولی خوشبختانه همه مردم از دزد بازاری وزارت مالیه خبر دارند

نظامنامه

جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران که در تحت ریاست عالیه والاحضرت اقدس ولایت عهد چندی است تشکیل شده اینک تدوین و یک نسخه آن باداره واصل موفقیت این جمعیت را از خداوند سائلیم

تولیت خراسان

مطابق اطلاع خصوصی شاهزاده عین الدوله از طرف ذات همایونی به تولیت آستانه رضوی منصوب گردیده اند

بلدیه

مطابق اطلاع خصوصی دکتر میلسپو بابا لک شاهی مشغول مذاکره است که باعتبار عایدات بلدیه مبلغ مهمی برای ساختمان خیابانها و تنظیف شهر استقراض نماید

اخبار داخله

ورود

دیروز یک ساعت و نیم بغروب مانده شهبندری دولت عثمانی وارد قوچان از طرف عموم پذیرائی شایسته بعمل آمد

گروس

عبدالحمید خان ریاست نظمیه در نتیجه شکایات متوالیه اهالی برحسب امر وزارت داخله از ریاست نظمیه منفصل شده بود دیشب بی خبر از قصبه حرکت مینماید

دارد عمر مرد یادگار ها عشق یادگار جوانی است

بخواب آمد دیشب مرا مهاب

چه خوب امشب تعبیر شد این خواب

با قبال آفرین به بخت احسن

شدم من تو تو مال من

قزل علی — «رو به شیفته خانم» کرده تا شوهرت ترا نشناخته بیا برو (دستش گرفته بیرون میکند) (رو بغزال) خاک بسرت من یکسال تمام زحمت کشیدم حالا عاشقم عاشقم نتیجه اش شد خاک بر سرت غزال تو سعادت نداشتی جادوگر بشوی حالا میخواهند باز دکترت بکنند حالا باز هم بتو میگویم از خر شیطان پیاده شو بیا با هم برویم تو مدتی زحمت کشیدی یک شش ماه دیگر باقی مانده که جادوگر شوی

غزال — تو مرا یکسال گول زدی از پدر و مادرم جدا کردی از آن گذشته دکتر بیچاره را چقدر اذیت کردی بعلاوه پول مشهدی قنبر را تو دزدیدی حالا باز حرف داری الان آژان تورا باید ببرد مجازات شوی

که ره رستگاری بریدی ؟
مرغک هرزه گردی شدی تو
روی هر شاخساری پریدی

تا که گشتی زبون و فتاده !

می توانستی ای دل رهیدن
گر نخوردی فریب زمانه
آنچه دیدی ز خود دیدی و بس
هردم از یک ره و یک بهانه

نیستی قابل استراحت .

با فسانه تو را دوستاری است
با فسانه تو را غمگساری است
عالمی دائم از وی گریزد
با تو ویرا همه سازگاری است

مبتلائی به از تو ندیده

در بر این خسرو به مغاره
وین بلند آسمان و ستاره
سال ها با هم افسرده بودید
وز خوادت شده پاره پاره

او تورا بوسه دادی تو اورا

اعلان

اخیراً در بعضی از جراید قبول عضویت انجمن سعادت (حزب سیاسی) بنظر اینکه این حزب سالها است که سابقهٔ سیاسی دارد و موفقیت قابل ملاحظه در همه جا یافته شعبه ای هم در طهران تأسیس نموده و در هر شعبه از انتخاب نام شانزده نفر اعضاء عضویت مذکور میباشد جلب این انجمن را برای تشکیل یک فراکسیون قوی در مجلس شورای ملی از نظر خود دور ندانسته و از انتخاب نام خانوادهٔ دیگران که عضو و یا طرفدار این حزب میباشند خودداری نمودیم

۸ مرداد ۲۸

مکتوب از بار فروش

۱ — حکومت کل آقای امیر اکرم تا کنون دربار فروشی متوقف بود مشغول گردش و کیف خود میباشند

۲ — بنا بر اطلاعات چون تعطیل مجلس شوری نزدیک و در همین زودیها مشغول انتخابات جدید خواهند شد لذا از طهران بحواله ساری مبلغ دو هزار تومان وجه توسط کماشته آقای امیر بحکومت بار فروش رسیده و از حالا مشغول دسیسه کاری میباشند و حدس قوی میرود که این مبلغ از پارک قوام‌السلطنه خارج شده باشد

— آقای آقا شیخ جعفر ثقة‌الاسلام بسار فروش هم صدای وکالت بگوشش رسیده منتظر الوکالا میباشند ولی در سایه و پرچم لوای جمعیت اجتماعیون مازندران این قبیل اشخاص از وکالت محروم خواهند شد .

۳ — شاهزاده اعظام السلطنه حکومت بار فروش از آنجا ثبکه قوم و خویش قوام السلطنه میباشد با تمام قوا حاضر و جدیت میباشند که قوام السلطنه را مجدداً مسافرت سال قبل بکرسی وکالت بنشانند

٤ — محمد جعفر معین الرعایا در بندی نو قیف و این تبعید بدون محاکمه لطمه بزرگی به آزادی مملکت وارد آورده است

هیئت اجتماعیون مازندران در بار فروش بیان نامه منتشر و یک رقه آن را بادارهٔ مسافرت فرستاده اینک نظر به ضیق صفحات از درج آن معذرت می‌خواهیم

قرن بیستم

تذکر بنقادان سرمقاله مندرجه شماره ۱٤ قرن بیستم

درشماره چهاردهم قرن بیستم شرحی (بنوان عید فوروز بامضای یکی از علمای مجدد معاصر (کی استوان گیلانی) درج شده بود واینک لازم دانستیم . خواطر محترم نقادان آنرا بچند نکته متوجه سازیم

اولا نویسنده این سرمقاله از نویسندگان مشهور ایرانست واز نفوذ معرفت خود در دنیای را مستفید ولی فلان نکاتی را که از آن سرمقاله که مورد بحث ومحل ایراد آقایان واقع شده مجالا از شخص محترم ایشان توضیحات لازمه خواسته میشود و فعلا داریم قدری تأمل فرموده تا جواب ایشان رسیده و رفع آن ایرادات بشود

ثانیا نظر باهمیت اعتبار امضای آن سرمقاله و نیز بملت کثرت مشغله و اغتشاش حواس فرصت نشد که قبل از درج بانظار دقیقی بمتن مقاله نگاه کرده و بواسطه نکاتی که ممکن بود محل ایراد شود از درج آن خود داری نموده تا جواب ایرادات را قبلا از ایشان خواسته و پس ازان بدرجش مبادرت شود

بالاخره از آقایا ثبکه این مقاله را مورد ایراد و بحث خود قرار داده اند تقاضا داریم یک چندی تامل فرموده تا جواب مکتوب و توضیحات لازمه از طرف شخص معظم رسیده تا رفع اشتباهات حاصله بشود

خطاب

بازاریخواهان قدر شناس

آقای میرتیمور مجاهد غیور اسلامی که در فتوحات صدر مشروطه خدمات قابل تقدیری بروز داده و درین چند ساله بواسطه یک دامنی وخلوص نیت کاملا از هستی ساقط وبسبب مشاهده اوضاع ناگوار وطن وخیانتکاری وفساد اخلاق بعضی ازادی خواهان مستوفی مایوس ودوچار امراض قلبی ودرونی گردیده حالیه در مریضخانه دولتی درتحت معالجه است و خانواده اش پریشان حال وبی معاش می باشند

آقایان قدر شناس وعلاقه مندان بوطن مخصوصا مسند نشینان دولت وملت ازوزراء و کلا اینجانب خدمت بوطن و با کدامنی وشما آقای سپهسالار اعظم وناظما لدوله حکمران وکلیه آزادیخواهان وسایر مشروطه خواهان استفاده چی راقد رمی دهیم موقع بروز حمیت وابراز قدر شناسی است

شهرتی شهرتی

مهدی اکبانالی حسین غنی مجمود صفوی

* * *

آقای سپهسالار بار خودش را بار کرده واز مشروطه آزادی آنچه باید کاسبی بکند کرده است سافرین هم کاسم برده اند هرکدام بنوبه خود آب و آجیلی از انقلاب مزخرف مشروطیت برای خودشان تهیه کرده اند ودراین شهر هم آدمهای قوت وغیرتمندی ماسراغ نداریم گمان میکنیم اگر وجود داشت سپهسالارها اینطور آزادانه درشهر گردش نمی نمودند

امیر اقشار هم آسوده و راحت یک پایتختی مکه عدلیه دارد و استیناف وتمیز دارد نمی‌توانستند بنشینند

آقای تیمور از قول این نویسنده بگوئید حالا تا چند سالی صبر کنید وتعویض نانآ تو قتیکه ماجورالهارو کار انداختیم و انتقام چندین ساله شمارا از سپهسالار ها وامثاله بگیریم

و اگر عرضه روی کار آمدن تا چند سال دیگر نشان خواهیم داد ما هم می‌آئیم مریضخانه خدمت آقای تیمور خان که از آنجا باتفاق ایشان ما رابه باغهای آب انبار قاسمخان تعلیم نمایند و فیض رسید بگیرند

نویسنده قرن بیستم

حکومت قوام‌السلطنه

آقای مدیر محترم!

تا بحال یک هفته است که عرض حال و شکایت در عدلیه داده ام از قوام السلطنه و بعد از چند روز رفت و آمد به هیئت مشاوره اداری محول آقای وزیر عدلیه بعد از دقت زیادی رای دادند که بایستی دوباره مجلس شود و با اجازه مجلس ایشان را جلب به محاکمه نمود

آقای مدیر :

استدعا دارم که حضرات تعالی فلسفهٔ این قانون را بیان بفرمائید که چه بگنفر وزیر وباوکیل وباطبقه سوم فرق گذاشته اند چیست

آیا در شرع محمد بین فقیر و غنی یک همچه فرقی گذاشته شده که یکی را به محاکمه جلب و در حق دیگری اهمال و تعلل کنند

و ما از مقام محترم رئیس مجلس و وکلای صالح تمنا میکنیم که تقاضای فوری وزیر عدلیه را در خصوص محاکمه قوام‌السلطنه فورا بدهند

سید حسن سبط الشیخ

صنعتاریی

بر رواج سعی وعمل جنگ می کنم — وزخون خصم جامه را رنگ می کنم

بامدعی بگوی که ای بدمنش ترا — آخر بجوب دار من آونگ می کنم

مشت ازعقیده بردهن خصم میزنم — وز پیشرفت پای عدو لنگ می کنم

با نیروی عقیده همی حمله می برم — من پر رقیب قافیه را تنگ می کنم

بهر شکستن دهن شیخ یاوه گو — دامان خود همیشه پر از سنگ میکنم

صد نقشه بهر نقشه آبادی وطن — هردم میان برنگ وبه نیرنگ میکنم

بادست خود زخون همه رخساره جهان — در نای این معامله کارنگ میکنم

کاروطن چوزاف بزبتان ودرهم است — این گفته را بحجت وفرهنگ میکنم

سید محمد تقی سیهانی متخلص به پریشان

شعبه کتابفروشی برادران اقبال و شرکاء

(مه عضار ناقانی)

به آزادان این قربان علی پیر مکه با به عجازات شود
آزاد دست قربان علی را گرفته کجان کجان میبرد

(دکر و غزال) با تمام با همه حضار میخوانند

بعد از این دکر شادمانی است
شادمانی است حکمرانی است
روزی ار کند کینه روزگار
روز دیگرش مهربانی است
دارد عمر مرد با دکمار ها
عشق با دکمار جوانی است
بخواب آمد دیشب مرا مهتاب
چه خواب امشب تعبیر شد این خواب
باقبال آفرین به بخت احسن
شدم من مال تو تو مال من
پرده می افتد

ای فسانه فسانه فسانه
ای خدنگ تو را من نشانه
ای علاج دل ای داروی درد
همره گریه های شبانه

با من سوخته در چه کاری

چیستی ای نهان از نظر ها
ای نشسته سر رهگذر ها
از پسر ها همه ناله دارند
ناله تو همه از پدر ها

تو که ای ؟ مادرت که ؟ پدر که ؟

جان ز گهواره بیرونم آورد
مادرم سر گذشت تو می گفت
بر من از رنگ روی تو می زد
دیده از جذبه های تو می خفت

می شدم بیهوش و محو مفتون

رفته رفته که ره او دادم
از پی بازی بچگانه
هر زمانی که شب می رسیدی
بر لب چشمه ورود خانه

هر کجا بانگ تو می شنیدم .

میگوئیم

فراموش نمیکنم یکی از رفقا چند روز قبل بمن میگفت مرقومات تو یاس آوراست

این گونه تحریرات این آرزوی مرگ و نیستی حس صبر و امید را میکاهد جنبه یاس و نومیدی را زیاد میکند این تحریرات بداست زیرا ما برای زندگی آمده ایم برای زندگانی خلق شده ایم

من تکذیب میکنم — من قبول ندارم ایرانی برای مردن خلق شده است

ایرانی اصلا باید بمیرد

ایرانی باید در دنیا نیاید ایرانی اگر دنیا آمد لااقل باید خارج ایران در بلاد دور دست زندگی کرده باسم ایران وایرانیت دلخوش وسرافراز باشد

ایرانی باید در سایر ممالک دنیا توطن جسته کسب و تجارت آزاد بفلاحت و صنعت که هیچکدام در وطن خودش وجود ندارد اشتغال جسته بیاد سیروس وداریوش و برجستگی تاریخ ایران مفتخر باشد

جمعیت ایران سی کرور تخمین گردیده است بعقیده من ۲۹ کرور و چهارصدهزار نفر آن باید بمیرند یا مهاجرت کرده در ممالک آزاد گذران کنند

و این ملک را بان یکصد هزار نفر صاحب خانه خداوند کاران واگذار نمایند یا ...

این رب النوع ها حاضر نیستند اجاره نشینان طفیلی ها برای آنها « سرخر باشند » آری اشخاص بدبخت باید بروند در خارج خوش بخت گردند

برای نمونه و اثبات مدعا قلم من بی اختیار میخواهد بشرح سابقه نیک واحساسات فرح بخش دیرینه و حالات جگر خراش کنونی و تیرگی امروزی من مبادرت کند قلم من میخواهد حالت یاس مرا از روی احساسات جلوه دهد

قلم میخواهد بفهماند من در اثر تجربه میخواهم بمیرم نه من باب دلخواه وجهالت این است میگویم بدقت بخوانید بیطرفانه ملاحظه کنید آنوقت بمن حق خواهید داد

من یکنفر ایرانی هستم که در خارج از محیط ایران نشو نما کرده و یگانه معبود قلبی خود را ایران میدانستم من بیاد بقا و استقلال ایران بخواب رفته و بهمان آرزوی مقدس سراز خواب برداشته و در این آرزو خودرا خوش بخت تصور میکردم

من وطن مقدس خود را رب النوع عشق تصور کرده و مثل یک عاشق دلباخته این ... قلبی را پرستش مینمودم

من تاج افتخار ایرانیت را بفرق خود جای داده و برمال عالم مباهات و بر برتری میجستم

من مانند فرهاد کوه کن برای زیارت شیرین وطن برای دیدن ایران قطرات اشک از دیدگان ریخته بحالت مدهوشی بخواب رفته وطن خودرا در خواب زیارت میکردم

من میل داشتم همیشه بخواب و در آغوش مادر طبیعی خود خوشوقت باشم وازاین جهت خواب را بر بیداری ترجیح میدادم

من ایران را مهد تربیت سیروس داریوش جمشید نوشیروان و بالاخره شاه اسمعیل و نادر میخواندم

من ایران را مربی ابوعلی سعدی رودکی نظامی فردوسی شناخته بودم

من آرزو داشتم موطن این فلاسفه بزرگ و این اشخاصی بر جسته تاریخی را زیارت کنم

من میل داشتم خاک ایرانرا مانند سرمه بچشم کشیده و این مادر عزیز را برهمن وار ستایش و سجده کنم

من میخواستم بزیارت ایران ، بخدمت کردن بوطن عزیز خود با هزار خوش بختی نائل شوم و همه چیز را از ایران میخواستم

ایران مرا از زن فرزند بیزاری داده دیوانه وار از هر کس وهر چیز رو تافته سر از پا نشناخته بایران شتافتم

من وقتیکه بخاک ایران رسیدم مانند یک عاشق دلسوخته بی اختیار بسجده افتاده و خاک وطن را با سرشک دیده کان آب یاری کرده و گلهای محبت آنرا بوئیده دماغ دل را به آن رایحه تشفی و تسلی دادم .

افسوس این آرزو ها جز خیال خام جنون و ما خولیا چیز دیگری نبود

راستی این بسته گی و تعلق من خیلی شبیه بود بآن هوس مفرطیکه مریض تب دار بخوردن سرکه داشته باشد

اشتیاق من بدیدار وطن بسیار شباهت داشت بان هوسیکه اطفال ساده لوح بنزدیکی نمودن لانه زنبور و گرفتن زنبور داشته باشند

نه فقط اشراف این مملکت به ظلم تعدی تجاوز حدود و ارتکاب برذائل اخلاق عادت کرده اند

بلکه عموم طبقات این وطن عزیز باین اخلاق بد متخلق هستند

مثلا بین هیچیک از طبقات این مملکت صمیمیت رفاقت راستی امانت وجود ندارد

باین واسطه همیشه عامه سکنه ایران آلت اجرای اغراض خارجی ها گردیده در افنای جان و مال و همه چیز یکدیگر میکوشند

و بواسطه عدم صمیمیت طبقه سیم و چهارم همیشه در چنگال طالمانه طبقه اول و دویم اسیرند افسوس اوراق یکروزنامه برای شرح مطالعات من کافی نیست امید است در نمرات آتیه مختصری از مطالعات خود و مقدمات اصلاح اخلاق عمومی را بطور صحیح بنویسم

سید محمد تقی بهبهانی

تلگرافات روتر

مورخه شنبه ۲۵ فوریه ۱۹۲۳

حمله جمهوری طلبان

دیروز بعد از ظهر از طرف جمهوری طلبان در دوبلن یک حمله مرتبی بر عمارات دولتی بعمل آمده است و از جانب انها مجاهدانی برای سوزاندن کلیه ابنیه مزبوره ظاهر گردید

خبریکه بعد واصل شده است اشعار می دارد — حریق بعضی از عمارات مزبوره خاموش گردیده در ضمن حمله پلیس دو نفر دختر ۱۶ نفر زن و ۱۴ نفر مرد را که حامل صندوقهای نفت ششلول و اسلحه بوده دستگیر کرده

توصیه جدید

در برلن رسما اعلام شده است که مذاکرات بین وزارت مالیه ونمایندگان بانکها باین نتیجه رسیده است که بانکها در اشاعت اسهام خزانه داری معادل دویست ملیون مارک طلا شرکت جویند در این صورت بانک های مزبوره شرکتی تاسیس نموده معادل پنجاه ملیون دلار (گویا مقصود مارک باشد) مترجم سهم خزانه داری بمدت سه سال و بضمانت بانک دولتی بفروش خواهد رسانید عقیده جرائد انست که دولت بدین وسیله حاضر خواهد شد مبلغی مسکوک پیدا کند که برای حفظ میزان مارک کفایت نماید

طلای رومانی

بوکارست — از مقدار طلای رومانی که در بانک دولتی المان امانت بوده و معادل ۸۰ ملیون مارک ارزش داشته معادل ۶۸ ملیون ان از طرف بانک مزبوره تحویل بانک ملی رومانی داده شده وحالیه دولت رومانی قصد دارد از بانک المان بقیه انرا مطالبه نماید

پیشنهاد بین المللی شدن (روهر)

چهار نفر از مبعوثین کارگر انگلیسی که روز جمعه و شنبه بناحیه (روهر) مسافرت کرده پیشنهاد نموده اند که خوبست دول فرانسه ، المان ، بلژیک ، انگلیس و ایطالیا ناحیه مزبوره را بین المللی نموده و اداره بین المللی ان ناحیه عوایدیرا که از بابت غرامت جمع میکند ما بین دول ذی علاقه تقسیم نماید

توسعه تصرف

از یک منبع نیم رسمی این خبر اشاعت یافته است که امروز کنفرانس بین پوانکاره (تونینی) و (فش) خاتمه یافته وتصمیم گرفته شده است که مامورین فرانسوی و بلژیکی اداره راه های آهن واقعه در ساحل (رن) و روهر را تصرف نمایند

علت برهم خوردن کنفرانس

خبریکه از انقره باسلامبول واصل شده است اشعار می دارد — عصمت پاشا در تهیه امور خارجه مجلس ملی اعلام داشته که رویه غیر قابل انعطاف فرانسه راجع بمواد اقتصادی و مالی موجبات قطع مذاکرات در ازان را فراهم ساخت ولی یقین دارم وقتیکه درک میکند که مصالح و منافعش چنین اقتضا می نماید اورا رویه خود را جرح و تعدیل خواهد نمود

جرائد مطبعه در انقره مقالات بسیار شدید الحنی نگاشته و در مجلس ملی تقاضا کرده اند که مطابق تعهد نامه ملی عمل کنند ضمنا هم رویه فرانسه را سخت مورد انتقاد قرار داده اند

شماره چهارشنبه

چنانچه هفته قبل ذکر شد این هفته شماره چهار شنبه ما منتشر نخواهد شد

نسل معاصر

جواب مقاله نسل معاصر مندرجه در جریده شریفه نوبهار را در شماره روز جمعه قرن بیستم بدقت بخوانید

دعوت

بمناسبت مولود مسعود حضرت اسدالله الغالب علی ابن ابیطالب و انتصاب مخصوص فرقه دموکرات بذات مقدس آنحضرت ارواح العالمین له الفداء روز جمعه ۱۳ شهر جاری از سه ساعت بغروب الی دو ساعت از شب گذشته در مجمع دموکرات مجلسی منعقد خواهد بود از هموطنان عزیز با نهایت افتخار دعوت میشود که در این جشن حاضر شده واعضاء فرقه را قرین تشکر فرمایند — ادرس خیابان چراغ برق نمره ۱۹ مدیر مجمع دموکرات — موافق

شکایت از حکومت همدان

همه روزه مراسلاتی مبنی بر شکایت از وثق الدوله حکومت همدان باداره رسیده وروز بروز درفزونی وتزاید است

از قرار معلوم مشار الیه که یکی از عناصر پوسیده هستند خودرا ذیحق در مداخله عموم دوائر تصور کرده وتقریبا بطور اصالت در حدود مسئولیت هائیکه خارج از صلاحیت او است از قبیل مالیه عدلیه وغیره

مداخلات غیر قانونی کرده ومردم را مجبور بشکایت مینمایند

نظر بکثرت واردات اداری و ضیق صفحات در این نمره از درج شکایات خود داری کردیم

امید است نمره آتیه بدرج بعضی انها مبادرت گردد

وضمنا اطلاعات خود را بسابقه اعمال این شخص گوش زد دولت نمائیم

جریده نهضت اسلام

نامه اسلامی نهضت اسلام که با اسلوب دیانتی و ادبی واخلاقی چندی است در مرکز منتشر میشود وبتازگی اداره این باداره قرن بیستم انتقال داده شده اسلامیان میتوانند از مندرجاتش استفاده نمایند متاسفانه بطور یکه باید و شاید یک نامه اسلامی اشاعه پیدا نماید ننموده و مسلمانان کاملا علاقه مندی خود را بدان نشان نداده اند ما بنوبه خود موفقیت کارکنان این نامه اسلامی را از خدای متعال خواستار بوده ورفقای اسلامی خودرا بقرائت آن جریده شریفه دعوت مینمائیم و نیز وعده میدهیم که در آتیه نزدیکی از مندرجات آن بیشتر از بیشتر استفاده حاصل نمایند

قرن بیستم

مطبعه باقر زاده

صفحه ۲۰

ثروت الملک کذا از پرتو وافور گشت

رانده از در بارو در حمام ها دلاک شد

قربانعلی — وای تمام بام و دکان و خانه و کاروانسرا را از سوراخ وافور چطور بیرون کردی

حمال — (آهسته شروع برفتن میکند) ای بابا من میخواستم یکقدری رفع خستگی کنم تو بیشتر درد دل مرا افزوده کردی

دریا با خارج میشود در حین قربانعلی دست برده یک اسباب حمال را می دزدد —

قربان علی — (بار حمال را که دزدید بخود نشان داده می گوید) از این هم چیزی گیر ما آمد

(بچه گدا با چادر مشکی وارد میشود)

بچه گدا — مرا میشناسی ؟

قربان علی — ها جانم این چادر را از کجا آوردی از نقاش چه در آوردی بگو به بینم

بچه گدا — (یک دلو رنگ آمیزی و لوازمات نقاشی و بعضی اسباب در دلو را نشان میدهد و دلو رنگ آمیزی و اینجا اسباب چادرها و مقداری پول

قربان علی — (اسباب را میگیرد ولی چادر را نمیگیرد) پول ها را بده بمن

بچه گدا — پول ها را برای خودم میخواهم

میکردم

فراموش نمیکنم یکی از رفقا چند روز قبل بمن میگفت مرقومات تو یاس آوراست

این گونه تحریرات این ارزوی مرگ و نومیدی حس صبر و امید را میکاهد جنبه یاس و نومیدی را ازدیاد میکند این تحریرات بدانست زیرا ما برای زندگی آمده ایم بسراید زندگی خلق شده ایم

من نکتاب میگویم — من قبول ندارم ایرانی برای مردن خلق شده است

ایرانی اصلا نمیمیرد

ایرانی [illegible] ایرانی اگر [illegible] خارج ایران در [illegible] زندگی کرده باسم ایران و افتخار است بخوش و سرافراز باشد

ایرانی باید در سیر ممالک دنیا خوش جنبه کسب و تجارت آزاد فلاحت و صنعت و هیچکدام در وطن خودش وجود ندارد استقلال جنبه بنیاد سیروس و داریوش و پرچمکی تاریخ ایران مفتخر باشد

جمعیت ایران سی کرور تخمین کردیده است بعقیده من ۲۹ کرور و چهارصدهزار نفر آن باید بمیرند یا مهاجرت کرده در ممالک آزاد کذران کنند

و این ملک را بان یکصد هزار نفر صاحب خانه خداوند کاران واحتذار نمایند یا ...

این رب النوع‌ها حاضر نیستند اجازه نشینان طفیلی‌ها برای آنها سرخر باشند آری اشخاص بدبخت باید بروند در خارج خوش بخت کردند

برای نمونه و اثبات مدعا قلم من بی اختیار میخواهد بشرح سابقه تلخ و احساسات فرح بخش دیرینه و حالات جگر خراش کنونی و تهرکی امروزی من مبادرت کند قلم من میخواهد حالت یاس مرا از روی احساسات جلوه دهد

قلم میخواهد بفهماند من در اثر تجربه میخواهم بمیرم نه من باب دلخواه وجهالت این است میگویم بدقت بخوانید بیطرفانه ملاحظه کنید آنوقت بمن حق خواهید داد

من یکنفر ایرانی هستم که در خارج از محیط ایران نشو نما کرده و یکانه معبود قابی خود را ایران میدانستم من بیاد نقا و استقلال ایران بخواب رفته و بهمان آرزوی مقدس سراز خواب برداشته و در این آرزو خودرا خوش بخت تصور میکردم

من وطن مقدس خود را رب النوع عشق تصور کرده و مثل یک عاشق دلباخته این ربوب قابی را پرستش مینمودم

من تاج افتخار ایرانیت را بفرق خود جای داده و پرمثل عالم مباهات و برتری میجستم

من مانند فرهاد کوه کن برای زیارت شیرین وطن برای دیدن ایران قطرات اشک از دیدکان ریخته بحال مد هوشی بخواب رفته وطن خودرادر خواب زیارت میکردم

من میل داشتم همیشه بخواب و در آغوش مادر طبیعی خود خوشوقت باشم

وازاین جهت خواب را برهیداری ترجیح میدادم

من ایران را مهد تربیت سیروس داریوش جمشید نوشیروان و بالاخره شاه اسمعیل و نادر میخواندم

من آنرا مرس ابوعلی—سعدی—رودکی نظامی— فردوسی — شناخته بودم

من آرزو داشتم موطن این فلاسفه نزرگ و این اشخاصی بر جسته تاریخی را زیارت کنم

من میل داشتم خاک ایرانرا مانند مردمه بچشم کشیده و این مادرعزیزرا بهمین وار سنایش و سجده کنم

من میخواستم بازیارت ایران ، بخدمت کردن وطن عزیز خود بپا هزار خوش بختی نائل شوم و همه چیز را از ایران میخواستم

ایران مرا از زن فرزند بیزاری داده دیوانه وار از هر کس وهر چیز رو تافته سر از پا نشناخته بسایران شتافتم

من وقتیکه بخاک ایران رسیدم مانند یک عاشق دلسوخته بی اختیار بسجده افتاده و خاک وطن را با سرشک دیده کان آب باری کرده و کاههای مهیب آنرا بوئیده دماغ دل را به آن رایحه تنفی و تسلی دادم .

افسوس این ارزو ها جز خیال خام جنون و ما خولیا چیز دیگری نبود

راستی این بسته کی و تعلق من خیالی شبیه بود بآن هوس مفرطیکه مریض تب دار بخوردن سرکه داشته باشد

اشتیاق من بدیدار وطن بمسیار شباهت داشت بان هوسیکه اطفال ساده لوح بهازه یکی نمودن لانه زنبور و گرفتن زنبور داشته باشند

نه فقط اشراف این مملکت به ظالم تعدی تجاوز حدود و ارتکاب رذائل اخلاق عادت کرده اند

بلکه عموم طبقات این وطن عزیز باین اخلاق بد متخلق هستند

مثلا بین هیچیک از طبقات این مملکت صمیمیت رفاقت راستی امانت وجود ندارد

باین واسطه همیشه عامه سکنه ایران آلت اجرای اغراض خارجی ها گردیده در اقنای جان و مال و همه چیز یکدیگر میکوشند

و بواسطه عدم صمیمیت طبقه سیم و چهارم همیشه در چنگال طالمانه طبقه اول و دویم اسیرند افسوس اوراق یکروزنامه برای شرح مطالعات من کافی نیست امید است در اجزات آتیه مختصری از مطالعات خود و مقدمات اصلاح اخلاق عمومی را بطور صحیح بنویسم

سید محمد تقی بوشهری

تلگراف تهران

مورخه یکشنبه ۲۵ نوریه ۱۹۲۳

حمله جمهوری طالبان

دیروز بعد از ظهر از طرف جمهوری طالبان در دونان یک حمله مرتبی بر عمارات دولتی بعمل آمده است و از جانب انها مجاهد اتی برای سوزاندن کلیه ابنیه مزبوره ظاهر کردید

خبریکه بعد واصل شده است اشعار می دارد — حریق بعضی از عمارات مزبوره خاموش کردیده در ضمن حمله پلیس دو نفر و ۱۶ نفر زن و ۱۳ نفر مرد را که حامل صندوقهای نفت مشعول و اسلحه بوده دستگیر کرده

توصیه جدید

در ایران رسما اعلام شده است که مذاکرات بین وزارت مالیه ونمایندکان بانکها بان نتیجه رسیده است که بانکها در اشاعت اسهم خزانه داری معادل دو بست ملیون مارک طلا شرکت جویند در این صورت بانک های مزبوره شرکتی تاسیس نموده معادل پنجاه ملیون دلار (کریامقصود مارک باشد)ترجیح سهم خزانه داری بمدت سه سال و بضمانت بانک دولتی بفروش خواهد رسانید عقیده جرائد است که دولت بدین وسیله حاضر خواهد شد مبلغی مسکوک پیدا کند که برای حفظ میزان مارک اقدامات نماید

طلای رومانی

بوکارست — از مقدار طلای رومانی که در بانک دولتی المان بامانت بسپرده و معادل ۸۰ ملیون مارک ارزش داشته معادل ۶۸ ملیون ان از طرف بانک رایزوه تحویل بانک ملی رومانی داده شده وحالیه دولت رومانی قصد دارد از بانک المان بقیه انرا مطالبه نماید

پیشنهاد بین المللی شدن (روهر)

چهار فراز مبعوثین کارگر انگلیسی کهروز جمعه و شنبه بنا حیه (روهر) مسافرت کرده پیشنهاد نموده اند که خوبست دول فرانسه ، المان ، بلژیک ، انگلیس ، و ایطالی ناحیه مزبوره را بین المللی نموده و اداره بین المللی ان ناحیه عواید انرا که از بابت غرامت جمع میکند ما بین دول ذی علاقه تقسیم نماید

توسعه تصرف

از یک منبع مهم رسمی این خبر اشاعت یافته است که امروز کنفرانس بین پواتکاره (تونیس) و (فش) خاتمه یافته و تصمیم گرفته شده است که مامورین فرانسوی و بلژیکی اداره راه های آهن واقعه در ساحل (رن) و روهر را تصرف نمایند

علت برهم خوردن کنفرانس

خبریکه از افقره بالا مبنول واصل شده است اشعار می دارد — عصمت پاشا در تهیه امور خارجه مجلس ملی اعلام داشته که رویه غیر قابل انعطاف فرانسه راجع بمواد اقتصادی و مالی موجبات قطع مذاکرات در ایران را فراهم ساخت و لی یقین دارم وقتیکه درک میکنند که مصالح و منافعش چنین اقتضا می نماید فورا رویه خود را جرح و تعدیل خواهند نمود

جرائد منطبعه در اقره مقالات بسیار شدید اللحنی نکاشته و در مجلس ملی تقاضا کرده اند که مطابق تعهد قانونه ملی عمل کنند ضمنا هم رویه فرانسه را سخت مورد انتقاد قرار داده اند

شماره چهارشنبه

چنانچه هفته قبل ذکر شد این هفته شماره چهار شنبه ما منتشر نخواهد شد

نسل معاصر

جواب مقاله نسل معاصر مندرجه درجریده شریفه نوبهاررا در شماره روز جمعه ۲۳ بستمبدقت بخوانید

تعویت

بمناسبت ورود مسعود حضرت اسدالله الغالب علی ابن ابیطالب و انتصاب مخصوص فرقه دموکرات بذات مقدس آنحضرت ارواح العالمین له الفداء روز جمعه ۱۳ شهر جاری از سه ساعت بغروب الی دوساعت ازشب گذشته درمجمع دموکرات مجلسی مامقد خواهد بود از همولتان عزیز با نهایت افتخار دعوت میشود که در این جشن حاضر شده وامضاء فرقه را قرین تشکر فرمایند — ادرس خیابان چراغ برق نمره ۱۹ مدیر مجمع دموکرات — موافق

شکایت از حکومت همدان

همه روزه مراسلاتی مبنی بر شکایت از وثوق الدوله حکومت همدان باداره رسیده وروز روز درفزونی وتزاید است

از قرار معلوم مشار الیه که یکی از عناصر پوسیده هستند خودرا ذیحق در مداخله عموم دوائر تصور کرده وتقریبا بطور اصالت در حدوده مسئولیت هیچکه خارج از صلاحیت او است از قبیل مالیه هدلیه وغیره

مداخلات غیر قانونی کرده وسردمرا مجبور بشکایت مینمایند

نظر بکثرت واردات اداری و ضیق صفحات دفعه از درج شکایات خود داری کردیم

امید است دفعه آتیه بدرج بعضی انها مبادرت کردد

وضمنا اطلاعات خود را بسابقه اعمال این شخص کوش زد دولت نمائیم

جریده نهضت اسلام

قائمه اسلامی نهضت اسلام که با اسلوب دیانتی و ادبی واخلاقی چنانی است درمرکز منتشر میشود و بتازکی داره این اداره قرن بیستم انتقال داده شده اسلامیان میتوانند از مندرجاتش استفاده نمایند بلد متفاوته بطور یکه باید و شاید یک نامه اسلامی اشاعه پیدا نماید قانونه و مسلمانان کاملا علاقه مندی خود و ایمان نشان داده اند ما بنوبه خود موفقیت کار کنان این نامه اسلامی را از خدای متعال خواستار بوده و ورقهای اسلامی خودرا بقرائت آن جریده شریفه دعوت مینمائیم و نیز وعده میدهیم که در آتیه تزییکی از مندرجات آن بیشتر ازپیشتر استفاده حاصل نمایند

قرن بیستم

مطبعه باقر زاده

ثروت المالک کذا از پر تو وا فور کشت

رانده از در بارو در حمام ها دلاک شد

قره باغلی — وای تمام بام و دکان و خانه و کاروا قسرا را از سوداخ را فور چطور بیرون کردی

حمال - (آهسته شروع بخواندن میکند) ای بابا من میخواستم یکقدری رفع خستگی کنم تو بیشتر درد دل مرا افزوده کردی

دربا خارج میشود و در بین قره باغلی دست برده یک اسباب حمالی را می دزدد —

قره باغلی — (بار حمال را که دزدیده بخرد نشان داده می گوید) از این هم چیزی گیر ما آمد

(بچه گدا با چادر مشکی وارد میشود)

بچه گدا - مرا میشناسید ؟

قره باغلی - ها جانم این چادر را از کجا آوردی از نقاش چه در آوردی بگو به بینم

بچه گدا - نزدیک داو رنگ آمیزی او از زمان نقاشی بعضی اسباب در داوا وا به میدهد و داو رنگ آمیزی میکند من این چادر ها و عقدا وی پول

قره باغلی - (اسباب را میکیرد و لی چادر را نمیکیرد) پول ها را بده بمن

بچه گدا — پول ها را برای خودم میخواهم